

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تاریخ حدیث

سید رضا مودب

www.fa.islamic-sources.com



تاریخ حدیث

دکتر سید رضا مؤدب

تایستان ۸۴



مرکز بخش: قم - بلوار بهار
جنب هتل الزهراء ☎ - نمابر: ۷۷۲۹۸۷۵
www.eshraq.com
E-mail: public-relations@Qomicis.com

تاریخ حدیث

نویسنده: دکتر سید رضا مؤدب

نوبت اول: تابستان ۱۳۸۴

چاپ: صدف • شمارگان: ۲۰۰۰ • بها: ۲۰۰۰۰ ریال

صفحه آرایشی: سید محمد عمادی مجد

ناشر: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی

مؤدب، رضا، ۱۳۴۱ -

تاریخ حدیث / سید رضا مؤدب؛ [برای] مرکز جهانی علوم اسلامی، دفتر برنامه ریزی و تدوین

متون درسی. - قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴.

۳۲۹ ص. (دفتر برنامه ریزی و تدوین متون درسی: ۶۲)

ISBN 964 - 7741 - 97 - 9: ۲۰۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. [۳۲۱] - ۳۲۹: همچنین به صورت زیر نویس.

۱. حدیث. تاریخ. ۱.۲. احادیث شیمه. ۳. احادیث اهل سنت. ۴. محدثان. الف. مرکز جهانی

علوم اسلامی. ب. مرکز جهانی علوم اسلامی. دفتر برنامه ریزی و تدوین متون درسی. ج. عنوان.

۲۹۷/۲۹

ت ۱/۵/۱۰۶ BP



برنامه‌ریزی آموزشی باید امری پویا و متناسب با دگرگونی‌هایی باشد که در ساختار دانش و رشته‌های علمی پدید می‌آید. تحولات اجتماعی، نیازهای نوظهور فراگیران و مقتضیات جدید دانش، اطلاعات، مهارت‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌های نویی را فرامی‌خواند که پاسخ‌گویی به آنها، ایجاد رشته‌های تحصیلی جدید و تربیت نیروهای متخصص را ضروری می‌نماید. گسترش فرهنگ‌های سلطه‌گر جهانی و جهانی شدن فرهنگ در سایه رسانه‌های فرهنگی و ارتباطی، مشکلات و نیازهای نوظهوری را پیش رو گزارده است که رویارویی منطقی با آنها، در پرتو آراستن افراد به اندیشه‌های بارور، ارزش‌های متعالی و رفتارهای منطقی که در قالب موقعیتهای رسمی آموزشی با ایجاد رشته‌های جدید و گسترش دامنه آموزشها و مهارت‌ها و تربیت سازمان یافته صورت گیرد امکان‌پذیر است.

بالندگی مراکز آموزشی در گرو نظام آموزشی استوار، قاعده‌مند و تجربه‌پذیر است که در آن برنامه‌های آموزشی، متنهای درسی و استادان، ارکان اصلی به شمار می‌آیند و بالندگی برنامه آموزشی به هماهنگی آن با نیاز زمان، استعداد علم‌آموزان و امکانات موجود، وابسته است؛ چنان‌که استواری متنهای درسی به ارائه تازه‌ترین دست‌آوردهای علم در قالب نوترین شیوه‌ها و فن‌آوریهای آموزشی است. بازنگری متن‌ها و شیوه‌های آموزشی و به‌روز کردن آنها به حفظ نشاط علمی مراکز آموزشی کمک می‌رساند.

حوزه‌های علوم دینی به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی، سالیانی است که در اندیشه اصلاح ساختار آموزشی و بازنگری متون درسی‌اند. مرکز جهانی علوم اسلامی به عنوان بخشی از این مجموعه که رسالت تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد، به پی‌ریزی دفتر برنامه‌ریزی و تدوین متون درسی اقدام کرد.

ایسن دفتر با ارج نهادن به تلاشهای صورت گرفته و خوشه‌چینی از خرمین دانش عالمان گران‌قدر بر آن شد تا با بهره‌گیری از شیوه‌های جدید آموزشی و تازه‌ترین دست آوردهای علمی به تهیه متنهای آموزشی بپردازد.

تدوین و نشر بیش از پنجاه و پنج متن درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این تلاش است.

نوشتار حاضر که در سرفصل علوم حدیث، با عنوان تاریخ حدیث نگارش یافته است، حاصل تلاش علمی و درخور تقدیر حضرت حجة الاسلام دکتر سید رضا مؤدب، دام توفیق است که از ایشان و سایر فرزانه‌گانی که در به ثمر رسیدن این اثر، بذل عنایت کرده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنیم.

در پایان، ارباب فضل و معرفت را به یاری خواننده، چشم امید به نقد و نظر آنان دوخته‌ایم.

فهرست

۱۳	پیش‌گفتار
۱۵	بخش اول: کلیات
۱۷	مقدمه
۱۸	حجیت حدیث و سنت پیامبر ﷺ و دیگر معصومان ﷺ
۲۱	تاریخ حدیث از نظر فریقین و آثار هر یک
۲۲	اهتمام پیامبر ﷺ به حدیث
۲۳	بخش دوم: تاریخ حدیث شیعه
۲۵	اهتمام اهل بیت ﷺ به حدیث (قرن اول)
۳۶	اهل بیت ﷺ و حدیث
۳۷	تحلیل دوران امام علی ﷺ
۳۸	الف) روایات دال بر کتابت و تدوین
۳۹	ب) مکتوبات حضرت علی ﷺ
۴۶	پ) کاتبان حضرت علی ﷺ
۴۷	ت) مصحف فاطمه
۴۸	تحلیل دوران امام حسن ﷺ
۴۸	تحلیل دوران امام حسین ﷺ
۴۹	تحلیل دوران امام سجاد ﷺ
۵۵	اهتمام اهل بیت ﷺ به حدیث (قرن دوم)
۵۵	تحلیل دوران امام باقر ﷺ
۵۸	تحلیل دوران امام صادق ﷺ
۶۴	رشد حدیث‌نگاری در دوران امام صادق ﷺ
۶۵	تحلیل دوران امام کاظم ﷺ
۶۹	اهتمام اهل بیت ﷺ به حدیث (قرن سوم)
۶۹	تحلیل دوران امام رضا ﷺ
۷۲	تحلیل دوران امام جواد ﷺ
۷۳	تحلیل دوران امام هادی ﷺ
۷۵	تحلیل دوران امام عسکری ﷺ
۷۶	اصول اربعه‌أه و دوران رشد حدیث‌نگاری
۷۸	مفهوم‌شناسی اصل و اهمیت آن
۸۰	تعداد و زمان تألیف اصول اربعه‌أه

سرانجام اصول اربعماه	۸۲
اهتمام متقدمان به حدیث (قرن چهارم)	۸۵
دوره تکامل حدیث نگاری شیعه	۸۵
نقش محدثان متقدم شیعه در تدوین جوامع اولیه	۸۶
بررسی علل پیدایش جوامع اولیه حدیث	۸۷
الف) ضبط و گردآوری جامع گونه احادیث	۸۷
ب) تبویب و تنظیم احادیث	۸۹
پ) تهذیب و تصحیح احادیث	۹۰
تأثیر کمی واسطه‌ها در اعتبار روایات متقدمان	۹۳
غالبان و مقابله متقدمان با آنان	۹۸
طرق تحمّل حدیث در بین متقدمان	۱۰۲
تدوین نخستین مجموعه‌های رجالی	۱۰۴
اهتمام متقدمان به حدیث (قرن پنجم)	۱۰۷
تداوم حدیث نگاری متقدمان	۱۰۷
گستره تدوین حدیث	۱۰۹
حوزه‌های حدیثی شیعه	۱۱۶
مهم‌ترین حوزه‌های حدیثی شیعه تا قرن پنجم	۱۱۸
الف) حوزه حدیثی قم	۱۱۹
ب) حوزه حدیثی کوفه	۱۲۰
پ) حوزه حدیثی بغداد	۱۲۲
تأثیر تداوم تقیه بر تکمیل و تهذیب احادیث	۱۲۴
ضرورت تقیه در روایات و مستندات آن	۱۲۴
تقیه محدثان متقدمان	۱۲۵
نقش تقیه در سلامت روایات	۱۲۶
چگونگی برخورد متقدمان با روایات تقیه	۱۲۷
اهتمام متأخران به حدیث (قرن ششم تا سیزدهم)	۱۳۱
رکود حدیث نگاری و تحلیل علل آن	۱۳۲
الف) رویکرد اصول گرایانه در مباحث فقهی	۱۳۲
ب) ماندگاری کتب اربعه	۱۳۴
تجدید حیات حدیث نگاری	۱۳۵
علل شکوفایی دوباره حدیث نگاری	۱۳۶
الف) پیدایش دولت شیعی صفویه	۱۳۶
ب) ظهور اندیشه اخبارگری و حفظ سلطه خود	۱۳۷
اعتبار کتب اربعه از دیدگاه متأخران اخباری	۱۳۹
پیدایش جوامع ثانویه	۱۴۰
الف) الوافی	۱۴۰
ب) تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة	۱۴۳

۱۴۶	پ) بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار
۱۴۹	دیگر مجموعه‌های حدیثی دوره متأخران
۱۵۲	گسترده‌گی و تنوع حوزه‌های حدیثی در دوره متأخران
۱۵۵	اهتمام معاصران به حدیث (قرن چهاردهم و پانزدهم)
۱۵۶	گستره حدیث‌شناسی
۱۵۶	مستدرک نویسی
۱۵۸	کتابهای دعا و مزار
۱۵۹	موسوعه نویسی موضوعی
۱۶۲	تصحیح، تعلیق و تحقیق منابع حدیثی
۱۶۳	مسند نویسی
۱۶۴	گزیدهٔ مصادر روایی
۱۶۴	معجم و راهنمای نویسی
۱۶۶	فقه الحدیث و شرح و تبیین موضوعی
۱۶۷	احیای نسخه‌های خطی
۱۶۸	تدوین آثار رجالی جدید
۱۶۸	تدوین آثار درایه جدید
۱۶۹	تأسیس مراکز تدریس، پژوهش و مناظرات حدیثی
۱۷۰	تدوین کتابهای تاریخ حدیث، مطالعات حدیثی و مجلات حدیث پژوهی
۱۷۱	خدمات رایانه‌ای در قلمرو حدیث پژوهی
۱۷۵	بخش سوم: تاریخ حدیث اهل سنت
۱۷۷	دوره منع از تدوین و نقل حدیث (قرن اول)
۱۷۸	مانعت خلفا از تدوین حدیث و بررسی علل آن
۱۸۴	واکنش صحابه در برابر سیاست منع
۱۸۵	جلوگیری دیگر خلفای قرن اول از نقل حدیث
۱۸۶	بررسی تاریخی علل جلوگیری از تدوین حدیث
۱۸۶	روایت نهی کننده از نوشتن حدیث و ارزیابی آن
۱۸۷	الف) غرابت
۱۸۸	ب) ضعف سندی
۱۸۸	پ) صراحت و ظهور نداشتن بر نهی عام از نوشتن حدیث
۱۸۸	ت) مخالفت این روایت با سیره صحابه
۱۸۹	ث) تعارض روایت نهی کننده با دیگر روایات
۱۸۹	ج) استناد نکردن خلفا در منع بر تدوین به روایت نهی کننده
۱۹۳	دیگر علل تاریخی و نتایج منع از تدوین و نقل حدیث (قرن اول)
۱۹۳	بررسی دیگر علل تاریخی منع از تدوین حدیث
۱۹۳	الف) نگرانی از گسترش اختلاف بین مسلمانان
۱۹۴	ب) نگرانی از نشر احادیث غیر معتبر
۱۹۵	پ) نگرانی از آمیختن حدیث با قرآن

ت) نگرانی از اشتغال به غیر قرآن	۱۹۷
ث) نگرانی از کاستن یا افزودن در روایات	۱۹۹
ج) توجه به حفظ روایات	۲۰۰
چ) ناآشنایی صحابه و تابعان با نوشتن	۲۰۲
ح) کمی ابزار کتابت و فراوانی احادیث	۲۰۳
خ) گسترش نیافتن احکام و تسهیل امور مسلمانان	۲۰۴
د) گسترش نیافتن فضایل اهل بیت	۲۰۵
پیامدهای تاریخی دوره ممانعت	۲۰۷
الف) محروم ماندن مسلمانان از اهل بیت و تبلور مذهب رأی و قیاس	۲۰۸
ب) تفرقه مسلمانان	۲۰۹
پ) نابودی بخشی از روایات	۲۱۰
ت) دست‌اندازی در روایات	۲۱۱
ث) فراهم شدن زمینه تشکیک در اعتبار روایات موجود	۲۱۲

اهتمام متقدمان به حدیث (قرن دوم)

جواز تدوین حدیث	۲۱۷
پیشگامان تدوین حدیث	۲۲۰
مراحل تدوین حدیث	۲۲۱
مراکز تدوین حدیث اهل سنت	۲۲۲
ویژگیهای تدوین حدیث در قرن دوم	۲۲۵
پیدایش مصنفات و بررسی علل آن	۲۲۶
مهم‌ترین مصنفات حدیثی در قرن دوم	۲۲۷
پیدایش مسندها و بررسی علل آن	۲۲۹
مهم‌ترین مسندهای حدیثی	۲۳۰
مهم‌ترین شخصیتها و مجموعه‌های حدیثی اهل سنت	۲۳۱
الف) مالک بن انس و موطأ او	۲۳۱
ب) احمد بن حنبل و مسند او	۲۳۴

اهتمام متقدمان به حدیث (قرن سوم)

تداوم حدیث‌نگاری متقدمان	۲۳۷
مشکلات محدثان اهل سنت در قرن سوم	۲۳۸
الف) گسترش احادیث دست‌ساز	۲۳۸
ب) گسترش نقل به معنا در روایات	۲۳۹
پ) کافی نبودن مصنفات و مسندها	۲۴۰
ت) نزاع محدثان و متکلمان	۲۴۱
ویژگیهای تدوین حدیث اهل سنت در قرن سوم	۲۴۲
الف) گردآوری و پالایش روایات	۲۴۲
ب) یاب‌بندی و موضوع‌بندی کامل‌تر و فراگیرتر	۲۴۴
پ) کوتاه‌نویسی و حذف مکررات	۲۴۵
ت) پیدایش جوامع حدیثی	۲۴۶

- ۲۴۷ مراکز حدیثی اهل سنت
 ۲۴۸ عصر طلایی پیدایش صحاح ششگانه
 ۲۵۰ مهم‌ترین شخصیتها و مجموعه‌های حدیثی اهل سنت
 ۲۵۱ الف) بخاری و صحیح او
 ۲۵۲ ب) مسلم و صحیح او

اهتمام متأخران به حدیث (قرن چهارم تا ششم)

- ۲۵۶ تکمیل و تنظیم جوامع حدیثی پیشین
 ۲۵۶ الف) مستدرک نویسی
 ۲۵۸ ب) مستخرج نویسی
 ۲۵۹ پ) شرحهای صحاح ششگانه
 ۲۶۰ ت) گردآوری روایات صحاح ششگانه
 ۲۶۲ ث) موضوع نویسی
 ۲۶۲ ج) اطراف نویسی
 ۲۶۴ تدوین جوامع حدیثی جدید
 ۲۶۵ گسترش علوم حدیثی
 ۲۶۵ الف) جرح و تعدیل یا رجال شناسی
 ۲۶۷ ب) مصطلح الحدیث یا علم الدرايه
 ۲۶۸ پ) علل الحدیث
 ۲۶۸ ت) غریب الحدیث
 ۲۶۹ مهم‌ترین شخصیتها و مجموعه‌های حدیثی
 ۲۶۹ الف) طحاوی و شرح معانی الآثار
 ۲۷۰ ب) ابن حبان و المسند الصحیح
 ۲۷۱ پ) طبرانی و معجمهای سه گانه او
 ۲۷۲ ت) دارقطنی و سنن او
 ۲۷۳ ث) بیهقی و سنن او

اهتمام متأخران به حدیث (قرن هفتم تا سیزدهم)

- ۲۷۵ رکود حدیث نگاری و تحلیل تاریخی علل آن
 ۲۸۱ مراکز حدیثی در دوره متأخران
 ۲۸۲ مهم‌ترین پژوهشهای حدیثی
 ۲۸۲ الف) پیدایش فعالیت‌های جدید حدیثی
 ۲۸۳ ۱. زواید نویسی
 ۲۸۴ ۲. اختصار نویسی
 ۲۸۴ ۳. جوامع حدیثی جدید
 ۲۸۵ ۴. تخریح احادیث متون پیشین
 ۲۸۶ ب) تداوم پژوهشهای حدیثی پیشین
 ۲۸۶ ۱. تداوم گردآوری روایات صحاح
 ۲۸۷ ۲. تداوم شرح نویسی

۳. تداوم موضوع نویسی و آسیب‌شناسی روایات	۲۸۹
۴. تداوم اطراف نویسی	۲۹۱
۵. تداوم رجال‌شناسی، تراجم و طبقات	۲۹۱
۶. تداوم گسترش کتب درایه	۲۹۲
مهم‌ترین شخصیتها و مجموعه‌های حدیثی	۲۹۳
الف) ابن حجر عسقلانی و فتح الباری	۲۹۴
ب) سیوطی و الجامع الکبیر	۲۹۵
پ) متقی هندی و کنز العمال	۲۹۶
<hr/>	
اهتمام معاصران به حدیث (قرن چهاردهم و پانزدهم)	۳۰۱
تعامل، تأثیر و تأثر حدیث نگاری فریقین	۳۰۱
گستره حدیث‌شناسی اهل سنت	۳۰۲
الف) زواید نویسی	۳۰۳
ب) اطراف نویسی	۳۰۴
پ) شرح نویسی	۳۰۵
ت) گردآوری روایات صحاح	۳۰۶
ث) فقه الحدیث و شرح و تبیین موضوعی روایات	۳۰۷
ج) تحقیق، تعلیق، تخریج و تصحیح روایات	۳۰۸
چ) تألیفات جدید حدیثی	۳۰۹
ح) چکیده نویسی روایات	۳۱۰
خ) معاجم و راهنما نویسی	۳۱۰
د) موسوعه موضوعی روایات	۳۱۱
ذ) اربعین نویسی	۳۱۲
ر) تدوین آثار جدید درایه الحدیث	۳۱۳
ز) تدوین آثار جدید رجالی و تراجم	۳۱۴
س) تدوین کتابهای تاریخ حدیث	۳۱۶
ش) رایانه و مراکز آموزش و پژوهش علوم حدیثی	۳۱۷
<hr/>	
کتابنامه	۳۲۱

پیش‌گفتار

از جمله مباحث تاریخی، بررسی «تاریخ تدوین حدیث» است که اهمیت آگاهی از آن کمتر از اهمیت متون حدیث نمی‌باشد؛ زیرا بررسی چگونگی «تدوین حدیث» از آغاز تاکنون، سبب خواهد شد تا تاریخ شکل‌گیری حدیث، گویا و از هرگونه ابهامی به دور باشد و بدان جهت منابع و مصادر روایی از اعتبار برخوردار باشند؛ ولی در صورتی که هرگونه تردید یا ابهامی در تدوین حدیث وجود داشته باشد، ممکن است دهها شبهه بر ذهن آدمی هجوم آورد که شاید میراث حدیث شیعه از گذشته‌ای تیره و تاریک برخوردار است و در آن صورت از اعتبار و حجیت آنها کاسته خواهد شد. بدین جهت محدثان بزرگوار، هم‌زمان با تدوین حدیث، بر چگونگی تدوین آن نیز اهتمام داشته و دهها اثر در این باره فراهم آورده‌اند.

متن «تاریخ حدیث» که به سفارش دفتر برنامه‌ریزی و تدوین متون درسی مرکز جهانی تدوین شده است، برای استفاده دانشجویان و طلاب آن مرکز تنظیم شده تا به صورت اجمالی و به گونه‌ای تحلیلی از چگونگی «تدوین تاریخ حدیث شیعه و اهل سنت»، آگاهی یابند؛ از این رو، در دو بخش و شامل «تاریخ حدیث شیعه» و سپس در ادامه «تاریخ حدیث اهل سنت» آمده است. امید که برای دیگر علاقه‌مندان نیز سودمند باشد.

هدف در ارایه مطالب مذکور، آگاهی اجمالی از تاریخ حدیث فریقین می باشد؛ برای هر عنوان، پرسش و پژوهش تنظیم شده و از ترجمه متون عربی، خودداری شده تا زمینه فعالیت بیشتر دانش پژوهان محترم فراهم آید.

از مدیر محترم گروه علوم قرآن و حدیث مرکز جهانی، استاد محترم جناب آقای دکتر رضایی اصفهانی و دیگر اعضای محترم گروه که طرح «تاریخ حدیث» را تصویب و با همکاری دفتر برنامه ریزی و تدوین متون درسی مرکز جهانی به مدیریت حجت الاسلام و المسلمین رضانژاد، اجرای طرح را به بنده واگذار کردند، تشکر می نمایم. همچنین از همه استادانی که با نکته سنجیهای خود در تهیه این اثر، بنده را یاری کردند و یا از آثار تألیفی آنان در قلمرو حدیث، بهره فراوان بردم بویژه حضرت حجت الاسلام و المسلمین حسینی جلالی، دکتر مجید معارف، استاد مرحوم شانه چی، دکتر علی نصیری، حجت الاسلام و المسلمین مهریزی، دکتر محمد تقی دیاری، دکتر محمد جواد نجفی قدر دانی می کنم. همچنین از خانواده محترم که در تهیه این اثر مرا یاری کردند و نیز از مدیریت و کارکنان محترم انتشارات مرکز جهانی که با حوصله و دقت نظر مرا در زیباسازی و تکمیل این اثر یاری کردند، قدر دانی می کنم.

سید رضا مودب
تابستان ۱۳۸۴

بخش اول

کلیات



مقدمه

حدیث در بین محدثان شیعه، شامل کلام و گزارشی است که قول، رفتار و تقریر معصوم علیه السلام - اعم از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصوم علیهم السلام - را بیان و حکایت می‌کند. شیخ بهایی، از محدثان بزرگوار، حدیث را چنین تعریف می‌نماید: «کلام یحکی قول المعصوم او فعله أو تقریره»^۱ بنابراین این تعریف، حدیث، حاکی کلام معصوم علیه السلام و با سنت متفاوت و عام‌تر از آن خواهد بود؛ زیرا سنت، همان قول، فعل و تقریر معصوم علیه السلام است که مصدر و منشاء حکم شرعی می‌باشد.^۲ علامه مامقانی چنین می‌گوید: «السنة ما یصدر عن النبی صلی الله علیه و آله او مطلق المعصوم علیه السلام من قول او فعل او تقریر».^۳ اما در نظر غالب محدثان اهل سنت، حدیث با سنت یکسان بوده و مترادف یکدیگر شمرده شده و اغلب شامل هر آن چیزی است که به پیامبر صلی الله علیه و آله منسوب است. دکتر عجاج در این خصوص می‌گوید: «السنة عند المحدثین انها ترادف الحدیث و یراد بهما کل ما اثر عن الرسول صلی الله علیه و آله»،^۴ شیخ الاسلام ابن حجر عسقلانی نیز در این خصوص می‌گوید: «المراد بالحدیث فی عرف الشرع ما یضاف الی النبی صلی الله علیه و آله»؛^۵ گرچه

۱. محمد بهاء الدین عاملی، الوجیزة فی علم الدرایه، ص ۲

۲. سیدرضا مؤدب، علم الدرایة تطبیقی، ص ۲۰

۳. عبدالله مامقانی، مقباس الهدایة فی علم الدرایه، ج ۱، ص ۶۰

۴. محمد عجاج خطیب، اصول الحدیث، علومه و مضطلحه، ص ۱۹، ۲۷

۵. جلال الدین سیوطی، تدرب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۱، ص ۴۲

در نظر برخی، حدیث عام‌تر و سنت مخصوص فعل است. صبحی صالح نیز در این خصوص می‌گوید:

و السنة فی الاصل لیست متساویة للحدیث... فاذا كان الحدیث عاماً یشمل قول النبی و فعله فالسنة خاصة باعمال النبی ﷺ.^۱

در نظر گروهی از محدثان اهل سنت، حدیث به پیامبر ﷺ اختصاص نداشته و شامل قول، فعل، تقریر صحابی و تابعی نیز می‌شود.^۲ دکتر عجاج می‌گوید: «اذا اطلق لفظ الحدیث اُريد به ما أُضيف الى النبی ﷺ و قد يراد به ما أُضيف الى صحابی و تابعی».^۳ به نظر می‌رسد با توجه به تعاریف گذشته، تعریف دیگر برای حدیث چنین باشد که: «حدیث، مترادف خبر و همان گفتار پیامبر ﷺ، امامان معصوم ﷺ، صحابه و تابعان است؛ همچنان که حدیث شامل حکایت و گزارش فعل و تقریر هر یک از آنها نیز است و بر آن سنت نیز اطلاق می‌شود».^۴ بدین جهت تعریف حدیث با سنت می‌تواند یکسان باشد و تفاوتی نخواهد داشت. از این رو، سنت در کنار قرآن، از منابع فهم دین اسلام شمرده شده؛ گرچه برخی سنت را فقط، شامل رفتار و تقریر آنها می‌دانند و از این رو، جزئی از حدیث به حساب آورده‌اند. با توجه به تعریف مذکور، گفتار و تقریر و رفتار صحابه و تابعان نیز حدیث می‌باشد؛ مانند حدیث مقطوع و... گرچه که اعتبار آن، نزد محدثان فریقین یکسان نبوده است.

حجیت حدیث و سنت پیامبر ﷺ و دیگر معصومان ﷺ

حدیث که با سنت هم‌معنا بود، اگر از پیامبر ﷺ یا نزد شیعه نیز از امامان معصوم ﷺ صادر شده باشد، جایگاه گرانسنگی دارد و همانند قرآن، از منابع فهم دین شمرده

۱. صبحی صالح، علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۱۱۶

۲. تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای، ج ۱، ص ۴۲

۳. اصول الحدیث، علومه و مصطلحه، ص ۱۹، ۲۷

۴. مقباس الهدایة فی علم الدراية، ج ۱، ص ۵۸ مرکز الابحاث والدراسات الاسلامیة، المعجم

المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار، مقدمه، ص ۱۲

شده و نزد اهل سنت، حدیث صحابه و تابعان نیز، معتبر تلقی شده؛ زیرا پیامبر ﷺ در زمانی مبعوث گردید که مردم در ظلمت و جهل می‌زیستند؛ فتنه‌ها و سرگردانی بر مردم جهان حکومت می‌کرد؛ شیطان، بت‌پرستی و هواپرستی بر همه جا سیطره داشت و چراغهای هدایت خاموش و یا رو به خاموشی بود.

در آن شرایط، خداوند متعال، محمد ﷺ را از بین همان مردم برگزید و آیات الاهی را بر قلب او نازل کرد و او را رسول قرار داد. پیامبر ﷺ با بیان آیات و تفسیر آنها و روش آسمانی خود، به هدایت مردم پرداخته و دیگر امامان معصوم ﷺ نیز از پس او شیوه وی را دنبال کردند و هر کدام از خود، دهها، بلکه صدها حدیث برجای گذارده‌اند؛ از این رو، حجیت حدیث و سنت پیامبر ﷺ، امری مسلم است که می‌توان به اختصار به برخی از ادله آن اشاره کرد:

﴿...مَا آتَيْكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...﴾^۱ هر آنچه را فرستاده او برای شما آورد، بگیرید و از هر آنچه شما را بازداشت، خودداری نمایید. عبارت «ما آتیکم» در این آیه شریفه، شامل هر آن چیزی است که از پیامبر ﷺ صادر شده و گفتار، رفتار و تقریر حضرت را فرا می‌گیرد. و عبارت «مانهاکم» نیز، عام است و هرگونه نهی رسول خدا ﷺ را شامل می‌شود؛

﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا﴾^۲ هر که از پیامبر اطاعت کند، از خداوند اطاعت کرده است و هر کس رویگردان شود، ما تو را برایشان نگهبان نفرستاده‌ایم؛

آیه مذکور و آیات همسان آن مانند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...﴾^۳ و... به روشنی بر حجیت و اعتبار سخن و داوری پیامبر ﷺ و ضرورت پیروی هر مسلمان از کلام و منش او دلالت دارد؛

﴿...أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾^۱ این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه به سوی ایشان نازل شده است، بیان نمایی و امید که بیندیشند. علامه طباطبائی در تفسیر آیه شریفه مذکور، می فرماید: آیه دلالت می کند که کلام پیامبر ﷺ حجت است.^۲ از این جهت قول و سنت پیامبر ﷺ نقش مهمی در فهم و تبیین آیات و چگونگی تفسیر و تبیین معارف بلند و تفصیل احکام قرآن دارد که از خدمات سنت به قرآن شمرده شده است.

در مورد حجیت و اعتبار حدیث و سنت ائمه معصومین ﷺ نیز، می توان به اختصار به ادله ذیل اشاره کرد:

﴿...أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...﴾^۳ مقصود از «اولی الامر» به استناد تفاسیر شیعه، ائمه معصومین ﷺ هستند؛^۴

پیامبر ﷺ در حدیث ثقلین که بیان کننده اعتبار و همسانی روایات اهل بیت در کنار قرآن است، می فرماید:

انی تارك فيكم الثقلين ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا ابدأ كتاب الله و عترتي اهل بيتي؛^۵ من دو چیز گرانبها در بین شما یادگار گذاشتم که اگر بدانها تمسک کنید، هرگز گمراه نمی شوید، کتاب خدا و عترتم.

روایت ثقلین که از روایات متواتر می باشد، به وضوح بر اعتبار و حجت سنت معصومان دلالت دارد؛ ضمن آنکه نزد شیعه، امامان ﷺ، معصومند و همانند پیامبر ﷺ، که مسئولیت هدایت جامعه را به عهده دارد از هرگونه پلیدی و لغزش به دور می باشند؛ بدین جهت تمام اعمال، گفتار و منش آنها، با خواست الهی منطبق است.

۱. نحل، ۴۴

۲. علامه طباطبائی، المیزان، ج ۱۲، ص ۲۶۱

۳. نساء، ۵۹

۴. شیخ طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۱۴؛ شیخ طوسی، تبیان، ج ۳، ص ۲۳۶؛ میرزا

محمد مشهدی، کنز الدقائق و بحر الفرائض ج ۲، ص ۴۹۲؛ المیزان، ج ۴، ص ۳۹۱

۵. شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۹۴؛ محمد بن علی ابوجعفر، امالی صدوق، ج ۱، ص ۲۵۵؛ محمد

بن مسلم، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۴؛ محمد بن عیسی، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۶۲ و....

تاریخ حدیث از نظر فریقین و آثار هر یک

حدیث که دومین منبع دین دانسته شده، از نظر چگونگی، زمان و مکان صدور، ادوار تدوین، کتابت و نشر آن و... تاریخی پرفراز و نشیب دارد که آگاهی از آن - همسان خود حدیث - مهم دانسته شده است؛ زیرا هر کس از تاریخ اسلام آگاهی داشته باشد، می‌داند که حدیث از زمان صدور تاکنون، دوران تلخ و شیرینی را طی کرده و با ناملایمات و مشکلات فراوان روبه‌رو شده است و تدوین و نشر آن در برخی از دوره‌ها، با مدافعان و مخالفان جدی روبه‌رو گردیده و گرایشهای ناهمگونی را به خود دیده است.

بدین جهت، هر مسلمان محققى که بخواهد از حدیث و سنت بهره‌گیرد، ناچار است که از چگونگی صدور و تدوین آن و... مطلع شود تا پس از شناخت علمی دقیق از تاریخ تدوین آن، اعتبار هر بخش را بررسی کند. بنابراین، تاریخ حدیث، دانشی است که گرچه از شاخه‌های علوم حدیثی خارج است، ولی آگاهی از آن بر همه کسانی که از حدیث بهره می‌برند، ضروری می‌نماید؛ بویژه که آغاز تدوین و چگونگی آن نزد محققان فریقین، یکسان نبوده و هر یک از دیدگاهی برخوردارند که حاصل آن می‌تواند اعتبار و منزلت احادیث موجود را گوناگون جلوه دهد.

از طرفی شیعه امامیه، با اعتقاد بر حدیث امامان معصوم علیهم‌السلام و تداوم شکل‌گیری و صدور حدیث تا قرن چهارم، به تاریخ تدوین مفصل‌تری در حدیث معتقد است که اطلاع از چگونگی صدور آن در هر قرن و مقدار روایات و آثار هر یک از معصومان علیهم‌السلام ضروری می‌باشد؛ همچنان که تلاش و رنجهای محدثان بزرگوار در حفظ، نشر و انتقال آنها به نسلهای بعد تا زمان حاضر، حکایت از تاریخ مهم حدیث دارد. آگاهی از تاریخ حدیث ما را از اهمیت و ارزش این امانت الهی که نسلهای پیش به نسل کنونی سپرده‌اند، مطلع می‌سازد.

از طرف دیگر بی‌اطلاعی از تاریخ حدیث و عدم اهتمام بر آن، بسا ممکن است شبه‌هایی را از طرف خاورشناسان یا دیگران به همراه بیاورد که سبب تردید در جایگاه احادیث موجود و کتابهای حدیثی شود؛ بدین جهت محققان گرانقدری - بخصوص در دوره معاصر - کوشیده‌اند آثاری درباره تدوین و تاریخ حدیث فریقین فراهم آوردند که به تعدادی از آنها اشاره می‌گردد.

در بین دانشمندان شیعه، محدثان بزرگی از شیخ کلینی، شیخ طوسی، شیخ صدوق تا علامه مجلسی، فیض کاشانی، حر عاملی و... هر یک در مقدمه یا متن کتابهای حدیثی خود - گرچه به صورت مختصر - به تدوین چگونگی حدیث پرداخته و برخی از مباحث تاریخ حدیث را یادآوری کرده‌اند تا نوبت به دوره معاصر رسیده است. در این دوره نیز، محققانی بدین امر همت گماشته که به تعدادی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. تأسیس الشیعه، سید حسن صدر؛
۲. معالم المدرستین، علامه سید مرتضی عسکری؛
۳. تدوین السنة الشریفه، سید محمدرضا حسینی جلالی؛
۴. مقدمه معجم بحار الانوار، مرکز مطالعات و تحقیقات؛
۵. تاریخ حدیث، مرحوم مدیر شانه‌چی؛
۶. علم حدیث، زین‌العابدین قربانی؛
۷. دراسات فی الحدیث و المحدثین، هاشم معروف الحسینی؛
۸. تاریخ عمومی حدیث، مجید معارف؛
۹. آشنایی با علوم حدیث، علی نصیری؛
۱۰. میراث حدیث شیعه، مهدی مهریزی و علی صدرایی.

محدثان اهل سنت نیز، به صورت کوتاه یا مفصل - در متن یا مقدمه کتابهای حدیثی خود، به تاریخ حدیث و چگونگی تدوین آن پرداخته‌اند. در دوره معاصر،

برخی محققانشان، آثاری در این خصوص یا عام‌تر از این موضوع - فراهم آورده که بعضی از آنها چنین است:

۱. السنة قبل التدوین، دکتر محمد عجاج؛
۲. اضواء علی السنة المحمدیه، محمود ابوریه؛
۳. تاریخ الحدیث و مناہج المحدثین، عییدات محمود سالم؛
۴. توثیق السنة فی القرن الثانی، رفعت فوزی؛
۵. علوم الحدیث و مصطلحه، صبحی صالح؛
۶. الحدیث و المحدثون، محمد ابوزهو؛
۷. منهج النقد فی علوم الحدیث، نورالدین عتر؛
۸. السنة النبویه و علومه، احمد عمر هاشم.

اهتمام پیامبر ﷺ به حدیث

پیش از بررسی تفصیلی تاریخ حدیث شیعه و اهل سنت، لازم است تاریخ حدیث در دوران پیامبر ﷺ را بررسی کنیم؛ چرا که در آن زمان، هنوز فریقین شکل نگرفته بودند؛ گرچه که هر یک از فریقین، آن دوره را با نگاه خود تحلیل می‌کند. با بررسی مدارک تاریخی، بدون تردید می‌توان گفت که پیامبر گرامی اسلام ﷺ، اهتمام فراوان بر حفظ و نشر حدیث خود داشتند؛ زیرا بر آن بودند که کلامشان، از مصدر وحی ناشی می‌شود و نازل شده الهی است و نه سخن انسانی؛ آن چنان که قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾^۱ او (محمد) هرگز از سر هوس سخن نمی‌گوید، و آنچه می‌گوید، چیزی جز وحی که بر او نازل شده، نیست. بدین جهت پیامبر اسلام، حضرت محمد ﷺ، نخستین و بالاترین نقش را در گسترش، حفظ و کتابت حدیث داشتند که به مواردی از آن به اختصار اشاره می‌شود:

الف) اهتمام پیامبر ﷺ به فراگیری و حفظ حدیث

از تعدادی روایات نبوی، به خوبی معلوم می‌شود پیامبر اسلام ﷺ تأکید می‌کردند که صحابه احادیث را فراگیرند و آنها را حفظ کنند؛ مانند:

عن رسول الله: من حفظ من امتی اربعین حدیثاً مما یحتاجون الیه من امر دینهم، بعثه الله عز و جل یوم القیامة عالماً فقیهاً و لم یعدبه.^۱

عبارت «حفظ» که در روایت نبوی آمده، می‌تواند معنای عامی داشته باشد و حتی کتابت را نیز شامل شود؛ اما مسلم‌ترین مصداق آن فراگیری و حفظ می‌باشد که جمع زیادی از صحابه از این نعمت برخوردار بودند؛ از این رو، علامه مجلسی در معنای حفظ، گرچه به مراحل سه‌گانه (حفظ لفظی در ذهن، حفظ معنا و تفکر در آن و حفظ حدیث در عمل معتقد است)،^۲ نخستین مرحله آن را حفظ لفظی در ذهن می‌داند که همان فراگیری می‌باشد. به نظر می‌رسد حفظ حدیث، همسان حفظ قرآن در زمان پیامبر ﷺ، مورد توجه وافر بوده است.

ب) اهتمام پیامبر ﷺ بر نشر حدیث

پیامبر گرامی ﷺ همگام با هجرت به سوی مدینه و تشکیل حکومت دینی، علاوه بر اهمیت بر فراگیری، به گسترش فرهنگ دینی از طریق آیات و تبیین و تفسیر آنها به وسیله نشر روایات پرداختند؛ زیرا در مکه و در طول حدود سیزده سال، فرصت نشر حدیث کمتر فراهم بود؛ ولی با تمرکز مسلمانان در مدینه، پیامبر ﷺ، مسلمانان را به نشر سخنان خود تشویق می‌کرد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

قال رسول الله ﷺ: تذاکروا و تلاقوا و تحدثوا فان الحدیث جلاء للقلوب انّ القلوب لثین کما یرین السیف و جلاؤها الحدیث.^۳

۱. شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۵۴۱؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۵۳؛ حسام الدین هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، ج ۱۰، ص ۲۲۵
 ۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۵۷
 ۳. کافی، ج ۱، ص ۵۰

قال رسول الله ﷺ: ان الله عز و جل يقول: تذاكر العلم بين عبادي مما تحيي عليه القلوب الميتة اذا هم انتهوا فيه الى امرى.^۱

در این دو روایت، از «مذاکره حدیث» و «علم» که بارزترین مصداق آن همان علم دین (حدیث) است، سخن به میان آمده که اهمیت نشر روایت را می‌رساند.

قال رسول الله ﷺ: حدّثوا عني و لا حرج.^۲

قال رسول الله ﷺ في حجة الوداع: نضر الله امرأ سمع مقالتي فوعاها فبلّغها من لم يسمعها.^۳

عن رسول الله ﷺ: اللهم ارحم خلفائي. قيل: و من خلفائك؟ قال: الذين يأتون من بعدى يروون احاديثي.^۴

روایات مذکور با عبارت «حدّثوا عني»، «نضر الله»، «فبلّغها»، «یروون احادیثی»، اهمیت نقل و نشر روایات نبوی را می‌رساند و بیان‌کننده آن است که نشر روایات در زمان پیامبر ﷺ، مورد تشویق آن حضرت بوده و گروهی از جمله: سلمان، ابوذر، اصیغ بن نباته و ... بر آن عبادت می‌کردند، که پیش‌تاز آنان حضرت علی رضی الله عنه بوده است. ابن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۸) در این خصوص می‌گوید:

ان اول من صنف فيه امير المؤمنين رضی الله عنه جمع كتاب الله جل جلاله ثم سلمان الفارسی رضی الله عنه ثم ابوذر الفغاری رحمه الله ثم اصیغ بن نباته ثم عبیدالله بن ابی‌رافع ...^۵

سید حسن صدر نیز از سلمان به‌عنوان صاحب حدیث جاثلیق رومی یاد می‌کند. او از نخستین صحابه پیامبر ﷺ به‌شمار رفته و صاحب تصنیف در روایات نبوی بوده است.^۶

۱. همان ۲. صحیح مسلم، ح ۲۲۹۸

۳. کافی، ج ۱، ص ۴۰۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۸۴

۴. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۴۵، ۱۵۰؛ شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۲۷۴

۵. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۲

۶. سید حسن صدر، تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۲۸۰

ب) اهتمام پیامبر ﷺ بر تدوین حدیث

رسول خدا ﷺ نه تنها بر فراگیری و نشر احادیث اهمیت می داد؛ بلکه بر ثبت آنها نیز اهتمام می ورزید و آن را نشان فرهنگ دینی اسلام می شمرد. پیامبر ﷺ، الگویی نیکو برای همه مسلمانان است، آن چنان که خداوند می فرماید: ﴿...لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...﴾^۱ بدین جهت سخن و عملکرد او برای ما حجت می باشد؛ از این رو، تدوین حدیث که حضرت بدان توصیه کرده، امری پسندیده و گرانسنگ است. اهتمام پیامبر ﷺ بر کتابت را می توان در موارد ذیل یافت:

۱. امر و توصیه بر کتابت روایات یا اذن بر نوشتن آنها: پیامبر ﷺ در دوران رسالت - بویژه پس از هجرت - بر نوشتن روایات امر و یا توصیه فراوان داشته اند که نمونه های آن چنین است:

روایت ابوشاه: هنگام فتح مکه، رسول خدا ﷺ مطالبی در اهمیت مکه و حرم امن الاهی فرمودند. ابوشاه که مردی از اهل یمن بود، درخواست کرد تا حدیث پیامبر ﷺ برای او نوشته شود. حضرت به نوشتن آن امر کرد که آن روایت چنین است:

قال رسول الله: ان الله تبارك وتعالى حبس عن مكة الفيل و سلط عليها رسوله و المؤمنین و آنها لم تحل لاحد كان قبلي و انما احدث لي ساعة من النهار و آنها لن تحل لاحد بعدی فلا ینفر صیدها و لا یختلی شوکها و لا تحل ساقطتها الا لمنشد و من قتل له قتیل فهو بخیر الناظرین. اما ان یقدی و اما ان یقتل - فقام ابوشاه رجل من اهل اليمن فقال: اکتبوا لی یا رسول الله! فقال رسول الله ﷺ: اکتبوا لابی شاة.^۲

روایت عبدالله بن عمر: قال: یا رسول الله! أسمع منك احادیث أخاف أن انسأها، فتأذن لي أن اکتبها؟ قال: نعم.^۳

۲. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۴۰؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۹

۱. احزاب، ۲۱

۳. خطیب بغدادی، تقیید العلم، ص ۷۶؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۴۷؛ سنن دارمی،

عن علی رضی الله عنه عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: اکتبوا هذا العلم.^۱
 عن رافع بن خدیج، قال: مر علينا رسول الله يوماً ونحن نتحدث، فقال: ما تحدثون؟ قلنا: ما سمعنا منك يا رسول الله... قال: قلت: يا رسول الله، انا نسمع منك اشياء أفنکتبها؟ قال: اکتبوا ولا حرج.^۲
 عن عبدالله بن عمر قال: کنت اکتب کل شیء أسمع من رسول الله صلی الله علیه و آله و أريد حفظه فنهتني قريش و قالوا: تکتب کل شیء تسمع من رسول الله صلی الله علیه و آله و رسول الله بشر يتکلم فی الرضا و الغضب! قال: فأمسکت. فذکرت ذلك لرسول الله صلی الله علیه و آله فقال: اکتب فوالذي نفسی بيده ما خرج منه الا حق.^۳
 عن ابی هريرة قال: کان رجل من الانصار يجلس الى رسول الله صلی الله علیه و آله فيسمع من النبي صلی الله علیه و آله الحديث فيعجبه و لا يحفظه فشکا الى رسول الله صلی الله علیه و آله فقال: يا رسول الله انی أسمع منك الحديث فيعجبني و لا احفظه. فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: استعن بيمينك و اشار بيده الى الخط.^۴

عن انس بن مالك عن النبي صلی الله علیه و آله قال: قیدوا العلم بالکتاب.^۵

در روایات مذکور بر نوشتن حدیث امر شده یا هنگام پرسش از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد نوشتن احادیث به دلیل امکان فراموشی آنها، حضرت کتابت را توصیه کرده یا امری مجاز دانسته‌اند، زیرا ایشان می‌دانند که حافظه افراد بخوبی نمی‌تواند میراث روایی را که فهم دین در آینده بدانها منوط است، حفظ کند؛ چون با ضعف قوای ذهن، کثرت مطالب و تشابه آنها، حافظه قادر نیست، تمام روایات را به‌خاطر بسپارد؛ لذا بر کتابت آنها پافشاری می‌کند؛ خصوصاً در روایت هفتم که عبارت «تقیید علم» تعبیر کنایه‌ای از نوشتن مطالب است؛ زیرا با کتابت، مطالب علمی محفوظ می‌شوند.

۱. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۱۰، ص ۲۶۲. ۲. تقیید العلم، ص ۷۲
 ۳. مسند احمد حنبل، ج ۲، ص ۱۶۲؛ حاکم نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۱۰۵
 ۴. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۹؛ تقیید العلم، ص ۶۶؛ حسینی جلالی، تدوین السنة الشریفه، ص ۹۱
 ۵. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۱۰، ص ۲۴۹

۲. امالی پیامبر ﷺ: حضرت رسول ﷺ در مواردی خود به املاء روایت پرداخته^۱ و صحابه بزرگواری همچون علی رضی الله عنه، آن را تدوین می کرده‌اند که میراث گرانقدر صحیفه‌النبی^۲؛ کتاب علی رضی الله عنه و... از مصداقهای آن شمرده شده است و ائمه رضی الله عنهم از آن چنین تعبیر کرده‌اند:

انها صحیفة طولها سبعون ذراعاً و ان رسول الله ﷺ قد أملاها علی الامام علی رضی الله عنه فکتبها بخطه و انه اول کتاب جمع فيه العلم علی عهد رسول الله و ان الائمة الاثنی عشر من ذریته رضی الله عنهم يتوارثون ذلك الكتاب^۳.

امالی پیامبر ﷺ که به دست پربرت حضرت علی رضی الله عنه نوشته شده، در اختیار امامان معصوم رضی الله عنهم بوده و در مواردی از آن یاد شده است؛ مانند:

عن الحسن رضی الله عنه: ان العلم فینا ونحن اهله... وانه لا يحدث شیء الی یوم القیامة حتی ارش الخدش الا وهو عندنا مکتوب باملاء رسول الله وخط علی رضی الله عنه بیده^۴.
قال عذافر الصیرفی: کنت مع حکم بن عتیبه عند ابی جعفر رضی الله عنه فجعل یسأله وکان ابوجعفر له مکرمات فاختلفا فی شیء فقال ابوجعفر رضی الله عنه: یا بنی! قم فاخرج کتاب علی رضی الله عنه فاخرج کتاباً مدرجاً عظیماً و فتحه و جعل ینظر حتی اخرج المسألة فقال ابوجعفر رضی الله عنه: هذا خط علی رضی الله عنه و املاء رسول الله^۵.

عن زرارة بن اعین، قال: سألت اباجعفر رضی الله عنه عن الجد... اقبل رضی الله عنه علی ابنه جعفر رضی الله عنه فقال له: أقریء زرارة صحیفه الفرائض... فلما اصبحت لقیمت اباجعفر رضی الله عنه فقال لی: اقرأت صحیفه الفرائض؟... فان الذی رأیت -والله یا زراره- هو الحق الذی رأیت املاء رسول الله ﷺ و خط علی رضی الله عنه بیده...^۶
عن ابودعامة قال: أتیت علی بن محمد بن علی بن موسی فقال لی: یا

۱. آقا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعه ج ۲، ص ۳۰۶؛ تدوین السنة الشریفه، ص ۶۲

۲. تدوین السنة الشریفه، ص ۵۲

۳. آقا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعه ج ۲، ص ۳۰۶؛ امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۳۰

۴. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۰۰

۵. رجال نجاشی، ص ۳۶۰

۶. کافی، ج ۷، ص ۹۴، ۹۸

ابادعامة! قد وجب حَقَّكَ أَفْلا احدثك بحديث تسرَّ به؟ فقلت له: ما أحوجنی الی ذلك یابن رسول الله ﷺ قال...: قال رسول الله ﷺ: اكتب یا علی! فقلت: ما اكتب قال: اكتب: بسم الله الرحمن الرحيم. الايمان ما وقرته القلوب و صدقته الاعمال... فقال: أنّها لصحيفة بخط علی بن ابي طالب، باملاء رسول الله ﷺ تنوارثها صاغراً عن كابر.^۱

در این روایات عبارتهایی مانند «اكتب یا علی»، «هذا خط علی و املاء رسول الله»، «مکتوب باملاء رسول الله» و... حکایت از املاهای پیامبر ﷺ و فراوانی آنها دارد که تاریخ بخوبی بر آن شهادت می دهد.

۳. نوشته های رسول خدا ﷺ: رسول خدا ﷺ در مواردی نامه هایی نوشته که مضمون آنها بیانگر اوامر یا توصیه هایی برای یاران و یا افراد دیگر جهت اسلام آوردن و دعوت به راه سعادت می باشد. این مکتوبات در تاریخ ثبت شده است و شامل مکاتبه های حضرت به کارگزاران و صحابه خود یا غیرمسلمانان می باشد.^۲ برخی مکتوبات آن قدر مفصل بوده است که از آن با عنوان «صحيفة النبی» و یا «الصحيفة الصادقة» و «صحيفة فاطمه» و... نام برده شده است^۳ آخرین حادثه تاریخی دوران حیات پیامبر ﷺ نیز، مربوط به اهتمام ایشان بر کتابت، درخواست قلم و دوات در آخرین لحظات عمر شریف خود بود که پاسخی بدان داده نشد. ابن عباس آن را چنین تعریف می کند:

لما اشتدَّ بالنبي ﷺ وجعه قال: اتنوني بكتاب اكتب لكم كتاباً لا تضلوا بعده. قال عمر: ان النبي ﷺ غلبه الوجع! و عندنا كتاب الله حسيناً فاختلّفوا و كثر اللغظ قال ﷺ: قوموا عني و لا ينبغي عندي التنازع.^۴

نامه های پیامبر ﷺ را محقق ارجمند، مرحوم حضرت آیت الله احمدی میانجی، با

۱. ابوالحسن مسعودی، مروج الذهب ومعادن الجوهر، ج ۵، ص ۸۲

۲. ر.ک: احمدی میانجی، مکاتیب الرسول: ۳. تدوین السنة الشریفه، ص ۵۲

۴. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۹؛ ج ۶، ص ۱۱

عنوان مکاتیب الرسول، گرد آورده که بیش از سیصد نامه و کتاب است. ایشان در این باره می‌گویند:

وصل الینا عاجلاً من کتبه ﷺ ۳۱۶ کتاب او آزید یعطینا درساً ضافياً حول نشر الدین و اعلاء کلمة التوحید... و ینکشف للقراء الکرام حقیقة اخری... و هی احتفاظه ﷺ لعلوم الرسالة و ذخائر النبوة و احکام الدین ان یندرس فاملها علی سیدنا علی فکتبه بخطه فاودعه عند آمناء آل‌البيت.^۱

نامه‌ها و مکاتیب پیامبر ﷺ موضوعهای گوناگونی را در بر می‌گیرد؛ از جمله دعوت به اسلام، تألیف قلوب، تعلیم معالم دین و... در کتاب مکاتیب الرسول، موضوع نامه‌ها، شخص یا اشخاص و یا گروهی که برای آنان نامه و کتابی ارسال شده به ضمیمه مصادر آنها، عهد و تأمینات، اقطاعات و موضوعات مختلف، جمع‌آوری شده است.^۲ در بخش دیگر به کتابهایی که به املائی پیامبر و خط علی ؑ تدوین گردیده، پرداخته شده است که^۳ نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود:

هذا کتاب من النبی ﷺ الی النجاشی عظیم الحبشه. سلام من اتبع الهدی و آمن بالله و رسوله... فانی رسوله فاسلم تسلم...^۴

هذا کتاب من محمد رسول الله لحنعم... ان کل دم اصبتموها فی الجاهلیه فهو عنکم موضوع و من اسلم منکم طوعاً او کرهاً فی یده حرث من خبار او غرار... فله نشره و اکله...^۵

کتابه ﷺ فی جواب کتاب ابی سفیان قبل الخندق. بسم الله الرحمن الرحيم: وصل کتاب اهل الشرك و النفاق و الکفر و الشقاق و فهمت مقاتکم فو الله ما لکم عندی جواب الا اطراف الرماح و اشفار الصفاح فارجعوا ویلکم من عبادة

۱. احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۱، مقدمه، ص: د ۲. همان، ص ۳۵ - ۵۹

۳. همان، ص ۵۹

۴. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۶۳؛ مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۱۳۳

۵. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۸۶؛ مکاتیب الرسول، ج ۲، ص ۴۱۴

الاصنام و ابشروا بضرب الحسام و بفلق الهام و خراب الدیار و قلع الاثار و

السلام علی من اتبع الهدی.^۱

از نظر محققان شیعه هنگام بررسی روایات مذکور، حدیث نبوی از نخستین روزهای صدور (از زمان بعثت آن حضرت ﷺ) تا پس از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه به شدت ادامه یافت و تا آخرین روزهای پربرکت رسول خدا ﷺ ادامه داشته و حضرت بر حفظ، فراگیری، نشر، روایت، کتابت و تدوین آن تأکید فراوان داشته و زمینه‌های لازم را برای آنها فراهم آورده است که شامل امر و توصیه بر نوشتن، املاء روایات و مکتوب بودن مطالبی برای صحابه و دیگران شود.

از طرفی حضرت رسول ﷺ بیش از پنجاه کاتب حدیث داشته‌اند که برخی صحیفه یا نسخه و یا مکتوبی در مورد حدیث از او به یادگار گذاشته‌اند؛ مانند: حضرت علی رضی الله عنه، ابورافع، ابی بن کعب، جابر بن سمره، سلمان فارسی و ...^۲ معلوم است که علم‌آموزی و - نوشتن بخصوص در حوزه فرهنگ دینی - امری عقلایی بوده و پیامبر ﷺ که جدای از رسالت الهی، بزرگ‌ترین عاقل نیز می‌باشد، بدان توجه کامل داشته است؛ گرچه برخی از محدثان اهل سنت، معتقدند که تدوین حدیث در دوران پیامبر ﷺ ممنوع بوده است. ارزیابی این دیدگاه در بخش تاریخ حدیث اهل سنت خواهد آمد.

۱. مکاتیب الرسول، ج ۳، ص ۵۳۰

۲. محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات، ص ۱۶۷؛ مهدی مهریزی، دروس فی نصوص الحدیث ونهیج البلاغه، ص ۴۲؛ مجله تخصصی علوم حدیث، ج ۳، ص ۱۱؛ مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۲۰

پرسش

۱. اصطلاح حدیث را از نظر فریقین تعریف کنید؛
۲. آیات و روایاتی درباره اعتبار حدیث پیامبر ﷺ و معصومان  ذکر کنید؛
۳. تفاوت تاریخ فریقین را در تدوین حدیث به همراه پنج مورد از آثار تاریخی، ذکر کنید؛
۴. اهتمام پیامبر ﷺ را بر حفظ و فراگیری حدیث بیان کنید؛
۵. دو دلیل در مورد اهتمام پیامبر ﷺ بر نشر و روایت حدیث بیان کنید؛
۶. دو دلیل از اوامر پیامبر ﷺ را بر نوشتن حدیث بیان کنید؛
۷. امالی پیامبر ﷺ چه بوده است و چه ارتباطی با تاریخ حدیث دارد؟

پژوهش

۱. ادله دیگری غیر از آیات و روایات متن درس را برای اعتبار حدیث معصومان ، مورد بررسی و مطالعه قرار دهید؛
۲. با مراجعه به کتابهای تاریخ حدیث فریقین، منشأ اختلاف در تدوین حدیث را تحلیل کنید؛
۳. آثار دیگری را از فریقین، در تاریخ حدیث، معین کنید؛
۴. نشانه‌های دیگری را بر اهتمام پیامبر ﷺ در فراگیری حدیث از مصادر روایی فریقین معلوم کنید؛
۵. نمونه‌های دیگری از امالی را از مکاتیب الرسول آیت الله احمد میانجی گزارش و تحلیل کنید.

بخش دوم

تاریخ حدیث شیعه

۱

اهتمام اهل بیت علیهم السلام به حدیث (قرن اول)

مقدمه

پس از بررسی تاریخ حدیث در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله که آن را دوران مشترک حدیث فریقین دانسته‌اند، اکنون به بررسی «تاریخ حدیث شیعه»، در دورانهای بعدی می‌پردازیم که دوران اهل بیت عصمت علیهم السلام و قرون محدثان متقدم و متأخر تا به دوران معاصر را شامل می‌شود. در ادامه نیز به بررسی تاریخ «حدیث اهل سنت» پرداخته خواهد شد.

لازم است هر یک از تاریخ حدیث شیعه و اهل سنت، به صورت مستقل تحلیل شوند؛ زیرا در دوران پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، بین محدثان و مورخان فریقین در موارد مهمی، اختلاف نظر وجود دارد که صحابه پیامبر علیهم السلام و به تبع آنان تابعان، پس از حضرت، در مورد تدوین حدیث و چگونگی آن، از چه اندیشه‌ای برخوردار بودند؟ آیا همچون دوران رسالت، به پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله بر تدوین حدیث - آن چنان که شیعه معتقد است - پافشاری کردند یا از اهتمام لازم برخوردار نبودند؛ بلکه به مجاز نبودن آن معتقد بودند؟

بدین جهت نخست تاریخ «حدیث شیعه» پس از پیامبر صلی الله علیه و آله (از دوران

اهل بیت علیهم السلام را تا دورانهای متوالی آن و دوران معاصر) را بررسی می‌کنیم؛ سپس در ادامه، به بررسی تاریخ «حدیث اهل سنت» پرداخته خواهد شد.

تاریخ «حدیث شیعه» را نیز می‌توان به جهت حضور ائمه علیهم السلام (قرن ۱ - ۳) و سپس دوران محدثان متقدم (قرن ۴ - ۵) و دوران محدثان متأخر (قرنهای ۶ - ۱۳) و دوران معاصر (قرن ۱۴ - ۱۵) به چند مرحله تقسیم کرد؛ از این رو، در هر مرحله، به صورت مستقل به تحلیل و بررسی نشر و تدوین آثار حدیثی آنها پرداخته خواهد شد. دوران حضور اهل بیت علیهم السلام که سزا است آن را از مهم‌ترین دوران تاریخ «حدیث شیعه» شمرد، با عنوان «اهتمام اهل بیت علیهم السلام به حدیث» با عنوانهای ذیل مورد تحلیل قرار می‌گیرد:

الف) اهتمام اهل بیت علیهم السلام به حدیث در قرن اول: تحلیل دوران امام علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و امام سجاد علیه السلام؛

ب) اهتمام اهل بیت علیهم السلام به حدیث در قرن دوم: تحلیل دوران امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام؛

ج) اهتمام اهل بیت علیهم السلام به حدیث در قرن سوم: تحلیل دوران امام رضا علیه السلام، امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام.

اهل بیت علیهم السلام و حدیث

اهل بیت عصمت علیهم السلام که از نظر شیعه امامیه از جایگاه بلندی برخوردارند و از هرگونه گناه فکری و رفتاری مصون می‌باشند، نقش بسیار مهمی در چگونگی تاریخ تدوین حدیث شیعه دارند. در نخستین مرحله، به بررسی و تحلیل دوران امام علی علیه السلام تا امام سجاد علیه السلام می‌پردازیم که قرن اول هجری را شامل می‌شود.

در قرن اول که چهار امام معصوم علیهم السلام می‌زیسته‌اند، در تدوین حدیث دوران بسیار پررنجی است؛ زیرا از طرفی حکومت، جز مدت کوتاهی در اختیار امام

علی علیه السلام نبود و از طرف دیگر، حاکمان وقت - بخصوص حاکمان پیش از حضرت علی علیه السلام - نه تنها به تدوین حدیث معتقد نبودند، بلکه در مواردی به شدت با نشر، نقل و کتابت آن مخالفت می‌ورزیدند. بدین‌سان امام علی علیه السلام کمتر توانستند فرصتهای خود را برای نشر و تدوین حدیث، صرف کنند؛ زیرا حضرت در حکومت خود با چندین نبرد وقت‌گیر روبه‌رو شد و امام حسن و امام حسین علیهم السلام نیز با وجود مخالفت‌های جدی حکومت با ایشان، درگیر مبارزات سیاسی بودند؛ گرچه در دوران امام سجاد علیه السلام فرصتهای بیشتری برای تدوین و نشر حدیث فراهم شد و چهره علمی و فقهی امام سجاد علیه السلام بیشتر نمایان گردید.

تحلیل دوران امام علی علیه السلام

حضرت علی علیه السلام که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله حدود سی سال، امامت شیعیان را برعهده داشت، خود گنجینه دانش الهی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد او فرمود: «أنا مدينة العلم و علی بابها»؛ من شهر علم و علی راه ورود به آن شهر است.^۱ همچنان که وی بزرگ‌ترین مفسر قرآن پس از پیامبر صلی الله علیه و آله شمرده می‌شود و لقب «صدر المفسرین»، شایسته ایشان بود و پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد او فرموده بود: «علی مع القرآن و القرآن مع علی»؛ علی علیه السلام با قرآن است و قرآن نیز با علی.^۲ بدین جهت او محور و مصدر حدیث بود و هر آنچه می‌گفت و عمل می‌کرد، سنت دین شمرده می‌شد؛ از این رو، حضرت علی علیه السلام برگسترش و نشر و کتابت حدیث - بویژه حدیث نبوی - اهمیت می‌داد. اهتمام آن حضرت را در مورد حدیث، در دو بخش: «روایات دال بر اهمیت کتابت» و «مکتوبات امام علی علیه السلام» بیان می‌کنیم.

۱. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۲۰

۲. کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، ج ۲، ص ۲۰۲

الف) روایات دالّ بر کتابت و تدوین

از حضرت علی علیه السلام احادیثی - بویژه از مصادر اهل سنت - روایت شده است که حکایت از اهمیت نوشتن حدیث و در مواردی دستور بر کتابت و تدوین آنها است؛ از جمله:

عن الحارث عن علی علیه السلام قال: قیدوا العلم، قیدوا العلم؛^۱

عن حبيب بن جری عن علی علیه السلام قال: قیدوا العلم بالکتاب؛^۲

عن هبيرة بن مریم عن علی علیه السلام قال: القراءة علیه بمنزلة السماع منه؛^۳

عن علباء عن علی علیه السلام انه خطب الناس فقال: من يشتري منی علماً بدرهم؛^۴

قال علی علیه السلام لکاتبه عبیدالله بن ابی رافع: ألق دواتک و أطل جلفة قلمک و

فرج بین السطور و قرمط بین الحروف فان ذلك أجدر بصباحة الخط؛^۵

عن علی علیه السلام: ادقوا اقلامکم و قاربوا بین سطورکم و احذفوا عنی فضولکم و

اقصدوا قصد المعانی....^۶

با تأمل در روایات مذکور که از حضرت علی علیه السلام نقل شده است، ضرورت نوشتن احادیث معلوم می‌شود؛ بخصوص که در دو روایت نخست، عبارت «قیدوا العلم» آمده و مقصود از تقیید علم، کتابت و مراد از علم، علوم دینی و الهی است که از پیشوایان علم (معصومان علیهم السلام) صادر شده است. در دو روایت پایانی هم - با توجه به ملازمات عرفی، - از کلام حضرت علی علیه السلام می‌توان دریافت که ایشان بر نوشتن معارف دینی تأکید داشته و به خوب و صحیح نوشتن دستور داده‌اند. در دو روایت میانی نیز، بر قرائت و علم که از لوازم کتابت است، تأکید شده است. همچنان که آن حضرت در روایات دیگری، جایگاه قلم را بزرگ شمرده و بند علم کاتب را قلم وی دانسته‌اند.

۱. تقیید العلم، ص ۸۹ تدوین السنة الشریفه، ص ۱۴۴

۲. تقیید العلم، ص ۹۰؛ تدوین السنة الشریفه، ص ۱۴۴

۳. خطیب بغدادی، الکفایة فی علوم الروایه، ص ۳۸۳

۴. کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، ج ۵، ص ۲۶۱

۵. نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، حکمت ۳۰۷ ۶. صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۳۱۰

ب) مکتوبات حضرت علی علیه السلام

امام علی علیه السلام علاوه بر دستور به نوشتن حدیث که نمونه‌هایی از آن بیان شد، در عمل نیز بر کتابت تدوین و نشر روایات نبوی همّت وافر داشته که بدانها اشاره می‌شود:

۱. کتاب علی (صحیفه جامعه)

نخستین مجموعه حدیثی که حضرت آن را به املاء حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فراهم آورد، به کتاب علی، صحیفه علی، جامعه، صحیفه الفرائض و... معروف است. گرچه بخشهایی از این مجموعه در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله تدوین شده، ولی نشر آن در دوره حضرت علی علیه السلام آغاز گردید و نزد تمام امامان معصوم علیهم السلام بوده است. امام حسن علیه السلام از آن این‌گونه یاد می‌کنند:

ان العلم فینا و نحن اهله و هو عندنا مجموع کله بحذافیره و انه لا یحدث شیء الی یوم القیامة حتی ارش الخدش الا و هو عندنا مکتوب باملاء رسول الله صلی الله علیه و آله و خط علی علیه السلام بیده.^۱

کتاب علی علیه السلام به منظور تدوین قانون اسلامی فراهم شده و حضرت رسول صلی الله علیه و آله با هدف نشر و انتقال آن از حضرت علی علیه السلام به امامان پس از وی، بر ایشان املا می‌کرده است. امامان معصوم علیهم السلام نیز، ضمن دریافت آن، بر وجود آن معترف بوده‌اند؛ چنان که در روایاتی در این خصوص می‌خوانیم:

عن بکر بن کرب قال کنا عند ابي عبدالله علیه السلام فسمعنا يقول اما والله عندنا ما لا نحتاج الی الناس و ان الناس لیحتاجون الینا انّ عندنا الصحیفة سبعون ذراعاً بخط علی و املاء رسول الله صلی الله علیه و آله و علی اولادهما؛ فیها من کل حلال و حرام و انکم لتأتوننا فتدخلون علینا فنعرف خیارکم من شرارکم.^۲

عن علی بن رثاب عن ابي عبدالله علیه السلام انه سئل عن الجامعة قال تلك صحیفة سبعون ذراعاً فی عریض الادیم مثل فخذ الفالج فیها کل ما یحتاج الناس الیه.^۳

۲. بصائر الدرجات، ص ۱۴۲

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۰۰

۳. همان

عن ابی بصیر قال: قال ابو عبد الله علیه السلام یا ابامحمد! ان عندنا الجامعة و ما یدرهم ما الجامعة قال قلت: جعلت فداک و ما الجامعة؟ قال: صحیفة طولها سبعون ذراعاً بذراع رسول الله املاء من فلق فيه و خطه علی علیه السلام بيمينه فيها کل حلال و حرام.^۱

عن محمد بن مسلم قال: قال ابو جعفر علیه السلام ان عندنا صحیفة من کتب علی علیه السلام ... ان علیاً کتب العلم کله القضاء و الفرائض فلو ظهر امرنا لم یکن شیء الا فيه نمضیها.^۲

عن عمر بن أبان قال سألت اباعبدالله علیه السلام عما یحدث الناس انّه دفعت الی ام سلمه زوج النبی صلی الله علیه و آله صحیفة مختومة فقال علیه السلام: ان رسول الله صلی الله علیه و آله لما قبض ورث علی بن ابی طالب علمه و سلاحه و ما هناك. ثم صار الی الحسن و الحسین ثم صار الی علی بن الحسین ثم الی ابیک ثم انتهى الیک؟ قال علیه السلام نعم.^۳

در کتاب بصائر الدرجات، روایات فراوانی در خصوص وجود صحیفه یا کتاب علی علیه السلام و به ارث بردن ائمه علیهم السلام و موجود بودن آن نزد آنان در ابواب ذیل یافت می شود: «باب فی الائمه علیهم السلام ان عندهم الصحیفة الجامعة الی هی املاء رسول الله و خط علی علیه السلام بیده و سبعون ذراعاً»، «باب فی الائمه علیهم السلام، انهم اعطوا الجفر و الجامعة و مصحف فاطمه علیها السلام»، «باب فی الائمه علیهم السلام و انه صارت الیهم کتب رسول الله و امیر المؤمنین علیه السلام» که نمونه هایی از آن چنین است:

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: ان الکتب کانت عند علی علیه السلام فلما سار الی العراق استودع الکتب ام سلمة فلما مضی علی علیه السلام کانت عند الحسن علیه السلام فلما مضی الحسن علیه السلام کانت عند الحسین علیه السلام، فلما مضی الحسین کانت عند علی بن الحسین علیه السلام ثم کانت عند ابی.^۴

عن عنبسة بن العابد قال کنا عند الحسین بن علی علیه السلام عم جعفر بن

۳. همان، ص ۱۸۶

۲. همان

۱. همان، ص ۱۴۳

۴. همان، ص ۱۶۲

محمد صلی الله علیه و آله و جانه محمد بن عمران فستله کتاب ارض، فقال: حتی اخذ ذلك من ابي عبدالله عليه السلام قال: قلت له: و ما شأن ذلك عند ابي عبدالله عليه السلام؟ قال: انها وقعت عند الحسن عليه السلام ثم عند الحسين عليه السلام ثم عند علي بن الحسين عليه السلام ثم عند ابي جعفر عليه السلام ثم عند جعفر عليه السلام فكتبناه من عنده.^۱

در گزارش دیگری از محمد بن مسلم روایت شده که صحیفه فرائض و یا همان کتاب علی عليه السلام را امام باقر عليه السلام بر او قرائت کرده که چنین است: «أَنَّ ابا جعفر عليه السلام أَقْرَاهُ صَحِيفَةَ الْفَرَايِضِ الَّتِي أَمْلَاهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ خَطَّ عَلِيُّ عليه السلام بِيَدِهِ».^۲

کتاب علی و یا همان جامعه و ... نه تنها در نزد امامان معصوم علیهم السلام بوده، بلکه در مواردی اصحاب ایشان نیز آن را دیده‌اند. عذافر صیرفی که یکی از اصحاب امام باقر عليه السلام بوده است، می‌گوید:

كنت مع الحكم بن عتيبة عند ابي جعفر فجعل يسأله و كان ابو جعفر عليه السلام له مكرماً فاختلفا في شيء. فقال ابو جعفر عليه السلام: يا بُنَيَّ! قم فاخرج كتاب علي. فاخرج كتاباً مدروجاً عظيماً و فتحه و جعل ينظر حتى أخرج المسألة فقال ابو جعفر عليه السلام: هذا خط علي عليه السلام و املاء رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اقبل علي الحكم و قال: يا ابا محمد! اذهب انت و سلمة و ابوالمقدام حيث شئتم يمينا و شمالاً فو الله! لا تجدون العلم اوثق منه عند قوم كان ينزل عليهم جبرئيل عليه السلام.^۳

دیگر امامان علیهم السلام نیز بارها به کتاب علی عليه السلام استشهداد و بین مسلمانان و اهل حدیث مشهور بوده است. این کتاب در بردارنده مطالب اعتقادی، اخلاقی، فقهی و ... بوده و خبر از وجود آن در مصادر روایی فراوانی، مانند کافی، امالی شیخ طوسی، بحار الانوار و ... آمده است که به نمونه‌هایی از آن در ابواب مختلف اشاره می‌شود:

عن ابان عن ابي شيبة قال: سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول: ضلّ علم ابن شبرمه عند الجامعة؛ املاء رسول الله و خط علي بیده. ان الجامعة لم تدع لاحد كلاماً؛ فيها

۱. همان، ص ۱۶۵ ۲. کافی، ج ۷، ص ۹۸

۳. رجال نجاشی، ترجمه محمد بن عذافر، ص ۳۶۰

علم الحلال و الحرام؛^١

عن سليمان بن خالد عن ابي عبدالله عليه السلام قال في كتاب علي: ان نبيًا من الانبياء شكأ الى ربه فقال: يا رب! كيف أفضى فيما لم ار و لم اشهد؟ قال: فاوحى الله اليه: احكم بينهم بكتابي؛^٢

عن ابي خالد الكابلي عن ابي جعفر عليه السلام قال: وجدنا في كتاب علي عليه السلام: ان الارض يورثها من يشاء من عباده...؛^٣

عن ابي جعفر عليه السلام قال: وجدنا في كتاب علي عليه السلام: ان رسول الله صلى الله عليه وآله قال و هو على منبر: و الذي لا اله الا هو؛ ما اعطى مؤمن قط خير الدنيا و الآخرة الا بحسن ظنه بالله و رجائه له...؛^٤

عن ابي جعفر عليه السلام قال في كتاب علي عليه السلام: ثلاث خصال لا يموت صاحبهن ابدأ حتى يرى وبالهن البغي و قطيعة الرحم و اليمين الكاذبه...؛^٥

عن ابي عبدالله عليه السلام قال في كتاب علي: في كل شهر عمره؛^٦
عن علي بن الحسين عليه السلام قال: سئل عن رجل اوصى بشيء من ماله، قال: الشيء في كتاب علي عليه السلام من ستة؛^٧

روى طلحة بن زيد عن جعفر بن محمد عن ابيه عليه السلام قال: قرأت في كتاب علي عليه السلام: ان الرجل اذا تزوج المرأة فزنى قبل ان يدخل بها لم تحل له...؛^٨
عن محمد بن مسلم عن ابي جعفر عليه السلام قال: في كتاب علي عليه السلام: ان الولد لا يأخذ من مال والده...؛^٩

عن اسحاق بن عمار عن ابي عبدالله عليه السلام أنه قال: في كتاب علي عليه السلام: صُم لرؤيته و افطر لرؤيته...؛^{١٠}

١. كافي، ج ١، ص ٧٤
٢. شيخ حر عاملي، وسائل الشيعة، ج ١٨، ص ١٦٧
٣. كافي، ج ١، ص ٤١
٤. همان، ج ٢، ص ٧١
٥. همان، ج ٢، ص ٣٤٧
٦. همان، ج ٧، ص ٤٠
٧. همان، ج ٣، ص ٤١٦
٨. شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٤١٦
٩. همان، ص ٤٥٢
١٠. شيخ طوسي، تهذيبه، ج ٤، ص ٦٥٨

روایات مذکور حکایت از گستردگی و تنوع مطالب کتاب علی علیه السلام داشته است که در اغلب ابواب فقهی، نمونه‌هایی از آن ذکر شده است و می‌توان تفصیل آنها را با مراجعه به کتب روایی دریافت.

۲. کتاب فی علوم القرآن

از حضرت علی علیه السلام، اثر گرانقدر دیگری در قلمرو مباحث علوم قرآنی به جای مانده که بر اصحاب خود املا کرده و به کتاب فی علوم القرآن، محکم و متشابه در قرآن از حضرت علی علیه السلام، ناسخ و منسوخ از حضرت علی علیه السلام، تفسیر نعمانی منسوب به حضرت علی علیه السلام و ... معرف می‌باشد.^۱ علامه بزرگوار آقا بزرگ طهرانی در کتاب الذریعة نیز از آن با عنوان ناسخ القرآن و منسوخه و محکمه و متشابهه یاد کرده است.^۲ از کتاب مذکور علمای زیادی یاد کرده‌اند؛ از جمله:

(الف) علامه سید حسن صدر در پیشتازی شیعه در مباحث علوم قرآن می‌گوید:
و اما سائر انواع علوم القرآن فاوّل من نوعها و قسمها فهو ایضاً علی
امیرالمؤمنین علیه السلام املی ستین نوعاً من انواع علوم القرآن و ذکر لكل نوع مثلاً
یخصه و هو فی کتاب نرویه عنه من عدّة طرق....^۳

(ب) علامه شرف‌الدین نیز در این خصوص ضمن بیان مصحف امام علی علیه السلام، به مباحث علوم قرآنی که همراه مصحف بوده، اشاره می‌کند و می‌گوید:
اما علی و شیعتہ، فقد قصدوا لذلك فی العصر الاول و اوّل شیء دوّنه
امیرالمؤمنین علیه السلام کتاب اللّٰه عز وجل فانه بعد فراغه من تجهیز النبی صلی اللّٰه علیہ و آلیہ
علی نفسه ان لا یرتدی للصلاة الا ان یجمع القرآن فجمعه مرتباً علی حسب
النزول و اشار الی عامه و خاصه و مطلقه و مقیده و محکمه و متشابهه و ناسخه
و منسوخه....^۴

۱. بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۴ ۲. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲۴، ص ۸

۳. تاسیس الشیعة لعلوم الاسلام، ص ۳۱۸

۴. شرف‌الدین، المراجعات، ص ۳۰۵

ج) علامه سید محمدرضا حسینی جلالی هم پس از ذکر مطالبی درباره کتاب علی علیه السلام، نخستین اثر منسوب به حضرت را کتاب فی علوم القرآن می‌داند و می‌گوید: کتاب فی علوم القرآن، املاہ الامام امیرالمؤمنین علیه السلام فذکر فیہ ستین نوعاً من انواع علوم القرآن رواہ الحافظ ابوالعباس، احمد بن محمد بن سعید، ابن عقدة الکوفی المتوفی (۳۳۳) بسنده عن الامام جعفر الصادق علیه السلام.^۱

۳. نهج البلاغه

بخشی از آثار روایی حضرت علی علیه السلام، در جایگاه نخستین امام که علوم الهی را از پیامبر صلی الله علیه و آله دریافت کرده و آن را برای امامان پس از خود و همچنین مردم زمان خویش نقل کرده، به همت والای سید رضی در کتاب بسیار گرانقدر نهج البلاغه گردآوری شده. سید رضی (م ۴۰۶) آن را در سه بخش خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار گرد آورده است؛ البته این مجموعه از حضرت علی علیه السلام در فصاحت و بلاغت، سرآمد دیگر عبارتهای نقل شده از آن حضرت است.

بدون تردید، خدمت بزرگ سید رضی امام علی علیه السلام را به آنان که کمتر با او آشنا بودند، شناساند. به نظر می‌رسد مجموعه نهج البلاغه، تنها بخشی از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات حضرت علی علیه السلام است که در دوران پنج ساله حکومت و پیش از آن بیان کرده که حکایت از اهمیت کتابت و تدوین حدیث دارد؛ خصوصاً نامه‌های آن حضرت از جمله نامه به مالک اشتر^۲ که هنگام تعیین ایشان به ولایت مصر نگاشته شده و از کتابت حدیث به دست حضرت علی علیه السلام خبر می‌دهد.

عبارات و کلمات حضرت علی علیه السلام را که سید رضی در قرن چهارم گرد آورد و در یک مجموعه نشر یافت، از همان آغاز صدور، مورد توجه یاران حضرت و ادیبان عرب واقع شد. پیش از تدوین نهج البلاغه در قرنهای اول تا چهارم هم علمای فریقین

۱. تدوین السنة الشریفه، ص ۱۳۷

۲. نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، نامه ۵۳

عبارتهای آن حضرت را در مجموعه‌های حدیثی دیگری گردآورده بودند.^۱ پس از سید رضی نیز، دیگر علماء در جهت تکمیل و شرح، اقداماتی سنجیده انجام دادند که آقا بزرگ تهرانی در کتاب الذریعه^۲ صد و پنجاه شرح و علامه امینی در کتاب الغدیر هشتاد شرح را نام می‌برند؛ از جمله:

۱. منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، سید قطب (م ۵۷۳)؛

۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید معتزلی (م ۶۵۶)؛

۳. شرح نهج البلاغه، کمال‌الدین میثم بحرانی (م ۶۷۹)؛

۴. شرح نهج البلاغه، محمدباقر لاهیجی (قرن سیزدهم)؛

۵. شرح نهج البلاغه، سید حبیب‌الله خوئی (قرن چهاردهم).

نهج البلاغه از ترجمه‌های متعددی مثل ترجمه فیض الاسلام، مصطفی زمانی، سید جعفر شهیدی و... برخوردار شده؛ همچنان که برای آن معاجمی مانند المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، محمد دشتی؛ الکاشف علی الفاظ نهج البلاغه، سید جواد مصطفوی؛ مجموعه موضوعی نهج البلاغه، علی رضا برازش؛ فرهنگ آفتاب، عبدالمجید معادیخواه نوشته شده و برای آن مستدرکاتی مانند مستدرک نهج البلاغه، هادی کاشف‌الغطاء؛ نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، محمدباقر بهبودی؛ مصباح البلاغه، سید حسن طباطبایی و... فراهم آمده است.^۳

۴. دیگر آثار

از حضرت علی علیه السلام آثار دیگری نیز رسیده که ممکن است اثری جدید بوده یا نامی برای آثار قبلی باشد. این آثار بر نوشتن حدیث دلالت دارد؛ مانند:

۱. مروج الذهب ومعادن الجوهر، ج ۲، ص ۴۳۱؛ السید عبدالزهراء الحسینی الخطیب، مصادر

نهج البلاغه و اسانیده، ج ۱، ص ۲۹؛ علی اکبر رشاد، دانشنامه امام علی، ج ۱۲

۲. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۱ - ۱۶۱؛ ج ۲۴، ص ۴۱۲

۳. دروس فی نصوص الحدیث و نهج البلاغه، ص ۱۸۵

کتاب السنن و القضايا و الاحکام: کتاب مذکور شامل قوانینی در موضوع قضاوت و دربردارنده احکامی فقهی در ابواب متعدد بوده است که راویانی مانند ابورافع، عبید بن ابی رافع، ربیعہ بن سمیع، محمد بن قیس بجلی و ... آن را روایت کرده‌اند.^۱ التعلیقة النحویة: کتاب یا اثر نحوی که حضرت برای «ابی الاسود الدؤلی» املا کرده است و سیوطی از آن خبر داده است.^۲ ابن ندیم نیز از آن یاد می‌کند که دربرگیرنده اصول نحو بوده است.^۳

پ) کاتبان حضرت علی علیه السلام

حضرت علی علیه السلام در دوران امامت خویش - چه پیش از خلافت و چه در دوره خلافت - کاتبانی داشته است که وجود آنان نیز بر اهمیت کتابت در دوران آن حضرت حکایت می‌کند. کاتبانی همچون ابورافع،^۴ نویسنده کتاب السنن و الاحکام؛ علی بن ابی رافع؛^۵ ربیعہ بن سمیع که نجاشی در مورد او می‌گوید: «حدَّثنا مقرن عن جده ربیعة بن سمیع عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه كتب له فی صدقات النعم.»^۶ محمد بن قیس بجلی که صاحب کتابی در قضايا بوده و آن را بر امام باقر علیه السلام عرضه کرده و حضرت آن را تأیید نموده؛^۷ حارث بن عبدالله همدانی^۸ و اصبع بن نباته مجاشعی که کتاب قضاوت شگفت‌انگیزی^۹ را از حضرت علی نقل می‌کند. همچنین ابن عباس که دهها روایت از حضرت علی علیه السلام از جمله روایات قضا را نقل می‌کند و در مقدمه صحیح مسلم آمده است که: «اتی ابن عباس بکتاب فیہ قضاء علی رضی اللہ عنہ.»^{۱۰} او صاحب دهها

۱. کافی، ج ۳، ص ۵۳۹؛ تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۲۸۳؛ تدوین السنة الشریفه، ص ۱۳۸
۲. سیوطی، الاشباه و النظائر، ج ۱، ص ۱۲
۳. محمد بن اسحاق، فهرست ابن ندیم، ص ۴۵
۴. همان؛ تدوین السنة الشریفه، ص ۱۳۸، ۱۴۳
۵. رجال نجاشی، ص ۶
۶. همان، ص ۸
۷. تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۲۸۳
۸. همان، ص ۷
۹. همان، ص ۶۱؛ تدوین السنة الشریفه، ص ۱۴۰
۱۰. صحیح مسلم، مقدمه، ج ۱، ص ۱۴

کتاب در تفسیر و مناسک و ... بوده است.^۱ راویان و کاتبان دیگری نیز در تاریخ گزارش شده که تفصیل آنها در مقدمه المعجم المفهرس لالفاظ بحار الانوار، آمده است.^۲

ت) مصحف فاطمه

در دوران امام علی علیه السلام نمی‌توان از صدیقه طاهره حضرت زهرا علیها السلام، دخت پیامبر گرامی علیها السلام یاد نکرد؛ زیرا او نیز در قلمرو نقل و کتابت حدیث، نقش مهمی داشته است. مصحف فاطمه که از او گاهی با عنوان کتاب فاطمه و ... یاد شده و نگارش و املاي آن نیز به دست حضرت علی علیه السلام بوده است، شامل روایاتی از آن حضرت بوده و امام صادق علیه السلام نیز به آن استناد کرده است.^۳ آقا بزرگ تهرانی از آن این گونه تعبیر می‌کند: من ودایع الامامه، عند مولینا و امامنا صاحب الزمان (عج) کما روی فی عدة احادیث من طرق الائمه علیهم السلام.^۴

محدث بزرگوار، محمد بن حسن بن فروخ صفار قمی، صاحب کتاب بصائر الدرجات^۵ در باب چهارده از جزء سوم، با عنوان «باب فی الائمه علیهم السلام انهم اعطوا الجفر و الجامعه و مصحف فاطمة علیها السلام» روایاتی می‌آورد که حکایت از وجود احادیث فراوان در مصحف فاطمه دارد؛ مانند روایاتی از امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: وعندنا والله مصحف فاطمة ما فيه آية من كتاب الله وانه لاملاء رسول الله صلی الله علیه و آله وخطه علی علیه السلام بیده.^۶

ابوالحسن ابن بابویه قمی نیز از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

كنت انظر فی کتاب فاطمة علیها السلام فلیس ملك الملك الا وهو مكتوب باسمه واسم آیهه.^۷

۱. رجال نجاشی، ص ۲۴۲

۲. المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار، مقدمه، ص ۳۱ - ۳۴

۳. کافی، ج ۳، ص ۵۰۷؛ قرأت فی کتاب امک فاطمه ثم قال ... ابعث الی کتاب فاطمه فارسل الیه ابو عبدالله علیه السلام ...؛ تدوین السنة الشریفه، ص ۷۶؛ علی نصیری، آشنایی با علوم حدیث، ص ۵۹.

۴. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۱، ص ۱۲۶ ۵. بصائر الدرجات، ص ۱۵۰

۶. همان، ص ۱۵۳ ۷. ابن بابویه قمی، الامامة و التبصرة من الحیره، ص ۱۸۰

تحلیل دوران امام حسن علیه السلام

دوران امامت امام حسن علیه السلام پس از شهادت حضرت علی علیه السلام حدود ده سال است که شامل سال چهل تا پنجاه هجری می‌باشد. ایشان نیز همچون پدر، نوشتن حدیث را امری مهم می‌دانست. برای آن امام به علت مبارزات سیاسی با معاویه، زمینه تدوین مجموعه مستقل در حدیث فراهم نشد؛ اما ایشان حامل و مبین آثار مکتوب پدر، مادر و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بود و بدین جهت در تاریخ، در مورد او آمده است:

أبی عمر بن علا می‌گوید: از امام حسن علیه السلام در مورد فردی پرسش شد که دارای هشتاد سال است؛ آیا حدیث را بنویسد؟ حضرت فرمود: «ان کان یُحسِن ان یعیش»؛^۱ امام مجتبی علیه السلام فرزندان خود و فرزندان برادرش را فرا خواند و به آنان فرمود: یا بنی و بنی اخی: انکم صغار قوم، یوشک ان تکونوا کبار آخرین، فتعلموا العلم، فمن لم یستطع منکم ان یرویه فلیکتبه و لیضعه فی بینه.^۲

تحلیل دوران امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام که مدت امامت ایشان حدود یازده سال - ۵۰ - ۶۱ ق - است، بر نوشتن حدیث و جواز آن اهتمام داشت؛ زیرا از طرفی نامه‌های فراوان به قبایل و شیوخ عرب برای همراهی با او در مبارزه با حکومت ظالمانه یزید نوشت^۳ که نشان از جواز و ضرورت کتابت حدیث داشت و از طرف دیگر، در مواردی به نوشتن حدیث سفارش کرد که حکایت از اهتمام ایشان بر این امر دارد؛ مانند سخنرانی حضرت در منا در جمع زیادی از بنی هاشم و یاران که فرمودند:

فان هذا الطاغیة قد فعل بنا و بشیعتنا ما قد رأیتم و علمتم و شهدتم و انی ارید

۱. تدوین السنة الشریفه، ص ۱۲۷، به نقل از: شرف اصحاب الحدیث، ص ۶۹.

۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۵۲؛ کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، ج ۵، ص ۲۲۹.

۳. محمدمصدق نجمی، سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا، بخش اول: از مدینه تا مکه و بخش دوم: از مکه تا کربلا؛ موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، بخش نامه‌ها

ان اسألکم عن شیء فان صدقت فصدقونی ... أسمعوا مقالی و اکتبوا قولی ثم ارجعوا الی امصارکم و قبائلکم فمن أمتتم من الناس و وثقتم به فادعوهم الی ما تعلمون من حقنا...^۱

امام حسین علیه السلام با عبارت «اکتبوا قولی»، نه تنها بر نوشتن حدیث خود، بلکه بر وجوب آن تأکید می‌کند. علاوه بر آن می‌دانیم که حدیث امام، حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله نیز می‌باشد و امر بر کتابت، نشان از سنت عملی آنان بوده است؛ از این رو، امام حسین علیه السلام خود میراث‌دار روایات و مکتوبات امامان پیش از خود بوده و حامل کتاب علی علیه السلام می‌باشد که به املائی پیامبر صلی الله علیه و آله و خط حضرت علی علیه السلام بوده و آن را به نسلهای پس از خود تحویل داده است.

تحلیل دوران امام سجاد علیه السلام

در دوران حضرت علی بن الحسین علیه السلام که مدت امامتش حدود ۳۴ سال بود، در مقایسه با دوران امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، شرایط بهتری فراهم شد، و حضرت فرصت مناسبی به دست آورد تا حدیث، نوشتن و تدوین آن را رونقی دیگر بخشد. بدین جهت در مدت امامت ایشان آثاری مکتوب به واسطه راویانی ثقه گزارش شده است.

در شمارش راویان و کاتبان آن حضرت می‌توان از ابی حمزه ثمالی، سعید بن جبیر، زید بن علی بن الحسین علیه السلام، داود بن یحیی، علیّه دختر امام سجاد علیه السلام و ... نام برد که در کتابهای رجال مانند فهرست شیخ طوسی، رجال نجاشی و ... از آنان یاد شده که هر یک دارای مکتوباتی از حضرت سجاد علیه السلام بوده‌اند. شیخ طوسی اصحاب امام سجاد علیه السلام را ۱۷۶ نفر ذکر می‌کند^۲ که برخی از آنان نویسنده حدیث حضرت و

۱. کتاب سلیم بن قیس، ص ۱۶۵

۲. شیخ طوسی، رجال، ص ۸۰-۱۰۲

دارای اثری مخصوص به خود بوده‌اند. از آثاری که از امام سجاده علیه السلام گزارش می‌شود و هر یک دلیلی بر اهمیت کتابت از طرف ایشان است، می‌توان موارد ذیل را نام برد:

۱. صحیفه سجّادیه: در پیشانی آثار روایی مکتوب از امام سجاده علیه السلام، اثر گرانقدر صحیفه سجّادیه است که دعاها و مناجاتهای ایشان را در بر گرفته. این کتاب مضمونهای بسیار بلندی دارد و بیان‌کننده مفاهیم و حقایق دینی است که حضرت آنها را انشا کرده و سپس امام باقر علیه السلام و زید آن را نوشته‌اند. علمای شیعه^۱ همه بر وجود آن صحیفه معترف بوده و از آن با عبارت «اخذ القرآن» و ... یاد کرده‌اند. آقا بزرگ تهرانی، در کتاب آثار و تألیفات شیعه از آن چنین یاد می‌کند:

الصحيفة الاولى، المنتهى بسندها الى الامام زين العابدين علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب عليه السلام المعبر عنها «اخذ القرآن» و «انجيل اهل البيت» و «زبور آل محمد» و يقال لها الصحيفة الكاملة.^۲

کتاب صحیفه سجّادیه که از آن تعبیر به زبور آل محمد نیز شده، پس از قرآن و نهج البلاغه، از گرامی‌ترین کتابها در نزد شیعیان است و شامل ۵۴ دعا از امام سجاده علیه السلام می‌باشد. این دعاها از ستایش پروردگار شروع می‌شود و به دعا برای رفع غصه‌ها و غمها پایان می‌پذیرد. این کتاب در سال ۵۶۱ هجری قمری توسط احمد بن شهریار و با سماع ابو منصور محمد بن محمد بن احمد بن عبدالعزیز عکبری بوده است و سند تا به امام صادق علیه السلام متصل می‌باشد و در مقدمه آن چنین آمده است:

حدثنا السيد الاجل نجم الدين بهاء الشرف ابو الحسن محمد بن الحسن ... العلوی الحسينی رحمة الله قال: أخبرنا الشيخ السعيد ابو عبد الله محمد بن احمد بن شهریار الخازن لخزانه مولانا امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام في شهر ربيع الاول من سنة ست عشرة و خمسمائة قراءة عليه و أنا اسمع قال: سمعتها علي الشيخ الصدوق ابي منصور محمد بن محمد بن احمد بن عبدالعزیز العکبری ...

۱. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱؛ شیخ طوسی، رجال، ص ۴۸۵

۲. الذریعة الي تصانیف الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۸

عن ابن ابی المفضل ... قال: حدثنا الشریف ابو عبد الله جعفر بن محمد بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن امیر المؤمنین قال: حدثنا عبد الله بن عمر ابن خطاب ... لاخرجنا اليك صحيفة من الدعاء الكامل ما حفظه ابی عن ابیه و ان ابی اوصانی بصونها و منعها غیر اهلها...^۱

صحیفه سجادیه در میان عالمان پیشین مورد توجه فراوان بوده است و به تبع آنان، عالمان کنونی نیز، جایگاه آن را بزرگ می دانند؛ زیرا جدای از سند آن، از متن بسیار عالی، فصیح و روانی برخوردار است و دربردارنده مضمونهای اخلاقی و عرفانی مهمی می باشد که صدور آن را از معصوم علیه السلام تایید می کند. قابل ذکر است که صحیفه سجادیه بخشی از دعاهای رسیده از امام سجاد علیه السلام است که جمع آوری شده؛ اما دعاهای دیگری نیز از حضرت وارد شده که میرزا حسین نوری، صاحب کتاب مستدرک الوسائل آنها را گرد آورده^۲ و از آنها به الصحيفة السجادية الثانية و الثالثة و الرابعة و الخامسة تعبیر کرده است.^۳

۲. رسالة الحقوق: این کتاب، از آثار منسوب به امام سجاد علیه السلام است که مسائل اخلاقی، اجتماعی و مبانی سلوک فردی است. مطالب این اثر از کتابهای وسائل الشیعه،^۴ تحف العقول^۵ و ... گردآوری شده و برخی نیز بر شرح آن مبادرت کرده اند؛ مانند شرح رسالة الحقوق از علامه سید حسن بن علی الحسینی القبانجی.^۶

۳. مناسک الحج: از دیگر آثار امام سجاد علیه السلام که به چاپ هم رسیده، مناسک الحج است که در قلمرو احکام شرعی حج در سی باب تدوین شده است. به نظر می رسد

۱. صحیفه سجادیه، مقدمه، ص ۲۴

۲. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۵

۳. آشنایی با علوم حدیثه ص ۶۴

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۳۱

۵. حسن بن علی شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۵۵

۶. تدوین السنة الشریفه، ص ۱۵۱

این اثر به املاى امام سجاد علیه السلام و خط امام محمد باقر علیه السلام و ... نگارش یافته و به نسلهای بعدی نیز رسیده است. نسخه تصحیح شده آن را سید محمد بن حسین الجلال در بغداد به چاپ رسانده است.^۱

از امام سجاد علیه السلام آثار دیگری نیز رسیده است؛ مانند صحیفه الزهد، الجامع فی الفقه از ابو حمزه ثمالی، کتاب حدیثه علیه السلام و ... که در کتابهای رجالی به نام راویان آنها گزارش شده است.^۲ امام سجاد علیه السلام با توجه به فرصت بیشتر در مقایسه با دوران امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و فراهم شدن زمینه‌های تدوین و نشر، روایات و مکتوبات بیشتری به نسل پس از خود منتقل کردند. علامه مجلسی در روایتی آورده است که امام سجاد علیه السلام هنگام وفات، صندوق بزرگی نزد امام باقر علیه السلام به ودیعت نهاد و آن صندوق حامل آثار مکتوب از آن حضرت بوده است:

عن جعفر بن محمد علیه السلام قال: لما حضر علی بن الحسین الموت، قبل ذلك أخرج السقط او الصندوق عنده فقال: یا محمدا! حمل هذا الصندوق قال فحمل بین اربعة رجال فلما توفی جاء أخوته یدعون فی الصندوق فقالوا: اعطنا نصیبنا من الصندوق فقال: و اللّٰه! مالکم فیہ شیء ولو کان لکم فیہ شیء ما دفعه الی و کان فی الصندوق سلاح رسول اللّٰه و کتبه.^۳

دیگر آثار روایی در قرن اول

در قرن اول هجری که از عهد امام علی علیه السلام تا امام سجاد علیه السلام را شامل می‌شود، می‌توان به اختصار به برخی از آثار روایی که توسط کاتبان و راویان آنها ثبت شده و در متن درس نیز بدانها اشاره شد و تا زمان محمدون اول، در اختیار آنها بوده است، اشاره کرد که در مصادر رجالی مانند رجال نجاشی، طوسی و ... از آنها یاد شده و

۱. همان، ص ۱۵۱

۲. رجال نجاشی، ۱۱۶، ۱۵۷؛ کافی، ج ۸، ص ۱۷؛ باقر شریف قریشی، حیات الامام زین

۳. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۱۲

العابدین علیهم السلام، ج ۲، ص ۲۱۹

آنها چنین است^۱:

۱. السنن و الاحکام و القضاية، از ابورافع؛
۲. کتاب علی بن رافع؛
۳. نصاب زکات انعام ثلاثه، از ربیعة بن سمیع؛
۴. کتاب اصیغ بن نباته، راوی عهدنامه مالک اشتر؛
۵. کتاب زید بن وهب، مشتمل بر خطبه‌های از حضرت علی علیه السلام؛
۶. کتاب ابوذر غفاری، درباره وقایع پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله؛
۷. کتاب عبیدالله بن الحر الجعفی؛
۸. کتاب نعمان بن سعید؛
۹. کتاب عبدالله بن علی، مشتمل بر روایات از بلال؛
۱۰. کتاب سلمان فارسی، راوی حدیث جاثلیق؛
۱۱. کتاب میثم تمار، در تفسیر قرآن؛
۱۲. کتاب ابومقدام، از روایات علی بن حسین علیه السلام؛
۱۳. کتاب بریر بن خضیر همدانی؛
۱۴. کتاب حارث بن اعور همدانی، از روایات امام علی علیه السلام؛
۱۵. کتاب سلیم بن قیس، در شرح وقایع اسلام؛
۱۶. کتاب محمد بن قیس بجلی؛
۱۷. کتاب یعلی بن مره ثقفی.

۱. تدوین السنة الشریفة، ص ۱۳۴ - ۱۵۲؛ مجید معارف، تاریخ عمومی حدیث، ص ۲۲۳

پرسش

۱. دو نمونه از روایات دال بر کتابت و تدوین حدیث در دوران امام علی علیه السلام را بیان نمایید؛
۲. چگونگی تدوین و ویژگیهای کتاب علی علیه السلام را گزارش کنید؛
۳. ویژگیهای تدوین نهج البلاغه را گزارش نمایید؛
۴. خصوصیات مصحف فاطمه علیها السلام را از نظر آقا بزرگ تهرانی توصیف کنید؛
۵. مشابهتهای دورانهای امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را بیان نمایید؛
۶. آثار روایی دوران امام سجاد علیه السلام را گزارش کنید.

پژوهش

۱. از کتاب بصائر الدرجات، باب «ان الائمة عندهم الصحيفة الجامعة»، ده روایات را دربارهٔ صحیفه جامعه بررسی و تحلیل کنید؛
۲. در مصادر روایی امامیه، عبارت «کتاب علی» را جست و جو کرد، و ده مورد از مصداقهای آن را در حوزه‌های مختلف فقهی بیان کنید؛
۳. با پژوهش در مصادر روایی، عبارتهای «قیدوا العلم» را آمارگیری و مهم‌ترین مفاهیم آن را بیان کنید؛
۴. ویژگیهای مصادر نهج البلاغه را که سید رضی به کمک آنها نهج البلاغه را جمع‌آوری کرده، مورد پژوهش قرار دهید؛
۵. با بررسی مصادر روایی شیعه، ادله دیگری بر نوشتن حدیث در دوران امام حسین علیه السلام ارائه کنید؛
۶. با مراجعه به مصادر رجالی، نام روایانی را که از امام سجاد علیه السلام روایت نموده‌اند، استخراج کنید.

۲

اهتمام اهل بیت علیهم السلام به حدیث (قرن دوم)

قرن دوم از دوران امام باقر علیه السلام شروع می شود و تا دوران امام کاظم علیه السلام ادامه می یابد در بخش پیشین، دوران امامت امام علی علیه السلام تا امام سجاد علیه السلام، مورد بررسی واقع و معلوم شد که امامان معصوم علیهم السلام، بر تدوین و نوشتن حدیث نبوی صلی الله علیه و آله و امامان پیش از خود تأکید فراوان داشته و آن را واجب می دانسته اند. در دوران دیگر ائمه علیهم السلام نیز، چنین تأکید و اهتمامی دیده می شود که به اختصار، دوران زندگی دیگر امامان و آثار آنان، را بررسی می کنیم.

تحلیل دوران امام باقر علیه السلام

امام محمد بن علی باقر علیه السلام، اباجعفر، متوفای ۱۱۴ هجری قمری و پنجمین امام شیعیان است. حضرت در پایان دوران بنی امیه، یعنی همزمان با حکومت عمر بن عبدالعزیز، یزید بن مالک و هشام بن عبدالملک، و آغاز قرن دوم^۱ می زیست که پایان دوران ستم و آغاز مرحله افول بنی امیه بود و هنوز سلطه بنی عباس نیز شکل نگرفته بود؛ از این رو، دوران امام باقر علیه السلام، در مقایسه با دوران ائمه پیشین، آزادیهای بیشتری فراهم آمد و ایشان توانست مرکز علمی بزرگی در مدینه ایجاد کند و شاگردانی برای

۱. شیخ مفید، الارشاد، ص ۲۶۱؛ مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۳۰۶

گسترش دانش دین تربیت نماید.^۱ این شکوفایی در دوران امام صادق علیه السلام به اوج خود رسید. مقام علمی و اخلاقی و تدریس تفسیر، فقه و دیگر علوم برای همگان، جایگاه بلند امام باقر علیه السلام را نشان می‌دهد تا آنجا که به حضرت لقب «باقر العلوم» دادند.^۲

در دوران امام باقر علیه السلام که جمعاً نه خلیفه^۳ از بنی امیه و بنی عباس حکومت کردند، شیعیان در آسایش بیشتری بودند؛ خصوصاً در دوره عمر بن عبدالعزیز که در آغاز قرن دوم می‌زیست، شرایط سیاسی بهتر بود و او ضمن نهی از سب علی علیه السلام، منع کتابت حدیث را که از دوره خلیفه دوم پایه‌گذاری شده بود و در مواردی اجرا می‌شد،^۴ برطرف کرد و در نامه به ابی بکر محمد بن حزم نوشت:

انظر ما كان من حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله او سنته فاكتبه فانی خفت دروس العلم و ذهاب العلماء.^۵

با صدور این فرمان، منع نگارش که در برخی از محافل برقرار بود، شکسته شد. نخستین کسی که به امر عمر بن عبدالعزیز حدیث را تدوین کرد، ابن شهاب زهری است^۶ که تفصیل بحث آن در بررسی «تاریخ حدیث اهل سنت» خواهد آمد.

صدور چنین فرمانی از طرف عمر بن عبدالعزیز به حاکم مدینه در پایان قرن اول و آغاز قرن دوم که محدثان آن را ثبت کرده‌اند،^۷ شرایط بهتری را برای امام باقر علیه السلام و اصحاب و شیعیان او فراهم آورد تا نوشتن حدیث رونق بیشتری گیرد؛ گرچه پس از درگذشت عمر بن عبدالعزیز، شرایط کمی سخت‌تر شد و با آمدن یزید بن

۱. المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار، مقدمه، ج ۱، ص ۳۷

۲. الصواعق المحرقة فی رد علی اهل البدع و الزندقه، ص ۲۰۱

۳. تاریخ عمومی حدیث، ص ۲۲۷

۴. سنن دارمی، ج ۱، ص ۱۲۶

۵. همان

۶. فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۱، ص ۲۵۹؛ تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۲۷۸

۷. سنن دارمی، ج ۱، ص ۱۲۶؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۴۱

اهتمام اهل بیت علیهم السلام به حدیث (قرن دوم) ۵۷

عبدالملک در سال ۱۰۱ تا ۱۰۵ و حکومت هشام از سال ۱۰۵ تا پایان امامت امام باقر علیه السلام شرایط سختی وجود داشت.^۱

روایات امام باقر علیه السلام درباره نوشتن

امام باقر علیه السلام هم بر علم آموزی و اهمیت نوشتن تأکید می کرد و هم بر معرفت و درایت آنها؛ از این رو، آثار مهمی در دوران او شکل گرفت. برخی از احادیث ایشان درباره اهمیت درک و نوشتن چنین است:

عن الباقر علیه السلام: اعرف منازل الشيعة على قدر رواياتهم ومعرفتهم فان المعرفة هي الدراية وبالدراية للرواية يعلو المؤمن الى اقصى درجات الايمان؛^۲

عن الجابر الجعفی قال: قلت لابی جعفر علیه السلام أقیّد الحديث اذا سمعت؟ قال علیه السلام: اذا سمعت حديثاً من فقه خير مما في الارض من ذهب وفضة؛^۳

عن الباقر علیه السلام: سارعوا في طلب العلم، فو الذي نفسی بيده، لحديث واحد

في حلال وحرام تأخذه عن صادق، خير من الدنيا وما حملت من ذهب وفضة.^۴

در هر سه روایت مذکور، امام باقر علیه السلام با عبارات «فان المعرفة هي الدراية» و «اذا سمعت حديثاً من فقه خير...» و «سارعوا في طلب العلم...»، ضرورت تدوین و نوشتن کامل حدیث را یادآوری می کند.

آثار مکتوب امام باقر علیه السلام

از اصحاب حضرت و فرزندش امام صادق علیه السلام آثار و کتبی روایت شده که فراوان است^۵ و شاگردان حضرت که حدود پانصد نفر بوده اند^۶ آنها را نقل کرده اند؛ از جمله:

۱. تاریخ عمومی حدیث، ص ۲۲۹

۲. باقر الشریف القرشی، حیاة الامام الباقر علیه السلام، ج ۱، ص ۱۴۰

۳. محمد بن منصور سمعانی، ادب الاملاء والاستملاء، ص ۵۵؛ تدوین السنة الشریفه، ص ۱۵۲

۴. جامع احادیث الشیعه، ج ۱، ص ۵۱

۵. عجاج، السنة قبل التدوین، ص ۳۵۴

۶. شیخ طوسی، رجال، ص ۱۰۲ به بعد

۱. تفسیر القرآن؛ به روایت زیاد بن منذر، ابوالجارود عبیدی؛^۱

۲. نسخه‌ای در احادیث، به روایت خالد بن ابی کریم، خالد بن طهمان؛^۲

۳. کتاب، به روایت عبدالمؤمن بن القاسم، زرارة بن اعین؛^۳

۴. رساله‌ای به سعد الاسکاف و سعد الخیر.^۴

امام باقر علیه السلام راویان صاحب نامی داشته که آنان نیز دارای اصل و کتاب حدیث بوده‌اند؛ مانند سلام بن ابی عمره، مسعدة بن صدقه، مسمع بن عبدالملک، نصر بن مزاحم، عمر بن ابی المقدم، ظریف بن ناصح، ابوجعفر محمد بن الحسن، معاذ بن مسلم، وهب بن عبد و... که در رجال آنان را جزء اصحاب امام باقر علیه السلام شمرده‌اند و آثاری مکتوب از ایشان گزارش کرده‌اند.^۵

تحلیل دوران امام صادق علیه السلام

جعفر بن محمد، ابی عبدالله علیه السلام، متولد ۸۳ و متوفای ۱۴۸ هجری قمری در مدینه می‌زیست و در مدت ۶۵ سال عمر پربرکت - بویژه در مدت سی و چهار سال امامت خود - مدرسه علمی بزرگی که در دوره پدر بنیان نهاده شده بود، به اوج علمی خود رساند. امامت ایشان در پایان دوره حکومت امویان و آغاز حکومت عباسیان و مصادف با خلافت هشام بن عبدالملک، ولید بن یزید، یزید بن ولید، ابراهیم بن ولید، مروان بن محمد و عبدالله بن محمد، مشهور به سفاح و ابوجعفر، مشهور به منصور دوانیقی بود.^۶ دوره سفاح و منصور دوانیقی، آغاز حکومت عباسیان است. امام صادق علیه السلام در دوره خود صدها فقیه و دانشمند را پرورش داد که برخی،

۱. فهرست ابن ندیم، ص ۳۶؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۱ - ۲. رجال نجاشی، ص ۱۵۱

۳. تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۶ - ۲۸۵

۴. رجال نجاشی، ص ۱۷۸؛ روضه کافی، ص ۵۲

۵. المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار، مقدمه، ج ۱، ص ۳۸ - ۳۹؛ رجال نجاشی،

۶. سیره پیشوایان، ص ۳۴۹

ص ۱۸۹، ۲۰۹، ۴۱۵، ۴۲۸

شاگردان او را چهار هزار نفر ذکر کرده‌اند و تابعان بزرگی در نزد اهل سنت، مثل ابوحنیفه، مالک، ابن جریج، سفیان ثوری، شعبه و... از او نقل روایت کرده‌اند.^۱

شیخ مفید می‌گوید: علوم فراوانی از آن حضرت نقل شده که زبانزد مردم گردیده و شهرت او همه‌جا پخش شده بود.^۲ در مجالس درس امام صادق علیه السلام نه تنها بنیان‌گذاران مذاهب فقهی شرکت می‌کردند، بلکه فیلسوفانی مانند حسن بصری، مؤسس مکتب فلسفی بصره واصل بن عطا، مؤسس مکتب معتزله و... حضور داشتند.^۳ ابن خلکان ایشان را یکی از امامان دوازده‌گانه امامیه می‌داند و درباره‌ی وی می‌گوید:

ابوعبدالله جعفر الصادق بن محمد الباقر... احد الائمة الاثني عشر علی مذهب الامامية و كان من سادات اهل البيت و لقب بالصادق لصدقه فی مقاله و فضله اشهر من ان يُذكر و له كلام فی صنعة الكيمياء و الزجر و الفأل و كان تلميذه ابوموسی جابر بن حیان... قد ألف كتاباً يشتمل علی الف ورقة تتضمن رسائل جعفر الصادق و هی خمسمائة رسالة.^۴

در زمان امام صادق علیه السلام، علوم مختلفی مانند قرائت قرآن، تفسیر، فقه، کلام، حدیث، نجوم، طب، ریاضیات و... رشد کرد و نقش امام صادق علیه السلام در مورد هر یک از آنها، بسیار گسترده بود. حضرت در هر یک از حوزه‌ها، شاگردانی داشتند و حرکت علمی‌شان، جهان را تکان داد و اگر شاگردانی قوی‌تر داشتند، علوم بیشتری منتشر می‌شد.

امام صادق علیه السلام به جهت فراهم شدن فرصتهای مناسب، نهضت علمی پدر را تداوم بخشید و دانشگاه بزرگی را در مدینه به وجود آورد؛ البته با مشکلات فراوانی نیز از طرف حکومت وقت - بویژه حکومت سفاح و منصور دوانیقی - روبه‌رو بود و شیعیان هم به لحاظ برخی اختلافات تاریخی، به گروههای زیدیه، کیسانیه، غلات و امامیه تقسیم شدند^۵ و مذاهب کلامی متعددی مانند مرجئه، معتزله، قدریه، خوارج،

۱. الصواعق المحرقة فی ردّ علی اهل البدع و الزندقه، ص ۲۰۱

۲. الارشاد، ص ۲۷۰ ۳. مختصر تاریخ العرب، ص ۱۹۳

۴. وفيات الاعیان، ج ۱، ص ۳۲۷ ۵. تاریخ عمومی حدیث، ص ۳۳۲

اصحاب رأی، اصحاب حدیث و...^۱ در آن دوره رشد کردند.

امام صادق علیه السلام با وجود همه مشکلات، در گسترش حدیث، تدوین و رشد آن، از شیوه‌های گوناگونی (مانند تدریس در مسجد النبی صلی الله علیه و آله، تدریس در منزل برای افراد خاص، شرکت در مناظره‌ها و دیدارهای عمومی) به نشر فقه و علوم آل محمد پرداختند. در روایتی در این خصوص آمده است:

عن ابی حمزه الثمالی قال: كنت جالساً فی مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله اذ اقبل رجل فسلم فقال: من انت يا عبد الله؟ فقلت: رجل من اهل الكوفة، فقلت فما حاجتك؟ فقال لي: أتعرف اباجعفر محمد بن علی علیه السلام؟ قلت: نعم. قال: فما حاجتك اليه؟ فقال: هیأت له اربعین مسألة اسأله عنها. فما كان من حق أخذته و ما كان من باطل تركته... اذ رأیت اباجعفر علیه السلام... حتی اقبل ابوجعفر و حوله اهل خراسان و غیرهم یسألونه عن مناسك الحج... قال: ابوحمزه فجلست بحیث اسمع الكلام و حوله عالم من الناس فلما قضی حوائجهم و انصرفوا، التفت الی رجل، فقال: له: من انت؟ فقال: أنا قتادة بن دعامة البصری. فقال له ابوجعفر علیه السلام: انت فقیه اهل البصرة؟ قال: نعم...^۲

امام صادق علیه السلام محور علم و حدیث بوده و بیشترین روایات را از او نقل کرده‌اند. ایشان چهار هزار شاگرد داشته است. شیخ مفید در این باره می‌گوید:

وكان الصادق علیه السلام... نقل الناس عنه من العلوم ما سارت به الرکیان و انتشر ذكره فی البلدان و لم یُنقل عن احد من اهل بیته العلما ما نقل عنه... فان اصحاب الحدیث قد جمعوا اسماء الرواة عنه من الثقات، علی اختلافهم فی الآراء و المقالات، فكانوا اربعة آلاف رجل.^۳

روایات امام صادق علیه السلام درباره نوشتن حدیث

از آن حضرت روایات فراوانی درباره اهمیت نشر و تدوین حدیث نقل شده که در آنها از نوشتن و جمع‌آوری دانش و حفاظت از آن با عبارات «اکتب»، «احتفظوا»،

۲. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۵۴

۱. همان، ص ۲۳۳

۳. الارشاد، ص ۲۷۱

اهتمام اهل بیت علیهم السلام به حدیث (قرن دوم) ۶۱

«فاکتبوه» و ... یاد شده و بر ضرورت تدوین و نوشتن حدیث معصومان علیهم السلام تأکید فراوان دارد. نمونه‌هایی از این احادیث در کتاب اصول کافی، باب «روایة الكتب و الحدیث» از کتاب «فضل العلم» و روایت توحید مفضل از بحار الانوار و ... آمده و چنین است:

عن عیید بن زرارة قال: قال ابو عبدالله علیه السلام: احتفظوا بکتبکم فانکم سوف تحتاجون الیهما!^۱

عن ابی عمیر، عن حسین الاحمسی عن ابی عبدالله علیه السلام قال: القلب یتکل علی الکتابه!^۲

عن المفضل بن عمره قال: قال لی ابو عبدالله علیه السلام: اکتب و بث علمک فی اخوانک فان مت فاورث کتیبک بینک فانه یأتی علی الناس زمان هرج لا یأنون فیہ الا بکتیبهم!^۳

عن ابی بصیر قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول: اکتبوا فانکم لا تحفظون حتی تکتبوا!^۴

امام صادق علیه السلام در روایتی مفصل برای مفضل، مطالبی فرموده که محمد بن سنان آن را چنین نقل می‌کند که مفضل بن عمر می‌گوید: روزی در مسجد النبی در قسمت روضه نشسته بودم که ابن ابی العوجا وارد شد و مطالبی نادرست در مورد خداوند، یکتایی او و ... می‌گفت که مرا به خشم آورد. پس از گفت و گوی با او، از مسجد خارج شدم؛ در حالی که خشمگین بودم که چگونه اهل کفر و نفاق چنین مطالبی بیان می‌کنند تا آنکه بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. حضرت حال مرا که دید، از من پرسید: ما لك؟ فاخبرته بما سمعت من الدهرین و ما رددت علیهما فقال: لالقیین الیک من حکمة الباری ... فبکر علی غدا ... فقال: تأمل یا مفضل! ما انعم الله تقدست اسماؤه علی الانسان من هذا التطق الذی یعبر به عما فی ضمیره ... و كذلك

۱. کافی، ج ۱، ص ۵۲ ۲. همان

۴. همان

۳. همان؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۵۲

الکتابة التي بها تقيّد اخبار الماضين للباقيين و اخبار الباقيين للآتين و بها تخلد الكتب في العلوم الآداب و غيرها و بها يحفظ الانسان ذكر ما يجرى بينه و بين غيره من المعاملات و الحساب و لولاه لانقطع اخبار بعض الازمنة عن بعض اخبار الغائبين عن اوطانهم و درست العلوم؛^۱

امام صادق عليه السلام برای ابن مارد در فضیلت زیارت امیرالمؤمنین عليه السلام هنگام پرسش او از زیارت حضرت علی عليه السلام می فرماید:
يا بن مارد! من زار جدّي عارفاً بحقّه كتب الله له بكل خطوة حجة مقبولة و عمرة مبرورة... يا بن مارد! اكتب هذا الحديث بماء الذهب.^۲

آثار مکتوب امام صادق عليه السلام

در مدت امامت امام صادق عليه السلام، آثار و کتابهای فراوانی تدوین شده که در کتابهای تاریخی به حضرت و شاگردانش نسبت داده شده. این آثار در مواردی با املائی آن حضرت بوده است؛ مانند:

۱. التوحید: کتاب توحید، املائی حضرت صادق عليه السلام بر مفضل بن عمر جعفری است که اعتقادات امامیه در قلمرو توحید را در بر گرفته است. مجلسی آن را به صورت کامل گزارش کرده^۳ و به صورت مستقل نیز چاپ شده است. شیخ محمد خلیلی نجفی آن را به نام امالی امام صادق عليه السلام، منتشر نموده.^۴
۲. رساله اهللبچه: این رساله، مکتوبی پرمحتوا است که امام صادق عليه السلام آن را در مقام احتجاج و ردّ بر ملحدان و منکران ربوبیت، نگاشته و به مفضل بن عمر داده است. علامه مجلسی پس از کتاب التوحید، آن را در جلد سوم بحار الانوار نقل می کند.^۵

۱. بحار الانوار، ج ۳، ص ۵۷ - ۸۲

۲. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۱

۳. بحار الانوار، ج ۳، ص ۵۷ - ۱۵۱

۴. تدوین السنة الشریفه، ص ۱۶۵

۵. بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۵۲ - ۱۹۶؛ المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار، مقدمه، ص ۴۱

۶۳ اهتمام اهل بیت علیهم السلام به حدیث (قرن دوم)

۳. رساله اهوازیه: رساله اهوازیه - همچنان که از نامش معلوم است - نامه‌ای است که امام علیه السلام به عبدالله نجاشی، والی اهواز نوشت و مطالب مهمی در مباحث اخلاقی دارد. علامه مجلسی آن را در بحارالانوار^۱ نقل می‌کند و آقابزرگ تهرانی نیز، از آن یاد می‌نماید.^۲

۴. جعفریات: جعفریات نیز، از دیگر آثار مکتوب امام صادق علیه السلام است که مجموعه‌ای از روایات حوزه احکام است این مجموعه بر اساس ابواب فقهی ترتیب یافته و امام کاظم علیه السلام آن را از امام صادق علیه السلام روایت کرده است. از مجموعه جعفریات با عنوان اشعثیات نیز یاد شده؛ زیرا راوی آن ابن اشعث بوده است.^۳ قاضی نعمان مصری نیز که از علمای اسماعیلیه است، از آن یاد و نقل قول می‌کند.^۴

۵. کتاب الحج: این مجموعه، روایات آن حضرت درباره حج و احکام آن بوده که ابان بن عبدالملک الثقفی آن را روایت کرده است.^۵

۶. مجموعه رساله و نامه‌های حضرت صادق علیه السلام: از آن حضرت تعدادی نامه نقل شده که برای برخی اصحاب خود نوشته‌اند؛ مانند نامه‌ای که امام علیه السلام درخصوص راهنمایی اصحاب به رفتار نیکو و سلوک دینی نوشته و کلینی آن را در کتاب روضه کافی آورده است^۶ و یا رساله‌ای که ایشان در مورد راههای کسب، رساله‌ای در مورد خمس و غنایم و... برای اصحاب خود نوشته و در کتابهای روایی ثبت شده است.^۷ علاوه بر آن، راویان فراوانی از ایشان احادیث گوناگونی را نقل کرده‌اند^۸ که در بخش «اصول اربعمأة» بدان اشاره می‌شود.

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۷۱ - ۲۷۷؛ المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحارالانوار، مقدمه، ص ۴۱
۲. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۱۰۹
۳. همان، ج ۲، ص ۱۰۹
۴. تدوین السنة الشریفه، ص ۱۶۶
۵. رجال نجاشی، ص ۱۴
۶. کافی، ج ۸، ص ۲
۷. تحف العقول، ص ۳۳۱، ۳۳۹
۸. تدوین السنة الشریفه، ص ۱۶۷ - ۱۷۲ که شامل ۲۱ کتاب و نسخه منسوب به ایشان است.

رشد حدیث‌نگاری در دوران امام صادق علیه السلام

دوران امام صادق علیه السلام در بین دوران ائمه معصومان علیهم السلام به عللی - از جمله سقوط بنی‌امیه - دوران رشد حدیث‌نگاری و شکل‌گیری و تبلور فقه جعفری است؛ زیرا نهضت علمی که از زمان امام باقر علیه السلام آغاز شد، در دوران امام صادق علیه السلام به ثمر رسید و حوزه علمیه بزرگ فقه، تفسیر، حدیث و... به امامت آن حضرت علیه السلام، رو به گسترش بود. در این حوزه صدها عالم (مانند هشام بن حکم، مفضل و...) افتخار علم‌آموزی از ایشان را داشتند و هر یک در شهر خود به کتابت و نشر آموخته‌های خود همت گماشتند.

حکومت بنی‌امیه در دوره امام صادق علیه السلام به علت تبدیل حکومت اسلامی به حکومت سلطنتی و تقسیم نادرست بیت‌المال، جنایت و قتل بی‌گناهان، شکستن حریم مظاهر دینی و حرمت امامان و فرزندان اهل‌بیت علیهم السلام، گسترش تجمل و زیاده‌طلبی، میگساری و عیاشی و...^۱ رو به افول گذاشت. امام صادق علیه السلام از همه این فرصتها بخوبی استفاده کرد و بار دیگر، حقایق دینی از تفسیر، حدیث و فقه را بر جان و دل جمع زیادی سرازیر کرد.

در دوره امام صادق علیه السلام پس از سقوط بنی‌امیه، شرایط تا آنجا پیش رفت که عباسیان پیشنهاد بیعت با امام علیه السلام را هم مطرح کردند و شعار، لباس سیاه و پرچم سیاه را با هدف بازگشت به دین اسلام پیش کشیدند. و معتقد بودند که لباس و پرچم سیاه، نشانه سوگواری در عزای خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است و یا می‌خواستند خود را مصداق «ملاحم» معرفی کنند که طبق آن، پدید آمدن علمهای سیاه از سوی خراسان، نشانه زوال دولت جابران و تشکیل دولت حق شمرده می‌شود؛^۲ ولی امام صادق علیه السلام که با هوشیاری کامل از نیت نهایی آنان آگاه بود، در پاسخ یکی از سرانشان،

۱. شهیدی، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، ص ۲۰۳؛ سیره پیشوایان، ص ۳۷۹

۲. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۴۷۹؛ اسماعیل بن کثیر دمشقی، البدایة والنهایة،

ج ۱۰، ص ۶۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷

نوشت: «مانت من رجالی و لا الزمان زمانی»^۱ و در نامه‌های دیگر، جواب منفی به ایشان داد و در پاسخ به پیام دیگری فرمود: «نامه تو را جوابی نیست، از نزد ما بیرون شو».^۲ جواب منفی امام صادق علیه السلام، به علت عدم صلاحیت آنان برای یک قیام مکتبی بود؛ وگرنه امام صادق علیه السلام همواره دنبال فرصتی بود تا زمینه‌های نشر علوم آل محمد را برای همگان فراهم آورد و همه دلها و جانها را در سرتاسر عالم، با آنها آشنا کند به همین جهت در پایان دوره امامت حضرت با تثبیت حکومت منصور دوانیقی، فشارها بر ایشان و شیعیان خالص بیشتر شد و نه تنها وعده‌های عباسیان در مورد رفع مظلومیت از خاندان گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله، عملی نشد، بلکه با روش مکارانه و مرموز، بر مخالفت با اهل بیت عصمت علیهم السلام تأکید ورزیده و همچون امویان، برنامه‌های ضد دینی را گسترش دادند.^۳ آنان شهر مدینه را که شهر اهل بیت علیهم السلام بود، در محاصره اقتصادی قرار دادند و شخص خشن و سنگدلی را حاکم آنجا گماشتند تا تمام فعالیت‌های امام صادق علیه السلام را مهار و محدود کند؛^۴ ولی امام صادق علیه السلام در هیچ شرایطی از گسترش دانش روی نگرداند و سبب نشر روایات فراوانی شد که اکنون در مصادر روایی به نام ایشان ثبت است و بسا نیمی از روایات را شامل شود.

تحلیل دوران امام کاظم علیه السلام

امام موسی کاظم علیه السلام هفتمین امام، متوفای ۱۸۳ هجری و معاصر با خلفای چهارگانه (منصور دوانیقی؛ محمد، معروف به مهدی، هادی و هارون) است. آغاز امامت امام کاظم علیه السلام، مصادف با حکومت منصور دوانیقی بود. او می‌کوشید فرصتی که برای امام صادق علیه السلام فراهم شده بود، دیگر برای امام کاظم علیه السلام تکرار نشود؛ بدین سبب راه بر امام کاظم علیه السلام در گسترش هر چه بیشتر دانش - به علت زندانهای طولانی - بسته

۱. محمد بن عبدالکریم شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۵۴؛ سیره پیشوایان، ص ۲۸۴

۲. سیره پیشوایان، ص ۳۹۳

۳. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۹۷

۴. همان، ص ۳۹۷

شد؛ ولی حضرت با وجود همه مشکلات، گروهی از شیعیان خاص را گرد آورد و کلمات و احادیث خویش و امامان پیش از خود را نشر داد. امام کاظم علیه السلام در مدت ۳۵ سال امامت، با وجود همه مشکلات سیاسی از طرف حکومت، شاگردان فقیهی را همچون علی بن یقظین، حسان بن مهران، عبدالرحمن بن حجاج، اسحاق بن عمار کوفی، اسماعیل بن موسی و ...^۱ پروراند تا حوزه درسی معارف دینی گسترش یابد.

آثار مکتوب منسوب به امام کاظم علیه السلام

۱. مسند الامام موسی بن جعفر علیه السلام: مسند امام کاظم علیه السلام، مجموعه روایاتی بوده است که امام علیه السلام آنها را به واسطه پدران خود به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسانده و روایانی مانند موسی بن ابراهیم، ابو عمران مروزی آنها را از امام کاظم علیه السلام می‌شنیده و نقل می‌کردند.^۲ مسند امام کاظم را سید محمد حسین حسینی جلالی تصحیح کرده و در سال ۱۳۸۹ در نجف منتشر شده است.^۳

۲. کتابها و نسخه‌های اصحاب ایشان: یاران ایشان، برخی کتابها و یا نسخه‌ها را از حضرت روایت کرده‌اند؛ مانند کتابی که به واسطه محمد بن صدقه، بکر بن اشعث، خلف بن حماد و ... منتشر شده و نسخه‌هایی از روایات که به واسطه علی بن حمزه، محمد بن ثابت، محمد بن زرقان، علی بن یقظین و ... از امام کاظم علیه السلام روایت شده.^۴

۳. رساله‌ها و نامه‌ها: حضرت امام کاظم علیه السلام، نامه‌ها و رساله‌هایی خطاب به یارانش نوشته که همه آنها حدیث است و نشان از اهمیت کتابت و تدوین روایات دارد؛ مانند رساله‌ای که حضرت در زندان در پاسخ پرسشهای علی بن سوید نگاشتند و اکنون آن را کنگره و مؤتمر جهانی امام رضا علیه السلام با تحقیق شیخ فاضل

۱. هاشم معروف حسنی، سیره الائمة الاثنی عشریه، ج ۲، ص ۳۱۳

۲. فهرست شیخ طوسی، ص ۱۹۱؛ رجال نجاشی، ص ۴۰۷

۳. تدوین السنة الشریفه، ص ۱۷۳

۴. همان، ص ۱۷۴؛ رجال نجاشی، ص ۱۰۹، ۱۵۲، ۲۷۳، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۳

اهتمام اهل بیت علیهم السلام به حدیث (قرن دوم) ۶۷

المالکی به همراه شرح حال علی بن سوید سائی در قم منتشر کرده است^۱ و همانند رساله معروف امام در خطاب به هشام بن حکم در قلمرو و مفاد عقل که مفصل است و شیخ کلینی آن را در کتاب «العقل و الجهل» در شماره ۱۲ آورده که بخشی از آن چنین است:

عن هشام بن الحكم قال: قال لي ابوالحسن موسى بن جعفر علیه السلام: يا هشام! ان الله تبارك و تعالی بشر اهل العقل و الفهم فی کتابه... يا هشام! ان الله تبارك و تعالی اكمل للناس الحجج بالعقول و نصر النبيين بالبيان و...^۲

از امام کاظم علیه السلام روایات فراوانی در کتابهای روایی موجود است که برخی آنها را تا حدود دو هزار و دویست مورد دانسته‌اند،^۳ این روایات را شاگردان و اصحاب حضرت نقل کرده‌اند و با همه اختلافی که در دوره امام کاظم علیه السلام بوده، یارانی او را همراهی و روایاتش را ثبت می‌کردند؛ چنان که زید النهسلی نقل می‌کند:

كان جماعة من خاصة ابي الحسن علیه السلام من اهل بيته و شيعته يحضرون مجلسه و معهم في اكمالهم الواح ابنوس لطاف و اميال فاذا نطق ابوالحسن علیه السلام بكلمة او افتى في نازلة، اثبت القوم ما سمعوا منه في ذلك.^۴

شیخ مفید هم ایشان را افقه زمان خود می‌داند و معتقد است که اهل مدینه او را «زینت مجتهدان» لقب داده‌اند.^۵ سید احمد میرخانی، شاگردان مؤلف آن حضرت را ۴۲ نفر می‌داند که برخی چندین تألیف داشته‌اند؛ مانند محمد بن ابی عمیر که ۹۲ کتاب و یونس عبدالرحمن^{۳۶} کتاب دارد. و مجموع آثاری که شاگردان آن حضرت نوشته‌اند، بیش از دویست اثر بوده است.^۶

۲. الکافی، ج ۱، ص ۱۳

۱. تدوین السنة الشریفه، ص ۱۷۵

۳. تاریخ عمومی حدیث، ص ۳۱۰

۴. سید بن طاووس حلی، مهج الدعوات، ص ۲۱۹

۶. سید احمد میرخانی، سیر حدیث در اسلام، ص ۲۱۳

۵. الارشاد، ص ۲۸۹

پرسش

۱. تدوین حدیث در دوران امام باقر علیه السلام چه ویژگی‌هایی داشت؟
۲. آثار مکتوب از امام باقر علیه السلام را نام ببرید.
۳. تدوین حدیث در دوران امام صادق علیه السلام از چه اهمیتی برخوردار بود؟
۴. دو نمونه از روایات امام صادق علیه السلام را درباره نوشتن حدیث بیان کنید.
۵. نظر شیخ مفید در مورد نقش امام صادق علیه السلام و راویان ایشان، چیست؟
۶. آثار مکتوب زمان امام صادق علیه السلام را نام ببرید.
۷. شرایط زمان امام کاظم علیه السلام در مورد تدوین حدیث، چگونه بود؟
۸. دو نمونه از مکتوبات زمان امام کاظم علیه السلام را بیان کنید.

پژوهش

۱. زمینه‌های تصمیم‌گیری عمر بن عبدالعزیز را در تدوین حدیث تحلیل نمایید؛
۲. فرمان عمر بن عبدالعزیز به حاکم مدینه را بررسی و بیان کنید چه تأثیری بر عالمان شهر مدینه داشت؛
۳. راویانی را که از امام باقر و امام کاظم علیه السلام در کتب اربعه روایت کرده‌اند، استخراج و طبقه‌بندی نمایید؛
۴. با بررسی مصادر روایی شیعه، روایاتی را که با عبارت «دخلت علی ابی عبدالله علیه السلام» یا «دخلت علی ابی جعفر علیه السلام»، آمده است، معلوم و تحلیل کنید که راویان چگونه و به چه مقدار از امام صادق علیه السلام علم آموخته‌اند؛
۵. مناظره‌های علمی حضرت صادق علیه السلام را در مصادر روایی فریقین مشخص و تحلیل کنید؛
۶. در کتاب بحار الانوار، احتجاجات امام صادق علیه السلام را معلوم و از نظر موضوع دسته‌بندی کنید؛
۷. روایات امام صادق علیه السلام را در کتاب الارشاد شیخ مفید که بر کتابت دلالت می‌کند، تحلیل نمایید.

اهتمام اهل بیت علیهم السلام به حدیث (قرن سوم)

قرن سوم، دوران امام رضا، امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیهم السلام را شامل می‌شود. در این دوران و همچنین پیش از آن، دهها مجموعه حدیثی نگاشته شد که اهتمام امامان شیعه بر نوشتن حدیث را می‌رساند. در این بخش به بررسی مجموعه‌های حدیثی این دوره و «اصول اربعه‌امه» و سرنوشت آنها نیز می‌پردازیم که به اختصار دوران هریک از امامان مذکور چنین است:

تحلیل دوران امام رضا علیه السلام

علی بن موسی الرضا علیه السلام هشتمین امام، شهادت ۲۰۳ق است. مدت امامت ایشان بیست سال می‌باشد و معاصر با خلفای عباسی هارون، محمدامین و مأمون بود. امام رضا علیه السلام جز در دوره امین که دستگاه حکومتی عباسی به لحاظ اختلافات داخلی و مناقشات امین و مأمون درگیر بودند، از آزادیهای سیاسی برخوردار نبود؛ ولی در تمام دوران امامت - بویژه در مسیر مسافرت به ایران، از قم، ری، نیشابور، سبزوار و... تا سکونت در طوس - برگسترش حدیث تأکید فراوان داشت؛ خصوصاً مناظرات و مباحثات علمی ایشان با مخالفان که راویان آنها را گزارش کرده‌اند. نقش حضرت در برخورد با مذاهب فکری مثل زردشتیان، صائیان، نسطوریان، رومیان و

برهمنهای هند و... بسیار مهم است؛ زیرا در برابر کسانی که آثار علمی خود را از زبانهای یونانی، فارسی، سریانی، هندی، لاتین و... به عربی ترجمه می‌کردند، نهضت علمی و فکری مهمی ایجاد کرد و با مباحثات و مناظرات، با عقاید نادرست آنان به مقابله برخاست؛^۱ خصوصاً مناظرات آن حضرت با جاثلیق، رأس الجالوت، عمران صائی، سلیمان مروزی، علی بن محمد بن جهم که مباحثات علمی مهمی بود و راویان حضرت آنها را گزارش کرده‌اند.^۲ این روایات حکایت از اهمیت نشر و تدوین حدیث دارد؛ خصوصاً که حضرت رضا علیه السلام بر حفظ و نگهداری روایات اهتمام فراوان داشت. در این خصوص، مطالبی خواهد آمد.

روایاتی از امام رضا علیه السلام درباره نوشتن حدیث

امام علیه السلام به هنگام تشویق فردی از اصحاب که حدیث مهمی را روی کاغذ نوشته و بر حضرت رضا علیه السلام عرضه داشت، فرمود: آن را روی پوست بنویسید؛ زیرا که دوام بیشتری دارد. راوی در این باره می‌گوید:

کتبت علی ظهر قرطاس: «ان الدنيا ممثلة للامام كفلقة الجوزة» فدفعته الی ابی الحسن علیه السلام و قلت: جعلت فداک، ان اصحابنا رووا حدیثاً، ما انکرته غیر اُتی احببت ان أسمعہ منك. قال: فنظر فیہ، ثم طواه حتی ظننت أنه قد شقّ علیہ ثم قال علیه السلام: هو حقّ فحوّله فی أدیم.^۳

مجلسی پس از نقل این حدیث، در مقام بیان آن می‌گوید:

انما قال علیه السلام «فحوّله الی أدیم»، لیکون أدوم و اکثر بقاءً من القرطاس لاهتمامه بضبط هذا الحدیث و یظهر منه استحباب کتابة الحدیث و ضبطه و الاهتمام به؛^۴

۱. الارشاد، ص ۳۰۴، ۳۱۰؛ سیره پیشوایان، ص ۵۰۹

۲. بحار الانوار، ج ۴۹؛ مسند الامام الرضا، ج ۲

۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۴۵؛ محمد بن نعمان مفید، الاختصاص، ص ۲۱۷

۴. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۴۶

اهتمام اهل بیت علیهم السلام به حدیث (قرن سوم) ۷۱

وهنگامی که علی بن اسباط می خواهد تفسیر آیه ﴿...وَكَانَ تَخْتَهُ كَنْزُ لِهَمَا...﴾^۱ را از حضرت پرسد و آن را بنویسید، امام رضا علیه السلام دوات را در اختیار او قرار می دهد. علی بن اسباط در این باره می گوید:

قلت له علیه السلام: جعلت فداك، أريد ان اكتب. قال: فضرب يده علیه السلام الى الدواة فتناولت يده فتناولتها و أخذت الدواة فكتبته؛^۲

احمد بن عمر حلال نقل می کند: خدمت امام رضا علیه السلام عرض کردم که گاهی برخی کتابها را کسی به من می دهد، آیا من مجاز هستم از آن نقل کنم با آنکه صاحب کتاب مرا مأمور به روایت آن نکرده است؟ حضرت در پاسخ می فرماید: «اذا علمت ان الكتاب له، فاروه عنه».^۳

در سه گزارش ذکر شده، اهتمام امام رضا علیه السلام به نوشتن آشکار است؛ خصوصاً در روایت نخست که بر نوشتن متن روی برگه ای پایدار تأکید شده.

آثار مکتوب امام رضا علیه السلام

۱. صحیفه یا مسند الرضا علیه السلام: حضرت در آن، روایاتی از پدراناش گزارش می کند که از نظر نقل، متواتر و مشهور است^۴ و آن صحیفه بارها چاپ شده؛
۲. الرسالة الذهبية: این رساله شامل روایاتی در خصوص «طب و بهداشت» است و امام رضا علیه السلام آن را برای مأمون عباسی نگاشت و مکرر چاپ شده است؛^۵
۳. امالی الرضا علیه السلام: امام علیه السلام مطالبی را بر دعبل خزاعی املا کرده و شیخ طوسی آن را روایت نموده است.^۶ فضل بن شاذان نیز مطالبی را به املاى حضرت نوشته است؛^۷
۴. کتاب اهللبجه: حضرت آن را در خصوص مباحث کلامی و اعتقادی و حجتی روان و رسا در چند بخش فراهم آورده است؛

۱. کهنف، ۸۲ ۲. تدوین السنة الشریفه، ص ۱۷۶

۳. کافی، ج ۱، ص ۵۲ ۴. تدوین السنة الشریفه، ص ۱۷۷

۵. همان، ص ۱۷۸ ۶. شیخ طوسی، الامالی، ج ۱، ص ۳۷۰

۷. شیخ صدوق، الامالی، ص ۲۱

۵. دیگر آثار و رساله‌ها: راویانی چون وشاء، علی بن مهدی بن صدقه، عباس بن هلال شامی، موسی بن سلمه، معاویه بن سعید و... رساله و مجالس دیگری از حضرت روایت کرده‌اند.^۱

شیخ طوسی راویان حدیث از امام رضا علیه السلام را ۳۱۸ نفر می‌داند.^۲ از حضرت حدود پانصد حدیث نقل شده^۳ که بخش مهمی از آن، مربوط به دوران حضور ایشان در خراسان می‌باشد؛ زیرا در پنج سال پایان عمر خود که در خراسان حضور داشتند، فرصت بیشتری برای مناظرات و مباحثات علمی فراهم شد.^۴ حدود هشتاد تن از شاگردان امام رضا علیه السلام تألیفاتی در حدیث دارند که در مجموع به ۲۰۷ کتاب بالغ می‌شود.^۵

تحلیل دوران امام جواد علیه السلام

نهمین امام شیعیان، محمد بن علی جواد علیه السلام است که در سال ۲۲۰ قمری چشم از جهان فرو بست. مدت ولایت حضرت، حدود هفده سال بود. ایشان با مأمون و معتصم عباسی معاصر است و در دوران پرستمی می‌زیسته و به ناچار از شهر مدینه به بغداد مهاجرت کرد. آن امام هم همانند پدر در مواجهه با مخالفان اعتقادی به مناظره برمی‌خواست است. برای نمونه در مناظره‌ای با یحیی بن اکثم شرکت می‌جوید؛ که او یکی از دانشمندان نامدار زمان مأمون بوده است، هنگام مناظره با امام جواد علیه السلام شگفت زده می‌شود.^۶

۱. رجال نجاشی، ص ۳۹، ۲۷۷، ۲۸۲، ۴۰۹، ۴۱۰؛ تدوین السنة الشریفه، ص ۲ - ۱۸۰

۲. شیخ طوسی، رجال، ص ۳۶۶ - ۳۹۷

۳. تاریخ عمومی حدیثه ص ۳۱۰

۴. محمد جواد فضل الله، تحلیلی از زندگی امام رضا علیه السلام، ص ۴۲۷

۵. سیر حدیث در اسلام، ص ۲۳۶

۶. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۷۵؛ سید محمد کاظم قزوینی، الامام الجواد من المهد الی اللحد، ص ۱۶۸

اهتمام اهل بیت علیهم السلام به حدیث (قرن سوم) ۷۳

امام علیه السلام با وجود خفقان دوران عباسی، برای گسترش علم و نوشتن حدیث بسیار کوشید و بدان سفارش می فرمود. در این باره در حدیثی که راوی آن محمد بن حسن شینوله است، چنین می خوانیم:

جعلت فداک، ان مشایخنا رووا عن ابی جعفر و ابی عبدالله علیهم السلام و کانت التقیه

شدیة فکتبوا کتبهم فلم ترو عنهم فلما ماتوا صارت الکتب الینا؟ [قال:] حدثوا

بها فانها حق.^۱

امام جواد علیه السلام بر گسترش نقل حدیث اهتمام داشت و هنگامی که احادیثی نادرست

بر حضرت جواد علیه السلام عرضه می شد، حضرت با دلیل، آنها را نقد می کرد.^۲

شاگردان و راویان حضرت، حدود صد و ده نفر بوده اند^۳ و از ایشان بیش از

دویست روایت، نقل شده است که در مسند الامام الجواد علیه السلام جمع آوری شده و

در بردارنده موضوعات مختلف فقهی، عقیدتی و ... است.^۴ مهم ترین راویان

حضرت؛ علی بن مهزیار، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنتی، احمد بن محمد بن

خالد برقی، حسین بن سعید اهوازی و ... می باشند. ۲۶ نفر از راویان امام علیه السلام، ۷۸

اصل نوشته اند.^۵

تحلیل دوران امام هادی علیه السلام

دهمین امام شیعیان، علی بن محمد هادی علیه السلام، است که در سال ۲۵۴ قمری چشم از

جهان فرو بست. مدت امامت ایشان ۳۳ سال می باشد و با شش خلیفه عباسی

(عباسی، معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین و معتز)^۶ بوده است که هر کدام با

ایجاد مزاحمتهایی برای حضرت هادی علیه السلام، شرایط سختی را فراهم آورده، گرچه که

۱. کافی، ج ۱، ص ۵۳

۲. علامه امینی، الغدیر، ج ۵، ص ۳۲۱؛ سیره پیشوایان، ص ۵۱

۳. شیخ طوسی، رجال، ص ۳۹۷

۴. عزیزالله عطاردی، مسند الامام الجواد

۶ سیره پیشوایان، ص ۵۶۸

۵ سیر حدیث در اسلام، ص ۲۶۶ - ۲۷۸

در دوران امام هادی علیه السلام عظمت خلافت عباسیان، فرو ریخته و برخی از نهضت‌های علویان روبه رشد بودند^۱ و امام هادی علیه السلام سعی در گسترش فرهنگ دینی از جمله از طریق نشر احادیث و کتابت آنها دارد که موارد ذیل بر آن حضرت منسوب است.

آثار مکتوب حضرت هادی علیه السلام

آثار منسوب به حضرت را این گونه برشمرده‌اند:

۱. الامالی فی تفسیر القرآن: این اثر را دو تن از یاران ایشان فراهم کرده‌اند و به املائی امام هادی علیه السلام بوده است؛^۲
 ۲. الرسالة الرد فی اهل الجبر و التفویض: ابن شعبه نیز، آن را نقل کرده است؛^۳
 ۳. کتاب فی احکام الدین: امین عاملی آن را نقل کرده؛^۴
 ۴. نسخه‌ها و اصل‌هایی دیگر: راویانی مانند علی بن الریان بن صلت، علی بن جعفر الهمانی، عیسی بن احمد بن عیسی بن المنصور، ابوطاهر و ابن حمزه بن الیسع، آنها را از امام علیه السلام نقل کرده‌اند.^۵
- مجموعه روایات نقل شده از حضرت، به نام مسند الامام الهادی علیه السلام منتشر شده که بیست تن از راویان ایشان، آن را روایت کرده‌اند. راویان آن حضرت که تعدادشان را ۱۸۵ نفر دانسته‌اند.^۶ بیش از چهار صد اصل و نسخه روایت کرده‌اند.^۷ امام علیه السلام با غلات، مبارزه کرد و در جهت اصلاح افکار آنان در مورد آن امام، سخنان و نوشته‌هایی داشته است؛ مثلاً هنگامی که ابن حسکه از ایشان سؤال می‌کند، در مقام پاسخ افکار وی را پالایش می‌نماید.^۸

۱. همان
 ۲. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۴، ص ۲۸۳
 ۳. تحف العقول، ص ۴۵۸؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۰
 ۴. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۰
 ۵. رجال نجاشی، ص ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۹۷، ۴۶۰
 ۶. شیخ طوسی، رجال، ص ۴۴۷؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۵۰
 ۷. سیر حدیث در اسلام، ص ۲۸۱
 ۸. ابو عمر محمد کسبی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۱۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۵۴

تحلیل دوران امام عسکری علیه السلام

یازدهمین امام شیعیان، حسن بن علی عسکری علیه السلام، در سال ۲۶۰ ق از دنیا رفت. و مدت امامت ایشان شش سال بود که در محله و پادگان عسکر می زیست.^۱ حضرت با معتز، مهتدی و معتمد معاصر بوده است.^۲ امام عسکری علیه السلام نیز با وجود اختناق شدید، یارانی در تدوین حدیث داشت و راویان آن حضرت را بیش از یکصد نفر دانسته اند.^۳ امام عسکری یارانی داشته که اثری در روایت از آن حضرت به جای گذاشته اند و تعدادشان به بیش از صد اثر و اصل می رسد؛ مانند علی بن حسن فضال، دارای ۳۶ کتاب؛ محمد بن حسن صفار، ۳۵ کتاب و عبدالله بن جعفر حمیری، ۱۹ کتاب.^۴

امام عسکری علیه السلام، همواره کاتبان حدیث را تشویق می کرده است. برای نمونه از داود بن قاسم جعفری نقل شده که می گوید: هنگام عرضه کتاب یوم و لیلۀ از یونس آل یقطین بر امام عسکری علیه السلام، حضرت از من پرسید: این کتاب از کیست؟ خدمت ایشان گفتم: از نوشته های یونس مولا آل یقطین است. حضرت فرمود: «اعطاه الله بكل حرف نوراً یوم القيامة».^۵ هنگامی که برخی از آثار راویان حدیث بر ایشان عرضه شد، ضمن تأیید کتابت آنها، دستور عمل به آن را صادر فرموده و می گویند: «صحیح فاعملوا به».^۶

آثار مکتوب حضرت عسکری علیه السلام

۱. تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: برخی علما از جمله صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه^۷ و توحید این تفسیر^۸ را از آن حضرت می دانند. بعضی نیز آن را از حضرت

۲. سیره پیشوایان، ص ۶۱۶

۱. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۶

۳. شیخ طوسی، رجال، ص ۴۲۷

۵. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۵۰

۴. سیر حدیث در اسلام، ص ۳۰۱

۶. ابن طاوس حلی، فلاح السائل، ص ۲۸۹

۷. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۲۷

۸. رضا استادی، آشنایی با تفاسیر قرآن، ص ۲۰

عسکری رضی الله عنه ندانسته و معتقدند که تفسیر موجود، غیر از تفسیر اصلی است.^۱ تفسیر موجود، بخشی از سوره حمد و بخشی از سوره بقره و... است و عالمان رجالی و مفسران، در مورد آن دیدگاههای متفاوتی دارند.^۲ از تفسیر مذکور، نسخه‌های خطی فراوان وجود دارد و ضمن چاپ سنگی، دارای چاپ حروفی نیز هست؛

۲. کتاب المنقبة: برخی کتاب مذکور را مشتمل بر احکام فقهی از آن حضرت رضی الله عنه دانسته و آن را بی ارتباط با فقه الرضاندانسته‌اند؛^۳

۳. نسخه‌ها و اصلهای دیگر: راویانی مانند عبدالله بن محمد، ابومعاد،^۴ محمد بن سلیمان، محمد بن ریان بن صلت، محمد بن علی بن عیسی قمی از حضرت نقل کرده‌اند.^۵ در پایان دوران امام عسکری رضی الله عنه و در آغاز دوران امام مهدی رضی الله عنه یعنی در دوره غیبت صغرا، آن حضرت نیز به پرسشهای گوناگون پاسخ داده که با نام «توقیعات» حضرت معروف است و نجاشی آن را از ابوالعباس حمیری و... نقل می‌کند.^۶ شیخ صدوق نیز در کتاب کمال الدین به نقل تعدادی از آنها می‌پردازد و علامه مجلسی هم در جلد ۵۲ و ۵۳ بحار الانوار، تعدادی از آنها را نقل می‌کند. توقیعات را نواب اربعه آن حضرت رضی الله عنه منتشر کرده‌اند. و بدین شکل، آنها و دیگر مکتوبات ائمه رضی الله عنهم در اختیار نسلهای بعد قرار گرفته است.

اصول اربعمأة و دوران رشد حدیث‌نگاری

بدون تردید در دوران حضور ائمه رضی الله عنهم (از قرن اول تا اواخر قرن سوم) امامان معصوم رضی الله عنهم بر نشر، نقل و نوشتن حدیث، تاکید می‌کردند و هر یک با توجه به

۱. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۴، ص ۲۸۳ - ۲۹۷؛ محمد هادی معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیبه ج ۲، ص ۳۳۱؛ آشنایی با تفاسیر قرآن، ص ۲۳؛ تدوین السنة

الشریفة، ص ۱۸۵ ۲. محمد تقی تستری، الاخبار الدخلیه، ج ۱، ص ۱۵۲

۳. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲۳، ص ۱۴۹ ۴. همان، ج ۲۴، ص ۱۵۲

۵. رجال نجاشی، ص ۳۴۷، ۳۷۰، ۳۷۱

۶. همان، ص ۲۲۰؛ تدوین السنة الشریفة، ص ۱۸۶

شرایط خود در مورد تدوین حدیث کوشیدند؛ از این رو، صدها و بلکه هزاران اثر از آنان به نسلهای بعد منتقل شد. عمل و اهتمام ایشان در مورد حدیث‌نگاری، دلیل اباحه و حتی ضرورت حفظ و کتابت حدیث بود و شیعیان از میراث گرانقدرشان بهره بردند.

در این باره تاریخ گواهی می‌دهد که در عصر ائمه علیهم السلام - بویژه در دوره امام باقر و امام صادق علیهم السلام، اصول، کتب و آثاری روایی تدوین شد که بعدها به اصول اربعه‌ای معروف گردید که نشان از رشد حدیث‌نگاری در قرون نخستین دارد. بدین جهت در سخنان علما و محدثان شیعه از قرن ششم به بعد، از تدوین و شکل‌گیری اصول اربعه‌ای یاد شده است که برخی از آن سخنان چنین است:

شیخ طبرسی امین الاسلام (م ۵۴۸) برای نخستین بار می‌گوید:

روی عن الامام الصادق علیه السلام فی ابوابه من مشهوری اهل العلم اربعة آلاف انسان و صنف من جواباته فی المسائل اربعه کتاب هی معروفة بکتب الاصول رواها اصحابه و اصحاب ابیه من قبله و اصحاب ابنه موسی الکاظم علیه السلام؛^۱

ابن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۸) هم به نقل از شیخ مفید می‌گوید:

صنف الامامیه من عهد الامام امیرالمؤمنین علی علیه السلام الی عهد ابی محمد الحسن العسکری صلوات الله علیه اربعه کتاب تسمى الاصول؛^۲

شهید اول (م ۷۸۶) هم بر همین نکته تأکید می‌کند و معتقد است که چهارصد اثر در آن دوران نوشته شده:

آن ابا عبد الله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام کتب من اجوبة مسائله اربعه مصنف لاربعه مصنف و دون من رجاله المعروفین اربعة آلاف رجل من اهل العراق و...؛^۳

۱. فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۰۰؛ الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲، ص ۱۲۹

۲. معالم العلماء، ص ۳

۳. مکی عاملی (شهید اول)، ذکری الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱، ص ۵۹

مفهوم‌شناسی اصل و اهمیت آن

با بررسی عبارتهای بالا، معلوم می‌شود که از قرن ششم تا عصر حاضر، از اصول اربعمات یاد شده. پیش از آنها هم نجاشی با عبارت «له اصل» از نوشته‌های برخی راویان یاد کرده^۱ و در مواردی هم از اصول، به «کتاب» یا «مصنّف» تعبیر شده است. این نکته بیان می‌کند که در نظر محدثان تا حدود قرن یازدهم بین اصل و کتاب تفاوتی نبوده است؛ ولی در قرون بعدی، برخی محدثان به تفاوت آن دو با یکدیگر معتقد شده‌اند. مامقانی در این خصوص می‌گوید:

فلا ینبغی الریب فی مغایرة الاصل للکتاب لانک تراهم کثیراً ما یقولون فی حق راوی ان له اصلاً و له کتاباً...^۲

مامقانی در تبیین فرق بین اصل و کتاب هم تفاوت‌های چندگانه‌ای را بیان می‌کند و «اصل» را چنین تعریف می‌کند: «الاصل ما کان مجرد کلام المعصوم و الکتاب ما فیه کلام مصنفه ایضاً...» یا می‌گوید: «ان الاصول هی التي اخذت من المعصوم ﷺ مشافهة و دوت من غیر واسطه راو و غیرها أخذ منها فهی اصل باعتبار ان غیرها اخذ منها».^۳

به نظر می‌رسد مقصود از اصل در کلام اصحاب ائمه و علمای قرن ششم تا یازدهم، مجموعه روایاتی بوده که شاگردان ائمه ﷺ آنها را جمع کرده‌اند تا از هرگونه فراموشی و آسیب در امان بماند و هنگام نیاز بتوان به آنها مراجعه کرد. این احادیث اغلب کلام معصومان ﷺ بوده خواه مستقیم از معصوم ﷺ باشد یا آنکه مؤلفان آنها را گرد آورده‌اند و از خود شرحی بر آن نیفزوده‌اند؛ از این رو، از آن به کتاب و مصنف نیز تعبیر شده است؛^۴

۱. شیخ یوسف بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۱، ص ۹

۲. مقیاس الهدایة فی علم الدرایه، ج ۳، ص ۲۴

۳. مقیاس الهدایة فی علم الدرایه، ج ۳، ص ۲۴، ۲۶

۴. علی کنی، توضیح المقال، ص ۴۸

برخلاف اصطلاح کتاب در دوران فعلی و قرون دهم به بعد که اغلب در آن مطالب با ترتیب خاص و فصولی متوالی، همراه با شرح و تبیین گردآوری می‌شود. بدین جهت تعریفهای مبنی بر تمایز بین اصل و کتاب - آن‌چنان که مامقانی می‌گوید - نمی‌تواند مستند باشد و بسا براساس تخمین و گمان است.^۱ آقا بزرگ تهرانی نیز، بر همین نظر است و پس از بررسی مفصلی درباره فرق آن دو، معتقد است که اصل بر پاره‌ای از کتابها و مجموعه‌های حدیثی اطلاق می‌شود، در صورتی که کتاب، بر کلیه مجموعه‌های حدیثی قابل اطلاق می‌باشد.^۲

با مطالعه در مورد کاربرد عبارت «له اصل و له کتاب» می‌توان گفت که عبارت «له اصل» در مقایسه با عبارت «له کتاب» از اعتبار بیشتری برای راوی حدیث حکایت دارد؛ ولی با یکدیگر تباین نیز ندارند، آن‌چنان که برخی از محققان نیز چنین تعریف کرده‌اند: اصل، نگاشته‌ای است اولیه و سامان نیافته که در آن روایات معصوم علیهم السلام بدون دخل و تصرف آمده است.^۳

بنابراین اصول اربعه‌ای از اهمیت و ارزش بالاتری برخوردار بوده و می‌توان آن را دارای اعتبار بیشتری دانست.^۴ برخی از محققان آورده‌اند:

غایة ما هناک انّ الاصل عندهم اعلی و اشرف من غیره و فیه نوع مدح لصاحبه و تقویة لحدیثه.^۵

اصول و بویژه اصول اربعه‌ای به علت سلامت بیشتر از خطا در مقایسه با کتاب، مورد توجه بیشتر محدثان بوده است و همواره مرجع آثار روایی دیگر شده است.^۶ آقا بزرگ تهرانی

۱. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۱۴۰

۲. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۱۲۶

۳. آشنایی با علوم حدیث، ص ۶۶

۴. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۱۲۶

۵. محمدرضا مامقانی، مستدرکات مقیاس الهدایة فی علم الدراية، ج ۶، ص ۲۲۴

۶. درایه، ص ۱۷

نیز بر آن است که احتمال اشتباه و ... در اصول کمتر است؛ از این رو، اصول در نقل قدماء حجت و احادیث آن صحیح تلقی شده است.^۱ استاد شانه‌چی هم می‌گوید: اصل در اصطلاح علمای حدیث، مجموعه‌ای از روایات است که راوی بدون واسطه از زبان معصوم علیه السلام شنیده است.^۲ این اصول به جهت اصالت بیشتر و نزدیک بودن به معصوم علیه السلام از نظر واسطه، نزد محدثان، منزلت بالایی داشته، گرچه لزوماً ممکن است مندرجات همه آنها - آن چنان که اخباریون پنداشته‌اند - کاملاً صحیح نباشد.^۳ با گذشت زمان و شکل‌گیری جوامع روایی مفصل و کتابهای حدیثی، اصول به تدریج رو به فراموشی رفتند.

تعداد و زمان تألیف اصول اربعه‌ا

محدثان در مورد تعداد و زمان تألیف اصول اربعه‌ا اتفاق نظر ندارند؛ اما همان‌طور که در تحلیل زمان ائمه علیهم السلام بویژه زمان امام باقر و امام صادق علیهم السلام گذشت، پیش از صدها مجموعه حدیثی اعم از اصل، کتاب و مصنف در دوران ائمه علیهم السلام، شکل گرفته؛ ولی معروف است که تعداد آنها، «چهارصد» اصل است. گرچه عدد مذکور، مبالغه و عدد کثرت است، می‌تواند از تعیین عدد خاصی حکایت کند که بین محدثان شهرت یافته؛ همان‌گونه که طبرسی از آنها به «اربعه‌ا کتاب هی معروفه بکتب الاصول» تعبیر کرده^۴ و ابن شهر آشوب و محمدتقی مجلسی هم از چهارصد اصل یاد کردند.^۵ شهید اول نیز از چهارصد مصنف یاد کرد که از مجموعه چهارهزار نفر از اصحاب روایت، چهارصد نفر آنها به تصنیف اهتمام ورزیده‌اند.^۶

گرچه «چهارصد اصل» شهرت یافته، در رجال شیخ طوسی و فهرست نجاشی که در مقام ذکر اصول بوده‌اند، چنین عددی به چشم نمی‌خورد. شیخ آقا بزرگ به

۱. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۱۲۶

۲. درایه، ص ۵۶

۳. تاریخ عمومی حدیث، ص ۲۶۰

۴. اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۰۰

۵. معالم العلماء، ص ۳؛ محمدتقی مجلسی، روضة المتقین، ج ۱، ص ۶

۶. ذکری الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱، ص ۵۹

نوشت: «ما انت من رجالی و لا الزمان زمانی»^۱ و در نامه‌های دیگر، جواب منفی به ایشان داد و در پاسخ به پیام دیگری فرمود: «نامه تو را جوابی نیست، از نزد ما بیرون شو».^۲ جواب منفی امام صادق علیه السلام، به علت عدم صلاحیت آنان برای یک قیام مکتبی بود؛ وگرنه امام صادق علیه السلام همواره دنبال فرصتی بود تا زمینه‌های نشر علوم آل محمد را برای همگان فراهم آورد و همه دلها و جانها را در سرتاسر عالم، با آنها آشنا کند به همین جهت در پایان دوره امامت حضرت با تثبیت حکومت منصور دوانیقی، فشارها بر ایشان و شیعیان خالص بیشتر شد و نه تنها وعده‌های عباسیان در مورد رفع مظلومیت از خاندان گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله، عملی نشد، بلکه با روش مکارانه و مرموز، بر مخالفت با اهل بیت عصمت علیهم السلام تأکید ورزیده و همچون امویان، برنامه‌های ضد دینی را گسترش دادند.^۳ آنان شهر مدینه را که شهر اهل بیت علیهم السلام بود، در محاصره اقتصادی قرار دادند و شخص خشن و سنگدلی را حاکم آنجا گماشتند تا تمام فعالیت‌های امام صادق علیه السلام را مهار و محدود کند؛^۴ ولی امام صادق علیه السلام در هیچ شرایطی از گسترش دانش روی نگرداند و سبب نشر روایات فراوانی شد که اکنون در مصادر روایی به نام ایشان ثبت است و بسا نیمی از روایات را شامل شود.

تحلیل دوران امام کاظم علیه السلام

امام موسی کاظم علیه السلام هفتمین امام، متوفای ۱۸۳ هجری و معاصر با خلفای چهارگانه (منصور دوانیقی؛ محمد، معروف به مهدی، هادی و هارون) است. آغاز امامت امام کاظم علیه السلام، مصادف با حکومت منصور دوانیقی بود. او می‌کوشید فرصتی که برای امام صادق علیه السلام فراهم شده بود، دیگر برای امام کاظم علیه السلام تکرار نشود؛ بدین سبب راه بر امام کاظم علیه السلام در گسترش هر چه بیشتر دانش - به علت زندانهای طولانی - بسته

۱. محمد بن عبدالکریم شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۵۴؛ سیره پیشوایان، ص ۲۸۴

۲. سیره پیشوایان، ص ۳۹۳

۳. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۹۷

۴. همان، ص ۳۹۷

شد؛ ولی حضرت با وجود همه مشکلات، گروهی از شیعیان خاص را گرد آورد و کلمات و احادیث خویش و امامان پیش از خود را نشر داد. امام کاظم علیه السلام در مدت ۳۵ سال امامت، با وجود همه مشکلات سیاسی از طرف حکومت، شاگردان فقیهی را همچون علی بن یقظین، حسان بن مهران، عبدالرحمن بن حجاج، اسحاق بن عمار کوفی، اسماعیل بن موسی و...^۱ پروراند تا حوزه درسی معارف دینی گسترش یابد.

آثار مکتوب منسوب به امام کاظم علیه السلام

۱. مسند الامام موسی بن جعفر علیه السلام: مسند امام کاظم علیه السلام، مجموعه روایاتی بوده است که امام علیه السلام آنها را به واسطه پدران خود به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسانده و روایانی مانند موسی بن ابراهیم، ابو عمران مروزی آنها را از امام کاظم علیه السلام می‌شنیده و نقل می‌کردند.^۲ مسند امام کاظم را سید محمد حسین حسینی جلالی تصحیح کرده و در سال ۱۳۸۹ در نجف منتشر شده است.^۳

۲. کتابها و نسخه‌های اصحاب ایشان: یاران ایشان، برخی کتابها و یا نسخه‌ها را از حضرت روایت کرده‌اند؛ مانند کتابی که به واسطه محمد بن صدقه، بکر بن اشعث، خلف بن حماد و... منتشر شده و نسخه‌هایی از روایات که به واسطه علی بن حمزه، محمد بن ثابت، محمد بن زرقان، علی بن یقظین و... از امام کاظم علیه السلام روایت شده.^۴

۳. رساله‌ها و نامه‌ها: حضرت امام کاظم علیه السلام، نامه‌ها و رساله‌هایی خطاب به یارانش نوشته که همه آنها حدیث است و نشان از اهمیت کتابت و تدوین روایات دارد؛ مانند رساله‌ای که حضرت در زندان در پاسخ پرسشهای علی بن سوید نگاشتند و اکنون آن را کنگره و مؤتمر جهانی امام رضا علیه السلام با تحقیق شیخ فاضل

۱. هاشم معروف حسینی، سیره الائمة الاثنی عشریه، ج ۲، ص ۳۱۳

۲. فهرست شیخ طوسی، ص ۱۹۱؛ رجال نجاشی، ص ۴۰۷

۳. تدوین السنة الشریفه، ص ۱۷۳

۴. همان، ص ۱۷۴؛ رجال نجاشی، ص ۱۰۹، ۱۵۲، ۲۷۳، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۳

اهتمام اهل بیت علیهم السلام به حدیث (قرن دوم) ۶۷

المالکی به همراه شرح حال علی بن سوید سائی در قم منتشر کرده است^۱ و همانند رساله معروف امام در خطاب به هشام بن حکم در قلمرو و مفاد عقل که مفصل است و شیخ کلینی آن را در کتاب «العقل و الجهل» در شماره ۱۲ آورده که بخشی از آن چنین است:

عن هشام بن الحكم قال: قال لي ابو الحسن موسى بن جعفر عليه السلام: يا هشام! ان الله تبارك و تعالی بشر اهل العقل و الفهم فی كتابه ... يا هشام! ان الله تبارك و تعالی اكمل للناس الحجج بالعقول و نصر النبيين بالبيان و....^۲

از امام کاظم علیه السلام روایات فراوانی در کتابهای روایی موجود است که برخی آنها را تا حدود دو هزار و دویست مورد دانسته‌اند،^۳ این روایات را شاگردان و اصحاب حضرت نقل کرده‌اند و با همه اختناقی که در دوره امام کاظم علیه السلام بوده، یارانی او را همراهی و روایاتش را ثبت می‌کردند؛ چنان که زید النهسلی نقل می‌کند:

كان جماعة من خاصة ابي الحسن عليه السلام من اهل بيته و شيعته يحضرون مجلسه و معهم في اكمالهم الواح ابنوس لطف و اميال فاذا نطق ابو الحسن عليه السلام بكلمة او افتى في نازلة، اثبت القوم ما سمعوا منه في ذلك.^۴

شیخ مفید هم ایشان را افقه زمان خود می‌داند و معتقد است که اهل مدینه او را «زینت مجتهدان» لقب داده‌اند.^۵ سید احمد میرخانی، شاگردان مؤلف آن حضرت را ۴۲ نفر می‌داند که برخی چندین تألیف داشته‌اند؛ مانند محمد بن ابی عمیر که ۹۲ کتاب و یونس عبدالرحمن^{۳۶} کتاب دارد. و مجموع آثاری که شاگردان آن حضرت نوشته‌اند، بیش از دویست اثر بوده است.^۶

۲. الکافی، ج ۱، ص ۱۳

۱. تدوین السنة الشریفة، ص ۱۷۵

۳. تاریخ عمومی حدیث، ص ۳۱۰

۴. سید بن طاووس حلی، مهج الدعوات، ص ۲۱۹

۶. سید احمد میرخانی، سیر حدیث در اسلام، ص ۲۱۳

۵. الارشاد، ص ۲۸۹

پرسش

۱. تدوین حدیث در دوران امام باقر علیه السلام چه ویژگی‌هایی داشت؟
۲. آثار مکتوب از امام باقر علیه السلام را نام ببرید.
۳. تدوین حدیث در دوران امام صادق علیه السلام از چه اهمیتی برخوردار بود؟
۴. دو نمونه از روایات امام صادق علیه السلام را درباره نوشتن حدیث بیان کنید.
۵. نظر شیخ مفید در مورد نقش امام صادق علیه السلام و روایان ایشان، چیست؟
۶. آثار مکتوب زمان امام صادق علیه السلام را نام ببرید.
۷. شرایط زمان امام کاظم علیه السلام در مورد تدوین حدیث، چگونه بود؟
۸. دو نمونه از مکتوبات زمان امام کاظم علیه السلام را بیان کنید.

پژوهش

۱. زمینه‌های تصمیم‌گیری عمر بن عبدالعزیز را در تدوین حدیث تحلیل نمایید؛
۲. فرمان عمر بن عبدالعزیز به حاکم مدینه را بررسی و بیان کنید چه تأثیری بر عالمان شهر مدینه داشت؛
۳. روایانی را که از امام باقر و امام کاظم علیه السلام در کتب اربعه روایت کرده‌اند، استخراج و طبقه‌بندی نمایید؛
۴. با بررسی مصادر روایی شیعه، روایاتی را که با عبارت «دخلت علی ابی عبدالله علیه السلام» یا «دخلت علی ابی جعفر علیه السلام»، آمده است، معلوم و تحلیل کنید که روایان چگونه و به چه مقدار از امام صادق علیه السلام علم آموخته‌اند؛
۵. مناظره‌های علمی حضرت صادق علیه السلام را در مصادر روایی فریقین مشخص و تحلیل کنید؛
۶. در کتاب بحارالانوار، احتجاجات امام صادق علیه السلام را معلوم و از نظر موضوع دسته‌بندی کنید؛
۷. روایات امام صادق علیه السلام را در کتاب الارشاد شیخ مفید که بر کتابت دلالت می‌کند، تحلیل نمایید.

اهتمام اهل بیت علیهم السلام به حدیث (قرن سوم)

قرن سوم، دوران امام رضا، امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیهم السلام را شامل می‌شود. در این دوران و همچنین پیش از آن، دهها مجموعه حدیثی نگاشته شد که اهتمام امامان شیعه بر نوشتن حدیث را می‌رساند. در این بخش به بررسی مجموعه‌های حدیثی این دوره و «اصول اربع‌عامة» و سرنوشت آنها نیز می‌پردازیم که به اختصار دوران هریک از امامان مذکور چنین است:

تحلیل دوران امام رضا علیه السلام

علی بن موسی الرضا علیه السلام هشتمین امام، شهادت ۲۰۳ ق است. مدت امامت ایشان بیست سال می‌باشد و معاصر با خلفای عباسی هارون، محمد امین و مأمون بود. امام رضا علیه السلام جز در دوره امین که دستگاه حکومتی عباسی به لحاظ اختلافات داخلی و مناقشات امین و مأمون درگیر بودند، از آزادیهای سیاسی برخوردار نبود؛ ولی در تمام دوران امامت - بویژه در مسیر مسافرت به ایران، از قم، ری، نیشابور، سبزوار و ... تا سکونت در طوس - برگسترش حدیث تأکید فراوان داشت؛ خصوصاً مناظرات و مباحثات علمی ایشان با مخالفان که راویان آنها را گزارش کرده‌اند. نقش حضرت در برخورد با مذاهب فکری مثل زردشتیان، صائبیان، نسطوریان، رومیان و

برهمنهای هند و... بسیار مهم است؛ زیرا در برابر کسانی که آثار علمی خود را از زبانهای یونانی، فارسی، سریانی، هندی، لاتین و... به عربی ترجمه می‌کردند، نهضت علمی و فکری مهمی ایجاد کرد و با مباحثات و مناظرات، با عقاید نادرست آنان به مقابله برخاست؛^۱ خصوصاً مناظرات آن حضرت با جاثلیق، رأس الجالوت، عمران صائی، سلیمان مروزی، علی بن محمد بن جهم که مباحثات علمی مهمی بود و راویان حضرت آنها را گزارش کرده‌اند.^۲ این روایات حکایت از اهمیت نشر و تدوین حدیث دارد؛ خصوصاً که حضرت رضا علیه السلام بر حفظ و نگهداری روایات اهتمام فراوان داشت. در این خصوص، مطالبی خواهد آمد.

روایاتی از امام رضا علیه السلام درباره نوشتن حدیث

امام علیه السلام به هنگام تشویق فردی از اصحاب که حدیث مهمی را روی کاغذ نوشته و بر حضرت رضا علیه السلام عرضه داشت، فرمود: آن را روی پوست بنویسید؛ زیرا که دوام بیشتری دارد. راوی در این باره می‌گوید:

کتبت علی ظهر قرطاس: «ان الدنيا ممثلة للامام كفلقة الجوزة» فدفعته الی ابی الحسن علیه السلام و قلت: جعلت فداک، ان اصحابنا رووا حدیثاً، ما انکرته غیر اُتی احببت ان اُسمعه منک. قال: فنظر فیه، ثم طواه حتی ظننت أنه قد شقّ علیہ ثم قال علیه السلام: هو حقّ فحوّله فی اُدییم.^۳

مجلسی پس از نقل این حدیث، در مقام بیان آن می‌گوید:

انما قال علیه السلام «فحوّله الی اُدییم»، لیكون اُدوم واکثر بقاء من القرطاس لاهتمامه بضبط هذا الحدیث و یظهر منه استحباب كتابة الحدیث و ضبطه و الاهتمام به؛^۴

۱. الارشاد، ص ۳۰۴، ۳۱۰؛ سیره پیشوایان، ص ۵۰۹

۲. بحار الانوار، ج ۴۹؛ مسند الامام الرضا، ج ۲

۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۴۵؛ محمد بن نعمان مفید، الاختصاص، ص ۲۱۷

۴. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۴۶

و هنگامی که علی بن اسباط می خواهد تفسیر آیه ﴿...وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا...﴾^۱ را از حضرت پیرسد و آن را بنویسید، امام رضا علیه السلام دوات را در اختیار او قرار می دهد. علی بن اسباط در این باره می گوید:

قلت له علیه السلام: جعلت فداك، أريد ان اكتب. قال: فضرب يده علیه السلام الى الدواة فتناولت يده فتناولتها و أخذت الدواة فكتبته؛^۲

احمد بن عمر حلال نقل می کند: خدمت امام رضا علیه السلام عرض کردم که گاهی برخی کتابها را کسی به من می دهد، آیا من مجاز هستم از آن نقل کنم با آنکه صاحب کتاب مرا مأمور به روایت آن نکرده است؟ حضرت در پاسخ می فرماید: «اذا علمت ان الكتاب له، فاروه عنه».^۳

در سه گزارش ذکر شده، اهتمام امام رضا علیه السلام به نوشتن آشکار است؛ خصوصاً در روایت نخست که بر نوشتن متن روی برگه ای پایدار تأکید شده.

آثار مکتوب امام رضا علیه السلام

۱. صحیفه یا مسند الرضا علیه السلام: حضرت در آن، روایاتی از پدراناش گزارش می کند که از نظر نقل، متواتر و مشهور است^۴ و آن صحیفه بارها چاپ شده؛
۲. الرسالة الذهبية: این رساله شامل روایاتی در خصوص «طب و بهداشت» است و امام رضا علیه السلام آن را برای مأمون عباسی نگاشت و مکرر چاپ شده است؛^۵
۳. امالی الرضا علیه السلام: امام علیه السلام مطالبی را بر دعبل خزاعی املا کرده و شیخ طوسی آن را روایت نموده است.^۶ فضل بن شاذان نیز مطالبی را به املائی حضرت نوشته است؛^۷
۴. کتاب اهلبلجة: حضرت آن را در خصوص مباحث کلامی و اعتقادی و حجتی روان و رسا در چند بخش فراهم آورده است؛

۱. کشف، ۸۲ ۲. تدوین السنة الشریفه، ص ۱۷۶

۳. کافی، ج ۱، ص ۵۲ ۴. تدوین السنة الشریفه، ص ۱۷۷

۵. همان، ص ۱۷۸ ۶. شیخ طوسی، الامالی، ج ۱، ص ۳۷۰

۷. شیخ صدوق، الامالی، ص ۲۱

۵. دیگر آثار و رساله‌ها: راویانی چون وشاء، علی بن مهدی بن صدقه، عباس بن هلال شامی، موسی بن سلمه، معاویه بن سعید و... رساله و مجالس دیگری از حضرت روایت کرده‌اند.^۱

شیخ طوسی راویان حدیث از امام رضا علیه السلام را ۳۱۸ نفر می‌داند.^۲ از حضرت حدود پانصد حدیث نقل شده^۳ که بخش مهمی از آن، مربوط به دوران حضور ایشان در خراسان می‌باشد؛ زیرا در پنج سال پایان عمر خود که در خراسان حضور داشتند، فرصت بیشتری برای مناظرات و مباحثات علمی فراهم شد.^۴ حدود هشتاد تن از شاگردان امام رضا علیه السلام تألیفاتی در حدیث دارند که در مجموع به ۲۰۷ کتاب بالغ می‌شود.^۵

تحلیل دوران امام جواد علیه السلام

نهمین امام شیعیان، محمد بن علی جواد علیه السلام است که در سال ۲۲۰ قمری چشم از جهان فرو بست. مدت ولایت حضرت، حدود هفده سال بود. ایشان با مأمون و معتصم عباسی معاصر است و در دوران پرستمی می‌زیسته و به ناچار از شهر مدینه به بغداد مهاجرت کرد. آن امام هم همانند پدر در مواجهه با مخالفان اعتقادی به مناظره برمی‌خواست است. برای نمونه در مناظره‌ای با یحیی بن اکثم شرکت می‌جوید؛ که او یکی از دانشمندان نامدار زمان مأمون بوده است، هنگام مناظره با امام جواد علیه السلام شگفت زده می‌شود.^۶

۱. رجال نجاشی، ص ۳۹، ۲۷۷، ۲۸۲، ۴۰۹، ۴۱۰؛ تدوین السنة الشریفه، ص ۲ - ۱۸۰

۲. شیخ طوسی، رجال، ص ۳۶۶ - ۳۹۷

۳. تاریخ عمومی حدیث، ص ۳۱۰

۴. محمد جواد فضل الله، تحلیلی از زندگی امام رضا علیه السلام، ص ۴۲۷

۵. سیر حدیث در اسلام، ص ۲۳۶

۶. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۷۵؛ سید محمد کاظم قزوینی، الامام الجواد من المهدی الی اللحد، ص ۱۶۸

اهتمام اهل بیت علیهم السلام به حدیث (قرن سوم) ۷۳

امام علیه السلام با وجود خفقان دوران عباسی، برای گسترش علم و نوشتن حدیث بسیار کوشید و بدان سفارش می فرمود. در این باره در حدیثی که راوی آن محمد بن حسن شینوله است، چنین می خوانیم:

جعلت فداک، ان مشایخنا رووا عن ابی جعفر و ابی عبدالله علیهم السلام و کانت التقیه شدیدة فکتبوا کتبهم فلم ترو عنهم فلما ماتوا صارت الکتب الینا؟ [قال:] حدّثوا بها فانها حق^۱.

امام جواد علیه السلام بر گسترش نقل حدیث اهتمام داشت و هنگامی که احادیثی نادرست بر حضرت جواد علیه السلام عرضه می شد، حضرت با دلیل، آنها را نقد می کرد.^۲

شاگردان و راویان حضرت، حدود صد و ده نفر بوده اند^۳ و از ایشان بیش از دویست روایت، نقل شده است که در مسند الامام الجواد علیه السلام جمع آوری شده و در بردارنده موضوعات مختلف فقهی، عقیدتی و ... است.^۴ مهم ترین راویان حضرت؛ علی بن مهزیار، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، احمد بن محمد بن خالد برقی، حسین بن سعید اهوازی و ... می باشند. ۲۶ نفر از راویان امام علیه السلام، ۷۸ اصل نوشته اند.^۵

تحلیل دوران امام هادی علیه السلام

دهمین امام شیعیان، علی بن محمد هادی علیه السلام، است که در سال ۲۵۴ قمری چشم از جهان فرو بست. مدت امامت ایشان ۳۳ سال می باشد و با شش خلیفه عباسی (عباسی، معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین و معتز)^۶ بوده است که هر کدام با ایجاد مزاحمتی برای حضرت هادی علیه السلام، شرایط سختی را فراهم آورده، گرچه که

۱. کافی، ج ۱، ص ۵۳

۲. علامه امینی، الغدیر، ج ۵، ص ۳۲۱؛ سیره پیشوایان، ص ۵۵۱

۳. عزیزالله عطاردی، مسند الامام الجواد

۴. شیخ طوسی، رجال، ص ۳۹۷

۵. سیره پیشوایان، ص ۵۶۸

۶. سیر حدیث در اسلام، ص ۲۶۶ - ۲۷۸

در دوران امام هادی علیه السلام عظمت خلافت عباسیان، فرو ریخته و برخی از نهضت‌های علویان روبه رشد بودند^۱ و امام هادی علیه السلام سعی در گسترش فرهنگ دینی از جمله از طریق نشر احادیث و کتابت آنها دارد که موارد ذیل بر آن حضرت منسوب است.

آثار مکتوب حضرت هادی علیه السلام

آثار منسوب به حضرت را این گونه برشمرده‌اند:

۱. الامالی فی تفسیر القرآن: این اثر را دو تن از یاران ایشان فراهم کرده‌اند و به املائی امام هادی علیه السلام بوده است؛^۲
 ۲. الرسالة الرد فی اهل الجبر و التفویض: ابن شعبه نیز، آن را نقل کرده است؛^۳
 ۳. کتاب فی احکام الدین: امین عاملی آن را نقل کرده؛^۴
 ۴. نسخه‌ها و اصلهایی دیگر: راویانی مانند علی بن الریان بن صلت، علی بن جعفر الهمانی، عیسی بن احمد بن عیسی بن المنصور، ابوطاهر و ابن حمزه بن الیسع، آنها را از امام علیه السلام نقل کرده‌اند.^۵
- مجموعه روایات نقل شده از حضرت، به نام مسند الامام الهادی علیه السلام منتشر شده که بیست تن از راویان ایشان، آن را روایت کرده‌اند. راویان آن حضرت که تعدادشان را ۱۸۵ نفر دانسته‌اند.^۶ بیش از چهار صد اصل و نسخه روایت کرده‌اند.^۷ امام علیه السلام با غلات، مبارزه کرد و در جهت اصلاح افکار آنان در مورد آن امام، سخنان و نوشته‌هایی داشته است؛ مثلاً هنگامی که ابن حسکه از ایشان سؤال می‌کند، در مقام پاسخ افکار وی را پالایش می‌نماید.^۸

۱. همان
 ۲. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۴، ص ۲۸۳
 ۳. تحف العقول، ص ۴۵۸؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۰
 ۴. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۰
 ۵. رجال نجاشی، ص ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۹۷، ۴۶۰
 ۶. شیخ طوسی، رجال، ص ۴۴۷؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۵۰
 ۷. سیر حدیث در اسلام، ص ۲۸۱
 ۸. ابوعمر محمد کشی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۱۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۵۴

تحلیل دوران امام عسکری علیه السلام

یازدهمین امام شیعیان، حسن بن علی عسکری علیه السلام، در سال ۲۶۰ ق از دنیا رفت. و مدت امامت ایشان شش سال بود که در محله و پادگان عسکر می‌زیست.^۱ حضرت با معتز، مهتدی و معتمد معاصر بوده است.^۲ امام عسکری علیه السلام نیز با وجود اختناق شدید، یارانی در تدوین حدیث داشت و راویان آن حضرت را بیش از یکصد نفر دانسته‌اند.^۳ امام عسکری یارانی داشته که اثری در روایت از آن حضرت به جای گذاشته‌اند و تعدادشان به بیش از صد اثر و اصل می‌رسد؛ مانند علی بن حسن فضال، دارای ۳۶ کتاب؛ محمد بن حسن صفار، ۳۵ کتاب و عبداللّه بن جعفر حمیری، ۱۹ کتاب.^۴

امام عسکری علیه السلام، همواره کاتبان حدیث را تشویق می‌کرده است. برای نمونه از داود بن قاسم جعفری نقل شده که می‌گوید: هنگام عرضه کتاب یوم و لیلۀ از یونس آل یقطین بر امام عسکری علیه السلام، حضرت از من پرسید: این کتاب از کیست؟ خدمت ایشان گفتم: از نوشته‌های یونس مولا آل یقطین است. حضرت فرمود: «اعطاء الله بكل حرف نوراً یوم القيامة».^۵ هنگامی که برخی از آثار راویان حدیث بر ایشان عرضه شد، ضمن تأیید کتابت آنها، دستور عمل به آن را صادر فرموده و می‌گویند: «صحيح فاعملوا به».^۶

آثار مکتوب حضرت عسکری علیه السلام

۱. تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: برخی علما از جمله صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه^۷ و توحید این تفسیر^۸ را از آن حضرت می‌دانند. بعضی نیز آن را از حضرت

۲. سیره پیشوایان، ص ۶۱۶

۱. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۶

۳. شیخ طوسی، رجال، ص ۴۲۷

۴. سیر حدیث در اسلام، ص ۳۰۱

۶. ابن طاووس حلی، فلاح السائل، ص ۲۸۹

۷. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۲۷

۸. رضا استادی، آشنایی با تفاسیر قرآن، ص ۲۰

۵. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۵۰

عسکری علیه السلام ندانسته و معتقدند که تفسیر موجود، غیر از تفسیر اصلی است.^۱ تفسیر موجود، بخشی از سوره حمد و بخشی از سوره بقره و ... است و عالمان رجالی و مفسران، در مورد آن دیدگاههای متفاوتی دارند.^۲ از تفسیر مذکور، نسخه‌های خطی فراوان وجود دارد و ضمن چاپ سنگی، دارای چاپ حروفی نیز هست؛

۲. کتاب المنقبة: برخی کتاب مذکور را مشتمل بر احکام فقهی از آن حضرت علیه السلام دانسته و آن را بی ارتباط با فقه الرضاندانسته‌اند؛^۳

۳. نسخه‌ها و اصلهای دیگر: راویانی مانند عبدالله بن محمد، ابومعاد،^۴ محمد بن سلیمان، محمد بن ریان بن صلت، محمد بن علی بن عیسی قمی از حضرت نقل کرده‌اند.^۵ در پایان دوران امام عسکری علیه السلام و در آغاز دوران امام مهدی علیه السلام یعنی در دوره غیبت صغرا، آن حضرت نیز به پرسشهای گوناگون پاسخ داده که با نام «توقیعات» حضرت معروف است و نجاشی آن را از ابوالعباس حمیری و ... نقل می‌کند.^۶ شیخ صدوق نیز در کتاب کمال الدین به نقل تعدادی از آنها می‌پردازد و علامه مجلسی هم در جلد ۵۲ و ۵۳ بحار الانوار، تعدادی از آنها را نقل می‌کند. توقیعات را نواب اربعه آن حضرت علیه السلام منتشر کرده‌اند. و بدین شکل، آنها و دیگر مکتوبات ائمه علیهم السلام در اختیار نسلهای بعد قرار گرفته است.

اصول اربعمأة و دوران رشد حدیث‌نگاری

بدون تردید در دوران حضور ائمه علیهم السلام (از قرن اول تا اواخر قرن سوم) امامان معصوم علیهم السلام بر نشر، نقل و نوشتن حدیث، تاکید می‌کردند و هر یک با توجه به

۱. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۴، ص ۲۸۳ - ۲۹۷؛ محمد هادی معرفت، التفسیر و

المفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۲، ص ۳۳۱؛ آشنایی با تفاسیر قرآن، ص ۲۳؛ تدوین السنة

الشریفة، ص ۱۸۵ ۲. محمد تقی تستری، الاخبار الدخلیه، ج ۱، ص ۱۵۲

۳. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲۳، ص ۱۴۹ ۴. همان، ج ۲۴، ص ۱۵۲

۵. رجال نجاشی، ص ۳۴۷، ۳۷۰، ۳۷۱

۶. همان، ص ۲۲۰؛ تدوین السنة الشریفة، ص ۱۸۶

شرایط خود در مورد تدوین حدیث کوشیدند؛ از این رو، صدها و بلکه هزاران اثر از آنان به نسلهای بعد منتقل شد. عمل و اهتمام ایشان در مورد حدیث نگاری، دلیل اباحه و حتی ضرورت حفظ و کتابت حدیث بود و شیعیان از میراث گرانقدرشان بهره بردند.

در این باره تاریخ گواهی می دهد که در عصر ائمه علیهم السلام - بویژه در دوره امام باقر و امام صادق علیهم السلام، اصول، کتب و آثاری روایی تدوین شد که بعدها به اصول اربعه معروف گردید که نشان از رشد حدیث نگاری در قرون نخستین دارد. بدین جهت در سخنان علما و محدثان شیعه از قرن ششم به بعد، از تدوین و شکل گیری اصول اربعه یاد شده است که برخی از آن سخنان چنین است:

شیخ طبرسی امین الاسلام (م ۵۴۸) برای نخستین بار می گوید:

روی عن الامام الصادق علیه السلام فی ابوابه من مشهوری اهل العلم اربعة آلاف انسان و صنّف من جواباته فی المسائل اربعه کتاب هی معروفة بکتب الاصول رواها اصحابه و اصحاب ابیه من قبله و اصحاب ابنه موسی الکاظم علیه السلام؛^۱

ابن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۸) هم به نقل از شیخ مفید می گوید:

صنّف الامامیه من عهد الامام امیرالمؤمنین علی علیه السلام الی عهد ابی محمد الحسن العسکری صلوات الله علیه اربعه کتاب تسمى الاصول؛^۲

شهید اول (م ۷۸۶) هم بر همین نکته تأکید می کند و معتقد است که چهارصد اثر در آن دوران نوشته شده:

أنّ ابا عبد الله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام کتب من اجوبة مسائله اربعه مصنّف لاربعه مصنّف و دوّن من رجاله المعروفین اربعة آلاف رجل من اهل العراق و...؛^۳

۱. فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۰۰؛ الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲، ص ۱۲۹

۲. معالم العلماء، ص ۳

۳. مکی عاملی (شهید اول)، ذکری الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱، ص ۵۹

مفهوم‌شناسی اصل و اهمیت آن

با بررسی عبارتهای بالا، معلوم می‌شود که از قرن ششم تا عصر حاضر، از اصول اربعه یاد شده. پیش از آنها هم نجاشی با عبارت «له اصل» از نوشته‌های برخی راویان یاد کرده^۱ و در مواردی هم از اصول، به «کتاب» یا «مصنّف» تعبیر شده است. این نکته بیان می‌کند که در نظر محدثان تا حدود قرن یازدهم بین اصل و کتاب تفاوتی نبوده است؛ ولی در قرون بعدی، برخی محدثان به تفاوت آن دو با یکدیگر معتقد شده‌اند. مامقانی در این خصوص می‌گوید:

فلا ینبغی الریب فی مغایرة الاصل للکتاب لانک تراهم کثیراً ما یقولون فی حق راوی ان له اصلاً و له کتاباً...^۲

مامقانی در تبیین فرق بین اصل و کتاب هم تفاوت‌های چندگانه‌ای را بیان می‌کند و «اصل» را چنین تعریف می‌کند: «الاصل ما کان مجرد کلام المعصوم و الکتاب ما فیه کلام مصنفه ایضاً...» یا می‌گوید: «ان الاصول هی التي اخذت من المعصوم ﷺ مشافهة و دونت من غیر واسطه راو و غیرها اخذ منها فهی اصل باعتبار ان غیرها اخذ منها».^۳

به نظر می‌رسد مقصود از اصل در کلام اصحاب ائمه و علمای قرن ششم تا یازدهم، مجموعه روایاتی بوده که شاگردان ائمه ﷺ آنها را جمع کرده‌اند تا از هرگونه فراموشی و آسیب در امان بماند و هنگام نیاز بتوان به آنها مراجعه کرد. این احادیث اغلب کلام معصومان ﷺ بوده خواه مستقیم از معصوم ﷺ باشد یا آنکه مؤلفان آنها را گرد آورده‌اند و از خود شرحی بر آن نیفزوده‌اند؛ از این رو، از آن به کتاب و مصنف نیز تعبیر شده است؛^۴

۱. شیخ یوسف بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۱، ص ۹

۲. مقیاس الهدایة فی علم الدرایه، ج ۳، ص ۲۴

۳. مقیاس الهدایة فی علم الدرایه، ج ۳، ص ۲۴، ۲۶

۴. علی کنی، توضیح المقال، ص ۴۸

برخلاف اصطلاح کتاب در دوران فعلی و قرون دهم به بعد که اغلب در آن مطالب با ترتیب خاص و فصولی متوالی، همراه با شرح و تبیین گردآوری می‌شود. بدین جهت تعریفهای مبنی بر تمایز بین اصل و کتاب - آن‌چنان که مامقانی می‌گوید - نمی‌تواند مستند باشد و بسا براساس تخمین و گمان است.^۱ آقا بزرگ تهرانی نیز، بر همین نظر است و پس از بررسی مفصلی درباره فرق آن دو، معتقد است که اصل بر پاره‌ای از کتابها و مجموعه‌های حدیثی اطلاق می‌شود، در صورتی که کتاب، بر کلیه مجموعه‌های حدیثی قابل اطلاق می‌باشد.^۲

با مطالعه در مورد کاربرد عبارت «له اصل و له کتاب» می‌توان گفت که عبارت «له اصل» در مقایسه با عبارت «له کتاب» از اعتبار بیشتری برای راوی حدیث حکایت دارد؛ ولی با یکدیگر تباین نیز ندارند، آن‌چنان که برخی از محققان نیز چنین تعریف کرده‌اند: اصل، نگاشته‌ای است اولیه و سامان نیافته که در آن روایات معصوم علیهم السلام بدون دخل و تصرف آمده است.^۳

بنابراین اصول اربعه‌ای از اهمیت و ارزش بالاتری برخوردار بوده و می‌توان آن را دارای اعتبار بیشتری دانست.^۴ برخی از محققان آورده‌اند:

غایة ما هناک انّ الاصل عندهم اعلی و اشرف من غیره و فیه نوع مدح لصاحبه و تقویة لحدیثه.^۵

اصول و بویژه اصول اربعه‌ای به علت سلامت بیشتر از خطا در مقایسه با کتاب، مورد توجه بیشتر محدثان بوده است و همواره مرجع آثار روایی دیگر شده است.^۶ آقا بزرگ تهرانی

۱. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۱۴۰

۲. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۱۲۶

۳. آشنایی با علوم حدیث، ص ۶۶

۴. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۱۲۶

۵. محمدرضا مامقانی، مستدرکات مقباس الهدایة فی علم الدرایه، ج ۶، ص ۲۲۴

۶. درایه، ص ۱۷

نیز بر آن است که احتمال اشتباه و... در اصول کمتر است؛ از این رو، اصول در نقل قدماء حجت و احادیث آن صحیح تلقی شده است.^۱ استاد شانه‌چی هم می‌گوید: اصل در اصطلاح علمای حدیث، مجموعه‌ای از روایات است که راوی بدون واسطه از زبان معصوم علیه السلام شنیده است.^۲ این اصول به جهت اصالت بیشتر و نزدیک بودن به معصوم علیه السلام از نظر واسطه، نزد محدثان، منزلت بالایی داشته، گرچه لزوماً ممکن است مندرجات همه آنها - آن چنان که اخباریون پنداشته‌اند - کاملاً صحیح نباشد.^۳ با گذشت زمان و شکل‌گیری جوامع روایی مفصل و کتابهای حدیثی، اصول به تدریج رو به فراموشی رفتند.

تعداد و زمان تألیف اصول اربعه‌ای

محدثان در مورد تعداد و زمان تألیف اصول اربعه‌ای اتفاق نظر ندارند؛ اما همان‌طور که در تحلیل زمان ائمه علیهم السلام بویژه زمان امام باقر و امام صادق علیهم السلام گذشت، پیش از صدها مجموعه حدیثی اعم از اصل، کتاب و مصنف در دوران ائمه علیهم السلام، شکل گرفته؛ ولی معروف است که تعداد آنها، «چهارصد» اصل است. گرچه عدد مذکور، مبالغه و عدد کثرت است، می‌تواند از تعیین عدد خاصی حکایت کند که بین محدثان شهرت یافته؛ همان‌گونه که طبرسی از آنها به «اربعه‌ای کتاب هی معروفه بکتب الاصول» تعبیر کرده^۴ و ابن‌شهر آشوب و محمدتقی مجلسی هم از چهارصد اصل یاد کردند.^۵ شهید اول نیز از چهارصد مصنف یاد کرد که از مجموعه چهارهزار نفر از اصحاب روایت، چهارصد نفر آنها به تصنیف اهتمام ورزیده‌اند.^۶

گرچه «چهارصد اصل» شهرت یافته، در رجال شیخ طوسی و فهرست نجاشی که در مقام ذکر اصول بوده‌اند، چنین عددی به چشم نمی‌خورد. شیخ آقا بزرگ به

۱. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۱۲۶
 ۲. درایه، ص ۵۶
 ۳. تاریخ عمومی حدیث، ص ۲۶۰
 ۴. اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۰۰
 ۵. معالم العلماء، ص ۴؛ محمدتقی مجلسی، روضة المتقین، ج ۱، ص ۶
 ۶. ذکری الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱، ص ۵۹

استناد فهرست نجاشی و شیخ طوسی، تنها از ۱۱۷ اصل یاد و شمارش می‌کند.^۱ پس از قرن ششم، عدد چهارصد اصل شهرت پیدا کرده و عالمان زیادی مانند طبرسی، محقق حلی، شهیدین، شیخ بهائی، حر عاملی و...^۲ از آن یاد کرده‌اند؛ ولی -بنابر نقل برخی از محققان - تعداد اصول به معنای کتابهایی که روایاتش به نحو سماع به امام صادق علیه السلام رسیده باشد، نمی‌تواند بیش از صد مورد باشد،^۳ مگر آنکه مقصود از اصول اربعه‌ما، مجموعه مصنفات حدیثی باشد، اعم از اصل و کتاب که در آن صورت عبارات بزرگان که از عدد چهارصد یاد کرده‌اند نیز، درست خواهد بود.

زمان تألیف اصول هم بخوبی معلوم نیست، گرچه که می‌توان گفت تدوین آنها در دوران حضور ائمه علیهم السلام بویژه در دوره امام باقر و امام صادق علیهم السلام بوده است؛ زیرا حدیث‌نگاری در دوره ائمه علیهم السلام به رشد خود رسیده بود و شرایط بهتری برای تدوین آنها فراهم شد؛ ازاین‌رو، در کلام عالمان بزرگی مانند طبرسی و شهید اول تصریح شده که از راویان امام صادق علیه السلام چهار هزار نفر شهرت یافتند و از بین آنان چهارصد نفر اصل را نگارش کردند؛^۴ ولی دربرابر عده‌ای بر آن بودند که آغاز تدوین اصول اربعه‌ما از زمان حضرت علی علیه السلام و پایان آن تا عصر امام عسکری است.^۵

با توجه به معلوم نبودن تعداد دقیق و صاحبان آن، نمی‌توان به درستی در مورد زمان تدوین و پیدایش آنها اظهار نظر کرد؛ ولی به نظر می‌رسد بیشتر اصول، مربوط به دوران امام باقر و امام صادق علیهم السلام و پس از آن باشد که زمینه حدیث‌نگاری بیشتر فراهم بود؛ زیرا عصر آن دو امام - چنان که در تحلیل دوران ائمه علیهم السلام گذشت - با عصر دیگر ائمه علیهم السلام از نظر تدوین و کثرت اصول و کتب، قابل مقایسه نیست.

۱. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲، ص ۱۲۷

۲. همان

۳. حسن امین، دائرة المعارف الاسلامیه الشیعیه، ج ۵، ص ۳۸

۴. اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۰۰؛ ذکری الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱، ص ۵۹

۵. معالم العلماء، ص ۳

سرانجام اصول اربعماه

اصول اربعماه در زمان ائمه علیهم السلام، نگهداری می شد تا به نسلهای بعد منتقل شود راویان به مقدار اهتمام برای تهیه اصل، در نگهداری و سپردن به نسل پس از خود نیز کوشا بودند؛ ولی پس از تدوین کتب اربعه و شکل گیری جوامع نخستین شیعه، اصول در گذر زمان رو به فراموشی سپرده شد و با شکل گیری و تثبیت مطالب آنها در کتب اربعه با نظم جدید، رغبت به نگهداری و نسخه نویسی از آنها کم شد.

آقا بزرگ تهرانی پس از بحث در مورد سرنوشت آنها معتقد است هنگامی که روایات اصول، در کتابهای محمدون ثلاث، به صورت منقح شکل گرفت، دیگر نسخه برداری از آنها انجام نشد و تعدادی در معرض فراموشی قرار گرفتند، و تعدادی هم در جریان آتش سوزیها از جمله کتابخانه کرخ بغداد که در قرن پنجم هجری رخ داد، از بین رفتند. تعدادی از آنها نیز با حملات مغول به سرزمین مسلمانان ناپدید شدند.^۱ استاد جلالی هم بر همین نظر است و می گوید:

لما أحرفت كتب المفید و الطوسی، ضاعت اکثر الاصول و بقى بعضها حتى
عصر ابن ادریس الحلی فقد كان عنده طرف منها و بقى القلیل منها الى الان.^۲

بنابراین جز اندکی از اصول اربعماه که تا دوره معاصر گزارش شده، از بقیه آنها خبری نیست. مواردی نیز که گزارش شده، شانزده مورد است که با عنوان الاصول الستة عشر به اهتمام شیخ حسن مصطفوی چاپ شده و نام آنها به قرار ذیل است:

اصل زید زراد، اصل ابوسعید عباد عصفری، اصل عاصم بن حمید، اصل زید نرسی، اصل جعفر بن محمد بن شریح حضرمی، اصل محمد بن مثنی الحضرمی، اصل عبدالملک بن حکیم، اصل مثنی الولید الحنات، اصل خلاد السندی، اصل حسین بن عثمان، اصل عبدالله بن یحیی الکاهلی، اصل سلام بن ابی عمره، اصل

۱. الذریعة الى تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۱۳۶

۲. تدوین السنة الشریفه، ص ۱۸۱

اهتمام اهل بیت ﷺ به حدیث (قرن سوم) ۸۳

مختصر النوادر علی بن اسباط، کتاب علاء بن رزین القلاء، اصل درست بن ابی منصور محمد الواسطی و کتاب دیات ظریف بن ناصح کوفی.^۱
در مورد اصول مذکور و نسبت آنها به صاحبانشان، اختلافی نیست؛ جز در مورد اصول زید زراد و زید نرسی و کتاب ابوسعید عباد عصفری که مورد تشکیک برخی از محققان است.^۲

۱. تاریخ عمومی حدیث، ص ۲۶۳؛ سید محمد رضا جلالی حسینی، دراسة حول الاصول الاربعامة، ص ۲۰
۲. همان، ص ۲۶۵

پرسش

۱. دو مورد از روایات امام رضا علیه السلام را در خصوص کتابت حدیث بیان کنید.
۲. آثار مکتوب دوره امام رضا علیه السلام کدام است؟
۳. تدوین حدیث در دوران امام جواد علیه السلام چه ویژگیهایی دارد؟
۴. آثار مکتوب دوران امام هادی علیه السلام را نام ببرید.
۵. تدوین حدیث در دوران امام عسکری علیه السلام چه ویژگیهایی دارد؟
۶. تعداد و سرنوشت اصول اربعه‌امه را بیان کنید.

پژوهش

۱. مناظرات علمی امام رضا علیه السلام را در آثار روایی، تحلیل کنید و نکاتی که در مورد اهمیت حفظ علم و نوشتن در آنها وجود دارد، معین نمایید؛
۲. مسند امام جواد علیه السلام را تحلیل کنید؛
۳. توقیعات حضرت صاحب الامر علیه السلام را در کتاب الغیبه بررسی و از نظر اهمیت نوشتن و تدوین حدیث، تحلیل کنید؛
۴. عبارت اصول اربعه‌امه را در کلمات محدثان شیعه بررسی و سیر تاریخی آن را از آغاز تاکنون تحلیل نمایید؛
۵. با بررسی «اصول اربعه‌امه» در بحار الانوار، تعداد و صاحبان آن را معین کنید.

اهتمام متقدمان به حدیث (قرن چهارم)

دوره تکامل حدیث‌نگاری شیعه

در این مرحله به سیر تاریخی چگونگی تدوین حدیث در قرن چهارم هجری می‌پردازیم و ضمن بررسی سیر و تکامل حدیث‌نگاری در آن قرن، موضوع نقش محدثان متقدم و پیشین شیعه در شکل‌گیری جوامع اولیه حدیث، علل تدوین جوامع اولیه، تأثیر قَلت واسطه‌ها در تدوین حدیث، مجموعه‌های حدیثی در قرن چهارم، استمرار غالبان حدیث و انگیزه‌های آنان تا قرن چهارم و تلاش متقدمان در نفی آنان، راههای تحمّل حدیث در قرن چهارم و تدوین نخستین مجموعه‌های رجالی را بررسی می‌کنیم.

قرن چهارم در تاریخ حدیث شیعه، دوران تکامل حدیث‌نگاری و ثبت و ضبط آنها در قالب جوامع حدیثی است؛ زیرا از طرفی این قرن، آغاز دورانی است که شیعیان، دیگر به‌طور مستقیم به معصوم علیه السلام دسترسی ندارند و آخرین نایب خاص حضرت مهدی (عج) در سال ۳۲۹ هجری فوت نموده است^۱ و امکان بهره مستقیم از امامان معصوم علیهم السلام وجود ندارد و از طرف دیگر با گسترش پرسشهای مذهبی،

۱. الارشاد، ص ۳۴۶؛ اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۴۸

ضرورت داشت که محدثان اصول و نسخه‌های شکل گرفته حدیثی دوران حضور را تکمیل کنند و آنها را با شیوه‌های جامع‌تر و روان‌تر در اختیار شیعیان قرار دهند.

نقش محدثان متقدم شیعه در تدوین جوامع اولیه

نخستین گروه از محدثان شیعه، محدثان بزرگی چون محمد بن یعقوب کلینی متوفی (۳۲۹ ق)، معروف به «ثقة الاسلام» و شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه قمی متوفی (۳۸۱ ق) معروف به «رئیس المحدثین» هستند که از محدثان قرن چهارم شمرده شده‌اند آن دو در تدوین جوامع اولیه حدیثی نقش مهمی داشته‌اند و نخستین مجموعه‌های حدیثی را سامان دادند. البته اصطلاح «مقدمین» شامل شیخ طوسی و ... نیز می‌شود که در بررسی قرن پنجم بدان پرداخته خواهد شد.

مهم‌ترین آثار حدیثی دوران متقدمان را می‌توان تدوین جوامع اولیه حدیث یا کتب اربعه دانست که بخشی در قرن چهارم و ادامه آن در قرن پنجم شکل گرفته است. آن مقطع از نظر سیر تحلیل تاریخ حدیث، دوران مهمی در تاریخ حدیث شیعه شمرده شده است. در قرن چهارم، کتاب گرانقدر: الکافی فی الاصول و الفروع و الروضة، تألیف محمد بن یعقوب کلینی و کتاب من لایحضره الفقیه، تألیف ابن بابویه قمی، و آثاری دیگری در حوزه حدیث شکل گرفت که در بخش مجموعه‌های حدیثی قرن پنجم بدانها اشاره خواهد شد.

افتخار بزرگ متقدمان در آن است که با تدوین کتب اربعه، بهترین حافظ، راوی و عالم به احادیث شدند و از منزلتی بزرگ برخوردار گردیدند؛ زیرا در روایت امام صادق علیه السلام آمده است:

اعرف منازل الناس علی قدر روایاتهم و معرفتهم فان المعرفة هی الدراية للرواية و بالدرايات للروایات یرتقی المؤمن الی أقصى درجات الایمان.^۱

۱. کافی، ج ۱، ص ۵۱؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۵۰؛ ملا محسن فیض کاشانی، نوادر الاخبار فیما يتعلق باصول الدین، ص ۵۰

آنان به لحاظ روایات و سپس درایت احادیث از مراتب بلند ایمان، بهره‌مند شدند. و با پیشتازی در ثبت و تدوین حدیث و تنظیم جوامع حدیثی، به احیای قلوب پرداختند؛ آن‌چنان که در روایت دیگری آمده است: «انَّ حدیثنا یحیی القلوب».^۱ ایشان متفقهی بودند که اجر هزارها عابد را به خود اختصاص دادند؛ زیرا مصداق روایت امام صادق علیه السلام قرار گرفتند که فرمود: «الروایة للحدیث المتفقه فی الدین أفضل من الف عابد لا فقه له و لا روایة».^۲ خدمت آنان به حدیث، ایشان را فراتر از مکان و عصر خود قرار داد و در همه زمانها و مکانها، سهم اجر راویان حدیث و عاملان به آن شدند.

بررسی علل پیدایش جوامع اولیه حدیث

پس از دوره حضور، محدثان شیعه به اهمیت مجموعه‌های حدیثی مدوّن پی بردند و به تدوین آنها همت گماشتند تا به صورت مجموعه‌هایی فراتر از کتاب و اصل درآید و مطالب به صورت موضوعی و تهذیب شده، تمام روایات دربر گیرد و بتواند پاسخگوی نیاز علاقمندان به حدیث بویژه در گستره فقهی باشد. بدین سان علل پیدایش جوامع اولیه حدیث را می‌توان موارد ذیل دانست:

الف) ضبط و گردآوری جامع‌گونه احادیث

مهم‌ترین ویژگی مجموعه‌های روایی دوران حضور، فراگیر نبودن مجموعه‌های حدیثی بود؛ زیرا غالب نوشته‌های حدیثی فراگیر همه حوزه‌ها و در همه گستره‌ها نبود و غالب اصول و کتب، در حوزه خاصی و دربردارنده روایات محدودی در آن حوزه بود. نیاز به مجموعه‌های حدیثی که روایات حوزه‌های فقهی، کلامی، اخلاقی، سیاسی و... را دربر گیرد و در هر حوزه هم تمام احادیث گردآوری شده باشد، کاملاً احساس می‌شد. محدثان متقدم با آگاهی از این امر درصدد بودند آثار

۲. همان، ج ۲، ص ۱۴۵

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۴۴

جامعی از روایات فراهم آوردند تا پاسخگوی همه نیازهای دینداران و علاقمندان به حدیث باشد. شیخ کلینی در مقدمه کتاب خود به این انگیزه اشاره دارد و در پاسخ به تقاضای کسی که کتاب جامعی از ایشان درخواست می‌کند، می‌گوید:

و قلت انك تحب ان يكون عندك كتاب كاف يجمع فيه من جميع فنون علم الدين ما يكتفي به المتعلم و يرجع اليه المسترشد و يأخذ منه من يريد علم الدين والعمل به.^۱

شیخ صدوق نیز در مقدمه کتاب خود بر این امر تأکید دارد. دوست عزیزی کتابی جامع و کافی را در حوزه‌های فقهی از وی خواسته بود تا هر مراجعه‌کننده‌ای، از کتابهای دیگر بی‌نیاز شود همچنان که زکریای رازی طبیب کتاب من لایحضره الطیب را جمع‌آوری کرده. او در این باره می‌گوید:

اما بعد فانه لما ساقني القضاء الي بلاد الغربية... وردها الشريف الدين ابو عبدالله المعروف بنعمة... فذاكرني بكتاب صنفه محمد بن زكريا المتطبب الرازي و ترجمه بكتاب من لايحضره الطيب و ذكر انه شاف في معناه و سألتني ان اصنف له كتاباً في الفقه و الحلال و الحرام و الشرايع و الاحكام موفياً على جميع ما صنف في معناه و أترجمه بكتاب من لايحضره الفقيه....^۲

دیگر آثار فراهم شده در دوران متقدمان که تفصیل آن در بخش مجموعه حدیثی قرن چهارم، خواهد آمد نیز، به گونه‌ای تنظیم شده که بتواند فراگیر حوزه‌های حدیثی متعددی باشد و بدین جهت غالب مجموعه‌های حدیثی دوران متقدمان - به خلاف دوره پیشین - مفصل‌تر و با عنوان «جامع» شکل گرفته است.

مورخ گرانقدر، علامه آقا بزرگ تهرانی در عنوان «الجامع» از چندین کتاب حدیثی یاد می‌کند که از پایان قرن سوم و آغاز قرن چهارم شکل گرفت؛ مانند: جامع الاحادیث النبویه، اثر ابو محمد جعفر بن احمد بن علی القمی (م ۳۵۱) که شیخ

۱. کافی، ج ۱، ص ۸
 ۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲

صدوق از او روایت کرده است؛ الجامع فی الحدیث، از سید شریف حمزه بن عبداللّه (م ۳۵۸)؛ الجامع فی الحدیث، محمد بن احمد بن یحیی که شیخ از او روایت دارد، الجامع فی الحدیث، از ابن ولید (م ۳۴۳) و ...^۱

از مهم‌ترین اهداف گردآوری مجموعه‌های حدیثی، مجموعه‌هایی در بابهای فقهی بوده است که به علت گسترش پرسشهای فقهی و اهمیت آنها، محدثان متقدم تمام یا بخش مهمی از کتاب خود را به روایات فقهی اختصاص دادند تا نیازهای مردم در شناخت حلال و حرام در امور زندگی برآورده شود.

ب) تبویب و تنظیم احادیث

از دیگر انگیزه‌های متقدمان در پیدایش و سامان دادن جوامع اولیه حدیثی پس از جمع‌آوری روایات، تبویب و تنظیم آنها براساس ابواب فقهی و مباحث کلامی است تا کسانی که می‌خواهند از روایات فقهی یا کلامی و یا حوزه‌ای دیگر بهره ببرند، به آسانی به آنها دسترسی داشته باشند؛ بدین جهت در حوزه فقه، کلام، تفسیر و ... روایات براساس موضوعات یا بابها یا ترتیب آیات و یا ... باب بندی شد. در دوران حضور، راویان ائمه علیهم‌السلام روایات را به صورت موضوعی می‌نوشتند؛ ولی در بیشتر موارد این آثار، مجموعه‌های کوچک و بدون جداسازی احادیث بود.

در قرن چهارم که نحله‌های فکری و مذاهب فقهی هر روز توسعه می‌یافت، ضرورت موضوعی کردن روایات نیز، آشکارتر می‌شد؛ بدین جهت کلینی روایات جمع‌آوری شده خود را در سه بخش اصول، فروع و روضه گردآورد و در هر بخش نیز دسته‌بندی‌هایی انجام داد؛ بویژه در حوزه اصول و فروع، او به تأسیس سی بخش یا کتاب و ۳۲۶ باب همت گمارد که در نوع خود، جامع‌ترین و متنوع‌ترین ابواب روایی است. شیخ صدوق نیز روایات را به بابهای متعددی که بیش از ششصد باب فقهی است، دسته‌بندی کرد.

تبویب و تنظیم ابواب روایات که با تدبیر حکیمانه محدثان شکل گرفت، حرکت مهمی بود که محدثان قرن چهارم، آغازگر آن بودند و در دورانهای بعدی تکمیل شد؛ گرچه که تبویب روایات کلینی و صدوق، از اتقان مناسبی برخوردار بود که محدثان بعدی کمتر بدان خرده گرفته‌اند. این حرکت همواره سرچشمه تبویب روایات فقهی، تفسیری، کلامی، اخلاقی و... شده است.

پ) تهذیب و تصحیح احادیث

متقدمان بر نقش خود در گردآوری احادیث، کاملاً واقف بودند و می‌دانستند که پس از دوران صدور حدیث، آنان نخستین کسانی هستند که در تدوین حدیث پیشگام شده‌اند و می‌توانند از مصادر و اصول حدیثی اولیه، مجموعه‌های حدیثی را سامان دهند؛ بدین جهت رویکرد چشمگیر آنان علاوه بر سامان دادن، تثبیت و گردآوری، تبویب و تنظیم احادیث که بدانها اشاره شد، اهتمام جدی ایشان بر دقت در جمع‌آوری صحیح‌ترین روایات بود تا کامل‌ترین و سالم‌ترین روایات وارد شده، ضبط گردند.

آنان کوشیدند تا از نوشتن هر آنچه که ممکن است دست‌جا‌علان بدان رسیده باشد، پرهیزند؛ از این رو، مجموعه‌های حدیثی شیعه بخصوص کتب اربعه، کمترین کاستیها را دارد. مؤلفان بزرگوار این آثار بیشترین دقت را در تهذیب و تصحیح روایات به‌جای آورده‌اند؛ بدین جهت شهرت کتب اربعه ضمن جامع بودن و باب‌بندی‌شان، اتقان و سلامت بیشتر آنها، نسبت به دیگر مجموعه‌های حدیثی است که در قرنهای بعدی شکل گرفته. کلینی بر این امر در مقدمه کتابش تأکید می‌کند و ابراز می‌دارد که به جهت اختلاف و دگرگونی برخی از روایات، تشخیص حق بر او مشکل شده و نمی‌تواند بر روایات اعتماد کند. او می‌گوید که به دنبال روایات صحیح از معصومان علیهم‌السلام است تا عمل خود را بر آنها منطبق کند:

ذَكَرْتُ أَنَّ امْرَأً قَدْ أَشْكَلَتْ عَلَيْكَ، لَا تَعْرِفُ حَقَائِقَهَا لِاخْتِلَافِ الرَّوَايَةِ فِيهَا...
وَقُلْتَ إِنَّكَ تَحِبُّ أَنْ يَكُونَ عِنْدَكَ كِتَابٌ كَافٍ... يَأْخُذُ مِنْهُ مَنْ يَرِيدُ عِلْمَ الدِّينِ وَ
العَمَلَ بِهِ بِالْأَثَارِ الصَّحِيحَةِ مِنَ الصَّادِقِينَ عليه السلام وَالسُّنَنِ الْقَائِمَةِ الَّتِي عَلَيْهَا الْعَمَلُ وَ
بِهَا يُؤَدَّى فَرَضُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ سُنَّةُ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.^۱

شیخ صدوق نیز بر گردآوری روایات مورد اعتماد تأکید دارد و بیان می‌کند که
انگیزه‌اش، تنها گردآوری و تبویب روایات نیست، بلکه در صدد جمع‌آوری روایات
متعددی است که مرجع و محور عمل مسلمانان باشد. او در این خصوص می‌گوید:
أَتْرَجِمُهُ بَكِتَابٍ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، لِيَكُونَ إِلَيْهِ مَرْجِعُهُ وَ عَلَيْهِ مَعْتَمِدُهُ وَ بِهِ
أَخْذُهُ وَ يَشْتَرِكُ فِي أَجْرِهِ مَنْ يَنْظُرُ فِيهِ وَ يَنْسَخُهُ وَ يَعْمَلُ بِمُودَعِهِ.^۲

اهتمام بر تهذیب و تصحیح احادیث در دوران متقدمان، امر بس مهمی بود که
دانشمندانی چون شیخ طوسی بر آن تأکید داشت و دو کتاب گرانقدر تهذیب و
استبصار را با این هدف فراهم آورد. او در مقدمه تهذیب، بر این نکته تأکید می‌کند که
چون تعدادی از روایات دچار اختلاف و ناسازگاری شده، لازم است مجموعه‌ای
فراهم شود که روایات فقهی را پالایش کند:

ذَاكِرُنِي بَعْضَ الْأَصْدِقَاءِ - أَيْدُهُمُ اللَّهُ - مِنْ أَوْجِبَ حَقَّهُ عَلَيْنَا بِأَحَادِيثِ أَصْحَابِنَا
- أَيْدِهِمُ اللَّهُ وَ رَحِمَهُ السَّلَفُ مِنْهُمْ - وَ مَا وَقَعَ فِيهَا مِنَ الْاِخْتِلَافِ وَ التَّبَايُنِ
وَ الْمُنَاقَاةِ وَ التَّنَادُحِ حَتَّى لَا يَكَادُ يَتَّفَقُ خَبْرٌ إِلَّا وَ بَازَاؤُهُ مَا يَضَادُّهُ وَ لَا يَسْلَمُ حَدِيثٌ
إِلَّا وَ فِي مَقَابَلَتِهِ مَا يَنَافِيهِ حَتَّى جَعَلَ مَخَالَفُونَا ذَلِكَ مِنْ أَعْظَمِ الطَّعُونِ عَلَى مَذْهَبِنَا
وَ تَطَرَّقُوا بِذَلِكَ إِلَى إِبْطَالِ مَعْتَقَدِنَا.^۳

شیخ طوسی، نام اثر خود را تهذیب الاحکام گذاشت تا بیان‌کننده هدف او باشد
و برای رسیدن به هدف خود، بهترین اثر، یعنی مقنعه شیخ مفید را برگزید تا روایات
فقهی را تصحیح و تبیین کند؛ سپس چون کتاب تهذیب را مجموعه‌ای بزرگ یافت،

۱. کافی، ج ۱، ص ۸ ۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲

۳. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۱

به فکر تلخیص آن در شکلی جدید برآمد و با همان هدف، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار را سامان داد و ضمن بیان روایات، به راهکار جمع بین آنها براساس شیوه‌های بدیع خود پرداخت. او در این خصوص می‌گوید:

اما بعد فاتی رأیت جماعة من اصحابنا لما نظروا فی کتابنا الکبیر الموسوم بتهذیب الاحکام... سألونی تجرید ذلك و صرف العناية الی جمعه و تلخیصه و ان ابتدای فی کل باب بایراد ما اعتمده من الفتوی و الاحادیث فیہ ثم اعقب بما یخالفها من الاخبار و أبین وجه الجمع بینها...^۱

تذکر این نکته مناسب است که چون از جمله اهداف متقدمان گردآوری روایات صحیح و مهذب بوده است، در این جهت توفیق فراوان داشته و هر یک از ایشان روایات معتبر و ارزشمندی را فراهم آورده‌اند که از نظر آنان معتبر و صحیح شمرده شده است؛ گرچه که از نظر متأخران، تطبیق اصطلاح «صحیح» بر همه آنها ممکن نیست؛ زیرا معنای اصطلاح «صحیح» نزد متقدمان و متأخران یکسان نمی‌باشد از نظر متأخران امامیه، روایت صحیح حدیثی است که سلسله سند آن تا به معصوم علیه السلام متصل و تمام راویان آن در همه طبقات امامی و عادل باشند.^۲ شهید ثانی در این خصوص می‌گوید: فی الصحیح و هو ما اتصل سنده الی المعصوم علیه السلام بنقل العدل الامامی عن مثله فی جمیع الطبقات.^۳

اما از نظر متقدمان حدیثی صحیح بود که از «قراین صحت» برخوردار باشد. علامه مامقانی در این خصوص می‌گوید:

علی ان الصحیح و الضعیف کان مستعملاً فی السنة القدماء ایضاً غایة ما هناك انهم کانوا یطلقون الصحیح علی کل حدیث اعتضد بما یقتضی اعتمادهم علیه مثل وجوده فی کثیر من الاصول الاربعاء و...^۴

۱. شیخ طوسی، الاستبصار، ج ۱، ص ۲، ۳

۲. سید رضا مؤدب، درس‌نامه درایة الحدیث، ص ۵۹

۳. زین الدین شهید ثانی، الرعیة فی علم الدرایه، ص ۷۷

۴. مقیاس الهدایة فی علم الدرایه، ج ۱، ص ۱۳۹

بدین جهت متقدمان سعی وافر داشتند تا روایاتی را گردآورند که از قراین حجیت یا قراین صحت برخوردار باشند. فیض کاشانی این قراین را در مقدمه کتاب ارزشمند الوافی نقل کرده است.^۱ متقدمان علاوه بر نقل از مصادر مورد اعتماد، به شناسایی راویان مورد اعتماد و نقل از ثقات هم اعتقاد داشتند؛ به همین جهت می‌توان پیدایش علم رجال الحدیث در دوره متقدمان را خدمتی بزرگ برای احادیث دانست. در آغاز، کتب اربعه رجالی یعنی رجال کشی، نجاشی، فهرست و رجال شیخ طوسی، شکل گرفت. برخی از این کتابها مربوط به قرن پنجم است؛ ولی آغاز را می‌توان از قرن سوم و از ستایشهای معصومان علیهم‌السلام دانست که سرمایه کتابهای رجال شد.^۲

تأثیر کمی واسطه‌ها در اعتبار روایات متقدمان

از جمله امتیازات «جوامع اولیه حدیثی» که محدثان متقدم شیعه آنها را فراهم آوردند، کمی واسطه‌ها بین متقدمان تا به معصومان علیهم‌السلام است. این نکته بر اعتبار روایات ایشان افزوده است؛ زیرا آنان نسلی هستند که پس از دوران حضور، افتخار نقل روایات را دارند و بین آنان و معصومان علیهم‌السلام واسطه اندکی وجود دارد؛ به گونه‌ای که روایات زیادی از آنها را «عالی‌السند» نموده است. مقصود از روایات «عالی» - در برابر روایات «نازل» - روایاتی است که ضمن اتصال سند، راویان کمتری داشته باشد. شهید ثانی روایت عالی را چنین بیان می‌دارد: «هو قلیل الواسطه مع اتصاله».^۳ کلینی که از متقدمان است و نخستین اثر مدوّن خود را در پایان دوره حضور فراهم آورد، روایات فراوان عالی‌السند دارد که تعدادی از آنها به «ثلاثیات» او معروف شده‌اند و به «قرب الاسناد» نیز تعبیر شده‌اند.^۴ کلینی در این روایات با سه واسطه، از معصوم علیه‌السلام روایت می‌کند. دیگر متقدمان نیز، نسبت به دورانهای پس از

۱. ملا محسن فیض کاشانی، الوافی، ج ۱، ص ۲۲

۲. جعفر سبحانی، کلیات فی علوم الرجال، ص ۵۷؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۳۳۶

۳. الرعاية فی علم الدرایه، ص ۱۱۲؛ در سنانه درایة الحدیث، ص ۱۲۳

۴. امین ترمس‌العاملی، ثلاثیات الكلینی وقرب الاسناد، ص ۱۵۷

خود، از روایات عالی برخوردارند. برای فراهم آوردن آنها، مسافرت‌های فراوان انجام می‌دادند تا روایات را از سرچشمه‌های اصلی و با واسطه کمتر نقل کنند. ایشان ضمن اهتمام به کمی واسطه‌ها به شناسایی راویان هم توجه داشتند تا ضمن اتصال سند و کوتاه بودن آنها، از راویان معتبر، نقل حدیث کنند.

مجموعه‌های حدیثی

قرن چهارم که دوران تکامل حدیث‌نگاری به همت متقدمان است، مجموعه‌های حدیثی متعددی تدوین شد. نوشتن برخی از این آثار، از قرن سوم شروع شد و در قرن چهارم تداوم یافت. برخی نیز به صورت کامل در قرن چهارم شکل گرفت. می‌توان مهم‌ترین آنها را موارد ذیل دانست:

۱. الکافی فی الاصول و الفروع و الروضه: کتاب کافی تألیف محمد بن یعقوب کلینی، است که در حدود سال ۲۵۵ قمری و در روستای کلین شهر ری چشم به جهان گشود. او به «ثقة الاسلام» شهرت یافته و برای تدوین کتاب خود، بسیار مسافرت کرده است و دوران نائبان خاص حضرت مهدی را درک کرده و روایات را از سرچشمه دریافت. ^۱ وی بیست سال پایان عمر خود را به نوشتن کتاب کافی در ری و قم، گذراند. ایشان چند سال پیش از فوت، وارد بغداد شد و در سال ۳۲۹ قمری چشم از جهان فرویست و در همان مکان مدفون شد. ^۲ او حدود شانزده هزار روایت را از مشایخی گرانقدر، مانند علی بن ابراهیم قمی، محمد بن یحیی العطار و ... نقل کرده است و نام کتاب خود را بنا بر شهرت کافی گذاشت. برخی برآنند که نامگذاری از طرف حضرت ولی عصر علیه السلام بوده است که هنگام عرضه

۱. الکافی، ج ۱، ص ۱۳

۲. تاریخ عمومی حدیث، ص ۳۵۷؛ آشنایی با تاریخ حدیث شیعه، ص ۷۰؛ مدیر شانه‌چی،

تاریخ حدیث، ص ۱۱۶

کتاب بر ایشان، فرمودند: «الکافی کاف لشیعتنا».^۱

کتاب کافی دارای سه بخش اصول، فروع و روضه است که بخش اصول و فروع، اعتبار بیشتری دارد و علمای بزرگی از آن ستایش کرده‌اند؛ مانند شیخ مفید که می‌گوید: کتاب کافی در ردیف جلیل‌ترین کتابهای شیعه و سودمندترین آنها است.^۲ شهید اول بر آن است که کتابی مانند آن نوشته نشده. شهید ثانی نیز معتقد است که کتاب کافی، بی‌نظیر بوده و از منزلت بالایی برخوردار است.^۳ محدثان بزرگوار این کتاب را بررسی کرده و بر آن شرح نوشته‌اند؛ مانند شرح ملاصدرا با عنوان شرح الاصول الکافی، شرح علامه محمدباقر مجلسی با عنوان مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، شرح مولی محمد صالح مازندرانی با عنوان شرح الکافی و ...^۴

برخی نیز چکیده این کتاب را نوشته‌اند و بعضی دیگر به ترجمه آن همت گماشته‌اند. همچنین برای آن معجمها و فهرستهایی فراهم شده. در مورد اسناد، رجال و متن کافی، آثار گرانقدری تهیه شده^۵ که بررسی تفصیلی هر یک از آنها مربوط به درس کتابشناسی حدیث شیعه است. مباحثی چون انتساب روضه به کلینی و تحلیل بخشهای کتاب کافی و بررسی اعتبار روایات و مآخذ و طرق او نیز مربوط به کتابشناسی جوامع حدیثی شیعه است که در این خصوص مناسب است به مقدمه کتاب کافی، مقدمه معجم المفهرس لالفاظ بحار الانوار، تاریخ حدیث، آشنایی با علوم حدیث، دروس فی نصوص الحدیث و نهج البلاغه، و ... مراجعه شود.

۲. من لایحضره الفقیه: کتاب من لایحضره الفقیه، تألیف محدث گرانقدر، شیخ

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۵۳؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۳۶۰

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۳۲؛ کافی، ج ۱، ص ۲۶؛ تصحیح الاعتقاد لصواب الاعتقاد او

شرح عقائد الصدوق، ص ۲۷ ۳. کافی، ج ۱، ص ۲۷

۴. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۰ - ۹۴؛ المعجم المفهرس لالفاظ بحار الانوار،

ج ۱، ص ۶۶ ۵. دروس فی نصوص الحدیث و نهج البلاغه، ص ۹۷ - ۱۰۱

صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن موسی بن بابویه قمی است که حدود هفتاد سال در حفظ و نشر حدیث کوشید. او شخصیتی ستوده و دارای عظمت علمی است. درباره وی از امام عصر (عج) نقل شده: «مبارک ینفع اللّٰه به». ^۱ او در قم و ری می‌زیسته است و به سال ۳۸۱ق در شهر ری وفات یافت و در همان شهر مدفون شد. علمای رجال همگی او را ستوده‌اند. نجاشی در مورد او می‌گوید:

ابوجعفر نزیل الری، شیخنا و فقیهنا وجه الطائفة بخراسان وکان ورد بغداد و سمع منه شیوخ الطایفة و هو حدث السنّ. ^۲

شیخ صدوق از محضر درس استاد ابوجعفر محمد بن حسن بن احمد بن الولید بهره برد و در حوزه فقه و حدیث سرآمد روزگار خود گردید. ^۳ او به شهرهای فراوان مانند مشهد، نیشابور، بغداد، کوفه، مکه، و ... مسافرت کرد تا با بزرگان حدیث و طرق آنان در حدیث بیشتر آشنا شود. صدوق بالغ بر دویست شیخ داشته و از آنان حدیث نقل کرده است ^۴ که مهم‌ترین ایشان، علی بن حسین بن بابویه قمی، ابن الولید، محمد بن علی بن ماجیلویه است.

شیخ صدوق به لحاظ فراهم شدن شرایط سیاسی مناسب زمان خود، توفیق فراوانی در جمع‌آوری روایات، نشر و تدوین کتابهای حدیثی داشت. او در شهر ری، شیخ المشایخ مسلمانان بود و در دیگر شهرهای مجاور مثل قم، مشهد، نیشابور، همدان و ... نفوذ کلام داشت؛ ^۵ بدین جهت آثار حدیثی دیگری در قلمروهای خاص و با ساختار دیگری غیر از من لایحضره الفقیه از او به جای ماند. ^۶

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۲۴؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص، ط

۲. رجال نجاشی، ص ۲۷۶؛ من لایحضره الفقیه، مقدمه، ص، اکا

۳. فهرست شیخ طوسی، ص ۱۵۶

۴. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۲۷؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۳۷۲

۵. معانی الاخبار، ص ۶۸

۶. همان، مقدمه؛ دروس فی نصوص الحدیث و نهج البلاغه، ص ۱۰۵

شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه به گونه‌ای خاص روایات را آورده است که شناخت بررسی طرق و رجال، شروح و ویژگیهای آن از نظر متن و سند، مربوط به منابع شناسی حدیث شیعه است.^۱

آثار دیگری از شیخ صدوق منتشر شده؛ از جمله:

۱. خصال؛
۲. معانی الاخبار؛
۳. علل الشرایع؛
۴. توحید؛
۵. عیون اخبار الرضا؛
۶. کمال الدین و تمام النعمه؛
۷. مدینه العلم؛
۸. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال؛
۹. الامالی؛
۱۰. المواعظ؛

کتابهای حدیثی دیگری که در این قرن قابل ذکرند، عبارتند از:

۱. تحف العقول: تألیف حسین بن علی بن شعبه الحرانی از علمای قرن چهارم؛
۲. دعائم الاسلام: از نعمان بن محمد المغربي (م ۳۶۳)؛
۳. کامل الزیارات: تألیف جعفر بن محمد بن قولویه (م ۳۶۷).

آثار دیگری نیز در پایان قرن سوم شکل گرفت که به گونه‌ای به دوران متقدمان

مربوط می‌شود؛ مانند:

۱. ر.ک: مقدمه المعجم المفهرس لالفاظ بحار الاتوار؛ درسنامه علم حدیث؛ تاریخ حدیث؛ تاریخ عمومی حدیث.

۱. بصائر الدرجات: تألیف ابوجعفر محمد بن الحسن فروخ صفار قمی (م ۲۹۰)؛
۲. تفسیر عیاشی (م ۳۲۰)؛
۳. تفسیر قمی (م ۳۲۹)؛
۴. قرب الاسناد: از حمیری (م ۳۰۰)؛
۵. محاسن: از احمد بن محمد خالد برقی (م ۳۸۰).

هر یک از این آثار نشان از تدوین و تکامل حدیث‌نگاری در دوران متقدمان دارد و برخاسته از انگیزه‌های آنان در دوران تدوین جوامع حدیثی می‌باشد؛ گرچه که از مجموع آثار ذکر شده، تنها دو اثر (کافی و من لایحضره الفقیه) به علت ویژگی‌های خاصشان، در ردیف کتب اربعه قرار گرفت.

غالبان و مقابله متقدمان با آنان

از جمله مباحث تاریخ حدیث در دوران متقدمان و بویژه در قرن چهارم، آگاهی از تلاش غلات در ثبت عقاید خود در قالب روایات است. سابقه غلات به قرن اول بر می‌گردد و در زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام نیز رشد کرده‌اند؛^۱ ولی در دوران متقدمان و کمی پیش از آن یعنی در قرن سوم که مجموعه‌های حدیثی در حال شکل‌گیری بود، می‌کوشیدند افکار خود را در قالب روایت برای دیگران ارائه کنند. و آنها را به مجموعه‌های حدیثی نفوذ دهند. نخست به اختصار به تعریف غلات می‌پردازیم؛ سپس نقش ائمه علیهم السلام و مجاهدت متقدمان چون کلینی، صدوق و ... در برخورد با آنان را بیان می‌کنیم.

در مورد تعریف غلات آمده است: کسانی‌اند که معتقدند ائمه علیهم السلام به مرحله الوهیت رسیده‌اند. آنان ائمه علیهم السلام را از حد بشر فراتر دانسته و معتقدند که روح الاهی در ایشان حلول کرده است. شیخ مفید در شرح عقاید صدوق در این خصوص می‌گوید:

۱. تاریخ عمومی حدیث، ص ۲۹۱

والغلاة من المتظاهرين بالاسلام هم الذين نسبوا امير المؤمنين والائمة من ذريته عليه السلام الى الالهية والنبوة و وصفوه من الفضل في الدين والدنيا الى ما تجاوزوا فيه الحدّ وخرجوا عن القصد وهم ضلال كفار حكم فيهم امير المؤمنين بالقتل والتحريق بالنار.^۱

برخی محققان، تعریف غلات را عام‌تر دانسته‌اند؛ مانند محمدجواد مشکور صاحب کتاب تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم که در مورد آنان می‌گوید: غلات، فرقه‌هایی از شیعه هستند که افراط در تشیع نموده و درباره ائمه خود گزافه‌گویی کرده و ایشان را به خدایی رسانده و یا قاتل به حلول جوهر نورانی الهی در ائمه و پیشروان خود شدند و یا به تناسخ قاتل گشتند.^۲

از جمله مهم‌ترین مراحل رشد غلات، دوران تدوین مجموعه‌های حدیثی است؛ یعنی دوران متقدمان که از پایان قرن سوم تا قرن پنجم است آنان می‌کوشیدند اندیشه‌های خود را روایت معرفی کنند. آقای بهبودی معتقد است که آنان نه در مرحله اول تدوین حدیث، بلکه در مرحله دوم که کتب و اصول نوشته می‌شد، برای ورود عقاید نادرست خود به مجموعه حدیثی می‌کوشیدند:

وقد كان حديث اهل البيت عليهم السلام محفوظاً عن مكانة الغلاة و دسائسهم في دوره الاول... واما في الدور الثاني فبعد ما كثر اصحاب الحديث ورواد المذهب و توفرت الاصول و المؤلفات و تداولتها ايدي الوراقين و الصحفيين، تلاعبت بموارثهم ايدي الغلاة الخونة و عملاء الزنادقة فزادوا و نقصوا و غيروا و بدّلوا.^۳

فِرَق غلاتی مانند احدیه، ابراهیمی، اعضائیان، اهل حق، تفویضیه، حروفیه، حلاجیه، حلولیه، ذمامیه، خمسیه، رجعیه، عوجائیه، کاکائیه و...^۴ هر یک به گونه‌ای در

۱. تصحیح الاعتقاد لصواب الاعتقاد او شرح عقائد الصدوق، ص ۱۰۹

۲. محمدجواد مشکور، تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم، ص ۱۵۱

۳. محمدباقر بهبودی، معرفة الحديث، ص ۴۰

۴. ر. ک: تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم، ص ۱۶۸-۱۸۶ که به اختصار به ۱۳۱ فرقه اشاره شده است.

تحریف روایات نقش داشتند. شاخه‌های اصلی آنها در زمان تابعان، همسان با دوران تحولات تابعان رشد کرد و در زمان امام صادق علیه السلام وسعت قابل توجهی یافت.^۱ در دوران متقدمان غلات و در دوران متقدمان رویه گسترش بوده‌اند و گروهی از آنان می‌کوشیدند مسلمانان را گمراه کنند؛ به همین دلیل افرادی از ایشان مانند مغیره بن سعید،^۲ مفضل بن عمر،^۳ عمرو نبطی^۴ و... مورد مذمت شدید ائمه علیهم السلام بوده‌اند.

امامان معصوم علیهم السلام بویژه امام باقر و امام صادق علیهم السلام با مذمت آنان، همواره شخصیت آنان را آشکار و افکار نادرستشان را باطل اعلام می‌کردند. علامه مجلسی، روایات فراوانی در این خصوص آورده است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود: عن الصادق علیه السلام: احذروا علی شبابکم الغلاة لا یفسدوهم فان الغلاة شر خلق الله یصغرون عظمة الله و یدعون الربوبیة لعباد الله، واللہ! ان الغلاة شر من الیهود و النصراری و المجوس و الذین اشركوا؛^۵

عن ابی الحسن الرضا علیه السلام: الغلاة الذین صغروا عظمة الله تعالی فمن أحبهم فقد أبغضنا و من أبغضهم فقد أحبنا و من والاهم فقد عادانا و من عاداهم فقد والانا و من وصلهم فقد قطعنا و من قطعهم فقد وصلنا.^۶

ائمه علیهم السلام همواره از حضرت علی علیه السلام تا آخرین امام - بویژه امام صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام - از آنان بیزاری جسته و به تکذیب و تفسیق آنها پرداخته‌اند.^۷ به پیروی از ائمه علیهم السلام محدثان نیز - بویژه متقدمان - ضمن شناسایی آنان، در مذمتشان کوشیده‌اند؛^۸ بخصوص علمای رجال که با عباراتی مانند «غال»، «متهم بالغلو»، «من اهل

۱. تاریخ عمومی حدیث، ص ۲۹۳

۳. همان، ص ۳۸۸

۲. اختیار معرفة الرجال، ص ۲۹۷

۴. همان، ص ۳۹۱

۵. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۶۵

۶. همان، ص ۲۶۶

۷. تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم، ص ۱۶۰-۱۶۸؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۲۹۷

۸. تصحیح الاعتقاد او شرح عقائد الصدوق، ص ۱۰۹-۱۱۴

الارتفاع»، «مرتفع القول» و ...^۱ از ایشان یاد کرده‌اند.

مقدمانی مانند کلینی و صدوق و ... نیز کوشیده‌اند در برابر حرکت غالیان - چه در رجال و چه در ثبت روایات - آنان و گفته‌هایشان را شناسایی کنند و هنگام استفاده از نسخه‌ها و اصولی که از آنها جوامع حدیثی را فراهم می‌آوردند، از مجعولات آنان بپرهیزند؛ زیرا غلات - بنابر آنچه نقل شده - در صدد نسخه‌سازی اصول نیز برآمدند؛ آقای بهبودی بر آن است که راویان غالی مذهب، در مواردی به برخی اصول دستبرد زده‌اند:

فتارة كانوا يأخذون اصلاً معروفاً او كتاباً مشهوراً و يتتسخون منه نسخاً
عديدة و يدسّون فی خلالها احادیث من موضوعاتهم او يحرفون كلماتهم
طبقاً لاهوتهم.^۲

در برابر دسیسه‌های غلات و دیگر منحرفان فکری، عالمان مسلمان - بویژه محدثان و بخصوص محدثان متقدم مانند کلینی و صدوق - هنگام تدوین جوامع حدیثی، جهادی عظیم را سامان داده و ضمن تبیین اندیشه‌های باطل آنان با کمک روایات معصومان علیهم‌السلام، از ضبط هرگونه کلامشان در متون حدیثی خودداری کرده و در مصادر حدیثی خود روایت یا روایاتی را در نفی اندیشه‌های آنان آورده‌اند؛ همانند کلینی که در کتاب الحجة اصول کافی باب «فی أن الائمة علیهم‌السلام بمن يشبهون ممن مضی و کراهية القول فيهم بالنبوة»^۳ صدوق در عیون اخبار الرضا^۴ خصال^۵ و امالی^۶ صفار قمی در بصائر الدرجات^۷ برقی در محاسن^۸ و

۲. معرفة الحديث، ص ۴۴

۱. رجال کشی، ص ۳۶۴، ۳۹۰ و ...

۳. کافی، ج ۱، ص ۲۶۸ - ۲۷۰

۴. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ص ۸۱، ۳۲۶

۵. شیخ صدوق، خصال، ج ۱، ص ۳۳ - ۳۷؛ ج ۲، ص ۱۵۷

۷. بصائر الدرجات، ص ۶۴، ۱۲۳

۶. شیخ الصدوق، امالی، ص ۱۳۰

۸. برقی، محاسن، ص ۲۵۷

به پیروی از متقدمان، متأخرانی همچون مجلسی در کتاب بحار الانوار نیز، روایاتی را در مقام نهی از غلو ذکر می‌کند که مصادر متقدمان نیز متعرض آنها بوده‌اند. ایشان در کتاب الامامه در دو باب «نفی الغلو فی النبی والائمة»^۱ و «فصل فی بیان التفویض و معاینه»^۲ به ذکر آنها می‌پردازد.

آقای بهبودی نیز به تلاش متقدمان - بویژه عالمان رجالی - اشاره می‌کند که حرکت آنان در برابر غلات، خدمت بزرگی به حدیث و تدوین آن بوده است: و عند ذلك قامت جهابذة من زعماء الدین و حفاظ الحدیث، بمقابلة هذه العادیة فشهروا امر الزنادقة و الغلاة بالظعن فیهم و میزوا بین رجال الحدیث ضعافهم و ثقافتهم و بعدوا ناقلة هذه الآثار المختلفة عن معهد ثقافتهم و استوثقوا من تألیفاتهم بوضع الاحصائیة لعدد الابواب و الاحادیث لثلا یزید فیها ایدی الغلاة الخونة.^۳

غالیان، رو به افول رفته‌اند؛ اما ممکن است برخی از فرقه‌هایشان تداوم داشته باشند. تفصیل بحث در مورد آنها و شناسایی همه فرقه‌هایشان - از جمله معتقدان به عدم سهو النبی را که در قم غالی می‌دانستند - تفاوت غلات در کلام با غلات در رجال و ... در مجموعه‌ای دیگر خواهد آمد.

طرق تحمّل حدیث در بین متقدمان

راویان حدیث، همواره می‌کوشیدند روایات را با سند کامل نقل کنند تا در انتساب آنها به ائمه معصوم علیهم‌السلام تردیدی حاصل نشود به عبارت دیگر، طرق حدیث خود را به یکی از امامان معصوم علیهم‌السلام مستند سازند؛ زیرا این انتساب برای اعتبار روایت کافی بود و ذکر سند بین ائمه، لازم نبود؛ چون هر یک از ایشان معصوم علیهم‌السلام بودند و امامان علیهم‌السلام نیز بر این امر تاکید داشتند؛ از جمله امام صادق علیه‌السلام که در پاسخ به سؤال

۲. همان، ص ۳۲۸ - ۳۵۰

۱. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۶۱ - ۳۲۷

۳. معرفة الحدیث، ص ۴۷؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۲۹۷

اهتمام متقدمان به حدیث (قرن چهارم) ۱۰۳

ابی بصیر به این نکته اشاره می‌کنند. او از امام می‌پرسد: بسا حدیثی را که از شما می‌شنوم، به پدرتان نسبت می‌دهم و بسا حدیثی را که از پدرانتان شنیده‌ام، در مقام نقل به شما نسبت می‌دهم؛ آیا چنین کاری رواست؟ امام فرمود: «سواء الا انک ترويه عن ابي أحب اليّ وقال ﷺ لجمیل ما سمعت منی فاروه عن ابي».^۱

متقدمان از جمله کلینی و صدوق، می‌کوشیدند روایات را با بهترین طریق نقل کنند. طرق تحمل حدیث عبارت است از سماع، قرائت، اجازة، مناولة، کتابت، اعلام، وصیت و وجادة؛^۲ اما بهترین طریق آن، سماع و قرائت است. راویان حدیث در طبقه صحابه و تابعان تا زمان متقدمان، می‌کوشیدند از سماع یا قرائت در نقل استفاده کنند. شیخ صدوق هنگام نقل از منابع روایی که در اختیار وی بوده است، همچون کلینی تمام دقت خود را به کار می‌گیرد؛ برای مثال در مورد سعد بن عبدالله می‌گوید: همه کتابهای سعد بن عبدالله به جز مستخبات او را به توسط ابن ولید روایت می‌کنم؛ ولی در مورد مستخبات او، تنها به روایت اجزایی می‌پردازم که بر استاد خود ابن ولید قرائت کرده.^۳

کلینی نیز بر اهتمام سندنویسی و استناد روایت، اهتمام فراوان داشته و در کتاب کافی بابی را با عنوان «روایة الکتب و الحدیث و فضل الکتابه و التمسک بالکتب»^۴ می‌آورد تا بیان کند که روایات باید مستند باشد و در آن باب روایاتی را می‌آورد که اهمیت اسناد به کتابهای حدیثی را بیان دارد؛ مانند:

عن علی ﷺ: اذ حدثتم بحديث فاسندوه الي الذي حدثكم فان كان حقا فلکم وان كان كذباً فعليه.^۵

۱. کافی، ج ۱، ص ۵۱

۲. الرعاية في علم الدراية، ص ۲۷۸ - ۳۰۳؛ مقباس الهداية في علم الدراية، ج ۳، ص ۱۳۵؛

علم الدراية تطبيقي، ص ۲۸۱

۳. شیخ طوسی، فهرست، ص ۹۵؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۳۳۷

۴. کافی، ج ۱، ص ۵۱ ۵. همان، ج ۱، ص ۵۱

تدوین نخستین مجموعه‌های رجالی

محدثان متقدم به علت اهتمام به سند روایت، تلاش دیگری را سامان دادند که شکل‌گیری «رجال الحدیث» بود. این حرکت، گام گرانقدری در شناخت راویان و به تبع آن در شناخت احادیث شمرده می‌شود. مهم‌ترین کتابهای رجالی که شامل رجال کشی، رجال نجاشی، فهرست و رجال طوسی، رجال برقی و... است، در دوران متقدمان شکل گرفت؛ گرچه که شناخت راویان از قرن دوم آغاز شده بود و باتوجه به توثیق و جرح برخی راویان از طرف ائمه علیهم‌السلام، متقدمان علم «رجال الحدیث» و کتب مربوط به آن را سامان دادند.^۱

نخستین منبع رجالی در پایان قرن سوم از برقی (متوفی ۲۸۰) است. احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی برقی، از عالمان بزرگ شیعه است و در کوفه می‌زیست. او ۱۷۰۷ راوی را براساس ادوار تاریخی و براساس زمان ائمه علیهم‌السلام تنظیم کرده است. پس از برقی، رجال کشی است (م ۳۴۰) که در قرن چهارم می‌زیسته. او محمد بن عمر بن عبدالعزیز، معروف به کشی است که رجالش، به معرفة الناقلین عن الائمة الصادقین علیهم‌السلام معروف است او نام ۱۱۵۱ راوی را از زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا ائمه علیهم‌السلام ذکر می‌کند. پس از آن رجال نجاشی (م ۴۵۰)، رجال و فهرست شیخ طوسی (م ۴۶۰) است که مربوط به قرن پنجم می‌باشد. این آثار در ادامه دوران متقدمان و در تکمیل رجالیهای قبلی است.^۲

محدثان متقدم مانند کلینی، صدوق و... به علت اهتمام به شناخت راویان، هر یک رجالی ماهری بودند و گرچه کتاب رجالی مستقلی به آنان نسبت نداده‌اند، برای

۱. سید ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة ج ۱، ص ۱۰۱؛ علی

اکبر غفاری، تلخیص مقیاس الهدایة، ص ۲۱۱

۲. جعفر سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ص ۵۳

شناخت سندها ناگزیر بودند که ضمن آگاهی از روایان حدیث، بر مبانی رجالی خود نیز تکیه کنند تا ضمن نقل روایات از منابع معتبر و برخوردار از روایات از قراین صحت، روایان نیز ثقه باشند؛ از این رو، روایان کتاب کافی و من لایحضر الفقیه که در قرن چهارم شکل گرفتند، از بهترین روایان هستند؛ هر چند که ممکن است از نظر بررسی عالمان رجالی متأخر و با توجه به مبانی جدید، برخی از آنان ممدوح نباشند.

پرسش

۱. برجسته‌ترین متقدمان حدیثی شیعه را نام ببرید و مهم‌ترین شاکله حدیثی آن دوران را بیان کنید.
۲. علل پیدایش جوامع اولیه حدیثی کدام است؟
۳. تفاوت انگیزه‌های کلینی و صدوق در چیست؟
۴. تهذیب و تصحیح احادیث، با چه هدفی انجام گرفته است؟
۵. کمی واسطه در تدوین حدیث چه تأثیری دارد؟
۶. مهم‌ترین مجموعه‌های حدیثی قرن چهارم کدام است؟
۷. برخورد متقدمان با غالیان حدیث چگونه بوده است؟
۸. چگونگی طرق تحمل حدیث در قرن چهارم را بیان کنید.

پژوهش

۱. محدثان متقدم حدیثی شیعه را در قرن چهارم، از نظر زمانی، حوزه تحصیلی، استادان و شاگردان تحلیل کنید؛
۲. با بررسی مقدمه کتاب کافی، دیگر علل تدوین جوامع حدیثی را به صورت جزئی‌تر شرح دهید؛
۳. با بررسی مقدمه کتاب من لایحضر الفقیه، اهداف بلند آنها را تبیین و دسته‌بندی کنید؛
۴. نقش تهذیب و تصحیح روایات، در اصلاح روایات فریقین را به تصویر کشید؛
۵. با بررسی مقدمه دیگر آثار صدوق، اهمیت تدوین آنها را بررسی کنید؛
۶. با بررسی کتاب ثلاثیات کلینی طرق او را معین و تحلیل کنید؛
۷. در جلد ۲۵ بحار الانوار، روایات مربوط به غلو را دسته‌بندی و مهم‌ترین آنها را بیان نمایید؛
۸. با بررسی روایات جلد اول کافی و من لایحضر الفقیه، طرق تحمل حدیث آن را تحلیل کنید.

۵

اهتمام متقدمان به حدیث (قرن پنجم)

قرن پنجم به محدثان بزرگی آراسته است و در میان آنان شیخ الطائفه، محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰) می‌درخشد او خود را مفتخر به شاگردی بزرگانی چون شیخ مفید، ابو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان (م ۴۱۳)، ابو عبد الله حسین بن عبید الله غضائری (م ۴۱۱)، سید مرتضی (م ۴۳۶) و ... می‌داند که هر کدام عالمی بزرگ برای جهان تشیع در پایان قرن چهارم و آغاز قرن پنجم هستند! اما در بین همه عالمان شیعه در این قرن، آن که در تدوین و تکمیل حدیث نقش مهم‌تری داشت و تعدادی از جوامع اولیه حدیثی به او منسوب است، «شیخ طوسی» می‌باشد وی صاحب دو اثر گرانقدر از کتب اربعه، یعنی تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه و الاستبصار فیما اختلف من الاخبار است.^۱

تداوم حدیث‌نگاری متقدمان

شیخ طوسی، در عهد خود، نسبت به دیگر عالمان شیعه پس از شیخ مفید، بیشترین آثار دینی را در حوزه‌های فقه، کلام، تفسیر، روایات و ... دارد. او نیز همچون کلینی

۱. شیخ طوسی، التبیان، مقدمه آقا بزرگ، ص: ج، ص، ف؛ المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار، مقدمه، ص ۷۱؛ زرکلی، الاعلام، ج ۴، ص ۸۴؛ ابن اثیر، کامل، ج ۱۰، ص ۲۲؛ البدایة و النهایة، ج ۱۲، ص ۹۷؛ ریحانة الادب، ج ۲، ص ۳۹۹؛ تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام، ص ۳۱۳؛ الاستبصار، مقدمه

و صدوق از متقدمان قرن چهارم، بر نوشتن و تدوین احادیث - گرچه با نگرشی نو - اهتمام داشت و آن را ضروری می دانست. شیخ طوسی به جهت نیاز به تدوین علوم آل محمد ﷺ آثار متعددی را در حوزه های گوناگون فراهم آورد؛ از جمله در تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن؛ در حدیث، تهذیب، استبصار، غیبه، مصباح المستهجد، اختیار معرفة الرجال و امالی؛ در کلام، تلخیص الشافی، الغیبه، در فقه، نهایه، مبسوط و خلاف؛ در رجال و راوی شناسی، فهرست، رجال و ... را به رشته تحریر درآورد.^۱

تعدد و تنوع آثار او، مربوط به گسترش مباحث و علوم اسلامی در قرن پنجم است؛ زیرا در عهدی می زیست که شرایط بهتری نسبت به قبل و بعد از خود داشت و حاکمانی چون آل بویه، از علما حمایت می کردند^۲ و مراکز علم و دانش در ری، قم، خراسان، همدان، بغداد و ... شکوفا بود. بدین سان مباحثات کلامی و نحله های فکری در حوزه عقاید، حدیث، تفسیر، رجال و ... رو به رشد بود و بدین جهت محدثان قرن پنجم - از جمله شیخ طوسی - احساس مسئولیت بیشتری در ثبت و ضبط و نشر روایات داشتند. شیخ طوسی در جهت تکمیل حدیث نگاری و نه به شیوه کلینی و صدوق، بلکه با روش اجتهادی و رویکرد اصول گرایانه - در برابر مسلک حدیث گرایی - تلاش فراوانی انجام داد؛ زیرا هنگامی که بیست و سه سال داشت، در بغداد ساکن شد^۳ و به تدریج در طول چهل سال حضور در حوزه علمی بغداد و سپس مهاجرت به نجف و تأسیس حوزه علمیه آن دیار، مؤلفات فراوانی را سامان داد.

شیخ طوسی در بغداد در مرکز خلافت عباسیان، به تبیین دیدگاههای شیعه در برابر دیگر فرق همت گماشت و عمده توجه ایشان، دفاع از دیدگاههای کلامی امامیه در برابر معتزله، اشاعره، مرجئه و ... بود. او در کنار استاد گرانقدر خود، شیخ مفید، در برابر کسانی چون قاضی عبدالجبار معتزلی، باقلانی و رمانی و ... مقاومت

۱. التبیان، مقدمه آقا بزرگ، ص ۱

۲. تاریخ عمومی حدیث، ص ۳۸۳

۳. حلی، خلاصة الاحوال، ص ۱۴۸

علمی کرد و در آن مباحثات و مقاومتهای علمی، بهره‌گیری او از حدیث و استناد به روایات فراوان بود. علت مهاجرت شیخ طوسی از بغداد به نجف هم، اوج‌گیری نزاعهای شیعه و اهل سنت و تهاجم مخالفان شیخ طوسی به خانه شیخ و آتش زدن خانه و کتابخانه در محله کرخ بغداد بود.^۱

در قرن پنجم عالمان بزرگ دیگری نیز از امامیه، در نشر و تدوین روایات نقش داشتند که البته همچون شیخ طوسی، اثری از آنها در ردیف کتب اربعه قرار نگرفت؛ ولی آنها نیز در تدوین جوامع اولیه، نقش داشتند؛ مانند شیخ مفید که قرن چهارم و پنجم هجری، به او مفتخر است و به علت مباحثات کلامی، بیشترین آثارش در حوزه‌های کلامی است. برخی از محققان آثار او را تا حدود دویست مورد دانسته‌اند.^۲ شیخ مفید هم در جایگاه استاد شیخ طوسی، در تدوین تهذیب شریک است؛ زیرا کتاب مقنعه او، محور جمع‌آوری روایات تهذیب قرار گرفت و شیخ در تهذیب به شرح و تدوین روایات پرداخت.

سید مرتضی نیز از عالمان قرن پنجم است که بر اهمیت حدیث و تدوین آن آگاه بود و مباحثی را در تفسیر و حدیث مطرح کرد که با نام *امالی فی التفسیر و الحدیث و الادب*، نشر یافت. سید رضی هم اثر گرانقدر خود را که شامل تعدادی از روایات حضرت علی علیه السلام است، جمع‌آوری کرد که اثری ماندگار به نام *نهج البلاغه* شکل گرفت.

گستره تدوین حدیث

گفتیم که در قرن پنجم، شیخ طوسی پیشتاز تدوین جوامع حدیثی بود و تهذیب و استبصار را تدوین کرد. او مهم‌ترین قلمرو ضرورت تدوین حدیث را در روایات فقهی دانست؛ زیرا در عهد وی، اختلاف فقها در مباحث فقهی، گسترش یافته بود و شیخ

۱. شیخ طوسی، خلاصه مقدمه، ج ۱، ص ۸؛ آشنایی با علوم حدیث، ص ۷۸

۲. تهذیب الاحکام، مقدمه، ص ۳۰

که خود علاوه بر مفسر و محدث بودن، فقیهی سرآمد بود، علت تفاوت آرای فقها را نه در مباحث قرآنی، بلکه در قلمرو حوزه‌های حدیثی می‌دانست و آگاه بود که یکسان نبودن روایات، منشأ بسیاری از تعدد آرا شده است؛ بدین جهت در جمع‌آوری روایات فقهی به همراه بررسی و تحلیل آنها همت گماشت. شیخ طوسی روایات تفسیری را در تبیان، احادیث روایات اعتقادی را در الغیبة و تلخیص الشافی و روایات مربوط به رجال را در کتاب اختیار معرفة الرجال گردآورد؛ ولی بیشترین تلاش او در گستره روایات فقهی رقم خورد.

شیخ در مقدمه هر دو کتاب حدیثی خود،^۱ بر این امر تأکید دارد که هدف او در گردآوری و پرداخت روایات، ایجاد سازگاری بین آنها است. او کتاب مقنعه استاد خود را در ابواب فقهی، برمی‌گزیند و براساس بابهای آن به گردآوری روایات معروف؛ سپس روایات مخالف و در پایان به راه‌حل جمع آنها مبادرت می‌ورزد و در این خصوص می‌گوید:

ذاکرنی بعض الاصدقاء - ایدة الله - ممن اوجب حقه علينا باحاديث اصحابنا ايدیهم الله ورحم السلف منهم و ما وقع فيها من الاختلاف والتباين والمنافاة والتضاد حتى لا يكاد يتفق خبر الا وبازائه ما يصاده ولا يسلم حديث الا وفي مقابله ما ينافيه... وسألني ان اقصد الى رسالة شيخنا ابي عبدالله - ایدة الله تعالى - الموسومة بالمقنعة لانها شافية في معناها كافية في اكثر ما يحتاج اليه من احكام الشريعة... ثم اذكر بعد ذلك ما ورد من احاديث اصحابنا المشهورة في ذلك وأنظر فيما ورد بعد ذلك مما ينافيها ويصادها وأبين الوجه فيها.^۲

شیخ طوسی - همچون دیگر متقدمان - بالاترین ثمره پرداختن به احادیث را تهذیب و تصحیح آنها می‌داند. علت رو آوردن وی به جمع‌آوری روایات - آن چنان که در مرحله پیش اشاره شد - شناسایی روایات صحیح از غیر صحیح و تبیین رابطه بین

۱. تهذیب، ج ۱، ص ۳؛ استبصار، ج ۱، مقدمه، ص ۳
 ۲. تهذیب، ج ۱، ص ۳

آنها و دفاع از مذهب شیعه است؛ از این رو، نام اثر خود را تهذیب الاحکام می‌گذارد که در واقع تهذیب روایات احکام است تا از طعن مخالفان رهایی یابد و دانش‌پژوهان آن دوران نیز بتوانند از روایات فقهی بهره کامل ببرند. او در این خصوص می‌گوید:

لا یسلم حدیث الا و فی مقابلته ما ینافیہ حتی جعل مخالفونا ذلک من اعظم الطعون علی مذهبنا و تطرّقوا بذلک الی ابطال معتقدنا.^۱

خدمت شیخ طوسی در تهذیب روایات، ارزش زیادی داشت. پس از تدوین کافی و من لایحضره الفقیه، غالب روایات گردآوری شده بود؛ ولی احادیث دیگری نیز وجود داشت که در تعارض با آنها بود. تدوین تهذیب و در پی آن تدوین استبصار با همان شیوه، ولی به گونه مختصر برای تبیین رابطه بین همه روایات، منفعتی بزرگ داشت؛ آن چنان که وی می‌گوید:

فقصدت الی عمل هذا الكتاب لما رأیت فیہ من عظم المنفعة فی الدین و کثرة الفائدة فی الشریعة.^۲

و بدین جهت تهذیب مورد توجه فقهای بزرگ، از آن دوران تا کنون واقع شده و کتابهای زیادی نیز به همان شیوه نگارش شده است.^۳

شیخ در مقدمه تهذیب و استبصار، بزرگ‌ترین علت تدوین دو اثر حدیثی خود را تهذیب و اصلاح روایات می‌داند از این نکته می‌توان چنین برداشت کرد که در فاصله تدوین کافی و من لایحضره الفقیه تا تهذیب و استبصار، (از دوره کلینی و صدوق تا عهد شیخ طوسی)، روایات ناهمگون - بویژه در حوزه فقه - بیشتر در معرض مطالعه بودند و کسانی به عمد روایات ضعیف را در معرض رای دیگران قرار می‌دادند تا بدین وسیله به اعتقادات شیعه حمله کنند و بسا نزاعهای بین فریق

۱. همان، ص ۴

۲. همان

۳. تاریخ عمومی حدیث، ص ۳۸۹

و صاحبان عقاید را سامان دهند.^۱ شیخ طوسی در جایگاه بزرگ‌ترین مرجع شیعیان، پیش‌تاز دفاع از اعتقادات شیعه برمی‌آید و توطئه‌های فکری مخالفان را درهم می‌شکند. او احادیث به ظاهر متناقض را با تحلیل درست به دیگران می‌شناساند و راه حل جمع بین آنها را تبیین می‌کند؛ ضمن آنکه روایات ضعیف و نادرست را نیز معرفی می‌کند تا چهره معصومان علیهم‌السلام از انتساب آن روایات بدانها سالم بماند.

اقدام شیخ طوسی در قرن پنجم در حوزه روایات فقهی نه تنها دفاعی از مذهب حق شیعه و روایات آنها بود، بلکه در مواردی وحدت فکری فقهای امامیه را نیز به ارمغان آورد و تا چندین قرن، اندیشه‌های فقهی شیخ طوسی در برداشت از روایات ثابت ماند و منازعات فقهی بین فقهای امامیه و ... رو به افول گذاشت؛ زیرا در زمان شیخ، برخی از برخوردهای ناپسند بین معتقدان مذاهب روی می‌داد که خطر آفرین بود؛ مانند آنکه نجاشی در شرح حال ابوالحسین جرجانی می‌آورد که فردی که شیوه او را نمی‌پسندید، وی را به قتل رساند.^۲

مجموعه‌های حدیثی

در قرن پنجم که تداوم دوران تکمیل حدیث‌نگاری بود، جوامعی در حدیث مدون شد که می‌توان بر اساس مهم‌ترین شخصیت‌های حدیثی آن قرن از موارد ذیل نام برد:

۱. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه: این کتاب که تألیف محمد بن حسن طوسی است، فراگیر روایات حوزه فقه و بر محور کتاب مقنعه شیخ مفید می‌باشد و از نخستین آثار شیخ طوسی است که در سنین جوانی نوشته.^۳ او نام اثر خود را تهذیب گذاشت تا بر هدف خود از تدوین مجموعه‌های حدیثی تأکید کند. شیخ روایات موافق و مخالف هر موضوع فقهی را آورده و احادیث نخستین هر باب، از نظر او

۲. رجال نجاشی، ص ۲۲۷

۱. ابن جوزی، المنتظم، ج ۸، ص ۱۷۳

۳. الفهرست، ص ۲۸۵

اعتبار بیشتری دارد. وی در ذیل روایات، نظر علمی خود را در جمع روایات آورده و در مواردی، بر ذکر سند و اهتمام کامل داشته است. در برخی موارد هم به «مشیخه» کتاب ارجاع داده است. شیخ طوسی در شرح مقنعه، تنها به مباحث فروع فقهی آن اکتفا می‌کند و بحث اصول را تفصیل نمی‌دهد.^۱

خدمت بزرگ شیخ طوسی در عصر خود، گستردن روایات فروع فقهی در تهذیب - حتی بیشتر از فروع کافی - و افزودن روایات مخالف در کنار روایات موافق بود که در مجموعه حدیثی دیگری وجود نداشت؛ همین طور نقد متن یا فقه الحدیث او بی‌نظیر است.

۲. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار: شیخ طوسی پس از تدوین تهذیب الاحکام دریافت که مجموعه مباحث آن مفصل شده و گروهی خواستار تلخیص آن هستند و مایلند روایات به صورت کوتاه‌تر باشد؛ از این رو، او بر تدوین کتاب استبصار همت گماشت و در حوزه فقه، روایات کمتری را و در ابواب خاص تدوین کرد. استبصار دومین کتاب از آثار شیخ طوسی است که جزء «کتب اربعه» قرار گرفت و مورد توجه فقها و محدثان بزرگ واقع شد.^۲

شیخ طوسی، استبصار را کمی پس از تألیف تهذیب تدوین کرد و در ضبط سند، بر اساس شیوه تهذیب عمل نمود. او در مواردی سند را ذکر می‌کند و در مواردی در پایان کتاب به تکمیل اسناد روایات می‌پردازد. استبصار همچون تهذیب، فراگیر تمام ابواب فقهی نبوده و تنها در سه بخش (دو بخش در عبادات و یک بخش در دیگر ابواب فقهی)^۳ سامان یافت و اغلب در حوزه جمع روایات متعارض است.^۴ او معتقد است که روایات به دو گروه متواتر و غیرمتواتر تقسیم می‌شوند. غیرمتواتر نیز دارای دو قسم است که شامل روایات آحاد همراه با قرینه و آحاد بدون

۱. آشنایی با علوم حدیث، ص ۹۷؛ مهدی مهریزی، آشنایی با متون حدیث و نهج البلاغه، ص ۱۳

۲. تاریخ عمومی حدیث، ص ۳۹۴

۳. الاستبصار، مقدمه، ص ص

۴. المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار، مقدمه، ج ۱، ص ۷۱

قرینه است و هر کدام حکم خاصی دارند. وی در این خصوص می‌گوید:
واعلم ان الاخبار علی ضربین: متواتر و غیر متواتر فالتواتر منها ما اوجب العلم فما هذا سبيله يجب العمل به... و ما ليس بمتواتر علی ضربین فضرب منه یوجب العلم ایضاً و هو کل خبر تقترن الیه قرینة توجب العلم و ما یجری هذا المجری یجب ایضاً العمل به و هو لاحق بالقسم الاول... و اما القسم الاخر فهو کل خبر لا یكون متواتراً و یتعری من واحد من هذه القرین فان ذلك خبر واحد و یجوز العمل به علی شروط...^۱

شیخ طوسی در تدوین استبصار، از تجربه علمی بیشتری برخوردار بود و بر مسلک اصولیها در حل تعارض اخبار، دقت بیشتری کرد؛ از این رو، اثرش متقن تر و برای ماهران فن مفیدتر است.^۲ به نظر می‌رسد شرحهای بیشتری بر استبصار نوشته شده است.^۳
۳. کتاب الغیبه: شیخ طوسی، علاوه بر دو اثر تهذیب و استبصار، آثار روایی دیگری نیز دارد؛ از جمله کتاب الغیبه که ضمن پرداختن به مباحث کلامی درباره امام زمان علیه السلام، روایات آن قلمرو را آورده است. اخیراً مؤسسه معارف اسلامی این اثر را با مقدمه گرانسنگ آقا بزرگ تهرانی منتشر کرده است. وی در مقدمه چنین می‌گوید:
و کتاب الغیبه للشیخ الطوسی - هذا - هو من الکتب القدیمة الذی یمتاز علی غیره فانه تضمن اقوی الحجج والبراهین العقلیة والنقلیة علی وجود الامام الثانی عشر محمد بن الحسن صاحب الزمان (عج) و علی غیبه فی هذا العصر ثم ظهوره فی آخر الزمان.^۴

کتاب الغیبه طبق شماره بندی اخیر، شامل ۵۰۵ روایت است که همراه تحقیق شیخ

۱. الاستبصار، ج ۱، ص ۴

۲. المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار، مقدمه، ج ۱، ص ۷۱

۳. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۱۴

۴. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۴، مقدمه آقا بزرگ تهرانی

علی احمد ناصح و شیخ عبداللہ تهرانی است و در آن روایاتی وجود دارد که معجزات دلالت کننده بر امامت حضرت به چشم می خورد.

۴. مصباح المتبجد و سلاح المتعبد، محمد بن حسن طوسی: این اثر را محمد بن حسن طوسی نوشته. کتاب مذکور فراگیر ادعیه منسوب به ائمه علیهم السلام است و سندی برای آنها ذکر نشده.

۵. اختیار معرفة الرجال، محمد بن حسن طوسی: شیخ طوسی روایات مربوط به مدح و ذم راویان را در کتاب اختیار معرفة الرجال آورده است و فراگیر بیش از یک هزار روایت به همراه اسناد آنها می باشد.

۶. امالی، محمد بن حسن طوسی: شیخ طوسی در امالی به ذکر روایات مباحث اجتماعی و اخلاقی پرداخته و دارای ۴۶ مجلس و برخوردار از بیش از یک هزار حدیث است.

۷. الامالی، شیخ مفید: شیخ مفید متوفای ۴۱۳ قمری امالی را در مباحث اخلاقی نوشته که شامل روایات فراوانی است. این اثر ۴۲ مجلس دارد و به همت بنیاد پژوهشهای اسلامی مشهد نشر یافته است.

۸. المزار، شیخ مفید: این کتاب که اثر دیگر شیخ مفید است، شامل روایات مربوط به فضیلت زیارتها و مکان آنها می باشد که مدرسه الامام المهدی آن را منتشر کرده است.

۹. امالی فی التفسیر و الحدیث و الادب، سید مرتضی: از دیگر علمای قرن پنجم، سید مرتضی (م ۴۳۶) هم سطح و استاد شیخ طوسی است که کتاب امالی او، دربرگیرنده هشتاد مجلس در تفسیر و حدیث و ادب است از این مقدار، ۲۸ مورد آن تأویل خیر است که ضمن ذکر یک یا چند حدیث به تفسیر و تبیین و رفع تعارض آنها پرداخته است. سید مرتضی با اهمیت به مجلس املاء، بر کتابت حدیث تأکید داشته؛ از این رو، اصحابش امالی وی را نشر داده اند. از او اثر دیگر نیز در حدیث به نام انتصار و ناصریات منتشر شده است. او به عدم حجیت خبر واحد معتقد بود.^۱

۱۰. نهج البلاغه، سید رضی: از دیگر آثار حدیثی بسیار مهم، گردآوری روایات فصیح و بلیغ حضرت علی علیه السلام است که سید رضی، از عالمان برجسته قرن چهارم و پنجم (م ۴۰۶) بر آن همت گماشت. او بخشی از کلمات، حکم، خطبه‌ها و نامه‌های حضرت را تدوین کرد؛ سپس برای آن شرح و ترجمه‌های فراوان نوشته شده است.^۱ سید رضی غیر از نهج البلاغه، کتاب مجازات الآثار النبویه و خصائص الائمه را نیز سامان داد که در آنها نیز روایات فراوانی آمده است.

۱۱. غرر الحکم و درر الکلم، آمدی: این کتاب گرانقدر، از عبدالواحد آمدی تمیمی، از دیگر عالمان قرن پنجم است که فراگیر سخنان حضرت علی علیه السلام می‌باشد و براساس ترتیب الفبا تنظیم شده و با تصحیح مؤسسه اعلمی منتشر شده است.

۱۲. شهاب الاخبار، قضاعی: کتاب شهاب الاخبار، تألیف قاضی قضاعی (م ۴۵۴) است که تعدادی از روایات نبوی صلی الله علیه و آله را دربر دارد و اخیراً مرکز انتشارات علمی و فرهنگی با تصحیح جلال‌الدین ارموی آن را منتشر کرده است.

شناسایی ویژگیهای هر یک از آثار قرن پنجم - بویژه تهذیب و استبصار که مهم‌ترین آثار روایی قرن پنجم است - و اینکه شیخ طوسی در دو اثر مذکور در چه حوزه‌هایی و چگونه روایات را تحلیل می‌کند؛ شامل چه تعداد روایات و در چه ابوابی است؛ تفاوت کامل‌تر آن دو در چیست؛ چه شرحها و تعلیقه‌هایی بر آن نوشته شده است و چه کسانی آنها را خلاصه کرده‌اند، مربوط به مجال دیگری است.

حوزه‌های حدیثی شیعه

برای نگهداری میراث روایی شیعه، از قرن دوم به بعد - خصوصاً از قرن دوم تا پنجم - حوزه‌های حدیثی شیعه، فعال بودند و راویان فراوانی برای حفظ و نقل روایات از امامان معصوم علیهم السلام به نسلهای بعد، می‌کوشیدند؛ زیرا تنها در دوره امام باقر و امام

صادق علیه السلام برخی راویان بیش از ده هزار روایت نقل کرده‌اند و راویان آن دوره، حامل روایات فراوانی بودند. بر این مطلب، سخن امام صادق علیه السلام نیز گواه است که در خطاب به ابان بن عثمان می‌فرماید: ابان بن تغلب سی هزار حدیث از من روایت می‌کند، تو نیز آنها را از او روایت کن.^۱

راویان حدیث شیعه از قرن دوم تا کنون برای حفظ آنها، مراکز و حوزه‌های حدیثی را تأسیس کردند که می‌توان تا قرن پنجم، آنها را مورد تحلیل قرار داد و نقش متقدمان را در جهت رشد آنها تبیین کرد. حوزه‌های حدیثی در هر شهری که شیعیان بودند، شکل می‌گرفت و گروهی روایات را در قلمرو فقه، کلام و تفسیر نقل و تدریس می‌کردند. چون اغلب شیعیان، در کوفه و قم حضور بیشتری داشتند، این دو شهر مرکزیت بیشتری در نشر و تدریس روایات شیعه داشت.

کوفه و قم در مقایسه با دیگر مراکز مثل بغداد، بصره، مدینه، شام، یمن، جبل عامل، ری، نیشابور، همدان، خراسان، کاشان، اهواز، گرگان و ... از تمرکز قدرت شیعیان برخوردار و از تعرضات مخالفان شیعه مصون بود. در دیگر شهرها گرچه محدثان حضور داشتند، در گذر زمان نشر و تدریس حدیث در آنها ثباتی نداشت. در دوران محدثان متقدم (از پایان دوره حضور امامان تا دوران شیخ طوسی) حوزه‌های علمی بیشتری فعال شدند. راویان به علت ویژگیهای دوران غیبت ولی عصر (عج) می‌کوشیدند تا روایات رسیده را تبویب و ضمن نشر کتب فقهی، کلامی، تفسیری و ... مردم را از احادیث بهره‌مند کنند.^۲

دوران متقدمان بویژه قرن پنجم را می‌توان اوج رشد و شکوفایی مراکز حدیثی دانست که سرآمد آنها، حوزه کوفه، بصره، قم، ری و بغداد است و بیشتر محدثان بزرگ همچون کلینی، صدوق، طوسی و ... در آنها به نشر تدریس حدیث

۱. رجال نجاشی، ص ۸۰؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۳۲۱

۲. تلخیص مقیاس الهدایه، ص ۲۳۸

می پرداختند؛ خصوصاً سه محدث بزرگوار که ایرانی بودند، از حوزه قم وری بهره برده و سپس به حوزه‌های عراق در کوفه، بغداد و نجف مهاجرت کردند. حوزه نجف هم پس از دیگر حوزه‌ها و از پایان دوره حیات شیخ طوسی شکل گرفت و هنگامی که شیخ طوسی به علت مزاحمت‌های فراوان از بغداد به نجف رفت، حوزه نجف سامان یافت. بار شد حوزه نجف، حوزه کوفه که در نزدیکی حوزه نجف قرار داشت، در سایه قرار گرفت.^۱ شیخ آقا بزرگ در این خصوص می‌گوید:

ولما رای الشیخ الخطر محققاً به هاجر بنفسه الی النجف الاشراف لاندأبجوار مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام وصیرها مرکز للعلم وجامعة کبری للشیعة الامامیة... واخذت تشد الیها الرجال وتعلق بها الآمال واصبحت مهبط رجال العلم... تلك هی جامعة النجف العظمی الی شید شیخ الطائفة رکنها الاساسی ووضع حجرها الاول وقد تخرج منها خلال هذه القرون المتطاولة آلاف مولفة من اساطین الدین واعاظم الفقهاء وکبار الفلاسفة ونوابغ المتکلمین وافاضل المفسرین.^۲

شهر مدینه نیز برای مدت طولانی پایگاه ائمه علیهم السلام بوده است و راویان فراوانی از آنجا رشد و نقل حدیث کرده‌اند؛ ولی به علت حکومت‌های غیر شیعی، پس از دوران حضور ائمه علیهم السلام و در عصر غیبت، شرایط مساعدی برای رشد حوزه حدیثی شیعه در آن به وجود نیامد.

مهم‌ترین حوزه‌های حدیثی شیعه تا قرن پنجم

حوزه‌های حدیثی شیعه در همه سرزمین‌های اسلامی از جمله حجاز، عراق، ایران، هند و... وجود داشت؛ ولی تمرکز آنها را می‌توان تا قرن پنجم در حوزه قم، بغداد و کوفه دانست؛ گرچه که در دوران متأخران (قرن ششم تا کنون)، مهم‌ترین

۱. تهذیب، ج ۱، ص ۴۵ ۲. التبیان، مقدمه، ص: و.

حوزه‌های حدیثی و به تبع آن حوزه‌های شیعه در فقه، کلام، تفسیر و ... حوزه نجف و قم بوده است. بنابراین به اختصار به مرکز حدیثی قم، بغداد و کوفه اشاره می‌شود.

الف) حوزه حدیثی قم

شهر قم از پایان قرن اول، یکی از مراکز مهم شیعیان به حساب می‌آمده و اولین شهر شیعیان در منطقه فارس، بوده است.^۱ راویان این سرزمین در زمان ائمه علیهم‌السلام بویژه امام صادق علیه‌السلام، خدمت حضرت می‌رسیدند و از ایشان روایت نقل می‌کردند. شیخ طوسی تعدادی از راویان از امام صادق علیه‌السلام را قمی می‌داند. شهر قم در زمان امام رضا علیه‌السلام و هجرت ایشان به ایران و سفر به قم، اهمیت بیشتری یافت. در دوره امامان بعدی نیز، قم رونق بیشتری گرفت؛ بویژه با حضور خاندان اشعری در قم و فزونی محدثان قمی مانند صدوق و ... حوزه حدیثی قم، اهمیت فراوان یافت. استاد شانه‌چی در مورد حوزه قم می‌گوید:

بعد از تسلط سلاجقه به بغداد و عصبیت و سختگیری نسبت به شیعه، قم (که به سبب مهاجرت اشعریون بدانجا به صورت پایگاه تشیع درآمد بود) و حله ... مراکز نشر حدیث و فقه شیعه شدند.^۲

شخصیتهایی که در حوزه حدیث قم شهرت یافتند، عالمان بزرگی بودند: مانند احمد بن محمد عیسی اشعری قمی، عبدالعزیز بن مهتدی قمی، علی بن حسین بن بابویه قمی، شیخ صدوق، ابن ولید قمی، محمد بن حسن بن فروخ الصفار، محمد بن یحیی العطار، ابراهیم بن هاشم قمی که هر یک در حوزه قم، نقش مهمی داشتند. حوزه قم در مباحث حدیث از شرایط خاصی برخوردار بود و در مقایسه با دیگر حوزه‌ها ساخت‌گیری بیشتری اعمال می‌کرد.^۳ قمیها در حوزه حدیث، بر هر راوی اعتماد

۱. رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، ص ۱۱۷؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۳۲۷؛ تاریخ قم،

مقدمه، ص ۵ ۲. تاریخ حدیث، ص ۱۱۲

۳. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۸۰

نمی نمودند و راویانی مثل احمد بن خالد برقی را طعن کردند. علامه حلی می گوید:
 مشایخ قم احمد بن محمد بن خالد برقی را مورد طعن قرار دادند و او را از قم
 اخراج نمودند.^۱

حوزه حدیثی قم به علت تمایل مردم آن دیار به اهل بیت علیهم السلام و بویژه با حضور دختر
 موسی بن جعفر و وفات آن حضرت در قم، پایگاه مهمی برای شیعه گردید تا آنجا
 که به ائمه علیهم السلام نسبت داده شده که اگر فقها و علمای قم روایات را حفظ نمی کردند،
 دین دچار رکود می شد.^۲ در کنار دیگر دروس دینی در شهر قم، حوزه حدیث نیز
 رشد فراوان داشت و در دوران متقدمان، بزرگانی چون صدوق و پدرش، از محدثان
 بزرگ آنجا شدند. شخصیت‌های قمی که در روایات نقش داشتند و در رجال از آنان
 نام برده شده، فراوان هستند که در کتاب تاریخ قم و معالم العلماء از ایشان یاد شده
 است؛ گرچه که حوزه قم پس از دوران متقدمان، برای مدتی رو به افول رفت.

حوزه حدیثی قم که از قرن نخست فعال بود، در قرن سوم و نیمه قرن چهارم، در
 اوج شکوفایی بود و مکتب حدیث‌گرایی در آن بر دیگر نگرشها حکومت داشت و
 رویکرد اصول‌گرایانه در آن، کم‌رنگ بود. تداوم حوزه قم، با حضور محدثانی که
 به گونه‌ای متأثر از حوزه حدیثی قم بودند، در ری شکل گرفت. محدثان بزرگی چون
 کلینی و صدوق، پرورش یافته حوزه قم و ری هستند.

ب) حوزه حدیثی کوفه

شهر کوفه از زمان ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام به مرکز مهمی برای شیعیان تبدیل شد.
 در دوران ائمه علیهم السلام بویژه امام صادق علیه السلام این شهر مرکزیت بیشتری یافت و حضور
 خاندان بزرگ اعمین در کوفه، سبب رشد دانش حدیث امامان علیهم السلام در آن شهر شد.
 مسافرت امام صادق علیه السلام به آن شهر و اقامت دوساله ایشان نیز، بر شکوه علمی آن

۱. خلاصة الاقوال، ص ۱۴ ۲. بحار الانوار، ج ۵۷ ص ۲۱۷

بنخصوص در حوزه حدیث و گسترش روایان حدیث افزود. استاد شانه‌چی می‌گوید: اقامت دوساله حضرت صادق علیه السلام در کوفه و نشر فقه و حدیث آل‌البیت در این سامان، سبب شد که پیروان مکتب تشیع در کوفه و اطراف، به صورت مشخصی درآیند؛ البته پیش از ورود حضرت صادق علیه السلام به عراق، مکتب تشیع به وسیله حمران بن اعین و سایر خاندان جلیل‌اعین در کوفه رسوخ یافته بود.^۱ شهر کوفه پایگاه محدثان و روایان اهل بیت علیهم السلام بود که دهها دانشمند شیعی در آنجا می‌زیست و در منطقه عراق، پایگاه شیعه شمرده می‌شد؛ از این رو، هرگاه می‌خواستند کسی را شیعه معرفی کنند، به او نسبت کوفی یا کوفی مذهب می‌دادند.^۲ نجاشی معتقد است که حسن بن علی بن زیاد و شاء، موفق به درک نهصد نفر از شاگردان امام صادق علیه السلام در مسجد کوفه شده است.^۳ شهر کوفه در قرن چهارم و سپس قرن پنجم نیز، دارای چنان اهمیتی شد که محدثان بزرگ از سراسر جهان تشیع از جمله ایران به کوفه مهاجرت می‌کردند تا از روایان معتبر و بی‌واسطه، روایات را نقل کنند؛ مانند کلینی که برای تدوین کافی به کوفه سفر کرد. استاد شانه‌چی در این خصوص می‌گوید:

همین کثرت ناقلان حدیث از مردم کوفه و عراق سبب شد که کلینی (که ضرورت جمع تألیف کتابی جامع از اصول معتمد، وثقات روایان را حس نمود)، رنج سفر از دیار خویش (ری که در آن زمان یکی از مراکز تشیع و همجوار قم که آن نیز مرکز ثقل حدیث اهل‌البیت بود)، را بر خود هموار ساخت و به بغداد و کوفه مهاجرت فرمود.^۴

محدثان کوفه به علت نزدیکی با حجاز و محل حضور ائمه علیهم السلام، در تدوین مجموعه‌های حدیثی از جمله تدوین «کتب اربعه» در دوران متقدمان نقش زیادی

۱. تاریخ حدیث، ص ۱۱۳

۲. محمدرضا شمس‌الدین، حدیث الجامعه النجفیه، ص ۶؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۳۲۳

۳. رجال نجاشی، ص ۱۳۷ ۴. تاریخ حدیث، ص ۱۱۴

داشتند؛ به گونه‌ای که راویان کوفی در سلسله اسناد روایات کتب اربعه، فراوان هستند. مسجد کوفه و دیگر محله‌های آن، محل نشر روایات و تدریس مشایخ حدیث بوده است.^۱

کوفیها هم در شهر کوفه و هم در شهرهای دیگر، مبلغ روایات اهل بیت علیهم‌السلام بودند؛ مانند ابراهیم بن محمد ثقفی که مؤلف حدود پنجاه کتاب بوده است و شیخ در فهرست و نجاشی در رجال نام تعدادی از آن آثار را می‌آورد. او نخست زیدی مذهب بوده و سپس به امامیه می‌گراید. وی گرچه اصالتاً کوفی بوده، در اصفهان ساکن شد و هنگامی که محدثان قمی مهاجرت وی را به قم درخواست می‌کنند، او اصفهان را برای سکونت ترجیح می‌دهد.^۲

پ) حوزه حدیثی بغداد

شهر بغداد در قرن دوم به برکت حضور امامان معصوم علیهم‌السلام از جمله امام موسی کاظم علیه‌السلام و دیگر امامان، به پایگاهی برای شیعیان تبدیل شد و تا قرن پنجم (دوران متقدمان) مرکز قدرت مهمی برای شیعیان به شمار می‌رفت. در این شهر محدثان، مفسران و فقهای بزرگی در آن دیار گرد هم آمدند و بغداد و در نزدیکی آن سامرا - بویژه محله کرخه بغداد - حوزه درسی فقهی و حدیثی امامیه شد. علاوه بر مهاجرت جمع زیادی از محدثان از شهرهای گوناگون سرزمینهای اسلامی، گروهی نیز از مردم بغداد و اطراف آنجا به فقه اهل بیت علیهم‌السلام رو کرده و خود عالمی بزرگ شدند.

در مرکزیت علمی و حدیثی شهر بغداد در مراحل از زمان، حکومت‌های وقت آنجا نیز در قدرت شیعیان بی‌تأثیر نبودند؛ زیرا برخی از شیعیان در حکومت نقش داشتند.^۳ از طرفی در بغداد به علت حضور برخی از ملل و فرقه‌های مذهبی،

۱. رجال نجاشی، ص ۲۹۷ ۲. رجال نجاشی؛ فهرست شیخ طوسی؛ تاریخ حدیث، ص ۱۱۵

۳. تاریخ عمومی حدیث، ص ۳۲۵

مباحثات و مناظرات رو به فزونی بود و - گرچه حاکمیت در اختیار اهل سنت بود - محدثان و عالمان شیعه می‌کوشیدند حضور بیشتری داشته باشند؛ از این رو، شخصیت‌های مهمی مانند شیخ مفید، سید رضی، سید مرتضی، شیخ طوسی و ... شهر بغداد را در حوزه حاکمیت علمی خود داشتند.^۱ آنان در بغداد پس از حوزه قم و ری، مکتب اجتهاد در حدیث را گسترش دادند و برخلاف مکتب حدیثی قم، رویکردی اصول‌گرایی را در حدیث آغاز کردند و در قلمرو بررسی روایات، نقش عقل را مهم دانستند.

مرکزیت شهر بغداد برای شیعیان در حوزه‌های فقه، حدیث و ... تا نیمه قرن پنجم، بیشتر دوام نیاورد و با تسلط سلجوقیان بر بغداد و فزونی اختلاف بین شیعیان، شیخ طوسی و دیگر محدثان و فقهای بزرگ، ناچار به مهاجرت از بغداد به شهر نجف شدند. استاد شانه‌چی در این خصوص می‌گوید:

بعد از تسلط سلاجقه بر بغداد ...، قم ... و حله (که به مناسبت مهاجرت حکومت شیعی آل‌مزید از تعصبات سلاجقه و حنابله علیه شیعه مصون مانده بود)، مراکز نشر حدیث و فقه شیعه شدند.^۲

آقابزرگ نیز، حمله طغرل و آتش گرفتن کتابخانه بزرگ شیعیان و تحمیل رنج و محنت فراوان بر شیعه را علت مهاجرت شیخ طوسی به نجف می‌داند و می‌گوید:

هجرة الى النجف الاشرف: لم يفتا شيخ الطائفة امام عصره وعزير مصره حتى ثارت القلاقل وحدث الفتن بين الشيعة والسنة ... حتى اتسع نطاقها بامر طغرل بيك اول ملوك السلجوقية فانه ورد بغداد في سنة ٥٤٤٧هـ وشن على الشيعة حملة شعواء وامر باحراق مكتبة الشيعة التي انشأها ابو نصر سابور بن اردشير وزير بهاء الدولة البويهى وكانت من دور العلم المهمة في بغداد.^۳

۱. رجال نجاشی، ص ۳۹۳؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۹۹

۲. تاریخ حدیث، ص ۱۱۲

۳. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵

با آتش سوزی در کتابخانه شیخ طوسی در بغداد و هجوم به خانه شیخ، ایشان به همراه گروهی از عالمان و شیعیان، به نجف مهاجرت می‌کند؛ ولی محله کرخه بغداد، خالی از شیعیان نماند.^۱

تأثیر تداوم تقیه بر تکمیل و تهذیب احادیث

از جمله مسائل مهم در قرن پنجم - بویژه در دوران شیخ طوسی - هنگام تدوین حدیث روایاتی بود که احتمال می‌رفت صدورشان با توجه به شرایط تقیه شکل گرفته باشد؛ از این رو، ممکن نبود متن آنها را بدون توجه به شرایط صدورشان دریافت؛ زیرا از طرفی اصل تقیه در صدور روایات برای محدثان امری مسلم بود و از طرف دیگر آنان احتمال ناسازگاری برخی روایات را ناشی از صدور آنها در شرایط تقیه می‌دانستند. بدین جهت بررسی و آگاهی از چگونگی تهذیب و تصحیح آنها، ضروری بود. برای تبیین نقش تقیه در روایات، نخست ضرورت تقیه و سپس رهنمود ائمه علیهم‌السلام در این زمینه را به اختصار بررسی می‌کنیم.

ضرورت تقیه در روایات و مستندات آن

اصل تقیه در هر امری و از جمله در مورد صدور روایات، مستند به آیات قرآن است^۲ و از معتقدات همه مسلمانان می‌باشد.^۳ از نظر اهل سنت، تقیه از اعتقادات شیعه است؛ ولی تقیه در همه زمانها بوده و هست و روایات فراوانی نیز در تأیید آن وجود دارد که به چند نمونه اشاره می‌شود:

عن ابی‌عبدالله علیه‌السلام: اتقوا علی دینکم فاحجیوه بالتقیة فانه لا ایمان لمن لا تقیة

۱. تاریخ عمومی حدیث، ص ۳۲۷

۲. «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ أَلَّا مِنْ أَكْرَهٍ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ». (نحل، ۱۰۶)

۳. تلخیص مقباس الهدایه، ص ۲۶۳

له انما انتم فی الناس کالنحل فی الطیر لو ان الطیر تعلم ما فی اجواف النحل ما
بقی منها شیء الا اکلته ولو ان الناس علموا ما فی اجوافکم انکم تحبوننا اهل
البيت لاکلوکم بالسنتکم ولنحلوکم فی السر والعلانية رحم الله عبداً منکم کان
علی ولايتنا؛^۱

عن الباقر علیه السلام: التقیة من دینی و دین آبائی و لا ایمان لمن لا تقیة له؛^۲

عن الباقر علیه السلام: انما جعلت التقیة لیحقن بها الدم فاذا بلغ الدم فلیس تقیة.^۳

در کتب روایی از جمله در کافی، کتاب «الایمان و الکفر»، باب «التقیة»، ۲۳ روایت
وجود دارد که اهمیت و گستره تقیه را بیان می‌کند. امامان معصوم علیهم السلام خود نخستین
عاملان به تقیه بوده و در مواردی با حفظ همه مصالح، در مورد بیان احکام و یا حال
اشخاص تقیه داشته‌اند تا از گزند مخالفان، مصون بمانند و با کمک تقیه، از جان یا
اموال خود یا دیگران ضرر را دفع کنند. ضرورت تقیه و مقدار آن نیز، تأثیرپذیر از
حکومتهای وقت بوده و عمدتاً از زمان امام باقر علیه السلام آغاز شد.^۴ در زمان امام
صادق علیه السلام در مواردی، گریزی از آن نبود؛ از جمله اینکه حماد بن واقد در برخورد با
امام صادق علیه السلام، تقیه می‌نماید و امام نیز او را تأیید می‌کند.^۵

تقیه محدثان متقدمان

تقیه از دوره ائمه علیهم السلام و قرن دوم آغاز شده و تا قرن چهارم و پنجم با شدت بیشتری
در برخی از سرزمینهای اسلامی اجرا می‌شد. این راهکار در دوره متقدمان چون
شیخ مفید و طوسی نیز وجود داشته است؛ خصوصاً در مراکزی مثل بغداد، برخی از
عالمان و محدثان تقیه می‌کردند.^۶ از سیوطی در مورد شیخ طوسی نقل شده که او تا

۲. همان، ص ۲۱۹

۱. کافی فی الاصول، ج ۲، ص ۲۱۸

۳. همان، ص ۲۲۰

۴. محمد بن علی بن احمد داوودی، طبقات المفسرین، ص ۲۹؛ تاریخ عمومی حدیث،

۵. کافی، ج ۲، ص ۲۱۹

ص ۲۸۳

۶. تاریخ عمومی حدیث، ص ۲۸۳

مدتی در بغداد تقیه می‌کرده است و هنگامی که به بغداد رفت، نخست فقه شافعی را آموخت و سپس به ملازمت شیخ مفید رسید و به مذهب رافضیان درآمد.^۱ بدین جهت گروهی از محدثان از قرن دوم تا قرن پنجم و همچنان در ادامه، در مواردی تقیه کردند و در نقل یا فتوا به روایات، تقیه نمودند و بدین سان لازم است در فهم روایات، به شأن نزول و چگونگی صدور آنها، اهتمام فراوان شود.

نقش تقیه در سلامت روایات

استفاده از تقیه و بیان روایات در مجالس خصوصی عالمان فقیه شیعه و نقل نکردن آنها در محافل عمومی - به جهت وجود نداشتن شرایط مناسب - روایات را در موارد فراوانی، از هرگونه دست‌اندازی مکاران حفظ کرد. آقای بهبودی، تقیه را سپری برای حفظ حدیث می‌داند و می‌گوید:

جَنَّةُ التَّقِيَةِ: وَقَدْ كَانَ حَدِيثُ أَهْلِ الْبَيْتِ مَحْفُوظًا عَنِ مَكَائِدِ الْفِئَةِ وَدَسَائِيهِمْ فِي دَوْرِهِ الْأَوَّلِ حَيْثُ كَانَ أَصْحَابُ الْحَدِيثِ وَكُلُّهُمْ فَهْمًا مَخْلَصِينَ مُسْتَأْنِسِينَ مُتَرَفِّقِينَ لَا يَتَدَارَسُونَ حَدِيثَهُمْ إِلَّا فِي خَفَاءٍ كَامِلٍ وَلَا يَبْثُونَ مَوَارِيثَهُمْ إِلَّا عِنْدَ مَنْ يَثْقُونَ بِهِ خَوْفًا عَلَى دِمَائِهِمْ.^۲

بنابراین تقیه، از طرفی دقت بیشتر محدثان را در فهم روایت می‌طلبد؛ چون همانند آیات که دانستن شأن نزول در فهم آنها بسیار مؤثر است، در مورد روایات نیز آگاهی از شرایط صدور، به فهم آنها کمک می‌کند؛ ولی از طرف دیگر سبب شدت روایات در محافل مطمئن‌تر نقل شوند؛ از این رو، سلامت روایات از تحریف را به ارمغان آورد. راویان خاص امامان معصوم علیهم‌السلام بسا ساعتها یا روزهای فراوانی را با امام عصر خود خلوت می‌کردند، تا روایات را سالم از تقیه دریافت کنند؛ مانند زراره که

۱. طبقات المفسرین، ص ۲۹؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۲۸۳

۲. معرفة الحدیث، ص ۴۰

شبهای زیادی را جهت آموختن فقه و حدیث در کنار خانه کعبه با امام باقر علیه السلام خلوت می‌کرد و از مجلس دانش حضرت بهره می‌برد.^۱

چگونگی برخورد متقدمان با روایات تقیه

در فهم روایات تقیه، آگاهی از شأن نزول و شرایط صدور ضروری است؛ از این رو، برای فهم هر روایتی که احتمال ضعف و یا اختلاف در آن هست، نخست باید آن را به کتاب و سنت متواتر، عرضه کرد. استاد علی اکبر غفاری می‌گوید:

عرض محتواه علی الكتاب العزیز ... فان لم يوجد فيه فعلی السنة المقطوعة
وذلك ثلثا یخالفهما.^۲

در این باره روایاتی نیز وارد شده که هنگام اختلاف روایات، آنها را نخست بر قرآن و سپس بر روایات معتبر عرضه کنید؛ مانند روایتی که کلینی در کافی می‌آورد:

عن ابن ابی یعفر قال سألت ابا عبد الله علیه السلام عن اختلاف الحدیث یرویه من نثق به ومن لا نثق به، قال علیه السلام: اذا ورد علیکم حدیث فوجدتم شاهداً من کتاب الله او من قول رسول الله والا فالذی جاء به اولی به؛^۳

عن ایوب بن الحرقان سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول: کل شیء مردود الی کتاب والسنة وکل حدیث لا یوافق کتاب الله فهو زخرف.^۴

عرضه روایات بر آیات و روایات معتبر، از اصولی ترین راههای کشف روایات تقیه است.^۵ این نکته اهمیت دارد که متن اغلب روایاتی که تقیه‌ای صادر شده، با فتوای عامه موافق است؛ زیرا در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است که راهکار در مورد روایات اختلافی، اخذ به روایات مخالف عامه است:

۱. کافی، ج ۳، ص ۳۷۰ ۲. تلخیص مقیاس الهدایه، ص ۲۴۳
۳. کافی فی الاصول، ج ۱، ص ۶۲ ۴. همان، ص ۶۹
۵. ر. ک: سید رضا مؤدب، «ضرورت تطبیق روایات با یکدیگر، نگارنده»، فصلنامه دانشگاه الزهراء، ش ۴۰، ص ۲۲۵.

عن محمد بن عبدالله قال قلت للرضا عليه السلام: كيف تصنع بالخبرين المختلفين، فقال: اذا ورد عليكم خبران مختلفان فانظروا الى ما يخالف منهما العامة فخذوه وانظروا الى ما يوافق اخبارهم فدعوه.^۱

شناخت روایات تقیه، با توجه به راهنمایی ائمه علیهم السلام برای ماهران فن کار سختی نیست. استاد غفاری در بحث «فقه الحدیث»، هفتمین راه را در شناخت روایات معتبر، آگاهی از صدور روایت به هنگام تقیه می‌داند و معتقد است که روایات تقیه، در مواردی است که روایات متعارض باشند:

سابعها: معرفة كونها محمولاً على التقية ام لا ... واما عرفان موارد الحمل عليها فسهل اذ جلها او كلها في مقام التعارض فما كان موافقاً لفتاويهم مخالفاً لما عليه اصحابنا علم انه صدر تقية.^۲

خدمت بزرگی که متقدمان - بویژه شیخ طوسی - هنگام تدوین جوامع حدیثی در قرن پنجم هجری به روایات کردند، آشکار ساختن روایات تقیه است؛ زیرا شیخ یکی از هدفهای خود را تهذیب روایات برای رفع تعارض آنها می‌دانست. او با بیان مثالهای تقیه^۳ گامی بزرگ در این زمینه برداشت.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۸۶

۲. تلخیص مقباس الهدایه، ص ۴ - ۲۶۳

۳. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۹۵، ۹۷ و ...

پرسش

۱. انگیزه شیخ طوسی در تکمیل جوامع حدیثی چه بود؟
۲. مهم‌ترین قلمرو تدوین حدیث در زمان شیخ طوسی چه حوزه‌ای بود و چرا؟
۳. مجموعه‌های حدیثی منسوب به شیخ طوسی را شرح دهید؛ مهم‌ترین آن کدام است؟
۴. کدام یک از متقدمان در قرن پنجم، کتاب حدیثی داشتند؟ آنان را نام ببرید.
۵. حوزه‌های مهم حدیثی و مهم‌ترین اشخاص آن کدامند؟
۶. علت تأسیس حوزه علمیه نجف چه حوادثی بود و بنیانگذار آن کیست؟
۷. علت رونق گرفتن حوزه بغداد چه بود و در چه زمان و چرا افول کرد؟
۸. نقش متقدمان را در بررسی روایات تقیه بیان کنید.

پژوهش

۱. با بررسی تفسیر تبیان، مقدار مجموعه‌های روایی آن را تحلیل کنید؛
۲. رویکرد شیخ طوسی به حدیث در بغداد چه پیامدهای بر عالمان عصر خود داشت؟
۳. مقدار آثار روایی شیخ طوسی را تحلیل کنید و معین سازید که او تا چه اندازه به تدوین حدیث اهتمام داشته است؛
۴. با بررسی آثار شیخ طوسی - بجز موارد مذکور در متن درس - مقدار روایاتی را که در هر یک یافت می‌شود، معین سازید؛
۵. عالمان قمی را که در قرن چهارم و پنجم می‌زیسته‌اند و ناقل حدیث بوده‌اند، معلوم کنید؛
۶. راویان کوفی را در کتاب کافی یافته و نقش آنان را بیان کنید؛
۷. در قرن پنجم، چه شهرهایی از ایران حوزه‌های حدیثی بوده است؟
۸. با بررسی روایات تهذیب و استبصار، مهم‌ترین مواردی را ذکر کنید که شیخ طوسی آنها را مصداق تقیه دانسته است.



۶

اهتمام متأخران به حدیث (قرن ششم تا سیزدهم)

در این مرحله، تدوین حدیث در دوران متأخران و چگونگی رکود حدیث‌نگاری بررسی می‌شود و علل آن تحلیل می‌گردد؛ سپس شکوفایی مجدد و گسترش شرح‌های حدیثی و تدوین جوامع ثانوی مورد بررسی قرار می‌گیرد و علل آن - از جمله نقش اخباریها در تدوین حدیث - و ویژگی‌های دوران شکوفایی، بیان می‌شود. مقصود از اصطلاح متأخران در برابر متقدمان، دوران پس از شیخ طوسی (قرن ششم تا قرن سیزدهم) است.^۱ مرحله پس از آن نیز، دوران معاصران را تشکیل می‌دهد که شامل قرن چهاردهم و پانزدهم هجری می‌شود که در مرحله بعد بدان می‌پردازیم. در بخشی از دوران متأخران (قرن ششم تا قرن دهم) حدیث و نوشتن مجموعه‌های جدید با اسلوب نو، کمتر مورد توجه عالمان شیعه واقع شد؛^۲ ولی در بخش پایانی عهد متأخران (قرن یازدهم، دوازدهم و سیزدهم) حدیث‌نویسی رونق گرفت. بنابراین دوران متأخران را در دو مرحله فرود و صعود بررسی می‌کنیم.

۱. مقباس الهدایة فی علم الدراییه، ج ۱، ص ۱۳۷؛ معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، ج ۱، ص ۴۳؛ درسنامه درایة الحدیث، ص ۵۹
۲. آشنایی با علوم حدیث، ص ۹۹

رکود حدیث‌نگاری و تحلیل علل آن

آن چنان که اشاره شد، در بخشی از دوره متأخران، (قرنهای ششم، هفتم، هشتم، نهم و دهم) حدیث‌نگاری رشدی نداشت و پس از وفات شیخ طوسی، محدث بزرگوار قرن پنجم، بازار تدوین و نگارش کتابهای حدیث با شیوه‌ای جدید، دچار رکود شد؛^۱ از این رو، شیخ طوسی، حلقه اتصال متقدمان از قرن پنجم تا تجدید حیات حدیث در قرن یازدهم است. آیت‌الله خوئی در مورد شیخ طوسی می‌گوید:

فالشیخ - قدس سره - هو حلقة الاتصال بین المتأخرین و ارباب الاصول التي اخذ منها الكتب الاربعة وغيرها ولا طريق للمتأخرین الى توثیقات رواتها و تضعیفهم غالباً الا الاستنباط و اعمال الرأی والنظر.^۲

در بخشی از دوران متأخران، (قرن ششم تا دهم) جدای از آنکه دوران رکود حدیث و دانشهای مربوط به آن بود، دیگر علوم دینی همچون فقه، تفسیر و ... نیز از رونق پیشین خود برخوردار نبودند. در این دوره با توجه به شرایط سیاسی که برای علمای شیعه پیش آمد، محدثان، مفسران و فقها در گسترش دانشهای اسلامی محدودیتهایی داشتند.^۳ البته در بین دیگر دانشهای اسلامی، حدیث به عللی افزون، با رکودی بیشتر روبه رو شد. موارد ذیل را می‌توان علل رکود حدیث‌نگاری دانست:

الف) رویکرد اصول‌گرایانه در مباحث فقهی

حدیث، همواره از آغاز تاکنون، از جمله منابع فهم دین و بویژه در حوزه احکام تکلیفی و شرعی بوده است، چنین پایگاهی برای حدیث، تا قرن پنجم مورد توجه عالمان شیعه بود و کلینی، صدوق و طوسی نیز مجموعه‌های حدیثی خود را با هدف

۱. تاریخ عمومی حدیث، ص ۳۹۹

۲. معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، ج ۱، ص ۴۴

۳. تاریخ حدیث، ص ۱۶۲

اهتمام متأخران به حدیث (قرن ششم تا سیزدهم) ۱۳۳

دریافت مبانی دینی از حدیث نوشتند؛ ولی در دوران متأخران، اجتهاد و استنباط به کمک دیگر منابع و بهره‌مندی از اصول استنباط در فقه قوت گرفت و کمتر از روایات بهره گرفته می‌شد.

زمینه چنین تفکری را شاید بتوان در اندیشه‌های شیخ مفید و سید مرتضی دریافت. سید مرتضی به حجیت خبر واحد اعتقاد نداشت و حوزه خبر واحد را در فهم دین، محدود می‌دانست و تنها خبر واحد را در مواردی محدود، حجت می‌شمرد. آخوند خراسانی در مورد نظریه سید مرتضی و دیگر هم‌فکران او می‌گوید:

المشهور بین الاصحاب حجیة خبر الواحد فی الجملة بالخصوص... وکیف کان فالمحکی عن السید والقاضی وابن زهره والطبرسی وابن ادریس، عدم حجیة الخبر واستدل لهم بالايات الناهية عن اتباع غیر العلم.^۱

علامه مظفر هم نظریه سید مرتضی را در برابر شیخ طوسی می‌داند و علما را در حوزه اعتبار خبر واحد به دو گروه مهم تقسیم می‌کند و می‌گوید:

فمن ینکر حجیة خبر الواحد کالسید الشریف المرتضی ومن اتبعه انما ینکر وجود هذا الدلیل القطعی ومن یتول بحجیته کالشیخ الطوسی وباقی العلماء یری وجود الدلیل القاطع.^۲

سید مرتضی، از نخستین کسانی است که به جهت تعارض روایات و پدیده جعل که در مواردی در روایات راه یافت، خبر واحد به دور از قراین را حجت ندانست و در عبارتی می‌گوید:

قد بینا ان العمل بخبر الواحد الذی لم یقم دلالة علی صدقه ولا علی وجوب العمل به غیر صحیح.^۳

در برابر اندیشه سید مرتضی، شیخ طوسی کوشید تا جعل راه یافته به روایات و یا

۱. کفایة الاصول مع الحواشی المحقق المشکینی، ج ۳، ص ۲۲۶

۲. محمدرضا مظفر، اصول الفقه، ج ۳، ص ۶۱

۳. رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۲۱

تعارض بین آنها را که ضعف و تهدیدی برای احادیث به شمار می‌رفت، بر طرف کند. او با اقدام تحسین برانگیزش در تدوین تهذیب و استبصار که با هدف تصحیح و تهذیب بود، زمینه‌های توجه به روایات را فراهم کرد. تلاش شیخ طوسی گرچه بسیار مفید بود، نتوانست ذهن عالمان امامیه را دوباره متوجه روایات کند؛ از این رو، رویکرد اجتهاد بر رویکرد حدیثی غلبه یافت.^۱

متأخران، به جهت نگاه اصولی به منابع فهم دین - از جمله روایات - آنها را از دیدگاه و طرحی جدید دسته‌بندی کردند و اصطلاحات فراوانی را برای روایات وضع کردند. از جمله این تقسیم‌بندیها، تقسیم روایات از نظر حالات راویان به چهار گروه «صحیح، حسن، موثق و ضعیف». از زمان سید بن طاووس (م ۶۷۳) روایات به چهار گروه مذکور تقسیم شد^۲ و در دوره شهید ثانی (م ۹۶۵) و شیخ بهائی (م ۱۰۳۱) حدیث «قوی» نیز بر آنها افزوده شد.^۳ اصطلاحات دیگری نیز شکل گرفت که در حوزه «علم الدراییه»، مطرح می‌شود.

ب) ماندگاری کتب اربعه

کتابهای حدیثی اولیه، یعنی کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب و استبصار که جوامع اولیه یا کتب اربعه نام گرفت، از ثبات و ارزش والایی برخوردار بود؛ از این رو، کمتر کسی تا چند قرن، به خود اجازه می‌داد اثرروایی دیگری را تدوین کند. عالمان شیعه و بویژه محدثان با مراجعه به روایات آنها، خود را اغلب بی‌نیاز از تدوین اثری جدید می‌دیدند؛^۴ خصوصاً فقهای بزرگوار شیعه که پس از شیخ طوسی، دواثر والای او را

۱. آشنایی با تاریخ حدیث، ص ۹۹؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۳۹۹

۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۹؛ مقباس الهدایة فی علم الدراییه، ج ۱، ص ۱۳۷

۳. الرعاية فی علم الدراییه، ص ۸۵؛ الوجیزه، ص ۵

۴. تاریخ عمومی حدیث، ص ۴۰۰

اهتمام متأخران به حدیث (قرن ششم تا سیزدهم) ۱۳۵

اسوه خود می‌دانستند و همچون دیگر آثار شیخ، آنها را محور اجتهاد خویش قرار دادند؛ زیرا شیخ طوسی از جایگاه علمی بزرگی برخوردار بود که تا چند قرن، بر جوامع اسلامی، سایه گستر بود.

فقها و محدثان در آن دوران به جهت اطمینان از ثبات کتب اربعه، به سمت تدوین مجموعه‌های فقهی - حدیثی متمایل شدند و آثاری چون شرایع الاسلام، از محقق حلی (م ۶۷۶)؛ مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، شهید ثانی (م ۹۶۵) و ... تدوین گردید؛ گرچه برخی از عالمان شیعه نیز به سوی آثار تفسیری - اخلاقی روی آوردند؛ مانند مجمع البیان، جوامع الجامع، اعلام الوری، مکارم الاخلاق، مشکاة الانوار، از طبرسی (م ۵۴۸)؛ تفسیر احکام القرآن و الجرائح و الخرائج، از قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳)؛ روض الجنان، از ابوالفتح رازی (قرن ششم)؛ بلابل القرآن و دقائق التأویل، از ابومکارم (قرن هفتم)؛ جلاء الازهار، از جرجانی (قرن هشتم)؛ ارشاد القلوب، از دیلمی (قرن هشتم)؛ عوالی اللثالی، از احصائی (قرن نهم)؛ کنز العرفان، از فاضل مقداد (م ۸۲۶)؛ جامع الاخبار، از عاملی (قرن دهم)؛ منهج الصادقین، از ملا فتح‌الله کاشانی (م ۹۸۸)؛ زبدة البیان، از محقق اردبیلی (م ۹۹۳) و ...

تجدید حیات حدیث‌نگاری

در بخش دوم از دوران متأخران، (قرن یازدهم تا سیزدهم) حدیث‌نگاری رونقی جدید یافت. در این دوره سه مؤلف که نامشان محمد بود، ظاهر شدند و آثار حدیثی خود را تدوین کردند و کتابهای الوافی از ملا محمد محسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۱)، بحار الانوار از علامه محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱) و وسائل الشیعه از محمد بن حسن حر عاملی (م ۱۱۰۴)، به حلقه کتابهای حدیثی پیوست این کتابها، آثاری بدیع دوره متأخران به‌شمار آمدند و نام «جوامع ثانویه» را به خود اختصاص دادند. با شکل‌گیری مجموعه‌های حدیثی جدید، محدثان، بر اهتمام به حدیث

و بهره‌مندی از آن تأکید فراوان داشتند و دوران طلایی حدیث آغاز شده بود. در این دوره در حوزه‌های علمی شیعه نجف، قم، ری، مشهد و ... تدریس حدیث و بهره‌مندی افزون فقها، متکلمان، مفسران و ... از حدیث آغاز گردید. به تدریج شرحها و حاشیه‌ها بر کتابهای حدیثی - از جمله کتابهای پیشین - فزونی یافت و محدثان برای خود میدان وسیعی را در بهره‌مندی از احادیث فراهم آوردند.

علل شکوفایی دوباره حدیث‌نگاری

شکوفایی مجدد حدیث‌نگاری و اهتمام بیشتر محدثان، فقها، مفسران به حدیث، مرهون تحولات و علل سیاسی و علمی است که پس از گذشت چند قرن، نتایج جدیدی را در حوزه دانش حدیث به همراه آورد. می‌توان موارد ذیل را شرایط و علل این پدیده دانست:

الف) پیدایش دولت شیعی صفویه

در فاصله قرنهای دهم تا دوازدهم که دوران صفویه است، شرایط سیاسی مناسبی برای علمای امامیه، بویژه محدثان فراهم شد؛ زیرا شاهان صفوی، از قدرت سیاسی مذهبی برخوردار بودند و در همساز کردن مذهب با سیاست، توفیقات فراوان داشتند و برای ایران و اسلام تحولات مهمی را فراهم آوردند.^۱ دوره صفویه از لحاظ مذهبی برای ایران اهمیت فراوان داشت.^۲ با روی کار آمدن دولت صفویه، عصر طلایی عالمان از جمله محدثان، فراهم شد و آنان برای گسترش دین و دانش تشویق شدند؛ مدارس و مکاتب حدیثی و علمی، گرمی خاصی را در خود احساس کردند و مشتاقان دانش فزونی یافتند. استاد شانه‌چی در این خصوص می‌گوید:

۱. مریم میراحمدی، دین و مذهب در عصر صفوی، ص ۹

۲. رسول جعفریان، مقالات تاریخی، دفتر چهارم، ص ۳۱۰

اهتمام متأخران به حدیث (قرن ششم تا سیزدهم) ۱۳۷

با روی کار آمدن دولت شیعی صفویه که خود را از سادات و منتسب به اهل بیت رسالت می‌شمردند و تشویق و ترغیب از علمای شیعه، بزرگانی از اکناف بلاد (که احیاناً تحت فشار حاکمان غیر شیعی بودند) به ایران روی آوردند و بدین‌سان بازار فقه و حدیث شیعه که مدتی دچار وقفه و رکود گردیده بود، دوباره رونق فزاینده‌ای گرفت.^۱

دولت صفویه که داعیه‌دار تشیع بود، با علما و محدثان نیز همراهی کرد محدثان هم از فرصت و شرایط جدید بهره بردند و در طول دو قرن، خدمات ارزشمندی را در حوزه حدیث فراهم آوردند که حاصل آن، دهها شرح بر کتابهای حدیثی اولیه، پیدایش جوامع ثانویه، دهها کتاب حدیثی، تفسیری و فقهی بود که سبب شد دوران صفویه، دوران طلایی و شکوفایی نام گیرد.^۲ بررسی علل شکل‌گیری صفویه که گسترش دانش دینی بویژه حدیث را سبب شد، مربوط به مباحث تاریخ ایران است. در این زمینه مناسب است به سلسله مقالات تاریخی از استاد رسول جعفریان، مراجعه شود.

ب) ظهور اندیشه اخبارگری و حفظ سلطه خود

اصول‌گرایی در قرن ششم، اندیشه غالب در بین عالمان شیعه شمرده می‌شد و بر روایات مأثور، کمتر تکیه می‌کردند و راه حل نهایی در فهم مباحث فقهی، «اصول عملیه» بود؛ ولی چنین اندیشه‌ای نتوانست بیش از پنج قرن دوام بیاورد؛ چرا که دوری از حدیث، برای عالمان شیعه سخت بود؛ از این رو، تفکر و رویکرد بهره‌مندی از حدیث و کنار زدن اصول عملی، در مباحث فقهی ظاهر شد و نهضت اخبارگری که پس از شیخ صدوق با رکود روبه رو شد، دوباره احیا گردید.

آغاز این حرکت را می‌توان در قرن یازدهم با تألیف کتاب مهم الفوائد المدنیة،

۱. تاریخ حدیث، ص ۱۶۴ ۲. همان؛ آشنایی با علوم حدیث، ص ۱۰۰

نوشته محمد امین استرآبادی (م ۱۰۳۶) دانست که نشر آن در حوزه‌های عراق و ایران سبب شد^۱ تا توجه به حدیث و دانشهای آن فزونی یابد و با کم‌رنگ شدن مشرب اصولی، بیشتر علمای آن دوران به بعد، تمام همت خود را متوجه حدیث کنند. در جهت تداوم تلاش استرآبادی، سه شخصیت مهم حدیثی یعنی محمد محسن فیض کاشانی، محمدباقر مجلسی و محمد بن حسن حر عاملی، از عالمان بزرگ قرن یازدهم، پرچمدار حدیث‌گرایی‌اند و هر یک کتابی حدیثی دارند آنان، روش اصول‌گرایی را که سبب شده بود اخبار کمتر مورد توجه قرار گیرد، خطا شمرده و در نقد آن فراوان کوشیدند و نقاط ضعف آن را تبیین کردند؛ از جمله مرحوم فیض کاشانی در مقدمه الوافی، روش اصول‌گرایان را به شدت مورد نقد و بررسی قرار داد.^۲

اخباریها، همه یکسان نبودند و در میان آنها گروههای افراطی و معتدل به چشم می‌خورد. معتدلان آنان که همان صاحبان «جوامع ثانویه» هستند، در برخورد با حدیث و دیگر منابع افکار معتدلی داشتند و غیر از حدیث، دیگر منابع را محترم می‌شمردند و روایات کتب اربعه را نیز ارزشمند می‌دانستند در برابر آنها گروهی از اخباریها، تنها حدیث را محور فهم دین می‌دانستند. و به دیگر منابع رویکرد مثبتی نداشتند.

صاحبان جوامع ثانویه، ضمن اهمیت دادن به حدیث، برای دیگر منابع از جمله آیات قرآن در فهم شریعت ارزش قایل بودند؛ ازاین‌رو، مجلسی پس از آن که دریافت کلام، فقه، اخلاق و... از مایه‌های قرآنی و حدیثی کم بهره است، کتاب گرانقدر بحار الانوار را سامان داد تا ضمن جمع‌آوری احادیث، آیات نیز ضمیمه آنها شود و یک مجموعه موضوعی حدیثی و قرآنی شکل گرفت.^۳ مهم‌ترین مطلبی که

۲. الوافی، ج ۱، ص ۱۰

۱. تاریخ عمومی حدیث، ص ۴۰۱

۳. آشنایی با علوم حدیث، ص ۱۰۰

اخباریها در برابر اصولیها بر آن تکیه داشتند، اعتبار روایات کتب اربعه بود که غالب احادیث آن خبر واحد است؛ ولی به جهت ویژگیهایشان، حجت و معتبرند. اندیشه اخبارگرایی، در برابر اندیشه اصولی‌گرایی ظاهر شد که حجیت خبر واحد را - آن چنان که اشاره رفت - مورد تردید قرار داده بود.

اعتبار کتب اربعه از دیدگاه متأخران اخباری

متأخران در قرن یازدهم تا سیزدهم که سرآمد آنان، در حوزه حدیث‌شناسی؛ استرآبادی، فیض کاشانی، علامه محمدباقر مجلسی، حر عاملی و سید نعمت‌الله جزایری هستند، معتقد بودند که روایات کتب اربعه معتبرند. نخست استرآبادی در الفوائد المدنیة ادله متعددی بر صحت روایات کتب اربعه آورد^۱ و در ادامه فیض کاشانی نیز در مقدمه الوافی^۲ و حر عاملی به تفصیل بیشتر در پایان وسائل الشیعه^۳ به دفاع جدی از روایات کتب اربعه پرداخت که به مواردی از ادله حر عاملی اشاره می‌شود؛ اما تفصیل آن، به مباحث اصولی و منبع‌شناسی مربوط است.

حر عاملی در تثبیت حجیت تمام روایات کتب اربعه که از مهم‌ترین نزاع‌های بین اخباریها و اصولیها است دلیل می‌آورد. او عنوان بحث را چنین آغاز می‌کند:

الفائدة التاسعة: فی ذکر الاستدلال علی صحة احادیث الکتب التي نقلنا منها هذا الكتاب و امثالها تفصيلاً... الاول: اذا قد علمنا علماً قطعياً بالتواتر و الاخبار المحفوفة بالقراین انه قد كان دأب قدماتنا و ائمتنا... و استمر ذلك الى زمان الائمة الثلاثة اصحاب الکتب الاربعة.^۴

حر عاملی، فیض کاشانی و... با ادله گوناگون کوشیدند روایات کتب اربعه را صحیح و حجت معرفی کنند و از وثاقت مؤلفان آنها، تأیید مؤلفان بر آثارشان و بهره‌مندی

۲. الوافی، ج ۱، ص ۱۱
۴. همان

۱. محمد امین استرآبادی، الفوائد المدنیة، ص ۱۸۱
۳. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۹۶

آنان از اصول اربعه‌ماه که آنها نیز معتبر بوده‌اند، زمینه‌های حجیت روایات کتب اربعه را فراهم آوردند. بدین‌سان، مکتب اخبارگری در محافل علمی و درسی شیعه در عراق و ایران، گسترش یافت و حوزه‌های علمیه را در اختیار خود گرفت. این حرکت به‌گونه‌ای رو به فزونی رفت که روش اصول‌گرایی، در اقلیت قرار گرفت تا حدی که گفته‌اند اگر کسی اثری فقهی غیرروایی در اختیار داشت، آن را پنهان می‌کرد؛^۱ البته در برابر اخباریها، اصولیها ضمن ارزش قائل شدن برای دیگر منابع، برخی از روایات کتب اربعه را متقن می‌دانستند.^۲

پیدایش جوامع ثانویه

در پایان دوره متأخران، (قرن یازدهم تا سیزدهم) مجموعه‌های حدیثی مهمی تدوین شد که در قرنهای بعدی سه مورد از آنها به علت اهمیتشان، «جوامع ثانویه» حدیثی شیعه نام گرفت این آثار را سه مؤلف که هر یک نامشان محمد بود، سامان دادند. آنان انگیزه‌های خاصی در تألیف این کتابها داشتند که بدان اشاره می‌شود. جوامع مذکور به شرح ذیل است:

الف) الوافی

نخستین مجموعه حدیثی در دوره متأخران که اثری بی‌نظیر بوده و هست، کتاب الوافی تألیف محمد بن مرتضی فیض کاشانی است او در آغاز قرن یازدهم به دنیا آمد و در پایان آن قرن، یعنی در سال ۱۰۹۱ وفات یافت. وی نزد استادان بزرگی همچون شیخ بهائی، ملا خلیل قزوینی، سید ماجد بحرانی و شیخ محمد، نواده

۱. علی قانینی، علم الاصول تاریخاً و تطوراً، ص ۱۹۶؛ آشنایی با علوم حدیث، ص ۱۰۰.
 ۲. برای بررسی دیدگاه هر گروه ر.ک: محمد الغراوی، مصادر الاستنباط بین الاصولیین و الاخباریین، ص ۱۱۱؛ معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، مقدمه، ج ۱، ص ۲۲.

اهتمام متأخران به حدیث (قرن ششم تا سیزدهم) ۱۴۱

شهید ثانی شاگردی کرد^۱ و خود استادی بزرگ در فقه، تفسیر، حدیث بود. محدث قمی او را چنین توصیف می‌کند:

الفیض: لقب العالم، الفاضل، الكامل، العارف، المحدث، المحقق، المدقق، الحکیم المتأله.^۲

فیض کاشانی صاحب آثار فراوانی است و برخی، آثار او را بیش از صد مورد ذکر کرده‌اند^۳ که مهم‌ترین آنها در تفسیر، الصافی فی تفسیر القرآن؛ در اخلاق، المحجة البيضاء فی احیاء الاحیاء؛ در فقه، مفاتیح الشرایع و در حدیث، کتاب الوافی است. مرحوم فیض از نخستین محدثان متأخر است که پس از چندین قرن، اثری تألیف نمود که در حدیث، از «جوامع ثانویه» شمرده شد. او با مطالعه کتب اربعه، دریافت که ضرورت دارد اثری در حدیث تدوین شود که همه روایات کتب اربعه را در برداشته باشد، ضمن آن که در مواردی از آیات قرآن نیز بهره ببرد و با شیوه‌ای جدید همراه باشد. بنابر گزارش شیخ آقا بزرگ، کتاب وافی، حدود پنجاه هزار روایت دارد.^۴ مرحوم فیض در مقدمه آن، انگیزه خود را چنین بیان می‌کند:

فیقول خادم علوم الدین وراصد اسرار الائمة المعصومین... هذا یا أخوانی کتاب وافی فی فنون علوم الدین یحتوی علی جملة ما ورد منها فی القرآن المبین وجمع ما تضمنته الاربعة التي علیها المدار فی هذه الاعصار اعنی الکافی والقیه والتهدیب والاستبصار من أحادیث الائمة الاطهار.^۵

فیض کاشانی در قرن یازدهم پس از بررسی کتابهای اربعه، بر آن می‌شود که هر یک از آنها دارای مزایای مهمی است. همچنین دارای کمبودهایی نیز هست که می‌باید تکمیل شود، این کمبودها عبارت بودند از: کامل نبودن روایات، روان نبودن رجوع به آنها و تکرار احادیث. وی در این خصوص می‌گوید:

۱. تاریخ حدیث، ص ۱۶۵ ۲. الوافی، مقدمه، ص ۳۲ ۳. همان، ص ۳۳
۴. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲۵، ص ۱۳ ۵. الوافی، ج ۱، ص ۴

حدّانی الی تألیفه ما رأیت من قصور کلّ من الکتب الاربعه عن الکفایة و عدم وفائه بمهمات الاخبار الوارده للهدایة و تعسر الرجوع الی المجموع لاختلاف ابوابها فی العنوانات و تباینها فی مواضع الروایات و طولها المنبعث عن المکررات.^۱

او در مقدمه کتاب، نام هر یک از کتب اربعه را می آورد و ضمن ذکر مزایای هر یک، به جهاتی اشاره می کند که باید او در تکمیل آنها بکوشد در مورد کافی معتقد است که در مواردی در ذکر روایت اهمال کرده و در مواردی روایات مخالف را نیاورده، ضمن آن که کلینی به شرح مبهمات و مشکلات نیز نپرداخته است. وی در این خصوص می گوید:

فهو وان کان أشرفها وأوثقها وأتمها وأجمعها لاشتماله علی الاصول من بینها و خلوه من الفضول و شینها الا أنه أهمل كثيراً من الاحکام و لم یأت بابوابها علی التمام و ربّما اقتصر علی أحد طرفی الخلاف من الاخبار الموهمه للتنافی و لم یأت بالمنافی ثم أنه لم یشرح المبهمات و المشكلات و أخلّ بحسن الترتیب فی بعض الکتب و الابواب و الروایات و ربّما اورد حدیثاً فی غیر باب و ربّما اهل العنوان لابوابه و ربّما أخلّ بالعنوان لما یستدعیه و ربّما عنون ما لا یقتضیه.^۲

مرحوم فیض در مورد کتاب من لایحضره الفقیه، تهذیب و استبصار نیز، همان نظر را بیان می کند، ضمن آنکه در مورد آنها معتقد است تنها به گستره فقه پرداخته اند و از روایات مربوط به اصول برخوردار نیستند. او بر آن است که مشایخ سه گانه (کلینی، صدوق و طوسی) فراوان کوشیده اند؛ ولی نظام کامل و تامی از روایات در حوزه همه موضوعات سامان نداده اند و تا زمان او نیز کسی به تکمیل آنها نپرداخته است. او قصد خود را آوردن روایات کتب اربعه و غیر آنها به صورت کامل به همراه

اهتمام متأخران به حدیث (قرن ششم تا سیزدهم) ۱۴۳

مواردی از آیات و شرح و بیان روایات ذکر می‌کند و معتقد است که در این جهت کتاب وافی به تمام مهمات و کشف مبهمات پرداخته است. او می‌گوید:

وبالجمله فالمشایخ الثلاثة - شکر الله مساعیهم - وان بذلوا جهدهم فیما ارادوا و وسعوا فی نقل الاحادیث و جمع شتاتها و اجادوا الا انهم لم یأتوا فیها بنظام تام... ولم ار احداً تصدی لتتمیم هذا الامر الی الان و لا صدع به احد من مشایخنا فی طول الزمان... وأوردت بتقریب الشرح احادیث مهمة من غیرها من الكتب والاصول... وسميته بالوافی لوفائه بالمهمات وکشف المبهمات.^۱

فیض کاشانی روایات کتاب کافی را از مصادر متعددی جمع آوری می‌کند تا همه روایات در یک مجموعه حدیثی بزرگ، همخوان و روان در کنار هم قرار گیرد. این امر، نشان‌دهنده انگیزه‌های او در تدوین چنین مجموعه حدیثی است. او پس از مدتی چکیده کتاب خود را با نام الشافی المنتخب من الوافی می‌نویسد^۲ تا همگان بتوانند از آن بهره ببرند. این عالم بزرگ آثار حدیثی دیگری مانند: النوادر فی جمع الاحادیث، معادن الحکمة فی مکاتیب الاثمه و... نیز بوده که با هدفهای خاصی آنها را تدوین کرده است.^۳

ب) تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة

دومین شخصیتی که در قرن یازدهم، به نگارش و تدوین حدیث همت گماشت، محمد بن حسن حر عاملی است. او در سال ۱۰۳۳ چشم به جهان گشود و پیش از علامه مجلسی در سال ۱۱۰۴ وفات یافت؛ گرچه که هر دو معاصر بودند و او بخشی از دوران فیض کاشانی را نیز درک کرده است. مرحوم حر عاملی نیز از جمله محدثان بزرگوار است که اثرش ماندگار شد و در ردیف جوامع ثانویه قرار گرفت. او در لبنان

۱. همان، ص ۶ ۲. الذریعة لی تصانیف الشیعة، ج ۱۳، ص ۱۰

۳. برای کتابشناسی کتاب وافی ر.ک: تاریخ حدیث، ص ۱۶۵؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۴۰۲؛

آشنایی با علوم حدیث، ص ۹۵.

متولد شد؛ سپس به جهت شرایط مناسب سیاسی برای شیعیان در ایران به اصفهان آمد و در مشهد رحلت کرد.^۱

مرحوم حر عاملی نیز آثار فراوانی دارد که از جمله مهم‌ترین آنها، کتاب وسائل الشیعه می‌باشد. این کتاب حاصل تلاش بیست ساله علمی او است که آن از مجموع صد و هشتاد اثر فراهم آورده.^۲ علت هجرت او از لبنان به ایران، وجود اختلافات بین فرقه‌های مسلمانان در لبنان، شهادت شهید ثانی در سال ۹۶۶ و فراهم بودن اوضاع سیاسی به جهت حکومت صفویه در ایران بود. او پایان عمرش را در مشهد با عنوان شیخ الاسلام گذراند و با تدریس فقه و حدیث، خدمات شایانی به جهان اسلام کرد. حر عاملی نیز - همچون فیض کاشانی - قصد تکمیل و تدوین مجموعه جدیدی را در حوزه احادیث فقهی داشت و با کمک کتب اربعه و دیگر کتابها که بیش از صد مورد است، مجموعه وسائل الشیعه را در فقه و با نظمی جدید فراهم آورد. او انگیزه خود را جمع‌آوری روایات فقهی، بدون تطویل و به دور از احادیث اختلافی و تکراری می‌داند و در این خصوص می‌گوید:

قد کنت کثیراً ما أطالب فکری و قلمی و استنهض عزماتی و همی الی تألیف کتاب کامل ببلوغ الامل کاف فی العلم والعمل، یشتمل علی احادیث المسائل الشرعیة و نصوص الاحکام الفرعیة المرویة فی الکتب المعتمدة الصحیحة الی نص علی صحتها علماءنا نصوصاً صریحة یكون مفزعا لى فی مسائل الشریعة و مرجعاً یهتدی به من شاء من الشیعة... ولم اذکر فی الجمع بین الاخبار و تأویلها الا الوجوه القریبة و التفسیرات الصادرة عن الافکار المصیبة مع مراعات التلخیص و الاختصار حذراً من الاطالة و الاکثار.^۳

حر عاملی ضمن تألیف کتاب گرانسنگ وسائل الشیعه، آن را کافی ندانست و آثار

۱. تاریخ حدیث، ص ۱۷۳ ۲. وسائل الشیعه، ج ۱، مقدمه، ص: یز

۳. همان، ص ۵

اهتمام متأخران به حدیث (قرن ششم تا سیزدهم) ۱۴۵

دیگری را نیز در تکمیل مجموعه‌های حدیثی نوشت؛ زیرا دریافت که برای بهره‌مندی همگان از مجموعه‌های حدیثی و استفاده از فرصتی که در قرن یازدهم برای همگان فراهم شده، به مجموعه‌های حدیثی کوتاه‌تری نیز نیاز هست؛ از این رو، سندها و مکررات روایات و سائل الشیعه را حذف کرد و اثر دیگری به نام هدایة الامة الى احکام الائمة علیهم السلام را به وجود آورد و همچنین کتاب الجواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة را که در حوزه روایات قدسی بی‌نظیر بود و کتاب اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات را که دربردارنده روایت کلامی است، سامان داد.^۱

این عالم بزرگوار - آثار فراوان دیگری در حوزه حدیث فراهم آورد که هر یک نشان از ضرورت تدوین مجموعه‌های حدیثی برای گروه خاصی است؛ ولی مهم‌ترین اثر او، و سائل الشیعه است بر این کتاب شرحها و تعلیقه‌های مهمی نگارش شده^۲ که هر یک نشان از ضرورت تدوین و تکمیل حدیث در قرن یازدهم دارد. مهم‌ترین این آثار، کتاب مهم مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل تألیف حاج میرزا حسین نوری طبرسی (م ۱۳۲۰) است. مؤلف در این کتاب روایاتی را که در وسائل نیامده، گرد آورده است. مرحوم نوری در این خصوص می‌گوید:

أن العالم الكامل المتبحر الخبير المحدث الناقد البصير، ناشر الآثار و جامع شمل الأخبار الشيخ محمد بن الحسن الحر العاملي قد جمع فی کتاب الوسائل من فنون الاحادیث الفرعية المتفرقة فی كتب سلفنا الصالحين ... و لکننا فی طول ما تصفحنا كتب اصحابنا الابرار قد عثرنا علی جملة وافرة من الاخبار لم یحواها کتاب الوسائل ولم تكن مجتمعة فی مؤلفات الاواخر والاولئ ... و سمیته کتاب مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل راجیاً من الکریم الوهاب ان یجعله فی دیوان الحسنات فی یوم الحساب.^۳

۱. امل الأمل، ج ۱، ص ۱۴۲؛ وسائل الشیعه، مقدمه، ص کد ۲. وسائل الشیعه، مقدمه، ص: بیح

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۶۰؛ تاریخ حدیث، مقدمه، ص ۱۷۶

حر عاملی با گسترش آثار و تربیت شاگردان بزرگی مانند سید نعمت‌الله جزایری، شیخ محمود بن عبدالسلام بحرانی، علامه محمدباقر مجلسی و ... به رونق گرفتن حدیث در دوره متأخران در قرن یازدهم کمک شایانی کرد که تأثیر فراوانی در نشر آثار دیگر داشت.

ب) بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام

سومین شخصیتی که در قرن یازدهم و دوازدهم، اقدام بی‌نظیر در تدوین مجموعه‌های حدیثی انجام داد، علامه محمدباقر مجلسی بود. وی در سال ۱۰۳۷ به دنیا آمد و در سال ۱۱۱۱ چشم از جهان فرو بست. این عالم بزرگوار از محضر استاد خود، حر عاملی و ... استفاده کرد و مجموعه حدیثی وسیع‌تری از الوافی و وسائل الشیعه به رشته تحریر در آورد که دائرةالمعارف بزرگی در همه موضوعات معارف اسلامی، و دریایی از انوار الاهی بود او نام بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار را برای اثر خود برگزید که شایسته آن بود. وی در حوزه‌های فراوانی از علوم نقلی و عقلی توانمند بود و شاگردان فراوانی از جمله سید نعمت‌الله جزایری، از او حدیث آموختند. کتاب علامه مجلسی به جهت حفظ و ضبط روایات به همراه آیات و بیان آنها بی‌نظیر می‌باشد و در موضوعات فراوانی احادیث را ضبط کرده است او در این خصوص می‌گوید:

فوجدت العلم کلّه فی کتاب الله العزیز الذی لا یأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه و اخبار اهل البیت ... و علمت ان علم القرآن لا یفی احلام العباد باستنباطه علی الیقین ولا یحیط به الا من انتجبه الله لذلك من ائمة الدین الذین نزل فی بیتهم الروح الامین.^۱

علامه مجلسی درمی‌یابد که روایات فقهی که کلینی، صدوق، طوسی، فیض کاشانی و حر عاملی گرد آورده‌اند، کمتر فراموش می‌شوند و یا هرگز از ذهنها پاک

اهتمام متأخران به حدیث (قرن ششم تا سیزدهم) ۱۴۷

نمی‌گردند؛^۱ ولی دیگر روایات - خصوصاً احادیثی که در مصادر روایی معتبر نیامده و احتمال صحت و اعتبار آنها نیز هست - در معرض فراموشی هستند. بنابراین مناسب است که مجموعه‌ای کامل از همه روایات در حوزه معارف اسلامی فراهم شود تا حدیث شیعه در سلامت کامل باشد. او می‌گوید:

ولما رأيت الزمان في غاية الفساد وجدت اكثر اهلها حائدين عما يؤدى الى الرشاد خشيت ان ترجع عما قليل الى ما كانت عليه من النسيان والهجران وخفت ان يتطرق اليها التثنت لعدم مساعدة الدهر الخوان ومع ذلك كانت الاخبار المتعلقة بكل مقصد منها متفرقا في الابواب متبدداً في الفصول قلماً يتيسر لاحد العثور على جميع الاخبار المتعلقة بمقصد من المقاصد منها.^۲

جامع بودن و گستردگی کتاب بحار الانوار، نشان از همت بلند او و همه‌کسانی است که وی را در تدوین آن یاری می‌کرده‌اند. می‌توان این کتاب را جامع‌ترین و بزرگ‌ترین مجموعه روایی شیعه دانست که اکنون در صد و ده جلد به چاپ رسیده است و از روز آغاز تاکنون عالمان فراوانی از آن بهره برده‌اند و همواره مورد ستایش دیگران بوده است؛^۳ زیرا از مصادر فراوانی استفاده کرد و در نظمی جالب با ابوابی متنوع و جدید شکل گرفته است. علاوه بر آن در مواردی با بیان و شرح و روایات همراه است و به تکمیل و جمع‌آوری روایات پرداخته.^۴

علامه مجلسی به لحاظ اهمیت روایات فقهی، از آنها نیز غافل نشد و دواثر گرانقدر خود با عنوان مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول و ملاذ الاخبار فی شرح تهذیب الاخبار را نیز تدوین کرد. او آثار فراوان دیگری نیز دارد که برخی، آنها را بیش از یکصد کتاب دانسته‌اند.^۵ اغلب این آثار، حدیثی است و یا به گونه‌ای

۱. تاریخ حدیث، ص ۱۷۸ ۲. همان، ص ۴

۳. المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار، ص ۹۸؛ بحار الانوار، مقدمه؛ آشنایی با بحار

الانوار، ص ۲۵ ۴. بحار الانوار، ج ۱، ص ۴، ۶

۵. اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۸۳؛ بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۲۷

از احادیث بهره برده. از جمله امتیاز وی در تدوین مجموعه‌های حدیثی، سامان دادن آثار حدیثی به زبان فارسی است که به بیش از هشتاد مورد می‌رسد؛^۱ مانند عین الحیة، حق الیقین، حلیة المتقین و...؛ زیرا او در جامعه ایران بخوبی دریافت که تعداد زیادی از خوانندگان او فارسی‌زبان هستند که علاقمندند تا از روایات بیشتر بهره ببرند.

مرحوم علامه به جهت داشتن مسئولیت شیخ الاسلامی در حکومت صفویه و... از حکومت و شرایط سیاسی روزگار خود کمال بهره را برد تا مجموعه‌های حدیثی هر چه بهتری را فراهم آورد؛ از این رو گروهی با او در گردآوری روایات و کتابهای حدیثی همراهی می‌کردند^۲ و او بخوبی توانست با تدوین احادیث - بخصوص بحار الانوار که در ردیف مجموعه «جوامع ثانویه» حدیث شیعه قرار گرفت - به نشر معارف در جهان تشیع خدمتی مهم کند. کتابهای او مورد توجه قرنهای بعدی بوده است و برای بحار الانوار، شرحها، تعلیقه و معجمهای فراوانی نوشته شد^۳ که نشان از اهمیت این کتاب نزد محدثان و عالمان پس از او است؛ مانند مستدرک البحار، از میرزا محمد تهرانی؛ سفینة البحار، از شیخ عباس قمی؛ جامع الانوار، از آقا نجفی اصفهانی و....

پس از آغاز قرن دوازدهم، خدمتی شایان توجه به حدیث - همچون خدمتی که علامه محمدباقر مجلسی به انجام رساند - مشاهده نشده. این همه خدمت، نخست

۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۲

۲. همکاران او؛ خواهرش، امیر محمد صالح خاتون آبادی، عبدالله افندی، مولی عبدالله بحرینی بوده‌اند. المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار، مقدمه، ص ۹۹؛ آشنایی با علوم حدیث، ص ۸۷

۳. آشنایی با بحار الانوار، ص ۲۵۷ (آثاری پیرامون بحار الانوار)؛ تاریخ حدیث، ص ۱۷۹؛ المعجم المفهرس لالفاظ حدیث بحار الانوار، برازش، ج ۱، ص ۲۷

اهتمام متأخران به حدیث (قرن ششم تا سیزدهم) ۱۴۹

از همت والای او و سپس وجود شرایط سیاسی مناسب برای شیعیان بود که او توانست حتی از مصادر اهل سنت هم در جمع روایات بهره ببرد و ضمن نقل روایات همراه با سند، آنها را تبیین کند و نظر عالمان شیعی را گرد آورد. او هیچ‌گاه در صدد جمع‌آوری تمام روایات صحیح نبود؛ بلکه هدفش حفظ همه احادیث بود تا نسلهای بعد بتوانند محققانه در مورد آنها بیندیشند. شناخت تعداد بابها و ویژگیهای هر یک از جوامع ثانویه، به کتابشناسی جوامع حدیثی مربوط است.^۱

دیگر مجموعه‌های حدیثی دوره متأخران

در دوره پایانی متأخر (قرن یازدهم تا سیزدهم) علاوه بر تدوین جوامع ثانویه، مجموعه‌های دیگری نیز نوشته شد. برخی از این آثار شرح و تعلیق بر جوامع اولیه یا کتب اربعه یا شرح بر جوامع ثانویه بود. در مواردی نیز تدوین جدیدی شکل گرفت؛ زیرا شرایط سیاسی برای اهتمام بر تدوین و نشر حدیث فراهم شده بود و علما و محدثان، در سرتاسر حوزه‌های حدیثی شیعه از عراق تا ایران، مجموعه‌های حدیثی متعددی را - کوچک و یا بزرگ - فراهم آوردند. به تعدادی از مهم‌ترین این آثار که نشان‌دهنده گستردگی مطالعات حدیثی است، اشاره می‌شود:

۱. منتقی الجمان فی الاحادیث الصحاح والحسان: این اثر تألیف جمال‌الدین حسن بن زین‌العابدین (م ۱۰۱۱) فرزند شهید ثانی است. او نزد استادانی مانند شیخ بهائی و مقدس اردبیلی تحصیل کرد. کتاب منتقی الجمان، در بردارنده احادیث فقهی کتب اربعه است که از نظر سند به دو گروه صحیح و حسن تقسیم شده است؛^۲

۱. ر. ک: مقدمه المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار؛ آشنایی با بحار الانوار؛ تاریخ حدیث؛ تاریخ عمومی حدیث؛ آشنایی با علوم حدیث؛ دروس فی نصوص الحدیث و نهج البلاغه.

۲. حسن بن زین‌الدین جمال‌الدین، متقی الجمان فی الاحادیث الصحاح والحسان، ج ۱، ص

۲. لؤلؤة البحرين: این کتاب از سید ماجد بن هاشم بن علی بحرانی (م ۱۰۲۸) است. او نخستین بار در شیراز، حدیث را نشر داده است؛^۱
۳. معاهد التنبيه: این کتاب از شیخ محمد بن حسن بن زین العابدین شهید ثانی (م ۱۰۳۰) است که شرحی بر من لایحضره الفقیه می باشد؛
۴. شرح تهذیب: شیخ محمد بن الحسن بن زین العابدین شهید ثانی (م ۱۰۳۰)؛^۲
۵. اربعین: شیخ بهائی، بهاءالدین محمد بن حسین بن عبدالصمد عاملی (م ۱۰۳۰)؛
۶. مشرق الشمسین: شیخ بهائی، بهاءالدین محمد بن حسین بن عبدالصمد عاملی (م ۱۰۳۰)؛
۷. تفسیر الائمة لهداية الامه: محمد رضا بن عبدالحسین نصیری طوسی (م ۱۰۶۷)؛
۸. روضة المتقين: محمد تقی مجلسی (م ۱۰۷۰) که شرحی بر من لایحضره الفقیه است؛
۹. شرح تهذیب: محمد تقی مجلسی (م ۱۰۷۰)؛
۱۰. شرح الکافی: محمد صالح بن احمد مازندرانی (م ۱۰۸۱)؛
۱۱. شرح الکافی: ملاخلیل بن نماز قزوینی (م ۱۰۸۹). ملاخلیل دو شرح فارسی و عربی بر روایات کافی دارد که شرح فارسی به نام صافی و شرح عربی با نام کافی معروف است. حر عاملی او را با عباراتی همچون «محدث»، «محقق»، «ماهر»، «له مؤلفات شرح الکافی فارسی و عربی» و ... ستوده است؛^۳
۱۲. النوادر فی جمع الاحادیث: فیض کاشانی (م ۱۰۹۱) فیض آن را در تکمیل شافی نوشته و روایاتی که در کتاب اربعه وجود ندارد، گردآورده است؛

۱۵۱ اهتمام متأخران به حدیث (قرن ششم تا سیزدهم)

۱۳. معادن الحكمة فی مكاتیب الائمة علیهم السلام: فیض كاشانی (م ۱۰۹۱). این اثر ۲۱۴ نامه از ائمه علیهم السلام را دربر دارد؛

۱۴. الصافی فی تفسیر القرآن: فیض كاشانی (م ۱۰۹۱). مؤلف ضمن تفسیر آیات، بیشترین همت خود را صرف ذکر روایات کرده است؛

۱۵. هدایة الامة: حر عاملی (م ۱۱۰۴). مؤلف روایات فقهی را بدون سند آورده که به گونه‌ای تلخیص و سائل الشیعه است. این اثر برای آشنایی اجمالی با احکام و مستندات فقهی مفید می‌باشد و بنیاد پژوهشهای اسلامی آن را منتشر کرده است؛

۱۶. جواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة: حر عاملی (م ۱۱۰۴). این کتاب اولین اثری است که روایات قدسی را گرد آورده است. مؤلف اثر خود را در ۲۳ باب سامان داده؛

۱۷. فصول المهمة: حر عاملی (م ۱۱۰۴). این اثر دربردارنده روایات مربوط به مباحث اصول دین و اصول فقه است؛^۱

۱۸. اثبات الهداة: حر عاملی (م ۱۱۰۴). مؤلف روایات فریقین را گرد آورده و با تعلیقه ابوطالب تجلیل تبریزی نشر یافته است؛^۲

۱۹. البرهان فی تفسیر القرآن: سید هاشم بحرانی (م ۱۱۰۹). این کتاب یک دوره روایات تفسیری بر اساس ترتیب سوره‌ها و آیات است؛

۲۰. المحجة فیما نزل فی القائم الحجة: سید هاشم بحرانی (م ۱۱۰۹). دربردارنده روایات تفسیری مربوط به حضرت مهدی (عج) است؛

۲۱. مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول: محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱). که شرحی بر کتاب کافی است؛

۲۲. ملاذ الاخبار فی شرح تهذیب الاخبار: محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱). این اثر شرحی بر کتاب تهذیب می‌باشد؛

۲۳. نور الثقلین: عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی (م ۱۱۱۲). این کتاب یک دوره تفسیر آیات قرآن با کمک روایات است و بیش از سیزده هزار روایت را دربر دارد؛

۲۴. الانوار النعمانیة: سید نعمت‌الله جزایری (م ۱۱۱۲)؛

۲۵. الشفاء فی حدیث آل مصطفی: عبداللطیف تبریزی (م ۱۱۵۸)؛

۲۶. عوالم العلوم و المعارف و الاصول من الایات و الاخبار و الاقوال: عبدالله بحرانی اصفهانی (م قرن ۱۲)؛

۲۷. شرح استبصار: میرزا حسن بن عبدالرسول حسینی (م ۱۲۲۳)؛

۲۸. جامع الاحکام: سید عبدالله شبّر (م ۱۲۴۲)؛

۲۹. جامع المعارف و الاخبار: سید عبدالله شبّر (م ۱۲۴۲)؛

۳۰. چهل حدیث: مولا محمدتقی استرآبادی (م ۱۲۶۳).^۱

گسترده‌گی و تنوع حوزه‌های حدیثی در دوره متأخران

در دوره پایانی متأخران قرنهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم، گستره حدیث‌نویسی تنوع بیشتری یافت و متأخران فراتر از قلمرو فقهی و کلامی به تدوین روایات در حوزه‌های تفسیر، اخلاق، ادعیه، مناقب و... پرداختند؛^۲ زیرا هر یک از عالمان از منظر مهارت خود به روایات نظر افکندند و بهره‌مندی از احادیث در همه حوزه‌های معارف اسلامی رایج شد. می‌توان حوزه‌های حدیثی در قرون مذکور را به صورت فراگیر در موارد ذیل یاد کرد:

۱. برای اطلاعات بیشتر در مورد سی کتاب یاد شده، ر.ک: تأسیس الشیعه؛ الذریعة الی تصانیف الشیعه؛ تاریخ حدیث؛ تاریخ عمومی حدیث؛ آشنایی با علوم حدیث؛ آشنایی با متون حدیث و نهج البلاغه؛ مقدمه کتابهای مذکور.

۲. تاریخ عمومی حدیث، ص ۴۱۵

اهتمام متأخران به حدیث (قرن ششم تا سیزدهم) ۱۵۳

۱. روایات فقهی: این شیوه که از پیش نیز رایج بود، گسترده تر شد و جوامع ثانویه مذکور و دیگر آثار فقهی که در مجموعه های حدیثی از آنها یاد شد، در قلمرو فقه شکل گرفت؛

۲. روایات تفسیری: اهتمام و گرایش به جمع آوری تمام روایات تفسیری، مورد توجه بیشتر مفسران واقع شد و تفسیرهای البرهان، نور الثقلین، الصافی، تفسیر الائمة لهدایة الامه و... نگارش و تدوین گردید؛

۳. روایات مناقب: گروهی از محدثان می کوشیدند احادیث مربوط به فضایل معصومان علیهم السلام را گرد آورند؛ مانند غایة المرام فی فضایل امیرالمؤمنین، از سید هاشم بحرانی؛

۴. روایات ادعیه: تعدادی نیز از محدثان در صدد گردآوری روایات مربوط به ادعیه برآمدند؛ مانند الدعوات الفاخرة المروية عن العترة الطاهرة، از سید محمدتقی بن سید حسین تقوی (م ۱۲۸۹)؛

۵. روایات اخلاقی و تربیتی: تعدادی از محدثان به جمع آوری روایات اخلاقی و تربیتی پرداختند؛ مانند المحجة البيضاء، از فیض کاشانی (م ۱۰۹۱)؛

۶. اربعین نویسی: گروهی از محدثان با نظم و هدف خاصی، روایات را جمع آوری کرده و آثاری مانند چهل حدیث علامه مجلسی (م ۱۱۱۰)، چهل حدیث مولا محمدجعفر استرآبادی (م ۱۲۶۳) و... فراهم آمد.

پرسش

۱. مقصود از متأخران در حدیث، چه کسانی هستند؟
۲. علل رکود حدیث در دوره متأخران چیست؟
۳. مجموعه‌های فقهی حدیثی قرن هشتم تا دهم را گزارش کنید.
۴. صفویه چه تأثیری بر گسترش حدیث داشت؟
۵. اعتبار کتب اربعه از نظر اخباریها تا چه حد است؟
۶. ویژگیهای وافی را با توجه به انگیزه‌های مؤلف بیان کنید.
۷. تفاوت بحار الانوار با وافی در چه مواردی است؟
۸. علت تدوین وسائل و تفاوت آن با سایر جوامع ثانویه از نظر انگیزه‌های مؤلف چیست؟
۹. پنج مورد از آثار روایی قرن دوازدهم را نام ببرید.
۱۰. گستردگی و تنوع حوزه‌های حدیثی در چه قلمروهایی بوده است؟

پژوهش

۱. ویژگیهای تفکر اصول‌گرایانه و تأثیر آن بر سرنوشت حدیث را بیان کنید؛
۲. چه کسی و با چه هدفی برای نخستین بار تقسیمات حدیثی به چهار گروه صحیح، حسن، موثق و ضعیف را سامان داد؛
۳. مهم‌ترین مصادر حدیثی فقهی دوران متأخران در کجا تدوین شد. نام مؤلفان آنها را بیابید؛
۴. صفویه و نقش آنها را در جذب علما تحلیل کنید؛
۵. موضوع کتاب الفوائد المدنیه و هدف مؤلف آن را تحلیل نمایید؛
۶. بابها، روایات و موضوعات کتاب الوافی و بحار الانوار را مقایسه و تطبیق کنید؛
۷. با بررسی مقدمه مرآة العقول و ملاذ الاخیار، علت تدوین و ویژگیهای آنها را تحلیل کنید؛
۸. با بررسی تاریخ قرن دوازدهم تا سیزدهم، تفاوت گسترش حدیث را بررسی نمایید.

۷

اهتمام معاصران به حدیث (قرن چهاردهم و پانزدهم)

در قرن چهاردهم و پانزدهم - بویژه در قرن پانزدهم که مصادف با انقلاب اسلامی در کشور ایران است - پژوهش و خدمات علمی گسترده‌ای از طرف علمای شیعه، در حوزه مطالعات حدیث‌شناسی شکل گرفته که از تلاش محققان و اندیشمندان در حوزه حدیث‌شناسی و اهتمام به بهره‌مندی بیشتر از روایات معصومان علیهم‌السلام در معارف اسلامی سرچشمه می‌گیرد.

می‌توان مهم‌ترین فعالیت‌های حدیث‌پژوهی را در دوران معاصر، چنین بیان کرد: مستدرک‌نویسی، کتابهای دعا، تدوین دائرةالمعارف یا موسوعه‌نویسی موضوعی روایات، تصحیح و تحقیق مصادر حدیثی، تدوین آثار رجالی جدید، تدوین آثار درایه جدید، مسندنویسی روایات، گزیده و تلخیص مصادر روایی، معجم و راهنمانویسی مصادر روایی، احیای آثار و نسخه‌های خطی روایی، تدوین تفسیرهای روایی جدید، فقه الحدیث و شرح و تبیین روایات، تأسیس مراکز تدریس، پژوهش و مناظرات روایات، تدوین کتاب و مجلات حدیث‌شناسی و خدمات رایانه‌ای در قلمرو حدیث‌شناسی.

در این مرحله به اختصار مهم‌ترین فعالیت‌های محققان حدیث‌پژوه را

در موارد مذکور بررسی می‌کنیم که نشان از گستردگی، تعدد و تنوع گستره حدیث و مطالعات درباره آن است. آغاز دوره معاصر، با حدیث‌پژوهی سترگ، میرزا محمدتقی نوری طبرسی (م/۱۳۲۰) شروع می‌شود که رویکرد گسترده‌ای به احادیث داشت. او به جهت توسعه دادن به دانش حدیثی، به «محدّث نوری» معروف شد. وی در حوزه نجف، مباحث جدید حدیث‌شناسی را گستراند و شاگردان گرانقدری مانند شیخ عباس قمی، صاحب مفاتیح الجنان و آقا بزرگ تهرانی، صاحب کتاب الذریعة الی تصانیف الشیعة را پرورش داد.

گستره حدیث‌شناسی

در دوران معاصر - آن چنان که اشاره شد - مطالعات حدیث‌شناسی گسترش فراوانی یافت و در قلمروهای گوناگونی رشد کرد که به اختصار هریک را در موارد ذیل بررسی می‌کنیم:

مستدرک‌نویسی

از نخستین پژوهشهای حدیثی در دوره معاصر، تکمیل و استدراک کتابهای حدیثی پیشین یا آثار رجالی و یا درایی است. در این خصوص می‌توان از مهم‌ترین مستدرکات به شرح ذیل یاد بررسی می‌کنیم:

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل: میرزا حسین نوری (م/۱۳۲۰). این اثر در تکمیل کتاب وسائل الشیعه، نگارش شده است. حاجی نوری در کتاب مستدرک روایاتی را که در وسائل نیامده، آورده است او در این خصوص در مقدمه کتاب خود می‌گوید:

ان العالم الكامل المتبحر الخیر... الشیخ محمد بن الحسن الحر العاملی قد جمع فی کتاب الوسائل من فنون الاحادیث الفرعیة المتفرقة فی کتب سلفنا الصالحین... لا ینفی العالم المستنبط عنه جامع و لکنّا فی طول ما تصفحنا کتب

اهتمام معاصران به حدیث (قرن چهاردهم و پانزدهم) ۱۵۷

اصحاب الابرار قد عثرنا على جملة وافرة من الاخبار لم يحوها كتاب الوسائل ولم تكن مجتمعة في مؤلفات الاواخر والاولئ؛^۱

۲. مستدرک سفینة البحار: شیخ علی نمازی شاهرودی. او پس از ملاحظه کتاب گرانقدر سفینة البحار دریافت که بخشی از روایات در این کتاب ضبط نشده است. وی در این باره می‌گوید:

ومن الكتب التي طالعتها كثيراً ونظرت إليها ... ذلك الكتاب المذكور سفينة البحار ومدينة الحكم والاثار فرأيته كتاباً ظريفاً نفيساً شريفاً ... لكن فيه مع سعة مطالبة الطريفة ودرره الطريفة فات عن الشيخ المؤلف ذكر كثير من مطالب البحار بل وكثير من عناوين الابواب وموضوعات الاخبار كان ينبغي له ذكره؛^۲

۳. مستدرکات علم الرجال: شیخ علی نمازی شاهرودی. این اثر فراگیر راویان کتابهای رجالی و مستدرک آنها است. مؤلف خود می‌گوید:

قد ذكرت فيه اسامي آلاف من رواة احاديث الشيعة ورجال المشايخ العظام في الكتب الاربعة المشهورة وغيرها لم يذكرهم علماء الرجال - رضوان الله تعالى عليهم - حتى العلامة المامقاني في كتابه تنقيح المقال مع دعواه جامعته واغناه عن الكتب الرجالية ... وكذلك العلامة الاردبيلي في جامع الرواة؛^۳

۴. مستدرکات مقباس الهداية: محمدرضا مامقانی که در تکمیل و شرح کتاب گرانقدر مقباس الهدایه فی علم الدرایه، از علامه مامقانی نگارش شده است. محقق در مقدمه کتاب خود می‌گوید:

كنت على موعد بتذييل كتابي هذا - مقباس الهدايه - بمستدركات وفوائد وتنبهات ومسائل - جلها درائية - لكل ما يستوجه النص او تميله الضرورة او يقتضيه فن البحث والتحقيق، تلافياً لتصور في التعبير او دفعا لشبهة او توسعة

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۶۰، مقدمه مؤلف

۲. علی نمازی شاهرودی، مستدرک سفینة البحار، ج ۱، ص ۳۲

۳. شیخ علی نمازی شاهرودی، مستدرکات علم الرجال، ج ۱، ص ۱۹

احتیاج لها - مما اجمله المصنف طاب ثراه - وبسطها كان أفضل؛^۱

۵. مستدرک الاخبار الدخلیه: علامه حاج محمد تقی تستری با تعلیق علی اکبر غفاری. پس از آنکه مؤلف الاخبار الدخلیه (علامه تستری) دریافت که برخی از روایات جعلی را جمع آوری نکرده، آنها را گرد آورد و با عنوان مستدرک الاخبار الدخلیه منتشر کرد. علی اکبر غفاری که به تدوین و تعلیق آن پرداخته، در مقدمه کتاب می گوید:

اما بعد فيقول العبد الراجي رحمة ربه الكريم، خادم العلم والدين «علي اكبر غفاري» مدون هذا الكتاب ومرتبته: انه بعد مضي أشهر من نشر كتاب الاخبار الدخليه في عام ۱۳۹۰ق وقتت يوماً علي وريقات للمؤلف - دام ظله العالي - ذكر فيها بعض ما فاتته في الكتاب استدراكاً له، ارسلها للطبع والاحاق به في آخره؛^۲

۶. مستدرک نهج البلاغه الموسوم بمصباح البلاغه في مشكوة الصياغه: حاج سيد حسن ميرجهانی طباطبایی (م/ ۱۳۸۸). مؤلف تنها به استدراک خطبه‌ها و رساله‌ها همت گماشته است؛

۷. مستدرک نهج البلاغه: هادی کاشف الغطاء. این کتاب خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های حضرت را دربر دارد که در نهج البلاغه نیامده است؛

۸. نهج السعادة في مستدرک نهج البلاغه: محمد باقر محمودی. این کتاب فراگیر دعاها، مناجات، وصیته‌ها و عبادت‌های حضرت علی علیه السلام است که سید رضی آنها را نیاورده است.

کتابهای دعا و مزار

تعدادی از حدیث‌شناسان در صدد گرد آوردن کتابهای روایی مربوط به دعاها و مزار برآمدند؛ آنان روایات وارد شده در خصوص دعاها و زیارتها را به صورت مستقل با

۱. مستدرکات مقباس الهدایة، ج ۵ ص ۹

۲. حاج محمد تقی تستری، مستدرک الاخبار الدخلیه، مقدمه

ترتیب مطلوب گردآوری کردند که تعدادی از آنها عبارتند از:

۱. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی؛
۲. منتخب ادعیه و زیارات، حائر تهرانی؛
۳. ضیاء الصالحین فی الادعیه و الزیارات، صالح جوهرچی؛
۴. ادعیه و زیارات، عبدالرحیم افشاری؛
۵. آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز، با ترجمه و حاشیه محمدحسین نائیجی.

موسوعه نویسی موضوعی

از دیگر خدمات مهم در حوزه حدیث شناسی در دوران معاصر، تدوین و یا بازسازی مجموعه های روایی موضوعی است که محدثان قرن چهاردهم و پانزدهم - بویژه در پایان قرن چهاردهم و آغاز قرن پانزدهم - بدان روی آوردند. به مواردی از این آثار اشاره می شود:

۱. جامع احادیث الشیعه: با اشرف حضرت آیه الله حسین بروجردی (م ۱۳۸۰). کتاب مذکور زیر نظر ایشان و با یاری برخی از شاگردانشان با هدف تدوین مجموعه کامل در حدیث آغاز شد تا ضمن ضبط کامل روایاتی که تقطیع شده بود، با دسته بندی جدید در حوزه روایات فقهی گردآوری شود و فقها بتوانند با کمک آنها، آسان تر به احکام فقهی دست یابند.

ایشان که در دوران معاصر، در حوزه علمیه قم در اصول، فقه، رجال و ... سرآمد دیگر علما بودند، اعتقاد داشتند که در صورت تکمیل کتاب، در مقایسه با وسائل الشیعه از نظر روایات و ابواب، کامل تر و جامع تر خواهد بود؛ ولی در حیات ایشان کتاب جامع احادیث شیعه به پایان نرسید و شاگردان وی به تکمیل آن همت گماشتند. در مقدمه کتاب، امتیازات آن در مقایسه با وسائل الشیعه چنین بیان شده است: وکان - قدس سره - کثیراً ما یقول ان صاحب الوسائل - رحمه الله - قد اتعب

نفسه فی تألیف هذا الكتاب وبذل جهده وعمره فی جمع احادیثه و تسویبه و ترتیبه و... الا انه یحتاج الی تنقیح و تهذیب و تکمیل فان کتابه أشبه بكتاب الفقه من الحدیث و اراد ان یجمع ما دل من الاخبار بزعمه علی حکم فرع من الفروع الفقهیة و لم یکن قاصداً علی ان یأتی بنظام تام؛^۱

آیت الله بروجردی، محدث ورجالی آگاه، با هدف تکمیل کتاب و سائل الشیعه، گروهی از شاگردان را به جمع آوری روایات تشویق می کند و خود بر پیشرفت تدوین نظارت جدی دارد. در مقدمه در این باره آمده:

فجمع - قدس سره - عدة من الفضلاء الكرام والعلماء الاعلام فابدى لهم رأیه و أبان عن مراده و امرهم بتألیف هذا الكتاب المستطاب و هیئا لهم الاسباب و دلل لهم الصعاب و هداهم الی کیفیتة التبیوب و الترتیب و حسن التنظيم و التسیق؛^۲

۲. الحیة: این مجموعه روایی، اثری گرانقدر و فراگیر روایات در موضوعات متعدد به همراه ضبط آیات است که آقایان، محمدرضا، محمد و علی حکیمی آن را فراهم آورده اند. آنان مجموعه الحیة را دائرة المعارفی می دانند که دربرگیرنده نظام فکری اسلام است و برای معرفی آن در مقدمه می گویند:

موسوعة، اسلامية، علمية، موضوعية، تخطط منهاج الحیة الحرة الصاعدة للفرد و المجتمع و تدعو الی دعم نظام انسانی صالح فی جمیع آفاق الارض؛^۳

آقایان حکیمی معتقدند که لازم است مجموعه ای از آیات و روایات براساس موضوعات فراهم شود تا حیات انسان در عصر جدید، از آن بهره مند شود. ایشان در این جهت می گویند:

فعلی هذا یجب ان یكون المصدر الاصلی لتفهم الاسلام و معرفه تعالیمه هو كتاب الله الکریم و الاحادیث المرویة عن النبی و اوصیایه و هذا هو المنهج

۱. جلال الدین سیوطی، جامع الاحادیثه مقدمه، ص: ل ۲. همان، ص م

۳. محمدرضا حکیمی، الحیة، ج ۱، ص ۳

الذی اتبعناه فی الكتاب؛^۱

۳. میزان الحکمة: این کتاب تألیف آیت‌الله محمد محمدی ری‌شهری است که با هدف گردآوری جدیدی در حوزه روایات و به صورت موضوعی و برخاسته از مصادر روایی معتبر سامان یافته. ایشان پس از بررسی مصادر روایی بویژه کتاب بحار الاتوار بابهای جدیدی را تأسیس و روایات را با ترتیبی نو در آن ثبت می‌کند؛ ضمن اینکه از مصادر روایی اهل سنت نیز، روایت می‌آورد. در آغاز باب هم به ذکر آیات مبادرت می‌ورزد تا ثقلین در کنار هم، مورد بهره قرار گیرند. در مقدمه برای معرفی اثر خود می‌گوید:

وفی بداية العمل بدأت بمراجعة کل الروایات تقریباً التي وردت فی اجزاء کتاب بحار الاتوار حیث سجلت كافة الملاحظات المطلوبة... و خلال العمل فی هذا الكتاب واجهتی عدة ملاحظات تستحق الوقوف عندها وهی: ۱. کثرة الروایات المکررة فی کتاب البحار...؛ ۲. النقص الملحوظ فی فصول کتاب البحار... الاستفادة من کتب اهل السنة فی الحدیث؛^۲

اثر مذکور روایات قلمروهای گوناگون را دربر دارد و روی جلد چنین معرفی شده است: اخلاقی، عقائدی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، ادبی. مؤلف این کتاب را خود تلخیص کرده است؛

۴. آثار الصادقین: این اثر تألیف آیت‌الله صادق احسان‌بخش است. مؤلف در صدد گردآوری روایات و ترجمه آنها به زبان فارسی می‌باشد تا خواننده فارسی‌زبان، از آنها بهره بیشتری ببرد. ایشان نیز کوشید آیات را پیش از روایات بیان کند. همچنین بر ذکر روایات از مصادر اهل سنت اهتمام دارد. او در مقدمه می‌گوید: پس از تتبع و تدبر ممتد در متون اخبار و روایات که در صحاح و مأخذ معتبره اسلامی آمده، بر آن شدم تا آنجا که بضاعت و سرمایه علمی به تأیید حضرت باری تعالی شأنه کمک و مساعدتم کند، به منظور تعمیم فایده آن را به زبان

فارسی روان و ساده - بیرون از ایجاز مُخَلّ و اطناب مَمَل - ترجمه و شرح کنم تا از برای استادان تذکری و مبتدیان را مرشدی باشد؛^۱

۵. فرهنگ سخنان امام مجتبی علیه السلام: محمد دشتی این اثر را سامان داده که فراگیر غالب روایات امام مجتبی علیه السلام از مصادر روایی همراه با طبقه‌بندی آنها می‌باشد که برای همگان سودمند است؛

۶. مجموعه‌های موضوعی نهج البلاغه مانند فرهنگ آفتاب، عبدالمجید معادیخواه و مجموعه موضوعی نهج البلاغه؛ علی رضا برازش.

تصحیح، تعلیق و تحقیق منابع حدیثی

از جمله فعالیت‌های حدیث‌پژوهی در دوره معاصر، رو آوردن برخی از محدثان به تصحیح، تحقیق و تعلیق بر مصادر حدیثی است. این تلاش با هدف نشر بهتر و کامل‌تر مصادر روایی - بخصوص کتابهای متقدمان در حدیث - صورت گرفته است. در این باره برخی از محققان که در سند و متن حدیث‌شناسی مهارت کامل دارند، با بررسی نسخه‌های قدیمی به تصحیح جوامع روایی پرداخته؛ از جمله این آثار می‌توان موارد ذیل را نام برد:

۱. تصحیح و تعلیق آقای سید حسن خراسانی در کتابهای استبصار، تهذیب و...؛

۲. تصحیح و تعلیق آقای سید هاشم رسولی در کافی، مرآة العقول و...؛

۳. تصحیح و تحقیق آیت‌الله عبدالرحیم ربانی در وسائل الشیعه و...؛

۴. تصحیح و تحقیق جلال‌الدین حسینی ارموی در المحاسن برقی، الرسالة العلیه

فی الاحادیث النبویه کاشفی، غررالحکم و دررالکلم آمدی و...؛

۵. تصحیح و تحقیق استاد علی‌اکبر غفاری در دهها جامع و کتاب حدیثی؛ مثل

تصحیح الاصول من الکافی، تصحیح و تعلیق من لایحضره الفقیه، تصحیح و تعلیق

۱. شیخ صادق احسان بخش، آثار الصادقین، ج ۱، ص ۱۰

اهتمام معاصران به حدیث (قرن چهاردهم و پانزدهم) ۱۶۳

تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، تصحیح و تعلیق الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تصحیح و تعلیق معانی الاخبار، تصحیح تحف العقول من آل الرسول، تصحیح خصال، تحقیق کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق و تصحیح الغیبه، تحقیق الامالی مفید، تصحیح و تعلیق الاختصاص، تصحیح منتقى الجمان فی الاحادیث الصحاح والحسان، تحقیق اعلام الوری باعلام الهدی، تصحیح و حواشی تفسیر روض الجنان و روح الجنان، تصحیح و تعلیق کامل الزیارات، تصحیح و تخریج شرح الکافی، تصحیح و شرحی بر «دعای ندبه» و... ایشان در مقدمه تصحیح کتاب من لایحضره الفقیه بر ویژگیهای تصحیح و تعلیقهای خود می گوید:

فلما حصلت لی عدة من النسخ المخطوطة والشروح والحواشی الموجودة قابلت الكتاب علی التي منها علی المشایخ مقروءة و صححته علی أوسع مدى مستطاع... فزدت علیه تعلیقات هامه... واعتمدت علی قول من دقق النظر و تعمق فی الکلام و تبصر و علی رأی من باحث عن السرائر و كشف عن وجوه المسائل النقاب الساتر.^۱

در دوره معاصر - بویژه پس از انقلاب اسلامی - مراکز تحقیقی مهمی به وجود آمدند و برای تصحیح و تحقیق مصادر روایی پیشین فراوان کوشیدند. برخی از این مراکز عبارتند از «دارالحدیث»، «مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث»، «واحد تحقیقات و پژوهش کتابخانه حضرت آیت الله نجفی مرعشی»، «تحقیقات کتابخانه مجلس»، «مؤسسه الامام المهدي» و... از جمله فعالیت های این مراکز، تحقیق و تصحیح بسیار سودمند کتابهای روایی از جمله کتاب وسائل الشیعه است. این خدمت بزرگ به حوزه های علمی را مؤسسه آل البیت به سامان رسانده است.

مسندنویسی

در شمار فعالیت های حدیث پژوهی و تدوین مجموعه های جدید در حوزه تاریخ حدیث، رویکرد برخی از محدثان در دوره معاصر به گسترش مسندنویسی است؛ به

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، کلمه المحشی، ص ۴

شکلی که روایات هر معصوم علیه السلام به صورت مستقل و براساس ترتیبی مطلوب گردآوری شده؛ مانند:

۱. مسند فاطمة الزهراء علیها السلام؛

۲. موسوعة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام؛

۳. مسند الامام المجتبی علیه السلام؛

۴. موسوعة الامام الحسین علیه السلام؛

۵. مسند الامام کاظم علیه السلام؛

۶. مسند الامام الرضا علیه السلام؛

۷. مسند الامام الجواد علیه السلام؛

۸. موسوعة الامام المهدي علیه السلام.

گزیده مصادر روایی

بعضی از محققان برای دسترسی آسان تر به روایات و ذکر بهترین آنها، برخی از کتابهای روایی را خلاصه کرده و بخش یا بخشهایی از آن را، به صورت مستقل نشر داده اند؛ مانند گزیده کافی، تألیف جناب آقای محمدباقر بهبودی. هدف ایشان در تلخیص - علاوه بر کوتاه نویسی - گزینش روایات صحیح نیز هست. ^۱ کتاب دیگر، گزینش و تلخیص قصص اصول کافی است که محمد محمدی ری شهری آن را با عنوان داستانهایی از اصول کافی نگاشته است. اثر دیگر بحار الانوار فی تفسیر المأثور للقرآن است که در آن آقای کاظم مرادخانی آیات بحار الانوار را گزینش و تلخیص کرده است.

معجم و راهنمانویسی

گروهی از محدثان برای استفاده بیشتر و روان تر از مصادر حدیثی - به علت گسترده بودن این منابع و نداشتن فهرست و راهنمای موضوعی - به نوشتن معجم موضوعی

۱. محمدباقر بهبودی، گزیده کافی، ج ۱، ص ۲۳

اهتمام معاصران به حدیث (قرن چهاردهم و پانزدهم) ۱۶۵

وراهنما برای مصادر حدیثی روی آوردند که در برخی از آنها، شرح و تصحیح روایات نیز وجود دارد؛ مانند:

۱. سفینة البحار و مدینة الحکم و الآثار: این اثر تألیف شیخ عباس قمی از شاگردان مرحوم محدث نوری است که با هدف تکمیل و فهرست‌نویسی بحار الانوار شکل گرفته.^۱ شیخ علی نمازی در مورد سفینة البحار می‌گوید:

ان القوس فی غمرات البحار المتراکمة لاستخراج الدرر من الاصداف
المقفاة لا يمكن الا بوسيلة وشق امواجها المتلاطمة لا يحصل الا بسفينة...
فمثل هذا الكتاب لا يهدى الى جميع موضوعاته الا بفهرس عام؛^۲

این کتاب ضمن فهرست موضوعی، از شرح مطالب حدیثی نیز برخوردار می‌باشد. شیخ عباس قمی آثار دیگری همچون منتهی الامال و مفاتیح الجنان نیز دارد که در آنها هم از روایات بهره‌مند شده است؛

۲. المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار: مرکز الابحاث والدراسات
الاسلامية، مکتب الاعلام الاسلامی فی الحوزة العلمیه؛

۳. مفتاح الكتب الاربعة: سید محمود دهرخی؛

۴. المعجم المفهرس لالفاظ الاصول من الکافی؛ الیاس کلانتری؛

۵. المعجم المفهرس لالفاظ الاحادیث عن الكتب الاربعة: مؤسسه

تحقیقاتی فرهنگی؛

۶. الهادی الی اصول الکافی، سید جواد مصطفوی؛

۷. مفتاح الوسائل، سید جواد مصطفوی؛

۸. المعجم المفهرس لالفاظ وسائل الشیعة: سید حسن طیبی؛

۹. المعجم المفهرس لالفاظ الصحیفة السجادیة: سید علی اکبر قرشی؛

۱. الذریعة، ج ۳، ص ۲۲ ۲. مستدرک سفینة البحار، ج ۱، ص ۳۰

۱۰. المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار: علی رضا برازش؛
۱۱. التطبيق بین السفینة و البحار: سید جواد مصطفوی؛
۱۲. دلیل الآیات المفسرة و اسماء السور فی احادیث بحار الانوار: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم؛
۱۳. فهارس بحار الانوار: مرکز الدراسات والبحوث العلمیه؛
۱۴. المعجم المفهرس لالفاظ عناوین ابواب بحار الانوار: کاظم مرادخانی؛
۱۵. مفتاح الابواب لکتب البحار: شیخ جواد اصفهانی؛
۱۶. الکاشف عن الفاظ نهج البلاغه: سید جواد مصطفوی؛
۱۷. المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه: محمد دشتی؛
۱۸. تصنیف نهج البلاغه: لیب بیضون.^۱

فقه الحدیث و شرح و تبیین موضوعی

گروهی از محدثان معاصر در پیروی از محدثان متقدم و متأخر، شرح و بیان روایات را مهم دانسته و فهم روایات را مهم‌ترین حوزه حدیث‌شناسی در دوران معاصر دانسته‌اند. آنان در حوزه شناخت «غریب الحدیث»، «علل الحدیث»، «ناسخ الحدیث» و «تبیین موضوعی روایات» از جمله «اربعین نویسی» روایات، آثاری را تدوین کردند که به دهها کتاب می‌رسد؛ از جمله اربعین حضرت امام؛ چهل حدیث، سید هاشم رسولی محلاتی؛ الحدیث النبوی بین الراویة و الدرایه، آیت‌الله سبحانی؛ اهل بیت در قرآن و حدیث، آیت‌الله ری شهری و

مجموعه‌های حدیثی حاصل تلاش محقق بزرگی از جمله علامه امینی، استاد

۱. برای آگاهی بیشتر از معجمهای موضوعی روایات ر.ک: المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۳۲؛ مجله حوزه ش ۱۴، ۱۸؛ المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۷، دروس فی متون الحدیث و نهج البلاغه و

اهتمام معاصران به حدیث (قرن چهاردهم و پانزدهم) ۱۶۷

مطهری، آیت الله ری شهری و... است که در موضوعاتی جزئی، دهها بحث اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و تربیتی را شامل می‌شود. این محققان در آثار خود به شرح و بیان روایات پرداخته‌اند. گروهی نیز همچون جناب آقای اکبر غفاری برای شرح و فهم حدیث به قواعد مهمی معتقدند و راهیابی به فهم دقیق را منوط بر آنها می‌دانند. ایشان در کتاب تلخیص مقباس الهدایه، بخشی را با عنوان «فقه الحدیث» ضمیمه کرده است که بیانگر مباحث فقه الحدیثی با ذکر مثالهای نو می‌باشد. اثر علمی خانم دکتر نهله غروی با عنوان فقه الحدیث و روشهای نقد متن کتاب فقه الحدیث اثر استاد محمد حسن ربانی و کتاب روش فهم حدیث اثر استاد عبدالهادی مسعودی و... نیز در این گروه می‌گنجد.

علامه طباطبایی هم در تفسیر گرانقدر المیزان، بخشی را به «بحث روایی» اختصاص داده و در آن به بررسی روایات تفسیری و شرح و تبیین آنها پرداخته است. این اقدام پژوهشی نو در شرح روایات تفسیری شمرده شده و با معیارهای شناخت حدیث - از جمله عرضه بر آیات و روایات معتبر - به بررسی روایات پرداخته است.

احیای نسخه‌های خطی

از دیگر تلاشهای معاصران در مطالعات حدیثی، توجه به «نسخه‌های خطی روایی» است که در کتابخانه‌های بزرگ از جمله کتابخانه حضرت آیت‌الله نجفی مرعشی، کتابخانه مجلس، کتابخانه آستان رضوی و... نگهداری می‌شود. احیای این نسخه‌ها و به روز کردن آنها، خدمت بزرگی است که به همت علمای بزرگ از جمله حضرت آیت‌الله نجفی مرعشی، شروع شد و هم اکنون نیز ادامه دارد. در این اقدام ضمن شناسایی آثار روایی کهن، با مقدمه، تحقیق و استخراج مصادر نشر داده می‌شود. در شهرهای قم، مشهد، نجف، تهران و ری، نسخه‌های خطی با کمک محققان در کتابخانه‌های عمومی و شخصی مطالعه و تصحیح می‌شود. در مواردی نیز

تصحیح آثار خطی، موضوع پایان‌نامه دانشجویان ارشد و دکترا قرار می‌گیرد و نسخه‌های روایی بیشتری برای بهره‌مندی دیگران آماده می‌گردد.

تدوین آثار رجالی جدید

محدثان برای پژوهشهای عمیق‌تر در حدیث، ناچارند به رجال حدیث مراجعه کنند. در دوره معاصر برخی از آثار رجالی برای شناسایی راویان و تکمیل آثار رجالی متأخران فراهم شده است؛ از جمله:

۱. بهجة الامال فی شرح زبدة المقال فی علم الرجال، آية الله ملا علی العلیاری التبریزی (م ۱۳۲۷)؛
۲. الرسائل الرجالية، ابن المعالی محمد بن محمد ابراهیم الکلباسی (م ۱۳۱۵)؛
۳. تنقیح المقال فی معرفة علم الرجال، علامه عبدالله مامقانی (م ۱۳۵۱)؛
۴. قاموس الرجال، علامه محمد تقی تستری؛
۵. معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، آیت الله ابوالقاسم خویی؛
۶. الموسوعة الرجالية المیسرة، اشراف آیت الله جعفر سبحانی؛
۷. کلیات فی علم الرجال، آیت الله جعفر سبحانی؛
۸. راویان مشترک، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی.
۹. اصول علم الرجال بین النظرية و التحقيق، آیت الله مسلم داوری.

تدوین آثار درایه جدید

تعدادی از حدیث پژوهان، برای آگاهی از سند و متن حدیث و بهره بیشتر از آنها، به بررسی اصطلاحات حدیثی و تبیین مباحث درایه الحدیث پرداخته‌اند. در دوره معاصر می‌توان آثار ذیل را در این زمینه یاد کرد:

۱. مقباس الهدایة فی علم الدرایه، عبدالله مامقانی؛
۲. نهایة الدرایه، سید حسن صدر؛

۳. قواعد الحدیث، محی الدین موسوی؛
۴. درایة الحدیث، شانه‌چی؛
۵. اصول الحدیث و احکامه فی علم الدرایه، جعفر سبحانی؛
۶. تلخیص مقباس الهدایه، علی اکبر غفاری؛
۷. علم الحدیث، زین العابدین قربانی؛
۸. علم الدرایة تطبیقی، سیدرضا مؤدب؛
۹. درسنامه درایة الحدیث، سیدرضا مؤدب؛
۱۰. دانش درایة الحدیث، محمدحسن ریانی؛
۱۱. اصول الحدیث، عبدالهادی فضلی؛

تأسیس مراکز تدریس، پژوهش و مناظرات حدیثی

در دوران معاصر برای آگاهی بیشتر از حوزه حدیث‌شناسی و شاخه‌های آن، مراکز علمی برای آموزش و پژوهش موضوعات حدیثی شکل گرفته است که خدمات علمی فراوانی در گسترش دانش حدیث دارند. مراکز آموزشی، دهها دانش‌آموخته دوره‌های حدیثی تحویل جامعه علمی داده‌اند و مراکز پژوهشی دهها اثر پژوهشی در حوزه حدیث را منتشر کرده‌اند. برای نمونه می‌توان مراکز ذیل را نام برد:

۱. دارالحدیث قم: این مرکز از جمله مهم‌ترین مراکز پژوهش مطالعات حدیثی است؛
۲. مرکز تخصصی حدیث حوزه علمیه قم: در این مرکز شاخه‌های تخصصی علوم حوزوی تدریس می‌شود؛

۳. دانشکده علوم حدیث: مرکزی برای آموزش دوره‌های حدیثی است؛
۴. گروه‌های حدیثی دانشگاه‌های کشور: برخی از این گروه‌ها به صورت مستقل و بعضی به صورت مشترک با گروه علوم قرآنی به آموزش علاقمندان به دانش حدیث اشتغال دارند؛

در مراکز دانشگاهی و حوزوی، دهها پایان‌نامه در حوزه مطالعات حدیث پژوهی

دفاع شده که همگی از پیشرفتهای علمی در حوزه حدیث حکایت دارد. در مراکز حدیثی، مطالعات تاریخ‌شناسی جریانهای حدیثی و بررسی مکاتب و مدارس حدیث آغاز گردیده است. پیش‌بینی می‌شود در آینده مطالعات در حوزه حدیث، عمیق‌تر و براساس جریان‌شناسی حلقه‌های حدیث انجام گیرد تا روایات هر جریان و یا مرکز حدیثی، بیشتر مورد بررسی و استفاده قرار گیرد. همچنین مناظرات و نشستهای علمی بین صاحب‌نظران در موضوعات حدیثی برقرار است.

تدوین کتابهای تاریخ حدیث، مطالعات حدیثی و مجلات حدیث‌پژوهی

در دوره معاصر، دهها کتاب در حوزه تاریخ و سیر تدوین حدیث فراهم شده که بیان‌کننده چگونگی تدوین حدیث شیعه است. در این آثار، شبهاتی که خاورشناسان یا دیگران به تاریخ حدیث وارد کرده‌اند پاسخ داده شده و ضمن بررسی تاریخی تدوین حدیث در قرنهای نخستین تاکنون، به نقد دیدگاه مخالفان و مقایسه و تطبیق دورانهای حدیثی پرداخته شده است. آثار ذیل در این دسته قرار می‌گیرند:

۱. تدوین السنة الشریفه، سید محمدرضا حسینی جلالی؛

۲. تاریخ حدیث، شانه‌چی؛

۳. علم الحدیث، شانه‌چی؛

۴. منع تدوین الحدیث، اسباب و نتایج، علی شهرستانی؛

۵. پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، مجید معارف؛

۶. تاریخ عمومی حدیث، مجید معارف؛

۷. آشنایی با علوم حدیث، علی نصیری؛

۸. حدیث‌شناسی، علی نصیری.

۹. آشنایی با متون حدیث و نهج البلاغه، مهدی مهریزی؛

۱۰. مسندنویسی، سید کاظم طباطبایی؛

۱۱. فقه الحدیث و روشهای نقد متن، نهله غروی؛

۱۲. درآمدی بر تاریخ تدوین حدیث، بمانعلی دهقان؛

۱۳. معرفة الحدیث، محمد باقر بهبودی؛

۱۴. صحیح الکافی، محمد باقر بهبودی؛

۱۵. معالم المدرستین، مرتضی عسکری؛

۱۶. دراسات فی الحدیث و المحدثین، هاشم معروف حسینی؛

۱۷. الكلینی و كتابه الكافی، عبدالرسول الغفّار؛

۱۸. دراسة حول الاصول الاربعة، سید محمد رضا حسینی.

در دوران معاصر، مجلات علمی نیز در حوزه حدیث پژوهی به صورت مستقل یا غیرمستقل منتشر می شود که خدمت علمی آنان نیز گرانقدر بوده است؛ مانند علوم حدیث، مقالات و بررسیها، مطالعات اسلامی، حوزه، نقد و نظر، پژوهشهای قرآنی و حدیثی، سفینه، شیعه شناسی و ...

خدمات رایانه ای در قلمرو حدیث پژوهی

میراث ارزشمند حدیث از آغاز صدور تاکنون در شاخه های متن پژوهشی، درایه، رجال، تاریخ حدیث، تدوین مجموعه های جدید، تصحیح، تعلیق، مسندنویسی، مستدرک نویسی، احیای نسخه های خطی و ... مورد تدبّر و پژوهش حدیث پژوهان بوده است؛ ولی در عصر حاضر به جهت فراهم شدن ابزارهای جدید در شیوه های تحقیق و مطالعه و امکانات نرم افزارهای رایانه ها، مطالعات حدیث شناسی، گسترده تر شده است.

به خدمت درآمدن امکانات و خدمات رایانه ای در حوزه علوم اسلامی و بهره مندی از دانش انفورماتیک انسانی، سبب پیشرفت علوم اسلامی، از جمله دانش حدیث شده است. با کمک رایانه و نرم افزارهای ساخته شده، سرعت، دقت در زمینه رجال حدیث، شناخت و دسترسی روان و سریع به متون حدیث و استفاده

از انواع جست و جوهای موضوعی و تربیتی در منابع حدیث فراهم آمده است. مؤسسات و مراکز تحقیقاتی از حدود بیست سال پیش تاکنون در زمینه‌های ساخت و تهیه نرم‌افزارهای حدیثی با قابلیت‌های گوناگون، توفیقات فراوانی داشته‌اند که سبب شده سیستم‌های اطلاع‌یابی مهمی در حوزه حدیث پدید آورند تا محققان علوم حدیث در روند آموزش و پژوهش، پیشرفتهای کیفی و کمی بیشتری داشته باشند. دسترسی آسان و روان به کتابخانه‌های حدیثی سراسر دنیا، راهیابی دقیق به هزاران کتاب و مصادر حدیثی در کمترین زمان و مقایسه و تحلیل روایات با یکدیگر در نرم‌افزارهای حدیثی فریقین، شتابی دوچندان به شاخه‌های دانش حدیث داده است. این امر سبب شده نظریه‌پردازی در مبانی حدیثی، دقیق‌تر و کامل‌تر شود. نرم‌افزارهای حدیثی که قابلیت طبقه‌بندی، نمایه‌سازی، انواع فنون جست و جو، خروجی اطلاعات و ... را دارند، روزبه‌روز بیشتر شده که می‌توان از موارد ذیل نام برد:

۱. نور (۲)، جامع احادیث الشیعه، از مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی؛
۲. الایات الواردة فی الاحادیث الشریفه، از واحد تحقیقات بنیاد بعثت، با توانایی دسترسی به کل روایاتی که آیه موردنظر در آنها آمده است.
۳. معجم فقهی حضرت آیت‌الله گلپایگانی، شامل متون فقهی، روایی، تفسیری و ... و دارای قابلیت مطالعه و جست و جوهای گوناگون در متون روایی آن؛
۴. نرم‌افزار نور، از مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، شامل معجم الفاظ کتابهای بحار، وسائل، کافی، استبصار، تهذیب، من لایحضره الفقیه، مستدرک الوسائل به همراه فهرست الفبایی و انواع جست و جوها با دامنه‌های گوناگون و گزینش و گزارش آنها؛
۵. امام مهدی (عج)، معجم فقهی آقای گلپایگانی، شامل اطلاعات گسترده از منابع روایی در مورد حضرت مهدی (عج)؛

اهتمام معاصران به حدیث (قرن چهاردهم و پانزدهم) ۱۷۳

۶. اهل بیت، دفتر تبلیغات اسلامی که اطلاعاتی در حوزه ولایت، امامت و زندگی نامه هر یک از اهل بیت علیهم السلام را دربر دارد؛

۷. بشری، فرهنگ واژگان و مفاهیم نهج البلاغه با قابلیت نمایش متن خطبه‌ها، نامه‌ها، کلمات قصار و انواع پژوهش در مورد آنها، از دفتر تحقیقات یاسین؛

۸. حکمت، مؤسسه تحقیقاتی امام رضا علیه السلام، شامل فرهنگ موضوعی و لفظی نهج البلاغه به همراه فهرست موضوعی و امکان جست و جوی لفظی و موضوعی در آنها؛

۹. معجم علوم اسلامی، دفتر مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی. از جمله برنامه‌های این نرم‌افزار، حدیث فریقین است که از طریق انتخاب موضوع، فهرست کتب، واژگان، دسترسی به اطلاعات شکل می‌گیرد.

۱۰. معاجم، مؤسسه نشر حدیث اهل بیت علیهم السلام که شامل معجم الفاظ احادیث بحار الانوار، وسائل الشیعه، مستدرک الوسائل، «کتب اربعه»، مداخل احادیث الشیعه و ... را دربر دارد؛

۱۱. میزان الحکمة، مرکز تحقیقات دارالحدیث؛

۱۲. معجم الفاظ احادیث کتاب توحید شیخ صدوق؛

۱۳. معجم لالفاظ احادیث کتاب الوافی؛

۱۴. موسوعة الامام علی (ع) فی الکتاب و السنة و التاریخ، مرکز تحقیقات

دارالحدیث.

۱۵. و....

پرسش

۱. مهم‌ترین مستدرکهای حدیثی با توجه به اهداف آنها کدامند؟
۲. مهم‌ترین کتابهای دعای روایی را نام ببرید.
۳. تفاوت‌های الحیة و میزان الحکمه در چیست؟
۴. پنج مورد از تصحیح‌های مصادر روایی استاد غفاری را بیان نمایید.
۵. مسندنویسی را تعریف کنید و چهار مورد از آن را در دوره معاصر نام ببرید.
۶. اهمیت سفینة البحار در چیست؟
۷. حوزه‌های «فقه الحدیث» در چه مواردی است و مهم‌ترین آثار در دوره معاصر کدام است؟
۸. نقش رایانه را در خدمات حدیثی بیان کنید.

پژوهش

۱. شرایط فکری، شرایط جغرافیائی، استادان و شاگردان محدثان بزرگ معاصر را در حوزه نسخه‌شناسی روایات تفسیری، تحلیل کنید؛
۲. کتابهای مستدرک و سائل و سفینة البحار، را مقایسه و تحلیل نمایید؛
۳. با مطالعه مقدمه کتاب جامع احادیث الشیعه، انگیزه‌ها و تمایز آن را با وسائل بیان کنید؛
۴. تحلیل کنید که تصحیح حدیث بویژه «کتب اربعه» چه تأثیری در روند مطالعات حدیثی داشته است؛
۵. بررسی کنید که مسندنویسی در چه حوزه‌هایی صورت گرفته و چه پیامدهایی داشته است؛
۶. تفاوت‌های «معجم‌های حدیثی» را در دوران معاصر تحلیل نمایید؛
۷. اهمیت «فقه الحدیث» در دوران معاصر و نقش آن در نقد متن را تحلیل کنید؛
۸. اهداف تدوین آثار جدید «رجال و درایه» را تحلیل نمایید.

بخش سوم

تاریخ حدیث اهل سنت



دوره منع از تدوین و نقل حدیث (قرن اول)

مقدمه

پس از بررسی تاریخ حدیث در دوران پیامبر ﷺ و بیان تاریخ حدیث شیعه، به بررسی تاریخ حدیث اهل سنت می‌پردازیم. با مطالعه سیر تاریخ حدیث در نظر اهل سنت، می‌توان آن را در چهار مرحله دوران ممانعت، دوران متقدمان، دوران متاخران و دوران معاصران، بررسی کرد.

در دوره ممانعت، علل جلوگیری از نقل حدیث و نتایج آن تحلیل می‌شود. این حادثه در قرن اول به وقوع پیوسته است.

در قرن دوم متقدمان اهل سنت (مانند مالک و احمد بن حنبل و...) برای ثبت و گسترش حدیث کوشیدند. و در قرن سوم آنان، صحاح ششگانه یا جوامع حدیثی اهل سنت را آفریدند.

متاخران در نخستین مرحله در قرن چهارم تا ششم برای گسترش علوم حدیث تلاشهایی کردند که از این بین می‌توان از ابن حبان، طبرانی و... نام برد. در ادامه فعالیت متاخران در قرن هفتم تا سیزدهم هم تلاشهای سیوطی، متقی هندی و... قابل ذکر است. در دوران معاصر (قرن ۱۴ - ۱۵) دانشمندانی همچون صبحی صالح، ابوریه و... در این زمینه کوشیده‌اند.

ممانعت خلفا از تدوین حدیث و بررسی علل آن

درباره تاریخ حدیث اهل سنت در قرن اول، در آغاز، باید دوره خلفا و چگونگی روایت، سماع و تدوین حدیث در زمان آنان بررسی شود؛ ولی آن چنان که در آغاز کتاب بدان پرداخته شده^۱ مناسب است به دوران رسالت پیامبر ﷺ، اشاره شود و بیان گردد که در عهد رسالت، تدوین حدیث امری مباح و مورد تأکید پیامبر ﷺ بوده است؛ از این رو، سیره مسلمانان بر تدوین آن بوده و برخی از صحابه بزرگوار احادیث بسیاری را در آن دوره، نوشته‌اند؛ گرچه که از نظر گروهی از عالمان اهل سنت، تدوین حدیث در دوره پیامبر ﷺ نیز انجام نشد و سختگیری فراوانی در تدوین حدیث وجود داشته است،^۲ که چنین امری نمی‌تواند صحیح باشد و با واقعیات تاریخی سازگاری ندارد.

در دوران خلفا و پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام ﷺ به عللی که بدان اشاره خواهد شد، تدوین کامل حدیث به شکل رسمی انجام نگرفت و حدیث با تمام ارزشی که داشت، با همراهی خلفا در نگارش و تدوین رو به رو نشد. براساس گزارشهای تاریخی نه تنها تعدادی از احادیث ضبط نگردید، بلکه خلفای سه‌گانه با تدوین آن به صورت جدی به مخالفت برخاستند؛ از این رو، در نظر مورخان اهل سنت، قرن اول را دوره سختگیری و منع از نگارش تدوین نامیده‌اند^۳ و معتقدند که تدوین حدیث در قرن دوم شکل گرفته و آغاز آن را در نیمه اول قرن دوم دانسته‌اند. در مراحل بعد بررسی خواهیم کرد که متقدمان اهل سنت چگونه مجموعه‌های حدیثی را آفریدند. اکنون به اختصار به بررسی دوران خلفاء در قرن اول، چگونگی منع از تدوین حدیث و علل آن می‌پردازیم.

۱. بخش اول، کلیات؛ مجید معارف، جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۸

۲. علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۳۰؛ محمود ابوریه، اضواء علی السنة المحمدیه، ص ۴۶

۳. همان

منع از تدوین حدیث در دوران ابوبکر

براساس برخی از گزارشهای تاریخی، خلیفه اول از پیشگامان مخالف در تدوین حدیث بوده است. او در آغاز خلافت و پس از وفات پیامبر ﷺ، مسلمانان را گردآورد و بدانها اعلام کرد که از پیامبر ﷺ حدیث بازگو نکنند و به تبع آن از نوشتن و حفظ احادیث نیز، بپرهیزند. وی از مردم می‌خواست که تنها بر کتاب خدا اعتماد کنند؛ حلالش را حلال و حرامش را حرام بدانند. ذهبی، مورخ معروف اهل سنت، چنین می‌گوید:

من مراسیل ابن ابی‌ملکیة ان الصدیق جمع الناس بعد وفاة نبیهم فقال: انکم تحدثون عن رسول الله ﷺ احادیث تختلفون فیها والناس بعدکم اشدّ اختلافاً فلا تحدثوا عن رسول الله ﷺ فمن سألکم فقولوا بیننا و بینکم کتاب الله فاستحلوا حلاله و حرموا حرامه؛^۱

در مورد او همچنین نقل شده که دستور داد تا همه احادیثی را که از پیش نوشته بود، بسوزانند؛ زیرا نگران بود آن روایات در اختیار کسانی قرار بگیرد و آنان آن احادیث را نقل کنند ولی آن روایات از پیامبر ﷺ صادر نشده باشد. ذهبی در این خصوص می‌گوید: ورد عن عائشة أنها قالت: جمع أبی الحدیث عن رسول الله ﷺ وکانت خمسة حدیث فبات لیلة یتقلب کثیراً قالت فغمنی فقلت: أتقلب لشکوی أولشی بلفک؟ فلما أصبح قال: ای بنیة! هل می الاحادیث التی عندک فجتته بها فدعا بنار فحرقتها فقلت: لم احرقتها؟ قال: فخشیت ان اموت وهی عندی فیکون فیها احادیث عن رجل قد ائتمنته ووثقت به ولم یکن کما حدثنی فاکون نقلت ذلك؛^۲

براساس گزارشهای تاریخی مذکور، ابوبکر در دوران خلافت خود، صحابه را از

۱. شمس الدین ذهبی، تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۳؛ اضواء علی السنة المحمدیه، ص ۴۶
۲. تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۵؛ قاسم بن محمد زیدی، الاعتصام بحبل الله المتین، ج ۱، ص ۳۰؛ تدوین السنة الشریفه، ص ۲۴۶

روایت و به تبع آن از تدوین حدیث باز داشته است؛^۱ زیرا از نظر آنان، نقل و نشر روایت سبب اختلاف بین امت اسلامی و گمراهی می شده است. ابوبکر مردم را دعوت می کرد که به کتاب خدا مراجعه کنند. ظاهراً خلیفه اول، قصد خیرخواهی هم داشته و همراه با دیگر صحابه، نقل روایت و کتابت آن را ناپسند می شمرده است تا مبادا مردم از قرآن رویگردان شوند؛ همچنان که اسماعیل بن ابراهیم بصری (م ۲۰۰) گفته است:

ان الصحابة انما كرهوا الكتابة لان من كان قبلکم اتخذوا الكتب فاعجبوا بها فکانوا یكفون ان یشتغلوا بها عن القرآن.^۲

برخی از گزارشهای دیگر نیز، حکایت از کراهت ابوبکر در نقل و کتابت حدیث دارد؛ از جمله اینکه ذهبی نقل می کند که جمعی از صحابه از جمله ابوبکر، بندرت از پیامبر ﷺ نقل حدیث می کردند.^۳ ابوریه نیز می آورد که خلیفه اول هر حدیثی را از هر کسی نمی پذیرفت.^۴ ذهبی هم می گوید: «انه اول من احتاط من قبول الاخبار».^۵

قراین مذکور در مورد ابوبکر، نشان از آن دارد که او در بخش مهمی از دوره خلافتش در مورد نقل و کتابت حدیث سختگیر بوده و با کاتبان حدیث، همراهی نکرده است؛ ولی قرینه های مذکور نمی تواند مستندی بر ننوشتن هیچ گونه حدیثی در دوره او باشد؛ زیرا او به کراهت از نقل و تدوین حدیث - نه به سستی از پیامبر ﷺ - استناد می جوید، بنابراین پیروی از وی بر همگان لازم نبوده و عمل او در جمع آوری و سپس سوزاندن احادیث، دلیل بر منع عمومی از حدیث، در تمام دوران حکومت او نیست؛ زیرا اگر منعی از دوره رسالت وجود می داشت و در تمام دوران حکومت او نیز ممانعت از تدوین حدیث رایج می بود، عمل او در جمع آوری همان احادیثی که سوزاند، چگونه قابل توجیه است؟

۱. تدوین السنة الشریفه، ص ۲۴۶

۲. تقييد العلم، ص ۵۷؛ علوم الحديث ومصطلحه، ص ۳۲

۳. تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۴۲

۴. اضواء على السنة المحمدية، ص ۵۷

۵. تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۳

منع از تدوین حدیث در دوران عمر

با شروع خلافت خلیفه دوم در مورد کتابت و تدوین حدیث، اتفاق جدیدی رخ نداد و همان شیوه خلیفه اول در ممانعت از نقل روایت و کتابت حدیث - بلکه با شدت بیشتری - تداوم یافت. براساس برخی از گزارشهای تاریخی عمر، در همان آغاز تصمیم گرفت حدیث را تدوین کند؛ ولی چنین تصمیمی بسیار کوتاه بود و او از چنین اقدامی منصرف شد. او در دوره خلافت ده ساله خود، همان سیاست ابوبکر را که خود از مؤسسان و مؤیدان آن بود، با شدت بیشتری ادامه داد. ابن سعد در این خصوص بر آن است که عمر میخواست سنتهای پیامبر ﷺ را بنویسد و حدود یک ماه نیز به مشورت و طلب خیر پرداخت. ولی در پایان، آن را عملی شایسته ندید:

اخیرنا قبیصة بن عقبة قال: حدثنا سفیان بن معمر عن الزهري قال: اراد عمر بن الخطاب ان يكتب السنن فاستخار الله شهراً ثم اصبح وقد عزم له فقال: ذكرت قوماً كتبوا كتاباً فاقبلوا عليه وتركوا كتاب الله وانى والله لا اليس كتاب الله بشى ابدأ فترك كتاب السنن؛^۱

عمر نه تنها از تصمیم بر نوشتن حدیث منصرف شد، بلکه بر منع جلوگیری از نوشتن و تدوین و حتی نقل حدیث نیز مصمم گردید^۲ که موارد ذیل گواه بر آن است: - توقیف و حبس برخی از راویان حدیث: ذهبی میگوید: «انَّ عمر حبس ثلاثة: ابن مسعود، ابالدرداء و ابامسعود فقال: قد اكثرتم الحديث عن رسول الله ﷺ».^۳ محمود ابوریه نیز میگوید: «انَّ عمر حبس ثلاثة وكان قد حبسهم فى المدينة ثم اطلقهم عثمان».^۴

۱. الطبقات الكبير، ج ۳، ص ۲۰۶؛ تقييد العلم، ص ۵۰؛ جامع بيان العلم، ج ۱، ص ۶۴؛ علوم

الحديث و مصطلحة، ص ۳۱

۲. تدوين السنة الشريفة، ص ۲۶۷؛ علوم الحديث و مصطلحه، ص ۳۱

۳. تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۷؛ السنة قبل التدوين، ص ۷۴

۴. اضاء على السنة المحمدية، ص ۵۴

- تبعید برخی از محدثان در شهر و یا تهدید برخی از راویان حدیث و حفظ و مهار آنان در کنار خود تا آنکه ایشان از نقل حدیث بپرهیزند. متقی هندی صاحب کنز العمال می آورد:

قال عبدالرحمن بن عوف: ما مات عمر بن الخطاب حتى بعث الى اصحاب رسول الله ﷺ فجمعهم من الافاق عبدالله وحذيفة و ابالدرداء و اباذر و عقبه بن عامر فقال: ما هذه الاحاديث التي أفشيتم عن رسول الله ﷺ في الافاق! قالوا: تنهانا؟ قال: لا، أقيموا عندي لا والله لا تفارقوني ما عشت، فنحن اعلم، نأخذ عنكم ونردّ عليكم، فما فارقه حتى مات؛^۱

- صدور ابلاغیه به سرزمینهای اسلامی در جهت محو احادیث: ابن سعد در این خصوص می گوید: «كتب عمر بن الخطاب الى الامصار: من كان عنده شيء منها فليمحاه»؛^۲

- هشدار به مبلغان اسلامی که مبدا با نقل حدیث، مسلمانان را از قرآن باز دارند. برآنان است تا حدیث را بندرت نقل کنند. برخی از مورخان اسلامی چنین آورده اند: قال قرصة بن كعب: بعثنا عمر بن الخطاب الى الكوفة و شیعنا الى موضع قرب المدينة يقال له صرار و قال أتدرون لم شیعتکم او مشیت معکم قال، قلنا: نعم، لِحَقِّ صحبة رسول الله ﷺ او نحن اصحاب رسول الله ﷺ و لحق الانصار، قال عمر: لکتی مشیت معکم لحدیث اردت ان أحدثکم به فاردت ان تحفظوه لممشای معکم، انکم تقدمون علی قوم او تاتون قوماً تهتز الستهم بالقرآن اهتزاز النخل او للقران فی صدورهم هزیز کهزیز المرجل اولهم دوی بالقرآن کدوی النحل، فاذا راوکم مدوا اليکم اعناقکم ... فاقلوا الرواية عن رسول الله و انا شریکم؛^۳

- صدور دستور سوزاندن و از بین بردن روایات: عبدالله بن العلاء می گوید، از قاسم

۱. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۱، ص ۲۳۹؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۱۱۰
 ۲. الطبقات ج ۳، ص ۲۰۶
 ۳. تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۷؛ الطبقات ج ۴، ص ۷؛ جامع بیان العلم، ج ۲، ص ۱۲۰؛ تدوین السنة الشریفه، ص ۴۳۱؛ السنة قبل التدوین، ص ۶۶

بن محمد درخواست املائی حدیث کردم؛ او در پاسخ من گفت:
انّ الاحادیث کثرت علی عهد عمر بن الخطاب فانشد الناس یا توه بها فلما أتوه
بها امر بتحریقها، ثم قال: مثناة کمثناة اهل الکتاب؛^۱

به استناد مطالب مذکور و دیگر مستندات تاریخی^۲ می توان دریافت که منع از روایت و تدوین حدیث در دوره خلافت عمر، شدیدتر بوده و او تأثیر فراوانی در مخالفت از تدوین حدیث داشته. تعدادی از صحابه، به علّت محدودیتهای فراهم شده از طرف عمر، دست خود را در نشر و کتابت حدیث بسته می دیدند. خلیفه دوم با اهدافی که داشت، زمینه نقل و گسترش مباحث حدیثی را از بین برده و با شعار «حسبنا کتاب الله»، جمع زیادی از صحابه و نسلهای پس از آن را از برکات نقل احادیث دور داشت. او تنها در حوزه احادیث فقهی، اجازه نشر داد.^۳ این کثیر در این خصوص می گوید: «کان عمر یقول: اقلوا الروایة عن رسول الله الا فیما یعمل به»؛^۴

منع از تدوین حدیث در دوران عثمان

در دوران خلافت دوازده ساله عثمان، جلوگیری از نشر و حتی نقل احادیث ادامه یافت و او نیز خود را پایبند سیاست نهی از توجه مسلمانان به حدیث و تشویق آنان به قرآن می دانست. وی نیز بر منبر می رود و جایز نبودن روایات را مگر در مواردی محدود اعلام می کند. ابن سعد می گوید:

سمعت عثمان بن عفان علی المنبر یقول: لا یحل لاحد یروی حدیثاً لم یسمع به فی عهد ابوبکر ولا عمر فانه لم یمنعنی ان احدث عن رسول الله ان لا اکون من اوعی اصحابه الا انی سمعته یقول: من قال علی ما لم اقل فقد تباؤا مقعده من النار.^۵

۱. الطبقات، ج ۵، ص ۱۴۰؛ تقیید العلم، ص ۵۲؛ اضواء علی السنة المحمدیه، ص ۴۷
۲. علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۳۰-۳۲؛ اضواء علی السنة المحمدیه، ص ۴۶-۵۳؛ تدوین السنة الشریفه، ص ۴۳۰
۳. جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۱۲
۴. البداية و النهایه، ج ۱، ص ۱۰۷
۵. الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۳۶؛ اضواء علی السنة المحمدیه، ص ۵۴؛ السنة قبل التدوین، ص ۶۶

عبارت منقول از عثمان از طرفی حکایت از آن دارد که منع در دوره او از شدت کمتری برخوردار است. این نکته از عبارت «لا یحل یروی...» آشکار می‌شود. از طرف دیگر نشان می‌دهد که نقلِ مواردی از احادیث روا بوده و محدودیت کامل وجود نداشته است؛ همچنان که شاهدی است بر اینکه تعدادی از احادیث در دوره خلفا نقل شده. قراین دیگری نیز در دوره عثمان وجود دارد که او برخی از صحابه، از جمله اباذر را از نقل روایت و نوشتن احادیث به واسطه کارگزاران خود در مکه باز می‌داشته است. دارمی در سنن خود نقل می‌کند:

أخبرنا عبدالوهاب... قال: أتیت اباذر وهو جالس عند الجمرۃ الوسطی وقد اجتمع الناس علیه یستفونه فاتاه رجل فوقف علیه ثم قال: ألم تنه عن الفتیا فرفع رأسه الیه فقال: أرقیب أنت علیّ، لو وضعتم الصمصامة علی هذا - وأشار الی قفاه - ثم ظننت أنّی أنفذ كلمة سمعتها من رسول الله قبل ان تجیزوا علیّ، لانفذتها.^۱

عثمان می‌کوشید روش خلفای پیش از خود را - بویژه در سالهای نخستین حکومت خویش دنبال کند^۲ و صحابه بزرگی چون عمار یاسر، ابوذر و... را از نقل حدیث باز دارد او با تبعید و تهدید، می‌خواست محدثان را از مردم دور نگهدارد؛^۳ ولی او در این کار موفق نشد و راویان، پس از دوران عمر - بویژه در سالهای پایانی حکومت عثمان - خود را آزادتر در نشر و نوشتن حدیث می‌دیدند.

واکنش صحابه در برابر سیاست منع

با بررسی تاریخی دورانهای ابوبکر، عمر و عثمان می‌توان گفت که آنان می‌کوشیدند از تدوین و حتی در مواردی از نقل روایت جلوگیری کنند؛ ولی ممانعت فراگیری وجود نداشته و عده‌ای از صحابه نیز در برابر فرمانهای خلفا تمکین نمی‌کردند

۲. السنة قبل التدوین، ص ۶۶

۱. سنن دارمی، ج ۱، ص ۱۶۴

۳. تاریخ عمومی حدیث، ص ۷۲

واکنشهای صحابه در این خصوص، متفاوت بوده است؛^۱ زیرا از طرفی ابوبکر خود در مواردی جامع حدیث بوده؛ عمر نیز در مقطعی تصمیم می‌گیرد حدیث را بنویسد و عثمان هم، منع را برای روایاتی روا می‌دارد که در زمان دو خلیفه پیشین شنیده نشده است. از طرف دیگر برخی صحابه هم - چه پنهانی و چه آشکارا - بر نشر و نقل و روایت اهتمام داشته‌اند که سبب زندانی یا تبعید و تهدید آنان می‌شده است. عده‌ای از صحابه که براساس مدارک تاریخی، صاحب کتاب حدیثی بوده و یا راوی حدیث بوده‌اند، به شرح ذیل است:^۲ علی بن ابی طالب رضی الله عنه، حسن بن علی رضی الله عنه، انس بن مالک، جابر بن عبدالله، معاذ بن جبل، حنظله بن ربیع الکاتب، ابوذر غفاری، رافع بن خدیج انصاری، ابو رافع مدنی، سعد بن عبادہ خزرجی، سلمان فارسی، براء بن عازب، عایشه، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر، عبیدالله بن ابی رافع، علی بن ابی رافع، کعب بن عمرو، ابوموسی اشعری، ابوهریره دوسی، ابو سلام، واثله بن الاسقع و بلال الحبشی.

جلوگیری دیگر خلفای قرن اول از نقل حدیث

در مقطعی که پس از عثمان حکومت در اختیار حضرت علی رضی الله عنه قرار گرفت، ایشان بر تدوین و نشر حدیث، همت گماشت؛ ولی معاویه که همزمان با حضرت علی رضی الله عنه در شام حکومت می‌کرد و پس از آن حضرت نیز بر بخش زیادی از مناطق اسلامی سیطره داشت - همچون دیگر خلفای قرن اول - بر جلوگیری از نشر و روایت حدیث پایبند بود. شیخ محمد ابوزهو می‌گوید:

وقد تتابع الخلفاء علی سنة عمر - رضی الله عنه - فلم يشاء احدهم ان يدون السنن ولا ان يامر الناس بذلك حتى جاء عمر بن عبدالعزيز فامر بجمع الحديث؛^۳

۱. همان، ص ۸۱

۲. تدوین السنة الشریفه، ص ۲۰۹-۲۳۶؛ محمد ابوزهو، الحدیث والمحدثون، ص ۱۳۲-۱۴۷

۳. الحدیث والمحدثون، ص ۱۲۶

محقق گرانقدر، حسینی جلالی نیز، بر آن است که در قرن اول، دیگر حاکمان بنی امیه نیز، روش عمر را در ممانعت از تدوین حدیث ادامه داده و بر سنت عمر احترام می گذاشتند: *لقد أصبح منع الحديث سنة أتبعها الحكام من بعد... فكانوا يعلنون ان منهجهم في ذلك منهج عمر وقاموا بما قام به عمر من تهديد الصحابة ومنعهم من الرواية؛*^۱

بدین جهت، خلفای سه گانه و دیگر حاکمان پس از آنان تا پایان قرن اول کوشیدند با سیاست منع خود، از نشر حدیث و روایت و کتابت آن جلوگیری کنند. آنان در این گستره، از هر اقدامی سود جستند؛ گرچه که سیاست منع، در تمام قرن اول یکسان اجرا نشد و از شیوه واحدی برخوردار نبود و هر یک از خلفا به میزان قدرت و اهتمامش بر منع، در قلمرو خاصی آن سیاست را دنبال کرد - بویژه معاویه که در ضبط و نشر و تدوین برخی از احادیث نقش فعال داشت.^۲

بررسی تاریخی علل جلوگیری از تدوین حدیث

در بررسی علت منع از تدوین حدیث، در یک قرن، نمی توان به درستی از زبان خلفا و دیگر مانعان، به علت معینی دست یافت؛ ولی مورخان اهل سنت عللی را ذکر کرده که به نظر می رسد مهم ترین آنها، «روایت نهی کننده از نوشتن حدیث» باشد که به بررسی آن می پردازیم. علل دیگری نیز وجود دارد که در مراحل بعدی خواهد آمد.

روایت نهی کننده از نوشتن حدیث و ارزیابی آن

گفته شده که از مهم ترین^۳ علت جلوگیری از تدوین حدیث، روایتی است که نوشتن حدیث را منع می کند. این روایت در مصادر روایی اهل سنت وجود دارد و مشهورترین طریق آن چنین است:

۱. تدوین السنة الشریفه، ص ۴۷۲

۲. اضاء علی السنة المحمدیه، ص ۱۷۹

۳. همان، ص ۴۸؛ تدوین السنة الشریفه، ص ۲۸۸؛ جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۹

حدثنا هدا بن خالد الازدی حدثنا همام عن زید بن اسلم عن عطاء بن یسار عن ابی سعید الخدری ان رسول الله ﷺ قال: لا تکتبوا عنی و من کتب عنی غیر القرآن فلیمحه و حدثوا عنی و لا حرج و من کذب علیّ - قال همام أحسبه قال - متعمداً فلیتبهء مقعده من النار؛^۱

به نظر می‌رسد که پیامبر ﷺ در این روایت مسلمانان را از نوشتن حدیث نهی کرده و حتی به نابود کردن هر آنچه ثبت شده، دستور داده‌اند. روایت مذکور به طرق گوناگون از ابی سعید خدری، ابوهریره، زید بن ثابت و با الفاظ متفاوت نقل شده^۲ و تعدادی از مصادر اهل سنت از جمله صحیح مسلم، مسند احمد، سنن نسائی، سنن ترمذی، سنن دارمی و... آن را روایت نموده؛ ولی بخاری آن را در صحیحش ذکر نکرده است.

روایت مذکور که از علل مهم منع تدوین حدیث در قرن نخستین شمرده شده، از جهات متعدد ابهاماتی دارد که سبب تردید در دلالت بر منع و صدور آن از پیامبر ﷺ، می‌شود. این ابهامات عبارتند از:

الف) غرابت

حدیث مذکور را تنها همام بن یحیی، به طور مرفوع از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که نشان از غرابت آن دارد. خطیب بغدادی می‌گوید: «تفرّد همام بروایة هذا الحدیث، عن زید بن اسلم».^۳ شاید بدین جهت بخاری متعرض آن نشده است. همچنین از بخاری نقل شده که گفته است، انّ حدیث ابی سعید موقوف علیه فلا یصح الاحتجاج به.^۴

۱. صحیح مسلم، ج ۱۸، ص ۱۲۹؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۲۱

۲. تدوین السنة الشریفه، ص ۲۸۷ - ۳۰۲؛ أضواء علی السنة الشریفه، ص ۴۶ - ۵۳؛ علوم

الحدیث ومصطلحه، ص ۸۱ الحدیث والمحدثون، ص ۱۲۲

۳. تقیید العلم، ص ۳۱

۴. تدرب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۲، ص ۶۷؛ الحدیث والمحدثون، ص ۱۲۴؛

السنة قبل التدوین، ص ۲۰۱؛ تدوین السنة الشریفه، ص ۲۹۰

ب) ضعف سندي

در سلسله سند این حدیث از زید بن اسلم یاد شده است که ابن عدی او را ضعیف دانسته و در مورد او می‌گوید:

قال: حماد بن زيد: قدمت المدينة يتكلمون في زيد بن اسلم فقلت لعبدالله. ما تقول في مولاكم هذا؟ قال: ما نعلم به باساً الا انه يفسر القرآن برأيه؛^۱

پ) صراحت و ظهور نداشتن بر نهی عام از نوشتن حدیث

روایت مذکور علاوه بر غرابت و ضعف سندي، دلالتی عام بر نهی از کتابت حدیث ندارد؛ زیرا قراین تاریخی خلاف آن را ثابت می‌کند؛ مثل اینکه بعضی از صحابه از جمله برخی از خلفاء، حدیث را می‌نوشتند که از کتابت حدیث در مواردی محدود، حکایت می‌کند. همچنین بعضی حدیث و قرآن را در کنار هم می‌نوشتند و یا...؛ از این رو، ابن الدبیع می‌گوید: «انما نهی ان یکتب الحدیث مع القرآن فی صفحة واحدة».^۲ احمد شاکر هم در شرح کتاب الباعث الحثیث ابن کثیر می‌گوید: «اجاب العلماء بانّ المنع انما هو عن كتابة الحدیث مع القرآن فی صفحة واحدة».^۳ و چون نهی عام نبوده، صحیح مسلم نیز آن را در باب «التثبت فی الحدیث» می‌آورد و عنوانی را به نام «المنع عن كتابة الحدیث» اختصاص نمی‌دهد.^۴

ت) مخالفت این روایت با سیره صحابه

روایت مذکور با سیره گروه زیادی از صحابه و همچنین برخی از تابعان که به نشر روایات و نوشتن حدیث اقدام کردند، ناسازگار است. اگر منعی وجود می‌داشت، روایات فراوانی در قرن اول و قرنهای دیگر تدوین نمی‌شد.

۱. ابن عدی، الکامل فی ضعف الرجال، ج ۳، ص ۲۰۸

۲. عبدالرحمن بن علی ابن ربیع شیبانی، تیسیر الوصول الی جامع الاصول، ج ۳، ص ۱۷۷

۳. ابن کثیر، الباعث الحثیث شرح اختصار علوم الحدیث، ص ۱۲۷

۴. تدوین السنة الشریفه، ص ۲۹۳

ث) تعارض روایت نهی کننده با دیگر روایات

روایت «لا تکتبوا» با روایات دال بر نوشتن حدیث که از پیامبر ﷺ صادر شده (مانند روایت ابی شاة) ناسازگار است و با آن تعارض دارد. در برخی از این روایات پیامبر ﷺ برای ابی شاة، دستور نوشتن حدیث داده بود.^۱

ج) استناد نکردن خلفا در منع بر تدوین به روایت نهی کننده

با بررسی دوره خلفا و منع آنان از تدوین حدیث - آن چنان که گذشت - هیچ یک از ایشان در جلوگیری از نوشتن حدیث به این روایات نبوی استناد نکرده اند.^۲ و هر یک بر اساس شرایط تاریخی خود، عللی دیگر را ذکر می کنند؛ اگر چنین روایتی از پیامبر ﷺ صادر شده بود و به صورت عام از نوشتن حدیث نهی می کرد، ضروری بود تا آنان بدان استناد جویند؛ بدین جهت، عملکرد خلفا در استناد نکردن به این روایت، گویای وجود نداشتن دلیل شرعی بر منع از تدوین حدیث است.^۳

عمر بن خطاب که از مؤسسان و از جدی ترین خلفا در جلوگیری بر تدوین حدیث است، نه تنها، برای خودداری مردم و صحابه از تدوین حدیث، به روایت مذکور استناد نمی جوید، بلکه در مرحله ای از زمان بر تدوین حدیث نیز مصمم می شود؛ ولی سپس پشیمان می گردد. ابن سعد می گوید: عمر بن خطاب اراده کرد تا سنن را بنویسد و حدود یک ماه نیز مشورت کرد؛ ولی منصرف شد و از کتابت روی گردانید.^۴

اگر منع شرعی به استناد روایت مذکور از زمان پیامبر ﷺ وجود می داشت و فراگیر بود، تصمیم بر نوشتن و مشاوره درباره آن چگونه قابل توجیه است و چرا

۱. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۹

۲. عبدالرحمن معلمی، الانوار الکاشفة لما فی الاضواء من المجازفة، ص ۴۳

۳. تدوین السنة الشریفه، ص ۲۶۸؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۲۵

۴. الطبقات الکبیر، ج ۳، ص ۲۰۶؛ تقیید العلم، ص ۵۰؛ تدوین السنة الشریفه، ص ۲۷۴-۲۷۲

عمر به جای استناد به روایت نهی کننده به عللی دیگر اشاره دارد؛ مانند آنکه می گوید:

أتی ذكرت قوماً كانوا قبلکم كتبوا کتاباً فاکتبوا علیه فتركوا کتاب الله وانی لا البس کتاب الله بشی ابدأ؛^۱

از این رو، روایت نهی کننده نمی تواند با مفادی عام از پیامبر ﷺ صادر شده باشد. همچنین روایات مشابه (مانند روایات ابی هریره و زید بن ثابت)^۲ نیز دارای ابهامهایی هستند (همچون روایت ابی سعید خدری) که دلالت و حجت آنها را مخدوش کرده و نشان می دهد که منعی وجود نداشته و یا اگر منعی بوده، محدود و مقید بوده است.

محققان از جمله محدثان فریقین بخصوص محققان اهل سنت نیز در مورد روایت کننده، مطالعاتی داشته اند و با بررسی زمینه های تاریخی صدور و مقایسه آن با روایات مخالف آن، آرای گوناگونی ارائه کرده اند؛ از جمله «نهی عام و اذن عام» یا «نهی عام و اذن خاص» یا «نهی خاص و اذن عام» و یا «نهی خاص و اذن خاص» است.^۳

۱. تقييد العلم، ص ۴۹؛ تدريـب الراوی فی شرح تقريب النواوی، ج ۲، ص ۶۷؛ الحديث والمحدثون، ص ۱۲۶

۲. تقييد العلم، ص ۳۳، ۳۵؛ تدوين السنة الشريفة، ص ۳۰۲ - ۲۹۷

۳. مقباس الهداية في علم الدراية، ج ۳، ص ۱۹۶؛ علوم الحديث ومصطلحه، ص ۲۰؛ تدوين السنة الشريفة، ص ۳۱۵ - ۳۰۵؛ نورالدين عتر، منهج النقد في علوم الحديث، ص ۴۲؛ اضاء على السنة، ص ۴۸؛ السنة قبل التدوين، ص ۲۰۱؛ آشنایی با علوم حدیث، ص ۱۱۷؛ محمد ابوزهو محمد، مباحث في تدوين السنة المطهرة، ص ۱۲۷

پرسش

۱. منع از تدوین حدیث در دوران ابوبکر چگونه شکل گرفت؟
۲. سه گواه از زمان عمر بر جلوگیری او از تدوین حدیث بیان کنید.
۳. نقش عثمان در منع از تدوین چیست؟
۴. صحابه در قلمرو تدوین حدیث، چگونه با خلفا برخورد می‌کردند؟
۵. معاویه در عدم تدوین حدیث، چه نقشی داشت؟
۶. روایت نهی‌کننده را نقل و نقدهای آن را بیان نمایید.

پژوهش

۱. با بررسی دوران خلفا در کتاب اضواء، دیگر قراین جلوگیری از نوشتن حدیث را تحلیل کنید؛
۲. با بررسی فصل دوم از «الباب الثانی» کتاب السنة قبل التدوین، اقدامات صحابه را در تدوین حدیث مورد مطالعه قرار دهید؛
۳. تدوین حدیث در دوران معاویه را با کمک کتابهای تاریخی بررسی کنید؛
۴. اعتبار دیگر طرق «روایت نهی‌کننده» را در مصادر روایی بررسی و مقایسه نمایید؛
۵. با بررسی دوره عمر و ابوبکر، تحلیل کنید که چرا آنان نهی از حدیث را پایه‌گذاری کردند؛
۶. رابطه روایت نهی را با روایت اذن بر نوشتن، مقایسه و بررسی کنید و تقدم تاریخی آن را معلوم نمایید.



دیگر علل تاریخی و نتایج منع از تدوین و نقل حدیث (قرن اول)

بررسی دیگر علل تاریخی منع از تدوین حدیث

در خصوص علل جلوگیری از تدوین - بویژه در دوره خلفا آن چنان که در مرحله پیشین اشاره شد - می توان از علل دیگری یاد کرد؛ مانند نگرانی از گسترش اختلاف بین مسلمانان، نگرانی از نشر احادیث غیر معتبر، نگرانی از آمیختن حدیث و قرآن، نگرانی از اشتغال به غیر قرآن، نگرانی از کاستن یا افزون در روایات، عنایت به حفظ روایات، آشنابودن صحابه و تابعان با نوشتن، کمی ابزار کتابت و فراوانی احادیث، گسترش نیافتن احکام و تسهیل امور مسلمانان، گسترش نیافتن فضایل اهل بیت عصمت علیهم السلام.

الف) نگرانی از گسترش اختلاف بین مسلمانان

در پیشانی علل مخالفت با تدوین حدیث، نگرانی از گسترش اختلاف بین مسلمانان قرار دارد که خلیفه اول در آغاز دوران حکومت خود، بدان استناد می جوید. او مردم را گرد خود جمع کرد و از آنان خواست از بیان حدیث و نشر آن پرهیزند تا مبادا دچار اختلاف بیشتر شوند، و کافی است که تنها به قرآن روی آورند. ذهبی از خلیفه اول چنین نقل می کند:

انکم تحدّثون عن رسول الله احادیث تختلفون فیها و الناس بعدکم اشدّ اختلافاً

فلا تحدثوا عن رسول الله فمن سالکم فقولوا بیننا و بینکم کتاب الله؛^۱

خلیفه اول از گسترش اختلافات بین مسلمانان نگران است و در جایگاه حاکم، بر خود لازم می بیند زمینه های اختلاف را از بین ببرد؛ از این رو، در سخنرانی عمومی، همگان را به دوری از نقل روایت سفارش و با عبارات آمرانه «لا تحدثوا»، از آن نهی می کند. این پرسش پیش روی همگان است، که چرا مسلمانان دچار اختلاف شدند و زمینه های اختلاف، در چه گستره ای بود؟ چرا ابوبکر برای حل اختلاف به سنت پیامبر ﷺ که پس از آیات، راهگشای امور مسلمانان است، روی نمی آورد؟ و مگر در روایات چه مطالبی بود که نشر، شنیدن و تدوین آن، از نظر او سبب گسترش اختلاف می شد؟

آیا راه حل از بین بردن اختلاف بین مسلمانان در هر موضوعی، جلوگیری از نقل روایت و تدوین آن بود؟ یا آنکه مناسب بود - آن چنان که پیامبر ﷺ خود در دوران حیات، سبب اتحاد مسلمانان بود - صحابه معتبر، سنت او را که شامل قول، فعل و تقریر ایشان است، برای رفع اختلاف، نشر می دادند تا گویای مطالب قرآن باشد؟

ب) نگرانی از نشر احادیث غیر معتبر

نگرانی از نشر احادیث غیر معتبر، در شمار دیگر علل مخالفت با تدوین حدیث قرار دارد که خلیفه اول بدان استناد جسته است. او که ظاهراً در دوران رسالت پیامبر ﷺ یا کمی پس از آن، تعدادی از احادیث را گرد آورده و در دوران خلافت خود، تمام آنها را از بین می برد تا مبادا در اختیار مسلمانان ناصالحی قرار بگیرد، در حالی که آنها از پیامبر ﷺ صادر نشده باشد. عایشه می گوید: پدر گفت: فرزندانم، بشتاب و همه احادیثی که نزد توست، برایم بیاور. هنگامی که آنها را برای پدرم آوردم، آتشی طلبید و آنها را سوزاند. بدو شکفت زده گفتم، چرا آنها را می سوزانی؟ گفت:

۱. تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۳

دیگر علل تاریخی و نتایج منع از تدوین و نقل حدیث (قرن اول) ۱۹۵

فخشیت ان أموت و هی عندی فیکون فیها احادیث عن رجل قد ائتمنته و وثقت به ولم یکن کما حدثنی فاکون نقلت ذلك؛^۱

از عبارت مذکور می‌توان دریافت که مهم‌ترین نگرانی ابوبکر، نشر احادیث غیر معتبر بوده است؛ در حالی که راه‌حل رفع چنین نگرانی، سوزاندن و جلوگیری از نوشتن و نشر آن احادیث نبوده،^۲ بلکه وی می‌توانست با کمک حدیث‌شناسان ماهر بویژه حضرت علی رضی الله عنه، از نشر و کتابت روایات غیر صحیح جلوگیری کند. اگر قرار بود محدثان هر عصری به جهت احتمال روایات جعلی، تمام روایات را بسوزاند و از نشر روایات و تدوین آنها جلوگیری کنند، اکنون هیچ روایتی در دست نداشتیم. این مهم است که چرا خلیفه اول، برای جلوگیری از تدوین حدیث - بجای بیان چنین نگرانی - به «روایت نهی‌کننده» استناد نمی‌جوید؛ آیا می‌توان گفت که وی از این روایت بی‌خبر بوده یا اگر خبردار بوده، چرا برخی از احادیث را نوشته^۳ و یا آنکه اصلاً چنین روایتی وجود نداشته است؟

پ) نگرانی از آمیختن حدیث با قرآن

از دیگر علل ذکر شده دوره ممانعت، نگرانی از اختلاط حدیث با قرآن بوده است که جمع زیادی از محدثان به نقل از ممانعان - بویژه خلیفه دوم - بدان استناد جسته‌اند.^۴ نگرانی از آمیختن قرآن و حدیث، از رایج‌ترین علل عدم تدوین بیان شده؛ زیرا ممکن بود حدیث در نظر برخی، جزئی از آیات قرآن شمرده شود و بدین‌سان لازم است برای دوری قرآن از تحریف و مصون ماندن آن، هرگونه نشر و کتابت ممنوع شمرده شود.

۱. همان، ج ۱، ص ۵. ۲. تدوین السنة الشریفه، ص ۲۶۴

۳. الاتوار الکاشفة لما فی الاضواء من المجازفه، ص ۳۸

۴. اضواء علی السنة المحمدیه، ص ۵۰؛ مباحث فی تدوین السنة المطهره، ص ۱۴۱

این نگرانی به دوران پیامبر ﷺ نیز نسبت داده شده و از آن دوران تا یکصد سال نیز تداوم داشته است. ابوهریره از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که حضرت فرمود: «اكتبوا كتاب الله، امحضوا كتاب الله، كتاب غير كتاب الله؟ امحضوا كتاب الله أو خلصوه»؛^۱ عمر نیز هنگامی که به حکومت رسید، از جمله ادله مهم خود را بیم از درهم آمیختن حدیث و قرآن دانست و گفت: «وإني والله لا ألبس كتاب الله بشيء أبداً»؛^۲

برخی از عالمان اهل سنت نیز، مهم‌ترین دلیل ممنوع بودن نوشتن و نقل روایت را نگرانی از آمیختن حدیث با قرآن دانسته و گفته‌اند:

ابن صلاح: نهی عن كتابة ذلك حين خاف عليهم اختلاط ذلك بصحف القرآن الكريم واذن في كتابته حين أمن من ذلك.^۳

خطیب بغدادی: فقد ثبت ان كراهة من كره الكتاب من الصدر الاول انما هي لثلا يضا هي بكتاب الله تعالى غيره.^۴

صبحی صالح: نهی الرسول عن كتابة الاحاديث اول نزول الوحي مخافة التباس اقواله و شروحه و سيرته بالقرآن و لاسيما اذا كتب هذا كله في صحيفة واحدة مع القرآن.^۵

سمعانی: و حاصله ان كراهية كتابة الاحاديث انما كانت في الابتداء كسى لا يختلط بكتاب الله فلما وقع الامن عن الاختلاط جاز كتابته وكانوا لا يكرهون الكتابة لكى لا يعتمد العالم على الكتاب بل يحفظه.^۶

از آنچه گذشت می‌توان دریافت که از نظر برخی منع از تدوین، در دوره محدودی، به جهت حفظ قرآن از اختلاط با حدیث بوده است که خلیفه دوم هم آن را جدی شمرده؛ ولی آیا بیم از آمیختن قرآن با حدیث به معنای نفی «اعجاز قرآن» و ممکن

۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۲۷؛ (مسند ابی سعید خدری، ش ۱۱۰۹۲)

۲. تقييد العلم، ص ۴۹ ۳. ابن صلاح، مقدمه ابن صلاح في علوم الحديث، ص ۸۱

۴. تقييد العلم، ص ۵۷ ۵. علوم الحديث و مصطلحه، ص ۲۰

۶. ادب الاملاء والاستملاء، ص ۱۴۶

دیگر علل تاریخی و نتایج منع از تدوین و نقل حدیث (قرن اول) ۱۹۷

نبودن تشخیص آیات قرآن از روایات - خصوصاً برای صحابه بزرگوار - نیست؟ در حالی که اعجاز لفظی قرآن از مسلم‌ترین وجوه اعجاز قرآن است^۱ و در صورت وجود چنین زمینه آمیختگی و بیم عدم تشخیص آنها به یکدیگر، آیا نهی نبوی - اگر وجود داشته - مربوط به کتابت هر دو در کنار هم نبوده؟^۲ و اگر چنین بیمی از آمیختگی بوده است، آیا خلیفه دوم و دیگر مانعان، راهی جز منع عمومی تدوین حدیث نداشته‌اند؟ آیا امکان نداشت که خلفا دستور بدهند تا کاتبان حدیث از کاتبان قرآن جدا شوند و نوشتن حدیث ممنوع نباشد؟

بنابراین با قدرت وجود توانایی صحابه و دیگر مسلمانان بر تشخیص قرآن از حدیث و وجود صدها حافظ قرآن، نمی‌توان پذیرفت که نهی از نوشتن حدیث، عام باشد.^۳ اگر نهی بر اساس بیم آمیختگی بوده، پس در مورد افرادی که چنین بیمی نداشته‌اند و همین‌طور در زمان و موقعیتی که بیم آمیختگی نبوده، نمی‌بایست نهی شکل بگیرد.^۴ تعدادی از محققان اهل سنت، نظریه بیم آمیختن قرآن و حدیث را نپذیرفته و آن را نادرست می‌دانند.^۵

ت) نگرانی از اشتغال به غیر قرآن

از جمله علل بیان شده در دوره ممانعت، نگرانی از فاصله گرفتن مردم از قرآن و اشتغال به غیر آن شمرده شده؛ زیرا تدوین هر مطلبی از جمله احادیث، مسلمانان را از عنایت به آیات شریفه قرآن باز می‌داشت و در پایان، قرآن در گوشه‌ای قرار می‌گرفت. خلیفه دوم در این خصوص می‌گوید:

۱. مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۴؛ التمهید فی علوم القرآن، ج ۵، ص ۹

۲. السنة قبل التدوین، ص ۲۰۱، ۲۰۲

۳. تقیید العلم، ص ۵۷

۴. تدوین السنة الشریفه، ص ۳۲۰

۵. اضاءة علی السنة المحمدیه، ص ۵۳؛ دراسات فی الحدیث والمحدثین، ص ۲۳

انی کنت أردت ان اکتب السنن وانی ذکرتم قوماً کانوا قبلکم کتبوا کتباً فاکتبا
علیها و ترکوا کتاب اللہ.^۱

ذهبی نیز نقل می‌کند که عمر به جهت توجه هر چه بیشتر مسلمانان به قرآن و اینکه
مبادا از قرآن روی گردانند، هنگام بدرقه گروهی از مبلغان که به سوی عراق می‌رفتند،
بدانها گوشزد می‌کند که مبادا با نقل حدیث، مسلمانان را از قرآن باز دارند و به
عباراتی عتاب‌آمیز می‌گوید:

انکم تاتون اهل قرية لهم دوی بالقرآن کدوی النحل فلا تصدوهم بالا حدیث
فتشغلوهم، جودوا القرآن و اقلوا الروایة عن رسول اللہ و انا شریکم.^۲

ظاهراً تأکید خلیفه اول و دوم بر آن بود^۳ که مسلمانان تنها به کتاب قرآن روی
آوردند؛ زیرا تنها کتاب خدا، راه نجات بخش است در این باره ابوبکر می‌گفت: «بیننا
و بینکم کتاب اللہ فاستحلوا حلاله و حرموا حرامه»؛^۴ عمر ابراز می‌داشت: «ان النبی ﷺ
غلبه الوجد و عندنا کتاب اللہ حسینا».^۵

از برخی صحابه و تابعان مانند ابن مسعود، مره، اسود و علقمه نقل شده که آنان
نیز تأکید داشتند که مسلمانان فقط به قرآن روی آوردند و خود را به امور دیگر
مشغول نکنند، برای مثال دارمی در مورد ابن مسعود نقل می‌کند:

بلغ ابن مسعود ان عند ناس کتاباً یعجبون به، فلم یزل بهم حتی أتوه به فمحا
ثم قال: انما هلك اهل الكتاب قبلکم انهم اقبلوا علی کتب علمائهم و ترکوا
کتاب ربهم.^۶

غزالی نیز علت عدم تدوین حدیث در قرن اول را نگرانی از اشتغال مسلمانان به غیر
قرآن می‌داند و می‌گوید:

۱. ابن عبدالبر، قرطبی، جامع بیان العلم و فضلہ، ص ۲۰۶؛ اضاء علی السنة المحمدیه، ص ۴۷
۲. تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۷؛ اضاء علی السنة المحمدیه، ص ۵۵
۳. مباحث فی تدوین السنة المطهره، ص ۱۳۹
۴. تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۲
۵. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۹؛ المغازی، ج ۶، ص ۱۱
۶. سنن الدارمی، ج ۱، ص ۱۳۳

دیگر علل تاریخی و نتایج منع از تدوین و نقل حدیث (قرن اول) ۱۹۹

بل كان الاولون يكرهون كتب الاحاديث وتصنيف الكتب لئلا يشتغل الناس بها عن الحفظ وعن القرآن... ولذلك كره ابو بكر وجماعة من الصحابة... حتى اشار عمر -رضي الله عنه- وبقيّة الصحابة بكتب القرآن خوفاً من تخاذل الناس.^۱

ولی آیا نوشتن حدیث، به اشتغال به غیر منجر می شد و امری حرام بود؟^۲ آیا اشتغال به سنت و حدیث که گویای فهم قرآن و تفسیر آن بود، امری ناپسند و بی ارزش بود؟ و آیا برخی از صحابه که حدیث را نوشتند و نشر دادند کاری حرام کردند؟ حدیث که خود یکی از ثقلین است، چگونه نباید تدوین شود و نشر پیدا کند؟ اگر چنین نشر و کتابتی، حرام و ناپسند بود، چرا پس از یک قرن، جایز شمرده شد و صدها محدث به وجود آمد؟ حدیث اریکه، آیا از چنین شرایطی خبر نداده بود؟^۳

ث) نگرانی از کاستن یا افزودن در روایات

از دیگر علل منع از تدوین در نزد برخی از عالمان اهل سنت، نگرانی از کاستن یا افزودن محتوای روایات است که با عبارت «خوف المزيد والنقصان»^۴ از آن یاد شده است. ابن قیم جوزی در بیان علل دوره ممانعت به این علت اشاره می کند و می گوید:

ان الصحابة كان يهابون الرواية عن رسول الله ويعظمونها ويقفلونها، خوف الزيادة والنقص ويحدثون بالشيء الذي سمعوه من النبي ﷺ مراراً ولا يصرحون بالسمع ولا يقولون: قال رسول الله ﷺ.^۵

بنابر گزارش موجود، صحابه در نقل روایات، بسیار سختگیر بودند. در تدوین آن نیز این سختگیری بیشتر بوده و از کم یا زیاد شدن آن بسیار بیم داشتند. محمود ابوریه نیز آورده که صحابه از نقل روایت پرهیز داشتند و از آن دوری می گزیدند تا

۱. غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۷۹

۲. مسند احمد، ج ۴، ص ۱۳۱

۳. تدوین السنة الشریفه، ص ۳۳۷

۴. فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۶، ص ۲۷

۵. شمس الدین محمد بن قیم جوزیه، اعلام الموقعین عن رب العالمین، ج ۴، ص ۱۸۴

مبادا در نقل آن، از بیان محتوای آن، دور شوند و دچار نقل به معنای ناپسند گردند؛ زیرا کلام پیامبر ﷺ با دیگر نقل قولها متفاوت است:

كان الخلفاء الراشدون وكبار الصحابة واهل الفتيا منهم كما علمت يتقون الرواية عن النبي ويهابونها بل كانوا يرغبون عنها اذ كانوا يعلمون انهم لا يستطيعون ان يؤدوا كل ما سمعوه عن النبي على وجهه الصحيح... وكلام الرسول ليس كغيره من الكلام اذ كل لفظة من كلامه ﷺ يكمن وراءها معنى خاص يقصده هو ﷺ.^۱

در مورد نگرانی از کاستن یا افزودن در روایات - آن چنان که برخی از محدثان اهل سنت بدان روی آورده - پرسشهای ذیل قابل بررسی است:

۱. آیا با وجود صحابه‌ای که سخنان پیامبر ﷺ را به جهت اهمیت سخنان حضرت حفظ می‌کردند، زمینه چنین نگرانی وجود داشت؟
۲. آیا راه‌حل رفع چنین نگرانی - حتی با وجود صدها حافظ سخنان رسول خدا ﷺ - و حفظ کلام پیامبر ﷺ، خودداری از نقل و تدوین بود؟
۳. آیا دستور به نوشتن روایات و تدوین آنها، سبب رفع و دفع چنین نگرانی نبود؟
۴. آیا نقل ضابطه‌مند روایات در مجالس و به صورت رسمی، سبب حفظ متن روایات نمی‌شد؟
۵. آیا چنین نگرانی مخصوص قرن اول بود و در قرنهای بعدی تاکنون وجود نداشته است؟

ج) توجه به حفظ روایات

از نظر برخی عالمان اهل سنت، از مهم‌ترین علل عدم تدوین حدیث در قرن نخست، اهتمام پیامبر ﷺ و صحابه بر حفظ روایات نبوی بوده است تا آنکه صحابه

۱. اضواء علی السنة المحمدیه، ص ۵۷

دیگر علل تاریخی و نتایج منع از تدوین و نقل حدیث (قرن اول) ۲۰۱

به جای نوشتن روایات، آنها را به ذهن خود بسپارند؛ از این رو، تدوین حدیث برای همه یا گروهی ممنوع شده است.^۱ تاریخ دوران صحابه نیز بر این امر گواهی دارد که صحابه معروفی مانند ابی سعید خدری بر آن تأکید داشتند و حفظ حدیث را سفارش پیامبر ﷺ می‌دانستند. ابی نضره در مورد ابی سعید نقل می‌کند:

قلنا لا بی سعید: لو کتبت لنا، فانا لا نحفظ، قال: لا نکتکم ولا نجعلها مصاحف؛

کان رسول ﷺ یحدثنا فنحفظ، فاحفظوا عنا كما لا نحفظ عن نبیکم.^۲

در گزارش دیگر، خطیب بغدادی از ابوالفتح هلال بن محمد به نقل از ابی نضره نقل می‌کند که از او خواستیم تا برای ما روایات را بنویسد؛ ولی او مخالفت کرد و گفت:

«لن اکتبکم ولکن خذوا عنا كما نأخذ عن رسول الله ﷺ».^۳

محمد بن منصور تمیمی سمعانی نیز، از آن یاد می‌کند و معتقد است که پس از

بیم از آمیختن کتاب خدا به حدیث، حفظ روایات مهم شد و سبب کراهت نوشتن آنها گردید:

وحاصله ان کراهیه کتابه الاحادیث انما کانت فی الابتداء کی لا یختلط بکتاب

الله فلما وقع الامن عن الاختلاط جاز کتابته وکانوا یکروهون الکتابه لکی لا

یعتمد العالم علی الکتاب بل یحفظه.^۴

ابن حجر عسقلانی، از محققان متقدم اهل سنت نیز، اهمیت و عنایت به حفظ

حدیث را دومین علت عدم تدوین روایات در قرن نخست می‌داند.^۵ محققان اهل

سنت مانند سیوطی در تدریب^۶ و ابوزهو در کتاب الحدیث والمحدثون بر این نکته

تأکید دارند. ابوزهو آن را بسیار مهم می‌شمارد و می‌گوید:

قد کان الصحابة كما تقدم لك علی جانب عظیم فی الحفظ فلم یکن هناك خوف

۲. تقييد والعلم، ص ۳۶

۱. السنة قبل التدوين، ص ۲۰۲

۳. همان، ص ۳۷

۴. ادب الاملاء والاستملاء، ص ۱۴۶

۵. احمد بن علی عسقلانی، هدی الساری مقدمه فتح الباری، ص ۴

۶. تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۱، ص ۸۸

على السنن من الضیاع وشى آخر جعل النبى ﷺ ينهاهم عن كتابة الحديث هي المحافظة على تلك الملكة التى امتازوا بها فى الحفظ فلو أنهم كتبوا لا تكلوا على المكتوب وأهملوا الحفظ.^۱

استاد جلالی حسینی نیز در بیان علل منع به نقل از اهل سنت می آورد که: و مما ذکر مبرراً للمنع هو ان المسلمين فى الصدور الاول لم يكونوا بحاجة الى تدوين الحديث فى الكتب لاعتمادهم على الذاكرة وتمتعهم بقوة الحفظ فلقد بلغوا القمة فى هذه القابلية بما هو خارق للعادة.^۲

بی تردید، حفظ حدیث، دارای اهمیت بوده و خصوصاً حفظ اربعین حدیث، نشان از اهتمام پیامبر ﷺ بر حفظ روایات دارد؛ ولی پرسشهای ذیل در این باره قابل بررسی و مطالعه است:

۱. آیا حفظ حدیث می توانسته دلیلی بر نهی یا کراهت صحابه از نوشتن باشد؟

۲. آیا حفظ حدیث، همه مسلمانان را در تمام دورانها از حدیث بی نیاز

می کرده است؟

۳. آیا اتکا به حافظه و عدم تدوین حدیث، سبب نقل به معنای فراوان در

روایات نمی شده؟

۴. آیا حفظ روایات بدون نوشتن آنها، زمینه تحریف یا تضییع روایات را فراهم

نیآورده است؟

۵. اگر حفظ حدیث، همواره اهمیت داشت، چرا در قرن دوم مُجاز اعلام شد؟

۶. اگر هدف از حفظ حمل و نقل روایات بود، آیا این هدف با کتابت و تدوین از

همان روزهای نخست، بهتر و کامل تر محقق نمی شد؟

بنابراین - آن چنان که استاد حسینی جلالی اشاره کرد - حفظ حدیث مهم است؛

۱. الحدیث والمحدثون، ص ۱۲۳

۲. تدوین السنة الشریفه، ص ۳۶۵

دیگر علل تاریخی و نتایج منع از تدوین و نقل حدیث (قرن اول) ۲۰۳

ولی نه تنها دلیلی بر وجوب آن وجود نداشته، بلکه نوشتن حدیث هم با آن منافاتی ندارد و بی تردید تدوین آن سفارش شده و سبب تقویت حفظ حدیث هم می‌گردیده است.^۱

ج) ناآشنایی صحابه و تابعان با نوشتن

برخی از محدثان اهل سنت برای توجیه عدم تدوین حدیث، به ناآشنایی بیشتر صحابه و تابعان با نوشتن حدیث استناد کرده‌اند. ابن حجر عسقلانی در این خصوص می‌گوید:

اعلم ان آثار النبی لم تکن فی عصر الصحابة و کبار تابعیهم مدونه ... لان اکثرهم کانوا لا یعرفون الکتابة.^۲

چنین توجیهی حتی در صورت صحت نمی‌تواند دلیلی بر منع از تدوین باشد؛ ضمن آنکه قراین فراوانی وجود دارد که صحابه - بویژه پس از هجرت به مدینه - به فراگیری نوشتن روی آورده و جمع زیادی آن را آموخته بودند. علاوه بر آن فرمان پیامبر ﷺ به ابوشاة در مورد نوشتن حدیث^۳ نیز، حکایت از آشنایی آنان با کتابت دارد؛ از این رو، سیوطی بدین نکته توجه کرده و گفته است: «لان اکثرهم کانوا لا یحسن الکتابة».^۴

ح) کمی ابزار کتابت و فراوانی احادیث

تعدادی از محدثان اهل سنت به این عامل استناد جسته‌اند و معتقدند که سبب نوشتن حدیث از طرفی اندک بودن قلم، کاغذ و دوات بوده است. از طرف دیگر روایات پیامبر ﷺ محدود نبوده و نمی‌توانستند همه روایات را بنویسد. دکتر صبحی صالح بدین سبب اشاره می‌کند؛ اما آن را نادرست می‌داند:

فما نستطیع ان نتابعهم فیما یزعمونه من ان قلة التدوین علی عهد رسول الله

۱. همان، ص ۳۷۰، ۳۷۵ ۲. هدی الساری مقدمه فتح الباری، ص ۴

۳. فتح الباری، ج ۱، ص ۱۸۴؛ تقييد العلم، ص ۸۶

۴. تدريـب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۱، ص ۸۸

تعود بالدرجة الاولى الى ندرة وسائل الكتابة لانها لم تك قليلة الى هذا الحد الذي يبالغ فيه.^۱

روشن است که نه اثبات کمی ابزار در زمان پیامبر ﷺ، ممکن است و نه در صورت درستی این ادعا می تواند دلیلی بر جلوگیری از تدوین در قرن اول باشد؛ نوشتن و تدوین حدیث آن قدر اهمیت داشته که لازم بود - حتی در صورت کمی ابزار کتابت - اسباب مورد نیاز فراهم شود و در نخستین فرصت ممکن، احادیث نوشته شوند، نه آنکه تدوین آن تا یک قرن به تأخیر بیفتد.

خ) گسترش نیافتن احکام و تسهیل امور مسلمانان

برخی نیز علت عدم تدوین حدیث را، تسهیل امور بر مسلمانان دانسته تا مبادا با نوشتن روایات نبوی، احکام عبادی، سیاسی، اجتماعی و ... گسترش یابد و مسلمانان به مشقت افتند؛ پیامبر ﷺ هم از فراوانی پرسش درباره احکام ناخشنود بود و نمی خواست با گسترش این پرسشها، تکلیف عموم افزایش یابد و یا روایات خاص مانند «روایت اکل لحم جزور»،^۲ عمومی گردد. محمود ابوریه به چنین امری اشاره دارد و می گوید:

وقد یكون قریباً من الصواب فی حکمة نهی النبی عن كتابة حدیثه هو لکی لا تكثر اوامر التشريع ولا تتسع ادلة الاحکام وهو ما كان یتحاشاه ﷺ حتی کان یکره کثرة السؤال او یكون من احادیث فی امور خاصة بوقتها بحيث لا یصح الاستمرار فی العمل بها.^۳

چنین توجیهی نیز نمی تواند دلیلی بر حرمت نوشتن حدیث دلالت کند؛ زیرا پیامبر ﷺ هر آنچه می فرمود، برخاسته از وحی بود و نگهداری و تدوین آن امری لازم می نمود. اگر حدیث تدوین نمی شد، مسلمانان در آن دوران و دیگر دورانها،

۱. علوم حدیث و مصطلحه، ص ۱۸

۲. اضواء علی السنة المحمدیه، ص ۵۱

۳. همان

هنگام گسترش مسائل و قلمرو احکام، به مشکل برمی خوردند. نوشتن حدیث می توانست به پاسخ دهی تمام پرسشها در تمام مکانها و زمانها کمک فراوانی کند؛ آن چنان که با نوشتن احادیث فراوانی، چنین خدمتی انجام شده است. در صورت صحت چنین علتی، لازم بود حفظ حدیث نیز ممنوع و محدود گردد؛ زیرا تفاوتی بین آن دو در گسترش احکام نبود.

د) گسترش نیافتن فضایل اهل بیت علیهم السلام

برخی از محققان بر این باورند که با مرور حوادث تاریخی در قرن اول - بویژه دوره خلفاء - علت منع از تدوین حدیث را می توان جلوگیری از گسترش فضایل اهل بیت عصمت علیهم السلام دانست تا از این راه زمینه برای رأی و اجتهاد دیگران فراهم شود.^۱ به نظر می رسد نخستین تبلور آن هم، در آستانه رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بود؛ ایشان هنگامی که قلم و دواتی برای نوشتن خواست تا آخرین پیام خود را بنویسد، با وی همراهی نشد.^۲ این نکته پوشیده نیست که مقام اهل بیت علیهم السلام که هادیان نور بودند، با نشر و تدوین روایات نبوی برای همگان مسیر می شد؛ ولی مخالفان همواره می کوشیدند فضایل ایشان - بویژه فضایل حضرت علی علیه السلام - را به حاشیه برانند که خداوند متعال هم در آیه ابلاغ بدان اشاره کرده است.^۳ آیه نشان می دهد که بیان فضایل اهل بیت علیهم السلام، خطرهایی به همراه داشته و خداوند متعال، پیامبر صلی الله علیه و آله را از گزند چنین خطرهایی حفظ خواهد کرد.^۴

۱. منع تدوین الحدیث ص ۳۵۷؛ آشنایی با علوم حدیثه ص ۱۲۵؛ مقاله «تدوین حدیث»؛

فصلنامه علوم حدیث، ش ۶، ص ۸

۲. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۵۴؛ کتاب العلم، باب ۳۹، مسند احمد، ج ۱، ص ۲۲۲؛ نامه ای که

نابوشته ماند، ص ۱۶؛ المراجعات ص ۳۵۶

۳. ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ

اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾. (مانده، ۶۷)

۴. المیزان، ج ۶، ص ۴۲؛ ناصر مکارم، تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳

مخالفان اهل بیت علیهم السلام با هدف کتمان فضایل آنان و پوشاندن نکوهشهایی که پیامبر صلی الله علیه و آله از مخالفان ایشان کرده بود در صدد فراهم سازی زمینه رأی خود برآمدند تا بتوانند افکار خویش را حاکم کنند. محقق پرتلاش، شهرستانی، در این خصوص می گوید:

نخرج من کل ما مرَبَّانَ السَّببِ الحَقِيقِی الکامن وراء منع التدوین، لم یکن لطمس فضایل اهل البیت حسب، بل هو خلق جو فقهی جدید یستطیع الخلیفة من خلاله ان یتکئف لسدّ العجز الفقهی الذی یجده یتضع هذا الاستنتاج عبر ملاحظة المقدمات الاتیة: ۱. عرفنا سابقاً ان اول بادرة لمنع التدوین ظهرت على لسان عمر بن الخطاب قبیل وفات النبی صلی الله علیه و آله وذلك لما طلب ان یاتوه بالقلم والدواة لیکتب لهم کتاباً لن یضلوا بعده ابدأ...؛ ۲. عرفت ان الشیخین لم یذعبا انهما قد عرفا جمیع المسائل الصادرة عن رسول الله، بل أنّهما کانا یفتیان طبق الرأی.^۱

دیگر محققان، از جمله استاد عبدالهادی فضلی و... نیز، بر این باورند که از اهداف مهم مخالفان تدوین، جلوگیری از نشر فضایل اهل بیت علیهم السلام و آماده سازی زمینه اجتهاد در مقابل نصوص نبوی بوده است.^۲ چنین اهدافی محقق نشد و کاتبان و حافظان فراوانی، فضایل اهل بیت و نکوهش مخالفان آنان را از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله نشر دادند؛ ولی در طول یک قرن و بلکه بیشتر، فضایل و حقوق معنوی اهل بیت علیهم السلام برای همگان منتشر نشد و تفکر اجتهاد در برابر نص، توانست عرصه هایی از حکومت را اشغال کند.

بنابر برخی از نقلهای تاریخی، بعضی از صحابه معروف (مانند عبداللّه بن مسعود) نیز، به علت شرایط موجود با حکومت همراهی کرده و از نشر فضایل اهل بیت علیهم السلام خودداری کردند. خطیب بغدادی در مورد او می گوید:

۱. علی شهرستانی، منع تدوین الحدیث، ص ۸-۲۵۷

۲. عبدالهادی فضلی، دروس فی الفقه الامامیه، ج ۱، ص ۱۱۱؛ احمد امین، فجر الاسلام،

ص ۲۳۶؛ آشنایی با علوم حدیث، ص ۱۳۱

دیگر حلق تاریخی و نتایج منع از تدوین و نقل حدیث (قرن اول) ۲۰۷

جاء علقمة بكتاب من مكة او اليمن، صحيفة فيها احاديث في اهل البيت ... فاستاذنا على عبدالله؛ فدخلنا عليه قال: فدفعنا اليه الصحيفة قال فدعا الجارية ثم دعا بطست فيها ماء فقلنا له: يا ابا عبد الرحمن، انظر فيها فان فيها احاديث حسناً فجعل يميثها فيها ويقول: نحن نقص عليك احسن القصص بما اوحينا اليك هذا القرآن. القلوب اوعية فاشغلوها بالقرآن ولا تشغلوها ما سواه.^۱

بنابراین، منع از تدوین حدیث نمی تواند تمام روایات از جمله روایات فقهی را دربر گیرد زیرا عمر خود می گوید: «اقلوا الرواية عن رسول الله الا فيما يعمل فيه»^۲ بلکه روایات فضایل اهل بیت علیهم السلام - از جمله فضایل حضرت علی علیه السلام - و خلافت بلا فصل او پس از پیامبر صلی الله علیه و آله پوشیده نگاه داشته شد. استاد حسینی جلالی نیز، در این خصوص می گوید:

لا شك في ان كثيراً من احاديث النبي كانت تشيد بعلي علیه السلام ... وتنص عليه بالولاية والامامة وكانت النصوص غضة نضرة. تنبض مشاهدا بالحياة ويرن صداها في الاسماع فلو كان مسموحاً للامة ان يتداولوها ويحدثوا بها ويكتبوها ويضبطوها لكانت ترتسم في الاذهان وتعلق بالافكار ... فالمصلحة المنشودة من هذا التدبير، هي: اخفاء احاديث النبوية التي تدل على خلافة علي علیه السلام و امامة اهل البيت علیهم السلام بعد النبي صلی الله علیه و آله.^۳

پیامدهای تاریخی دوره ممانعت

در ادامه بررسی تاریخی دوره ممانعت، مناسب است به پیامدهای منع از تدوین حدیث پرداخته شود؛ نتایجی که در قرن نخست رخ داد؛ ولی دامنه آن تا دوران معاصر تداوم یافته و به درخت تنومند و پربرکت حدیث در مواردی آسیب رسانده است. صحابه و تابعان فراوانی حدیث را نقل کردند و نوشتند؛ ولی منع از تدوین -

۱. تقييد العلم، ص ۵۴ ۲. البداية والنهاية، ج ۸، ص ۱۰۷

۳. تدوين السنة الشريفة، ص ۴۱۵

بنابراینچه که در دوره ممانعت بررسی شد - آثار زیانباری به همراه آورد. این نتایج از منظر محققان فریقین می‌تواند گوناگون و متعدد باشد: برخی مانند استاد شهرستانی در کتاب منع تدوین الحدیث، اسباب و نتایج آنها را بیش از بیست مورد دانسته^۱ و استاد حسینی جلالی نیز در کتاب تدوین السنة الشریفه به تفضیل از آنها بحث کرده است^۲ که به اختصار به بررسی تعدادی از مهم‌ترین آنها می‌پردازیم:

الف) محروم‌ماندن مسلمانان از اهل بیت علیهم‌السلام و تبلور مذهب رأی و قیاس

به نظر می‌رسد مهم‌ترین پیامد منع از نقل و تدوین حدیث، محروم‌ماندن جمع زیادی از مسلمانان از ولایت و دانش اهل بیت علیهم‌السلام باشد. منع تدوین حدیث سبب شد تا هم اهل بیت عصمت علیهم‌السلام از صحنه سیاسی و حکومت دور نگه داشته شود و هم امت اسلامی از آنان محروم بماند. استاد حسینی جلالی در این خصوص می‌گوید:

ومن اهم تلك الاثار التي ترتبت على منع تدوین الحدیث، بل اسوئها هوان المانعين تمکنوا من اقصاء اهل البيت علیهم‌السلام من الساحة السياسية و ابعاد هم عن حقهم فی الخلافة و الامامة و... ثم ابعاد الامة الاسلامية عن هواء^۳.

هنگامی که از نقل و بیان روایات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره منزلت ایشان خودداری شد، آنان از حکومت دور نگه داشته شدند و حقوق ایشان و امت اسلامی ضایع گردید. ناآگاهی گروهی از مردم از مقام آنان، از آن دوران تاکنون، سبب شد که شخصیت و ولایت ایشان پوشیده بماند؛ از این رو، مردم در دین‌شناسی، به سوی عالمانی دست دراز کردند که بر رأی خویش و بر معیار قیاس فتوا می‌دادند. در برابر سنت نبوی، مذهب رأی و اجتهاد تبلور یافت و افکار جدید

۱. منع تدوین الحدیث، اسباب و نتایج، ص ۴۹۹-۵۰۵.

۳. همان، ص ۵۳۳.

۲. تدوین السنة الشریفه، ص ۴۸۱-۵۴۹.

و بدعت آمیزی در عرصه حکومت مسلمانان ظاهر شد که مردم را از دین واقعی دور می‌داشت؛ شهرستانی در بیان نتایج چنین می‌گوید:

۱. تطبیق الخلیفة الاول لفكرة الاجتهاد عملياً فی حیاته؛ فتح الخلیفة الثانی اوسع الابواب لتطبیق اجتهاداته و آرائه كما هو الملحوظ فی المؤلفه قلوبهم والطلاق ثلاثاً والمتعة؛ ۲. تأثیر منع التدوین و فتح الاجتهاد بشكل جدی فی حدوث التضاریب والاختلافات فی فتاوی و آراء الصحابة بل فی فتاوی و آراء الصحابی الواحد؛ ۳. ظهور افکار جدیده فی حیاة المسلمین منها لزوم اتباع الحاكم... و عدم اشتراط العدالة فی کثیر من القضايا؛ ۴. اتخاذ اجتهاد الصحابی او سیره الشیخین کاصل ثالث فی التشریح وعده قسماً لکتاب الله و سنة نبيه ﷺ.^۱

ب) تفرقه مسلمانان

از جمله آثار مهم دوره ممانعت، اختلاف مسلمانان و تقسیم‌بندی آنان به دو گروه شیعه و اهل سنت است؛ زیرا پس از پیامبر ﷺ مردم در موضوع خلافت و امامت به دو فرقه فکری منشعب شدند. این اختلاف گسترش یافت و تاکنون ادامه دارد. می‌توان علت اساسی آن را نشر ندادن روایات نبوی در حوزه خلافت و امامت مسلمانان پس از آن حضرت دانست؛ زیرا اگر روایات مربوط به ولایت حضرت علی علیه السلام و چگونگی ولایت امامان پس از آن حضرت، بیان می‌شد و نشر می‌یافت و سپس عملی می‌گردید، بی‌تردید، اختلافها بزودی از بین می‌رفت؛ اما مانعان از نشر و تدوین حدیث سعی وافر کردند تا حقایق پنهان بماند و روایاتی که مسئله جانشینی و امامت پس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله را روشن می‌ساخت (مانند روایت غدیر، منزلت^۲ و...) به دست فراموشی سپرده شده.

۱. منع تدوین الحدیثه ص ۳-۵۰۱

۲. الفدییر فی الکتاب والسنة والحدیث، الج ۱، ص ۴۱، ۳۱۳، ۴۲۳

چنین تلاشی نتیجه داد؛ ولی حقایق هیچ‌گاه در پرده نمی‌ماند و آشکار می‌شود؛ همچنان که از روز نخست برای جمع زیادی از مسلمین روشن بوده و خواهد بود. شهرستانی نیز، مهم‌ترین ثمره منع از تدوین را اختلاف مسلمانان می‌داند و در این خصوص معتقد است مسلمانان به دو مکتب فکری مستقل تقسیم شدند و برای هر یک اصول خاصی شکل گرفته است.^۱ استاد حسینی جلالی نیز بیان می‌دارد که اگر حدیث غدیر و... بین مسلمانان منتشر می‌شد، بی‌تردید آنها ملزم بر امامت حضرت می‌شدند.^۲

ب) نابودی بخشی از روایات

به جهت جلوگیری از نقل، نشر و تدوین حدیث، گروهی از روایات - بویژه روایات نبوی ﷺ که در حافظه صحابه و یا برخی از دست نوشته‌های آنان بود - پوشیده ماند و به دست نسلهای بعدی نرسید یا تعدادی از آنها به شکل ناقص و همراه با نقل به معنای فراوان بیان شد و یا در مواردی سوزانده شد؛ آن چنان که به خلیفه اول و... نسبت می‌دهند که دستور داد برخی از روایات را بسوزانند.^۳ استاد حسینی جلالی در این خصوص می‌گوید:

لا شك ان المنع من تدوين الحديث كالمنع من روايته بل والاقدام على ابادته بالاحراق والامائة في الماء والدفن، اذى الى انعدام كثير من الحديث الشريف وبقداه وعدم نشره وتداوله.^۴

اگر منع از تدوین حدیث، در زمان خلفا رسمی نمی‌شد، روایات ناپدید شده، تدوین و منتشر می‌گردید و امت اسلامی از آنها بهره می‌برد. نابودی این گروه از

۱. منع تدوین السنة الشریفه، ص ۵۰۱

۲. تدوین السنة الشریفه، ص ۵۳۷

۳. تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۵

۴. تدوین السنة الشریفه، ص ۴۸۴

روایات، نادانی را در بین مسلمانان گسترش داد و حقایقی را برای گروهی مخفی کرد که دانستن آنها برای هدایت مردم ضروری بود؛ قابل ذکر است که پس از یک قرن، تدوین آغاز شد، اما برخی از احادیث از حافظه‌ها رفته بود و کمتر نوشته‌ای نیز، از آنها وجود داشت؛ نابدی روایات نیز، از رویکرد «کفایت کتاب خدا»^۱ سرچشمه می‌گرفت که به نفی تقلین می‌انجامید.

ت) دست‌اندازی در روایات

دوره بسیار ناگوار منع، زمینه جعل در روایات را برای سودجویان فراهم آمد، و محققان فراوانی بر این نکته تأکید دارند.^۲ نوشتن رسمی روایات برخی از دشمنان اسلام را وسوسه کرد تا در ذهن خود، اندیشه دست‌اندازی در روایات را پپرورانند. در قرن اول، دوم و ... از این فرصت بهره بردند و متن روایاتی را آفریدند. این امر سبب شد که برخی از حقایق وارونه جلوه کند و مبانی فکری مسلمانان دچار تردید شود. جعل حدیث با انگیزه‌های گوناگونی شکل گرفت. محمود ابوریه در این خصوص می‌گوید:

كان من آثار تأخیر تدوین الحدیث و ربط الفاظه بالكتابة ... ان اتسعت ابواب الروایة و فاضت انهار الوضع بغير ما ضابط و لا قید.^۳

استاد حسینی جلالی نیز، پس از نقل اقوال برخی از محققان در قلمرو وضع حدیث، دومین پیامد منع از تدوین را وضع حدیث می‌داند و ضمن بیان انواع احادیث نادرست، ویژگیهای برخی از متهمان حدیث را چنین بیان می‌دارد:

۱. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶ (بیننا و بینکم کتاب الله)

۲. علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۲۸۶؛ تدوین السنة الشریفه، ص ۴۹۴؛ آشنایی با علوم

حدیث، ص ۱۳۴؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۹۸؛ اضواء علی السنة المحمدیه، ص ۱۱۸؛

دراسات فی الحدیث والمحدثون، ص ۹

۳. اضواء علی السنة المحمدیه، ص ۱۱۸

فالمتهم بالوضع انما هم انصار الدولة ورجالها ورواتها لا الشيعة المضطهدون.^۱ دست‌اندازی به روایات که محصول ننوشتن آنها بود، خود خطرها و مشکلات فراوانی را برای جامعه اسلامی به همراه آورد و سبب شد تا گروهی ضمن شناسایی جاعلان و مجعولات، روایات صحیح را نیز شناسایی کنند؛ تحقیقات فراوانی در بین فریقین در این خصوص شکل گرفته است.^۲ گرچه که به سبب حضور اهل بیت عصمت علیهم‌السلام تا سه قرن و تدوین رسمی حدیث از آغاز تاکنون، کمتر در بین روایات شیعه، جعل رخ داده است. اسرائیلیات نیز بخشی از دایره وضع و حدیث است که در بین روایات - بویژه در تفاسیر روایی - راه پیدا کرد.^۳

ث) فراهم شدن زمینه تشکیک در اعتبار روایات موجود

از دیگر آثار زیانبار دوره منع، تردید در چگونگی اتصال روایات موجود تا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، و این پرسش را فراهم آورده که اگر روایات در طول یک قرن یا کمتر نقل و نوشته نشده، روایات موجود چگونه متصل و مسند شمرده می‌شود؛ آیا صحابه که حلقه اتصال بین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و تابعان بوده‌اند، چه مقدار روایات را نقل کرده‌اند؟ استاد حسینی جلالی به این نکته اشاره دارد و می‌گوید:

لقد فتح منع التدوين الحديث ألسنة اعداء الاسلام لاتهام الاسلام والمسلمين
بمنع هذا العمل الحضارى المهم والتشكيك فى السنة الشريفة ثانى أعظم
مصدر للتشريع بأنها منفصلة عن معينها.^۴

۱. تدوين السنة الشريفة، ص ۵۰۰

۲. برای اطلاع بیشتر ر.ک: ابن جوزی، الموضوعات؛ هاشم معروف حسینی، الموضوعات فى الآثار والاختبار؛ شانه چی، علم الحديث؛ اصول الحديث واحكامه؛ علامه امینی، الغدير؛ ابوزهر، الحديث والمحدثون.

۳. پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر قرآن، ص ۱۹۵؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۰۳

۴. تدوين السنة الشريفة، ص ۵۲۸

دیگر علل تاریخی و نتایج منع از تدوین و نقل حدیث (قرن اول) ۲۱۳

دوره منع عام نبود؛ اما چهره تاریخ تدوین حدیث را - بویژه نزد مخالفان اسلام - از نظر چگونگی اتصال روایات، تیره کرده است^۱ و سبب شده هر یک از دانشمندان مسلمان به دفاع از اعتبار احادیث برآیند؛ گرچه عالمان شیعه امامیه که به عصمت اهل بیت علیهم السلام و تدوین حدیث از روز نخست معتقدند، دچار چنین تردیدی نشدند و به سلامت سند و اتصال روایات در همه دوره‌ها اعتقاد دارند.

۱. منهج النقد فی علوم الحدیث، ص ۴۹؛ السنة قبل التدوین، ص ۳۵۷

پرسش

۱. نگرانی از نشر احادیث غیر معتبر، چگونه از علل منع حدیث شمرده شده است؟
۲. بیم از آمیختن قرآن و حدیث را بررسی و نقد کنید.
۳. به صورت مستند بیان کنید که کدام یک از مانعان، نگرانی بیشتری در مورد اشتغال به غیر قرآن داشتند؟
۴. اهمیت حفظ حدیث و رابطه آن را با منع از تدوین در چیست؟
۵. چه ادله تاریخی بر کمی ابزار در زمان صحابه وجود داشته که سبب منع از تدوین حدیث شده است؟
۶. مهم ترین علتها در دوره ممانعت را به ترتیب بیان کنید.
۷. چگونه مذهب رأی و قیاس بر سنت‌گرایی غلبه کرد؟
۸. اختلاف مسلمانان و جعل حدیث با منع از تدوین حدیث چه رابطه‌ای دارد؟

پژوهش

۱. با بررسی دیدگاه محدثان اهل سنت در خصوص نگرانی از گسترش اختلاف، بیان کنید که چه اختلافی بین مسلمانان وجود داشته است؟
۲. الفاظ حدیث و قرآن را با یکدیگر مقایسه کنید و ضمن بیان تفاوت آنها، نگرانی از آمیختن آن دو را بررسی نمایید.
۳. اعتقاد به کافی بودن کتاب خدا و نیاز نداشتن به روایات، نخستین بار از کجا آغاز شد و چه پیامدهای تاریخی به جای گذاشت؟
۴. مصدر و محتوای روایات آریکه را بررسی کنید؛
۵. اقوال مورخان اهل سنت در مورد توجه حفظ حدیث به جای نوشتن آن را براساس ترتیب تاریخی بیان کنید؛
۶. با بررسی تاریخی و بهره از کتاب تدوین السنه، خطرهای نشر روایات فضایل

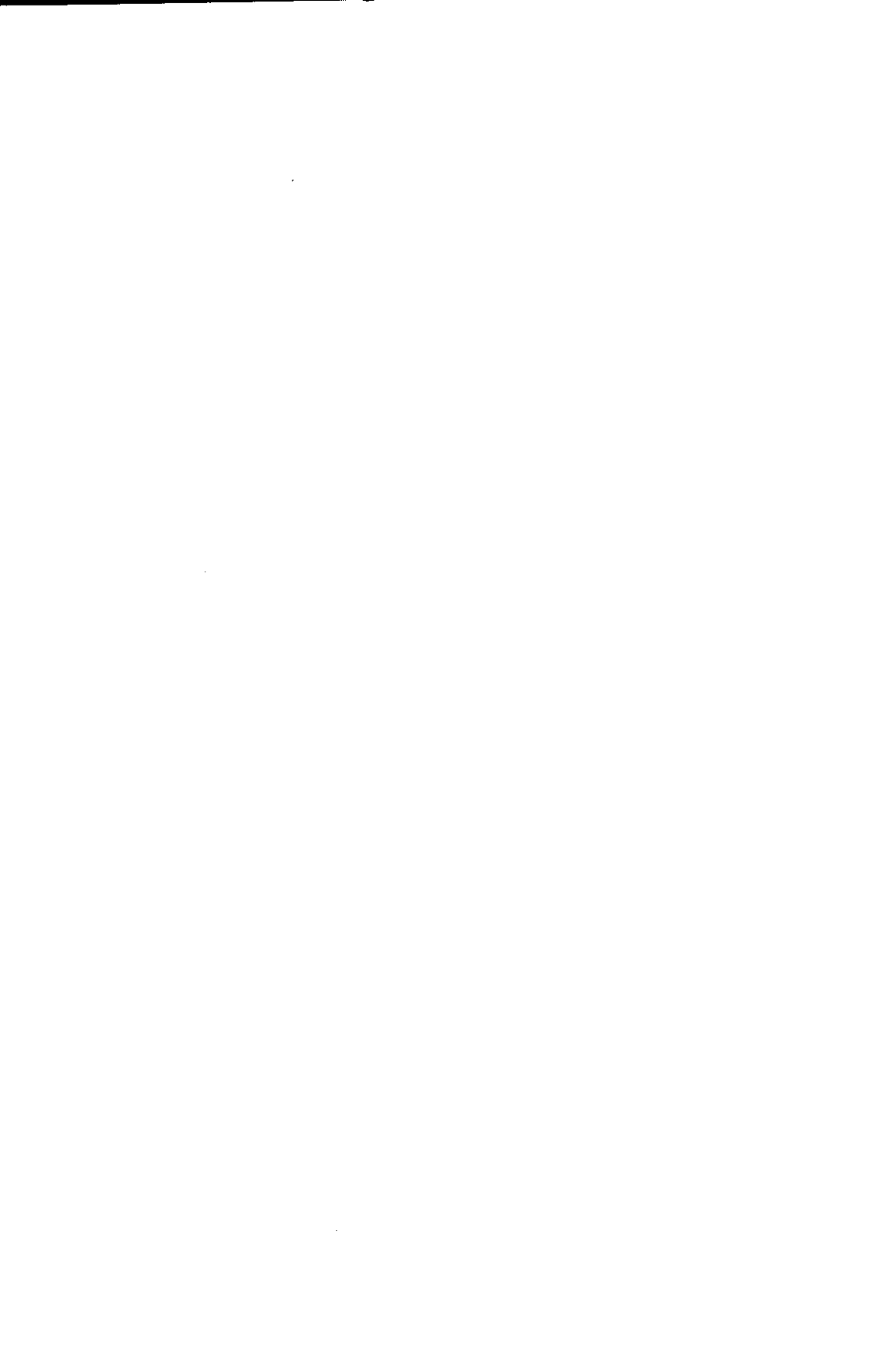
دیگر علل تاریخی و نتایج منع از تدوین و نقل حدیث (قرن اول) ۲۱۵

برای حاکمان وقت را بیان نمایید؛

۷. چگونه و چه مواردی از روایات به علت ننوشتن، ناپدید و یا فراموش شد؛

۸. با بررسی نتایج منع تدوین در کتاب منع تدوین الحدیث شهرستانی، دیگر علل را

پژوهش نمایید.



اهتمام متقدمان به حدیث (قرن دوم)

پس از بررسی تاریخ حدیث در قرن نخست، لازم است به بررسی تاریخ حدیث اهل سنت در دوران متقدمان بپردازیم. عالمان حدیثی پیشتاز در تدوین حدیث در قرن دوم و سوم و چگونگی اهتمام آنان به حدیث در این مرحله بررسی می‌شود.

جواز تدوین حدیث

دوره ممانعت از تدوین حدیث که از دوران خلفا شروع شده و پیشتازان آن، همان خلفا بودند، پس از دوره حکومتشان دیگر مدافع جدی نداشت. گرچه منع تدوین تا پایان قرن نخست ادامه داشت، اوج آن را باید در دوران خلفا دانست. با پایان یافتن قرن نخست و خاموشی حاکمان آن، زمینه برطرف شدن منع از تدوین فراهم شد. عمر بن عبدالعزیز که در سال ۹۹ به خلافت رسید، و حکومتش بسیار کوتاه بود، در اعلان ختم دوره منع، پیشتاز و فرمان صدور جواز تدوین حدیث را با انگیزه‌های خیرخواهانه آغاز کرد. وی در خطاب به اهل مدینه یا ابوبکر محمد بن عمرو بن حزم (حاکم مدینه) نامه‌ای نوشت که در سنن دارمی به دو شکل آمده است:

حدثنا یحیی بن حسان، حدثنا عبدالعزیز بن مسلم عن عبداللہ بن دینار قال:
کتب عمر بن عبدالعزیز الی اهل المدینة: انظروا حدیث رسول اللہ ﷺ فاکتوبوه

فانی قد خفت دروس العلم و ذهاب أهله؛^۱

اخیرنا اسماعیل بن ابراهیم ابو معمر عن ابی ضمرة عن یحیی بن سعید عن عبدالله بن دینار قال کتب عمر بن عبدالعزیز الی ابی بکر بن محمد بن عمرو بن حزم: ان اکتب الی بما ثبت عندک من الحدیث عن رسول اللہ و بحدیث عمر، فانی قد خشیت درس العلم و ذهابه.^۲

فرمان عمر بن العزیز به اهل مدینه در تدوین رسمی حدیث - همانند دیگر عملکردهای او مانند رفع لعن بر حضرت علی رضی اللہ عنہ تعویض حاکمان و احقاق برخی از حقوق اهل بیت^۳ - نقطه عطف مهمی در تاریخ حدیث اهل سنت به شمار می رود. از اقدام مهم او در مصادر تاریخی و روایی یاد شده است.^۴ ابن حجر عسقلانی بر آن است که صدور تاریخی فرمان نوشتن حدیث، نشان از شروع تدوین حدیث است و این فرمان تنها برای حاکم مدینه نبوده؛ بلکه برای عموم حاکمان وقت او بوده است؛ از این رو، به نقل از ابونعیم چنین می آورد: «کتب عمر بن عبدالعزیز الی الافاق: انظروا حدیث رسول اللہ فاجمعوه».^۵

با اقدام عمر بن عبدالعزیز، منع رسمی برداشته شد و محدثان به نوشتن حدیث اهمیت بیشتری دادند؛ ولی در اینکه ابن حزم یا حاکمان دیگر فرمان عمر بن عبدالعزیز را، چگونه اجرا کردند، اختلاف نظر است. سید حسن صدر بر آن است

۲. همان

۱. سنن دارمی، ج ۱، ص ۱۳۷

۳. مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۱۹۳، «وکان عمر فی نهاية النسک و التواضع فصرف عمال من کان قبله من بنی امیه و استعمل اصلح من قدر علیه فسلك عماله طریقہ و ترک لعن علی رضی اللہ عنہ علی المنابر».

۴. ارشاد الساری فی شرح البخاری، ج ۱، ص ۶؛ طبقات ابن سعده، ج ۲، ص ۱۳۴؛ فتح الباری

شرح صحیح البخاری، ج ۱، ص ۲۵۹؛ تاریخ حدیث، ص ۲۱؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۱۰

۵. فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۱، ص ۲۵۹؛ تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای،

ج ۱، ص ۹۰

که دلیلی تاریخی بر اجرای فرمان او در مراکز حکومت اسلامی آن وقت وجود ندارد، گرچه ابن حجر عسقلانی، سیوطی و دیگران آغاز تدوین حدیث را در آغاز قرن دوم و زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز دانسته‌اند؛^۱ صدر می‌گوید:

لم یورخ زمان امره ولا نقل ناقل امثال امره بتدوین الحدیث فی زمانه والذی ذکره الحافظ بن حجر من باب الحدس والاعتبار لا عن نقل العمل بامرہ بالعیان.^۲

با بررسی کلام سیوطی و دیگران نیز معلوم می‌شود که آنان معتقد نخستین گردآورنده حدیث، ابن جریر در مکه، ابن اسحاق یا مالک در مدینه، حماد بن سلمه در بصره، سفیان ثوری در کوفه و اوزاعی در شام است.^۳ جمع مذکور، همه از تابعان و هم عصر هستند و معلوم نیست که آیا در عهد عمر بن عبدالعزیر به تدوین حدیث پرداخته‌اند، یا در سالهای پس از آن؛ مثل ابن جریر (م ۱۲۴) که ممکن است در اواخر عمر خود به گردآوری حدیث رو آورده باشد.

ابوریه نیز معتقد است چون حکومت عبدالعزیر کوتاه مدت بود و هنگام فوتش والی مدینه، نیز از اجرای فرمان او منصرف شد، نخستین مدون ابن شهاب زهری (م ۱۲۴) در سال ۱۰۵ در حکومت هشام بن عبدالملک است.^۴ برخی از محققان دیگر نیز همین عقیده را دارند و ابن شهاب زهری را نخستین مدون می‌دانند.^۵

تدوین حدیث از دوران عمر بن عبدالعزیر به بعد، ممنوع نبود؛ ولی در آغاز به صورت پراکنده و سامان نیافته انجام می‌پذیرفت تا اینکه در دهه پنجم قرن دوم، محدثان بزرگی به صورت رسمی و در قالب مصنفات به تدوین حدیث سامان دادند. ذهبی در مورد حوادث سال ۱۴۳ می‌گوید:

۱. همان ۲. تأسیس الشیعه، ص ۲۷۸

۳. تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۱، ص ۸۹

۴. اضواء علی السنة المحمدیه، ص ۲۶۰

۵. علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۳۸؛ السنة قبل التدرین، ص ۴۹۴

وفی هذا العصر شرع علماء الاسلام فی تدوین الحدیث والفقہ والتفسیر
فصنّف ابن جریر التصانیف بمکة... وقبل هذا العصر کان سائر الائمة یتکلمون
عن حفظهم او یروون العلم من صحف صحیحة غیر مترتبة.^۱

ابوریه هم تدوین رسمی حدیث را در اواخر دوران بنی امیه که مصادف با دهه
چهارم قرن دوم است، می داند و می گوید:

تبیین لك فیما تقدم ان احادیث رسول الله ﷺ لم تدوّن فی حیاته ولا فی عصر
الصحابه وکبار تابعیهم وان التدوین لم ینشأ الا فی القرن الثانی للهجرة فی
اواخر عهد بنی امیه.^۲

تدوین حدیث نزد اهل سنت - بنابر گزارشهای تاریخی مذکور - که از اواخر نیمه
اول قرن دوم شکل گرفت، با انقراض بنی امیه و آغاز کار بنی عباس همزمان بوده
است.^۳ شایان ذکر است که نقش امامان معصوم علیهم السلام از جمله امام باقر و امام
صادق علیهم السلام در انقراض بنی امیه و پرداختن مسلمانان به حدیث قابل انکار نمی باشد.

پیشگامان تدوین حدیث

پیشگامان تدوین حدیث نزد اهل سنت، عالمانی بودند که در دوران جواز از دیگران
پیشی گرفتند و به نگارش حدیث پرداختند. اغلب آنان در قرن دوم می زیسته اند
و وفاتشان در نیمه دوم قرن دوم بوده است. از نظر مورخان مهم ترین شخصیت‌های
آنان براساس تاریخ وفات،^۴ می تواند به شرح ذیل باشد:

- ۱) ابن جریر، عبدالملک بن عبدالعزیز (م ۱۵۰)؛ ۲) ابوحنیفه (م ۱۵۰)؛
- ۳) محمد بن اسحاق (م ۱۵۱)؛ ۴) معمر بن راشد (م ۱۵۴)؛ ۵) سعید بن ابی عروب

۱. شمس الدین ذهبی، تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والاعلام، ج ۹، ص ۱۳

۲. اضواء علی السنة المحمدیه، ص ۲۶۷

۳. جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۱۶

۴. تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والاعلام، ج ۹، ص ۱۳؛ تاریخ الخلفاء، ص ۳۰۱؛ تاریخ

حدیث، ص ۲۲؛ اضواء علی السنة المحمدیه، ص ۲۶۵؛ درآمدی بر تاریخ تدوین حدیث، ص ۲۳

اهتمام متقدمان به حدیث (قرن دوم) ۲۲۱

(م ۱۵۶؛ ۶) اوزاعی (م ۱۵۶؛ ۷) ربیع بن صبیح (م ۱۶۰؛ ۸) سفیان ثوری (م ۱۶۱)؛
۹) حماد بن سلمه (م ۱۶۷؛ ۱۰) عبدالله بن لهیعه (م ۱۷۴؛ ۱۱) لیث بن سعد
(م ۱۷۵؛ ۱۲) مالک بن انس (م ۱۷۹؛ ۱۳) ابن المبارک (م ۱۸۱؛ ۱۴) قاضی
ابویوسف یعقوب (م ۱۸۲؛ ۱۵) هشیم بن بشیر واسطی سلمی (م ۱۸۳؛ ۱۶) زیاد
البکائی (م ۱۸۳؛ ۱۷) جریر بن عبدالحمید (م ۱۸۸؛ ۱۸) ابوبکر بن عیاش کوفی
(م ۱۹۳؛ ۱۹) عبدالله بن وهاب (م ۱۹۷) و (۲۰) سفیان بن عیینه (م ۱۹۸).

مراحل تدوین حدیث

پس از فراهم شدن اجازه تدوین حدیث در قرن دوم، تحولات فراوانی در حوزه،
فقه، تفسیر و حدیث به وقوع پیوست و مذاهب فقهی-حدیثی، به وجود آمده و
رشد کردند. می توان آن دوران را عصر «ظهور مذاهب فقهی» نیز نامید.^۱ تدوین
حدیث نیز همانند دیگر علوم در حال شکوفایی بود و مراحل گوناگونی را سپری
کرد که ثمرات آن، بیشتر در قرن سوم، آشکار شد. می توان مراحل تدوین حدیث در
قرن دوم را چنین دانست:

الف) گردآوری و ثبت محفوظات

در نخستین مرحله، محدثان قرن دوم، می کوشیدند هر حدیثی که در ذهن راویان
وجود داشت، گردآورند؛ از این رو، نوشته های حدیثی در کنار هم وبدون تبویب
و توضیح همراه با شرح راویان، مطالبی را در قلمرو فقه، نحو، تاریخ، لغت و شعر
دربر داشت. استاد سبحانی در این خصوص می گوید:

ومرت الكتابة عندهم بمراحل ثلاث: مرحلة الجمع ومرحلة المسانيد
ومرحلة الصحاح.^۲

۱. جعفر سبحانی، تاریخ الفقه الاسلامیة وادواره، ص ۵۷؛ تاریخ فقه و فقهاء، ص ۷۳

۲. اصول الحدیث و احکامه، ص ۴۳

ابوریه نیز معتقد است که آغاز تدوین حدیث در قرن دوم، یکسان نبوده و دارای مراحل گوناگونی است. او نخستین مرحله آن را چنین نقل می‌کند:

فكان في أوّل امره جمعاً من رواية الرواة مما وعت الذاكرة من احاديث رسول الله وكان ذلك في صحف لا يضمها مصنف جامع محبوب وكانت هذه الصحف تضم مع الحديث فقهاً ونحواً ولغة وشعراً ومالئ ذلك.^۱

ب) سامان‌دهی روایات

پس از نوشتن حدیث در قرن دوم، غالب محدثان، به سامان‌دهی روایات و تفکیک آنها از شعر، لغت، ادبیات و... پرداختند و روایات را از علوم دیگر جدا کردند؛ اما هنوز روایات، با سخنان صحابه و تابعان همراه بود و احادیث از این جهت پالایش نشد. به دلیل رونق گرفتن نوشتن حدیث و آزادی نشر و بیان آن، روایات دروغین نیز نقل می‌شد و زمینه‌ساز پیدایش مذاهب گوناگون می‌گردید.^۲ ابوریه از این مرحله چنین یاد می‌کند:

ثم اخذ التدوين طوره الثاني في عصر العباسين فهذب العلماء بما اقتبسوا من مدينة فارس ما في هذه الصحف ورتبوه بعد ان ضموا اليه مازادته الرواية في هذا العصر وصنفوا من كل ذلك كتباً كسروها على الحديث وما يتصل به من اقوال الصحابة وفتاوى التابعين ولم يدخلوا فيها ادباً ولا شعراً.^۳

پ) تدوین مصنفات فقهی

در تداوم مرتب‌سازی روایات، محدثان قرن دوم - بویژه فقهای حدیث‌شناس - می‌کوشیدند تا روایات براساس موضوعات فقهی گردآوری شود و بدین جهت روایات فقهی براساس ابواب از یکدیگر جدا می‌شد؛ از این رو، مصنفات آن دوره،

۲. تاریخ فقه و فقهاء، ص ۷۴

۱. اضاءة على السنة المحمدية، ص ۲۶۷

۳. اضاءة على السنة المحمدية، ص ۲۶۷

اهتمام متقدمان به حدیث (قرن دوم) ۲۲۳

مجموعه‌ای از کتابهای فقهی بود که براساس نظامی مطلوب و شامل احادیث و اقوال صحابه سامان یافت و روایات موقوف نیز در آنها وجود داشت.^۱ ابن صلاح در این باره می‌گوید:

وللعلماء بالحدیث فی تصنیفه طریقتان: احدهما التصنیف علی الابواب وهو تخریجه علی احکام الفقه و غیرها و تنویعه انواعاً و جمع ما ورد فی کل حکم وکل نوع فی باب فباب.^۲

ت) شکل‌گیری مسندها

در پایان قرن دوم، محدثان به فکر جداسازی روایات از سخنان صحابه افتادند تا آنها را مستقل و به صورت مسندی مختص هر صحابه گردآورند.^۳ در قرن سوم، محدثان به تکمیل این اقدام پرداختند. و در مسندها روایات هر صحابه - اعم از صحیح یا غیر صحیح و تام یا ناقص - گردآوری می‌شد و براساس الفبا و یا اعتبار آنها، طبقه‌بندی می‌گردیدند.^۴ ابن صلاح می‌گوید:

والثانیة تصنیفه علی المسانید و جمع حدیث کل صحابی وحده وان اختلفت انواعه.^۵

در پایان قرن دوم، همواره تدوین حدیث در انتظار مراحل دیگری بود تا به رشد مطلوب خود برسد و نظم بهتری یابد؛ از این رو، تهذیب و تنقیح آنها از روایات دست‌ساز، در قرن سوم شکل گرفت.

مراکز تدوین حدیث اهل سنت

تدوین حدیث که در قرن دوم آغاز شد، به شهر خاصی منحصر نگردید و در هر سرزمینی که راویان و حافظان حضور داشتند تلاشی پیگیر به ظهور رسید. از طرف

۱. تاریخ حدیث، ص ۳۱ ۲. مقدمه ابن صلاح فی علوم الحدیث، ص ۱۵۴

۳. اصول الحدیث و احکامه، ص ۲۳ ۴. تاریخ حدیث، ص ۳۱

۵. مقدمه ابن صلاح فی علوم الحدیث، ص ۱۵۴

دیگر فرمان عمر بن عبدالعزیز به تدوین حدیث، تنها برای حاکم مدینه نبود. بنابر نقل ابن حجر عسقلانی فرمان عمر بن عبدالعزیز مبنی بر جمع‌آوری روایات، برای همه مراکز حکومت اسلامی بود تا آنان به گردآوری روایات پردازند^۱ و بدین جهت تمام مراکز اسلامی - کوچک و بزرگ - در نیمه دوم قرن دوم، در صدد ضبط و گردآوری روایات و تألیف مصنفات و مسندها برآمدند مهم‌ترین شهرهایی که بر این امر همت گماشتند، عبارتند از: مکه، مدینه، بصره، شام، کوفه، یمن و مصر.^۲

در بین سرزمینهای اسلامی دو شهر «مکه و مدینه» از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است؛ زیرا در این دو شهر، اهل بیت علیهم‌السلام نیز حضور داشتند و - به نقل علامه قاسمی - در آنها تدلیس کمتر بوده است.^۳ سیوطی نیز در ذکر صحیح‌ترین سندهای حدیثی به برخی از سرزمینهای مذکور اشاره می‌کند و به نقل از خطیب بغدادی می‌گوید: اصح طرق السنن ما یرویه اهل الحرمین (مکه و مدینه) فان التدلیس عنهم قليل والكذب ووضع الحدیث عندهم عزیز.^۴

پس از حجاز، عراق نیز اهمیت خاصی داشته است؛ زیرا با وجود حضرت علی علیه‌السلام و سپس یاران آن حضرت در کوفه، عراق به پایگاهی حدیثی بدل شده بود؛ البته در برخی از مصادر، نسبت به سرزمینهای عراق تردید نیز شده است؛ ولی این تردیدها نمی‌تواند به صورت کلی صحیح باشد؛ مانند آنکه از شافعی نقل شده: هر حدیثی که از عراق برخواست و در حجاز برای آن اصلی نیافتی، آن را مهذیر؛ گرچه صحیح باشد؛^۵ ولی چنین مطلبی نمی‌تواند درست باشد؛ زیرا مخالفان شیعه به جهت ایجاد تردید در احادیث کوفیان که در فضیلت اهل بیت علیهم‌السلام صادر می‌شده است، چنین

۱. فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، ج ۱، ص ۲۵۹

۲. تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر و الاعلام، ج ۹، ص ۱۳؛ ابی الولید محمد بن عبدالله ازرقی،

اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج ۱، ص ۵ ۳. قواعد الحدیث، ص ۸۱

۴. تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای، ج ۱، ص ۸۵ ۵. همان

اتهامی بر احادیث کوفه وارد کرده‌اند.^۱

پس از حدیث حجاز و عراق، حدیث شام نیز نزد اهل سنت معتبر شمرده شده؛ چنان که سیوطی به ابن تیمیه نسبت می‌دهد که می‌گوید:

اتفق اهل العلم بالحدیث علی ان اصح الاحادیث ما رواه المدینة ثم اهل البصرة
ثم اهل الشام.^۲

روایات سرزمینهای اسلامی به علت دوری از یکدیگر، از نظر موضوع و صحت تفاوتی با هم داشته است؛ از این رو، در برخی از مسندها، روایات براساس سرزمینها (مانند مسند البصرین یا مسند الشامین) گردآوری شده است.^۳

ویژگیهای تدوین حدیث در قرن دوم

آن چنان که در مراحل تدوین حدیث در نزد اهل سنت اشاره شد، تدوین حدیث در قرن دوم ویژگیهایی دارد، که آن را از قرنهای بعد متمایز می‌کند؛ زیرا از طرفی، تدوین حدیث از نظر اهل سنت، گامهای نوپای خود را برمی‌دارد و از طرف دیگر قرن دوم، عصر اجتهاد و پیدایش مذاهب فقهی است و حدیث و فقه درهم آمیخته. علاوه بر آن بلاد اسلامی به سرعت رو به گسترش است و رویکردهای نو در افکار مسلمانان رخنه می‌کند که نوشتن حدیث، بی‌تأثیر از آنها نیست.

دکتر عبدالعظیم شرف‌الدین در بررسی تاریخی رشد مذاهب اسلامی به شخصیت مالک اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که او ضمن جمع‌آوری احادیث، آرای صحابه و تابعان و رأی خود را بدانها می‌افزود تا آنجا که کتاب او هم فقه بود و هم حدیث. در عصر ائمه مجتهد که اختلاف مذاهب فراوان شد، کتاب مالک در فقه و سنت، اثری مهم بود.^۴ برخی از محققان نیز قرن دوم و پس از آن را دارای امتیازاتی

۱. تاریخ حدیث، ص ۲۴. ۲. تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۱، ص ۸۶

۳. قواعد الحدیث، ص ۸۲

۴. عبدالعظیم بنفاری شرف‌الدین، تاریخ التشریع الاسلامی، ص ۱۵۹، ۱۶۱

به شرح ذیل دانسته‌اند^۱ که در شکل‌گیری و تدوین حدیث تأثیر داشته است:

۱. گسترش تمدن اسلامی در شهرهای بزرگ مانند بغداد، اندلس، قیروان در افریقا، فسطاط در مصر، مرو، نیشابور و ...؛
 ۲. ایجاد جنبشهای علمی به جهت ارتباط با ایران، روم، مصر و ترجمه آثار علمی به زبان عربی؛

۳. شکل‌گیری زمینه‌های رشد علم اصول و فقه اهل سنت؛

۴. پیدایش فقهای بزرگ که صاحب مذاهب معروف شدند.

استاد سبحانی نیز ادوار فقه اهل سنت را که بی‌ارتباط با ادوار تدوین حدیث نیست، طبقه‌بندی می‌کند. وی مرحله دوم را عصر ظهور مذاهب اسلامی می‌شمارد و آغاز آن را قرن دوم می‌داند، و معتقد است که استقلال علم فقه از سایر علوم و شیوع مذهب رأی، از ویژگیهای آن است.^۲ در قرن دوم می‌توان - علاوه بر ظهور اجتهاد و رأی در بین محدثان و فقها و پیدایش مکاتب فقهی و حدیثی - به کثرت راویان و ناقلان حدیث، گسترش اسرائیلیات در برخی از حوزه‌های روایات از جمله تفاسیر روایی اشاره کرد^۳ که بر قلمرو تدوین حدیث و تداوم آن اثرگذار بوده است. از جمله ویژگیهای تدوین حدیث، در این قرن ضرورت تدوین کتابهای حدیثی بر اساس موضوعات و اشخاص بوده است که به بررسی آن می‌پردازیم.

پیدایش مصنفات و بررسی علل آن

مقصود از مصنف، کتاب حدیثی است که به ترتیب ابواب و بر اساس کتب فقهی تدوین شده و شامل احادیث مرفوع و موقوف نیز هست^۴ عده‌ای تصنیف را شامل تدوین مسندها نیز دانسته^۵ ولی مشهور آن است که مصنفات، مجموعه روایات

۱. تاریخ فقه و فقهاء، ص ۸۰، ۲. تاریخ الفقه الاسلامیة و ادواره، ص ۷۴

۳. روشهای تفسیری قرآن، ص ۸۳ - ۱۳۵

۴. منهج النقد فی علوم الحدیث، ص ۲۰۰؛ تاریخ حدیث، ص ۳۱

۵. تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای، ج ۲، ص ۱۵۴

براساس ابواب فقهی است که باید آغاز آن را از قرن دوم دانست.

ذهبی ضمن اشاره به آغاز تدوین حدیث در سال ۱۴۳ به مصنفات جمع زیادی از گردآورندگان حدیث اشاره می‌کند که مصنف آنها، فراگیر مطالب فقهی، حدیثی و تفسیری بوده است:

فصَّفتُ ابن جریر التّصانیف بمکة و صنّف سعید بن ابی عروبہ و حماد بن سلمہ
و غیرهما بالبصرة و صنّف الاوزاعی بالشام و ...^۱

پیدایش مصنفات در آغاز تدوین حدیث، حکایت از ضرورت تدوین حدیث در ابواب فقهی دارد تا مسلمانان بتوانند در احکام تکلیفی با کمک روایات، به وظیفه خود عمل کنند. در این دوره سرزمینهای اسلامی از نظر جغرافیایی از یکدیگر فاصله داشتند؛ از این رو، در هر منطقه‌ای تصنیفی متفاوت با مصنفات دیگر شهرها شکل گرفته است. از طرف دیگر شکل‌گیری مصنفات، خواسته فقها و عالمان بزرگ اهل سنت در آن دوران بوده است تا - به نقل ذهبی - تعامل و تناول علم، روان‌تر شود و از مشکلات دوران حفظ و بازگو کردن احادیث از حافظه دور گردند.^۲

آغاز پیدایش مصنفات در نیمه دوم قرن دوم^۳ بوده؛ ولی در قرنهای بعد تداوم داشته و مصنفات پس از قرن دوم به جهت پیشرفت روشهای علمی، کامل‌تر شده است. این احتمال وجود دارد برخی از نظر اسلوب و شکل، از کتابهای حدیثی فقهی تدوین شده در نزد شیعه الگو گرفته باشد که در قرن اول شکل گرفته و نمونه‌های آن می‌توانسته در اختیار عالمان اهل سنت نیز باشد.

مهم‌ترین مصنفات حدیثی در قرن دوم

نیمه قرن دوم که همزمان با تدوین مصادر حدیثی نزد اهل سنت است، تصنیفات حدیثی فراوانی شکل گرفت که مورخان از آنها یاد کرده‌اند. این تصنیفات نه ترتیب

۱. تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والاعلام، ج ۹، ص ۱۳ ۲. همان

۳. جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۲۳

تاریخی دارند و نه تقدم و تاخر آنها معلوم است و نه مشخص است که آنها تا چه زمانی و نزد چه کسانی موجود بوده‌اند؛ مگر اندکی از آنها مانند موطأ مالک که بدان اشاره خواهد شد. مصنفاتی که مورخان از آنها یاد کرده‌اند و همزمان با آغاز تدوین حدیث و در قرن دوم - بویژه در پایان قرن دوم شکل گرفته و اغلب به نام مؤلف آنها بوده^۱ - چنین است:

۱. مصنف ابن جریر در مکه (م ۱۵۰)؛

۲. مصنف مالک در مدینه (موطأ) (م ۱۷۹)؛

۳. مصنف سعید بن ابی عروبه در بصره (م ۱۵۶)؛

۴. مصنف حماد بن سلمه در بصره (م ۱۶۷)؛

۵. مصنف ابوحنیفه در کوفه (م ۱۵۰)؛

۶. مصنف سفیان ثوری در کوفه (م ۱۶۱)؛

۷. مصنف اوزاعی در شام (م ۱۵۶)؛

۸. مصنف ابن اسحاق در مدینه (م ۱۵۱).

مصنفات دیگری نیز در قرن دوم شکل گرفت و یا تداوم تدوین آنها در قرن سوم بوده است که در کتابهای تاریخی از آن یاد شده.^۲ معروفترین این مصنفات، مصنف عبدالرزاق بن همام صنعانی (م ۲۱۱) و مصنف ابی بکر بن ابی شیبه (م ۲۳۵) است که هر یک نزد اهل سنت، معتبر و مؤلفان آنها از شخصیتهای حدیثی و مصنف آنها از جوامع حدیثی کهن شمرده شده است.^۳

در بین مصنفات مذکور، مهمترین آن از مالک بن انس (م ۱۷۹) می‌باشد که با نام

۱. تاریخ الخلفاء، ص ۳۰۱؛ تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والاعلام، ج ۹، ص ۱۳

۲. همان؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۱۹

۳. تاریخ حدیث، ص ۳۲؛ جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۳۹ - ۴۲

الموطأ معروف است. این مصنف از آغاز تدوین تاکنون مورد توجه محدثان اهل سنت بوده و مؤلف آن از منزلتی والا برخوردار است.

پیدایش مسندها و بررسی علل آن

مقصود از مسند گاهی در برابر مرسل و منقطع حدیثی است که تمام راویان آن در سند ذکر شده است،^۱ این نام همچنین برای مجموعه‌های حدیثی است که روایات در آن براساس نام راوی، طبقه‌بندی شده و در برابر مصنف می‌باشد.^۲ شکل‌گیری مسندها به معنی دوم، از جمله ویژگیهای قرن دوم است که در اواخر آن قرن پس از شکل‌گیری تعدادی از مصنفات حدیثی رونق گرفت. در مسندها، طبقه‌بندی روایات براساس نام صحابه بوده و به نام آنها سند خورده که به تبع کامل بودن سند آنها، مُسند خوانده شده است.

مسندنویسی نزد اهل سنت در پایان قرن دوم، مرحله مهمی از سیر تدوین حدیث بوده که مورد توجه محدثان، قرار گرفت. استاد سبحانی دومین مرحله را در سیر تدوین حدیث، «مرحلة المسانید» می‌داند و می‌گوید: «وهی التي افردت فیها احادیث النبی من سواها».^۳

ضرورت مسندنویسی از آنجا آغاز شده که از طرفی دسترسی به احادیث هر صحابه در مصنفات به راحتی امکان‌پذیر نبود و از طرف دیگر اعتبار روایات به راویان و ناقلان آن بوده و هر چه راویان صحابه آن از اعتبار بیشتری برخوردار بودند، روایات آنها نیز، ارزشمندتر شمرده می‌شد.

مسندنویسی، در پایان قرن دوم، رو به رشد بوده و بیش از دهها مسند، نگارش شد و راه را برای دسترسی به روایات هر صحابه و میزان آنها فراهم ساخته بود. این

۱. اصول الحدیث و احکامه، ص ۹۷؛ در سنانه درایة الحدیثه، ص ۸۶

۲. مسندنویسی در تاریخ حدیثه، ص ۴۲

۳. اصول الحدیث و احکامه، ص ۴۳

اقدام، حدیث را از فقه جدا کرده بود - برخلاف مصنفات -^۱ ولی کاستیهایی به شرح ذیل داشت:^۲

۱. طبقه و موضوع بندی نشدن روایات؛ زیرا براساس مسانید صحابه، دسترسی به روایات فقهی و به صورت موضوعی مقدور نبود؛
۲. پالایش نشدن روایات مسانید و برخوردار بودن آنها از روایات معتبر و غیر معتبر. از این رو، مسند نویسی نمی توانست عمر طولانی داشته باشد و گرچه پدیده مهمی در قرن دوم بود، در قرن سوم به همان شدت تداوم نیافت و شیوه های دیگری در تدوین حدیث (مانند سنن و صحاح) ایجاد شد تا دسترسی کامل و روان تر به احادیث در کنار مسانید حاصل گردد. مسانید پیش از صحاح تدوین شدند؛ ولی امروزه رتبه آنها پس از صحاح قرار دارد^۳ در نزد شیعه به جای مسانید، از «اصول» یاد می شود که همانند مسانید، زمینه ساز پیدایش «کتب اربعه» بوده اند؛ گرچه اعتبار «اصول» همانند مسانید نبود؛ بلکه برتر بوده اند.

مهم ترین مسندهای حدیثی

مسندهایی که تدوین آنها از قرن دوم شروع شد و در قرنهای بعد تداوم یافت، فراوان بوده و بیش از صد مورد گزارش شده اند؛^۴ از جمله مسند سلیمان بن جارود طیالسی (م ۲۰۴)، مسند عبیدالله بن موسی العبسی (م ۲۱۳)، مسند حمیدی (م ۲۱۹)، مسند مسرهد (م ۲۲۸)، مسند اسحاق بن راهویه (م ۲۳۸)، مسند عثمان بن ابی شیبه (م ۲۳۹)، مسند احمد بن حنبل (م ۲۴۱)^۵ و

از تاریخ وفات مسند نویسان مذکور معلوم شود که وفات آنان در قرن سوم بوده

۱. مسند نویسی، ص ۶۱ منهج النقد، ص ۲۰۰

۲. الحدیث و المحدثون، ص ۳۶۵؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۲۸

۳. اضواء علی السنة المحمدیه، ص ۲۶

۴. مسند نویسی، ص ۹۵ - ۱۷۹

۵. تاریخ حدیث، ص ۳۲؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۲۹

است؛ ولی جریان مسندنویسی در پایان قرن دوم شروع شده و غالب مسندنویسان بخش زیادی از عمر خود را در قرن دوم سپری کرده‌اند.

از جمله مهم‌ترین مسندها و بسا جامع‌ترین مجموعه روایی، مسند احمد بن حنبل^۱ است؛ گرچه که نمی‌توان آن را کامل‌ترین دانست؛ زیرا مسندهایی که برخوردار از تصنیف هم بوده‌اند، کامل‌تر شمرده شده‌اند؛ یعنی روایات، نخست براساس صحابه طبقه‌بندی شده و سپس روایات هر یک از صحابه برحسب ابواب فقهی در آنها مرتب شده است؛ مانند مسند ابن‌مخلد (م ۲۷۶) که چنین بوده است.^۲

مهم‌ترین شخصیتها و مجموعه‌های حدیثی اهل سنت

در قرن دوم که تدوین حدیث آغاز شد و عالمان بزرگی از اهل سنت در سرزمینهای اسلامی به تدوین حدیثی روی آوردند و در تدوین مصنفات و مسانید حدیثی کوشیدند، دهها مجموعه حدیثی آفریدند که در جوامع حدیثی قرن سوم و چهارم تأثیرگذار بود. مهم‌ترین شخصیتها و مجموعه‌های حدیثی آنها را می‌توان، «مالک بن انس» و کتاب تصنیفی موطأ او و سپس «احمد بن حنبل» و کتاب مسند او برشمرد که به اختصار به گزارش اجمالی مؤلف و اثرشان می‌پردازیم.

الف) مالک بن انس و موطأ او

شیخ الاسلام ابو عبدالله مالک بن انس بن مالک بن ابی عامر بن عمر، در سال ۹۳ هجری در شهر مدینه متولد شد.^۳ او نخست قرآن را حفظ کرد و سپس به حدیث و حفظ آن روی آورد.^۴ وی در شهر مدینه از استادان فراوان در حدیث بهره

۱. جوامع حدیثی اهل سنته ص ۴۵

۲. الحدیث والمحدثون، ص ۳۶۵

۳. تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر و الاعلام، ج ۱۳، ص ۳۱۷

۴. ابن حنبل، مالک، حیات و عصره، آرائه و فقهه، ص ۲۴

برد و از امام صادق علیه السلام نیز بهره علمی گرفته و از حضرت صادق علیه السلام نیز روایت می‌کند^۱ و خود می‌گوید:

لقد كنت آتى جعفر بن محمد وكان كثير المزاح والتبسم... فما كنت اراه الا على ثلاث خصال: اما مصلياً واما صائماً واما يقرأ القرآن وما رأيت قط يحدث عن رسول الله الا على الطهارة ولا يتكلم فيما لا يعنيه.^۲

مالک بن انس یکی از فقهای بزرگ اهل سنت و از ائمه چهارگانه و مؤسس فقه مالکی است که در کنار فقه، به علم حدیث نیز روی آورده و از محدثان بزرگ شمرده شده است.^۳ او در حدیث شاگردان فراوانی داشت و رجالیها او را بسیار ستوده‌اند. مانند اینکه ابن حجر عسقلانی به نقل از برخی رجالیها او را این‌گونه تصدیق می‌کند: قال ابن حبان في الثقات كان مالك اول من انتقى الرجال من الفقهاء بالمدينة و اعرض عن ليس بثقة في الحديث ولم يكن يروى الا ما صح... قال ابو جعفر الطبري اني سمعت ابن المهدي يقول ما رأيت رجلاً اعقل من مالك.^۴

مالک در تدوین و نقل حدیث کوشا و سخت‌گیر بود و در حدیث کتاب مهمی را به نام الموطأ فراهم آورد که سعی داشت در آن روایات صحیح به ترتیب بابهای فقهی و به صورت مصنف فراهم شود. کتاب او در بردارنده روایات فقهی از پیامبر صلی الله علیه و آله و به همراه سخنان و فتوهای صحابه و در مواردی فتوای خود او نیز هست. وی که در شهر مدینه می‌زیست، می‌کوشید در برابر جریان رأی و قیاس، به نقل حدیث و استناد به آن پردازد و در صدد تقویت حجاز در برابر عراق و گسترش نقل در برابر عقیل بود.^۵

کتاب موطأ او بسیار مورد توجه محدثان عصر او قرار گرفت و راویان فراوانی از

۱. همان، ص ۸۵ ۲. همان

۳. آشنایی با علوم حدیث، ص ۱۳۷؛ جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۲۴

۴. تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۹

۵. تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۲۲

مکه، مدینه، عراق، مصر و ... از آن روایت کردند و از آن تاکنون نسخه‌های فراوانی - گرچه با تفاوت - یاد شده است^۱ کتاب او مورد توجه محدثان بوده است و تألیف آن را برخواستہ از درخواست منصور عباسی دانسته‌اند؛ آن چنان که ابوریہ می‌گوید:

ألف الموطأ في اواخر عهد المنصور وكان ذلك في سنة ۱۴۸ و كان سبب ذلك كما روى الشافعي ان ابا جعفر المنصور بعث الى مالك لما قدم المدينة وقال له ان الناس قد اختلفوا في العراق فضع للناس كتاباً جمعهم عليه فوضع الموطأ^۲.

مالک هنگام تدوین موطأ، در تنظیم روایات و چینش آنها و آوردن برخی از آنها، دچار تردید می‌شد و نسخه‌های آن را تغییر می‌داد تا آنکه می‌گوید روایات را به پانصد مورد رساندم.^۳ از او نقل شده که کتاب خود را بر هفتاد فقیه در مدینه عرضه کردم که مورد موافقت همه قرار گرفت؛ از این رو، آن را موطأ (موافقت شده) نامیدم؛^۴ بدین جهت کتاب او را صحیح یا برخوردار از مؤیداتی می‌دانند که نشان از صحت روایات آن است. در مقدمه این کتاب به نقل از عالمان اهل سنت آمده است:

ما من مرسل في الموطأ الا وله عاضدٌ و عواضدٌ فالصواب انّ الموطأ صحیح کله لا یستثنی منه شیء.^۵

مالک بن انس که مذهب فقهی جدیدی را بنیان گذاشته بود و در حدیث نیز خدماتی انجام داد، در سال ۱۷۹ وفات یافت. با ویژگیهای کتاب او از نظر ابواب، اعتبار و تعداد روایات، شرحها، معاصران و دیگر تلاشهای حدیثی او، در درس «بررسی جوامع حدیثی اهل سنت» آشنا خواهیم شد.^۶

۱. الموطأ، تصحیح و تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، مقدمه، ص و

۲. اضواء علی السنة المحمدیة، ص ۲۹۸

۳. همان، ص ۲۹۶، ۲۹۸؛ الحدیث والمحدثون، ص ۲۴۸

۴. همان

۵. الموطأ، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، ص د

۶. رک: مالک حیاتہ و عصرہ؛ الحدیث والمحدثون؛ جوامع حدیثی اهل سنت؛ اضواء علی

السنة المحمدیة؛ تاریخ الاسلام؛ وقیات المشاهیر و ...

ب) احمد بن حنبل و مسند او

ابوعبدالله احمد بن محمد بن حنبل شیبانی مروزی، در سال ۱۶۴ در بغداد به دنیا آمد. او از همان آغاز زندگی با حدیث آشنا شد و به تدریس و پژوهش در حدیث پرداخت.^۱ وی برای گردآوری روایات، مسافرت‌های فراوان کرد و کوشید روایات صحابه را تا حد امکان گرد آورد و کتاب مسند خود را براساس ترتیب نام صحابه فراهم ساخت. احمد بن حنبل از فقهای بزرگ اهل سنت و مؤسس مذهب فقهی حنبلی شمرده شده و پس از آن، محدثی پرتلاش به حساب آمده است تا آنجا که ذهبی در مورد او می‌آورد:

قال عبدالله بن احمد: سمعت ابازرعة يقول كان ابوك يحفظ الف الف حديث
ذاكرته الابواب... وقال ابراهيم الحربي: رأيت احمد كان الله قد جمع له علم
الأولين والآخرين.^۲

احمد بن حنبل در دوره خود، شاگردانی چون بخاری داشت که در نشر حدیث کوشا بودند.^۳ در عصرِ فتنه خلق قرآن بین معتزله و اهل حدیث، او نیز در فتنه و محنت آن دوره به زندان رفت تا آنکه در عهد معتصم که دوباره مکتب «اهل الحدیث» رونق گرفت، آزاد شد و اعتقاد خود مبنی بر قدیم بودن قرآن را منتشر ساخت.^۴ ابن حنبل، در دوره معتزله می‌زیست و آنان مشی «اهل حدیث» را نمی‌پسندیدند؛ ولی وی برای سنت‌مداری و گسترش روایات صحابه و مستندسازی ابواب فقهی براساس آنها فراوان کوشید.^۵

مهم‌ترین اثر احمد بن حنبل، کتاب مسند او است که در کنار آثار دیگر مسندنویسان، اقدامی شایسته تلقی می‌شد. او روایات صحابه را گرد آورد و سپس با

۲. تذكرة الحفاظ، ج ۲، ص ۴۳۱

۱. ابن حنبل، حیات و عصره، آرائه و فقهه، ص ۱۶

۳. الحدیث والمحدثون، ص ۳۵۲

۵. همان، ص ۱۱۰، ۱۹۸

۴. همان؛ ابن حنبل، حیات و عصره، ص ۴۶

تکمیل و تنقیح فرزندش، منتشر شد که بیش از بیست هزار روایت را دارا است. مسند او، جامع‌ترین و کهن‌ترین مجموعه حدیثی از دوران متقدمان اهل سنت است که مورد مدح فراوان واقع شده. محمد ابوزهو در مورد او می‌گوید:

هو کتاب عظیم فی السنة شهد له المحدثون قدیماً و حدیثاً بانه أجمع کتب السنة للحدیث و ادعاها لكل ما یحتاج الیه المسلم فی امر دینه.^۱

مسند احمد که برخوردار از روایات فراوانی است و در آن روایات ضعیف نیز یافت می‌شود، از نظر گروهی از اهل سنت، نمی‌توان در همه موارد به آن استناد کرد. و ابوریه در مورد آن می‌گوید: «لا یسوغ الاحتجاج بما یورد فیها مطلقاً».^۲ سیوطی نیز به نقل از نوای چنین می‌آورد:

مسند احمد بن حنبل و ابی داود طیالسی و دیگر مسانید، نمی‌تواند به کتب خمس و همانند آن در احتجاج ملحق شود.^۳

او در سال ۲۴۱ پس از آنکه هنوز روایات خود را تکمیل نکرده بود، وفات یافت.^۴

۱. الحدیث و المحدثون، ص ۳۶۹

۲. اضاء علی السنة المحمدیه، ص ۳۲۴

۳. تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای، ج ۱، ص ۱۷۱

۴. آشنایی با علوم حدیث، ص ۱۴۱؛ برای آگاهی بیشتر از ویژگیهای کتاب مسند احمد بن حنبل، انگیزه، شرحها و رأی دیگران در مورد او، رک: ابن حنبل؛ حیات و عصره؛ آرائه و فقهه؛ مسندنویسی در تاریخ حدیث؛ الحدیث و المحدثون؛ جوامع حدیثی اهل سنت و....

پرسش

۱. چگونه و در چه مقطعی تدوین حدیث آغاز شد؟
۲. تدوین حدیث در نزد اهل سنت چه مراحل دارد؟
۳. تدوین حدیث در قرن دوم به ترتیب تاریخی چه ویژگیهایی دارد؟
۴. مصنفات حدیثی را تعریف کنید و بگویید که چگونه آغاز شدند؟
۵. پنج مصنف به همراه مؤلف آن را نام ببرید.
۶. مسانید حدیثی را تعریف کنید و بیان نمایید چگونه و چرا به وجود آمدند؟
۷. مهم‌ترین مسانید حدیثی را نام ببرید و بیان کنید که آغاز آنها در چه دهه‌ای بوده است؟
۸. گزیده‌ای از زندگانی مالک بن انس و ویژگیهای کتابش را به اختصار گزارش نمایید.
۹. ویژگیهای احمد بن حنبل و مستدش را از نظر مورخان بیان کنید.

پژوهش

۱. علت صدور فرمان تدوین حدیث از طرف عمر بن عبدالعزیز را تحلیل کنید.
۲. علل تاریخی را که موجب شد فرمان عمر بن عبدالعزیز تا سال ۱۴۳ اجرا شود، تحلیل و بررسی کنید؛
۳. با بررسی پیشگامان تدوین حدیث، آنان را از نظر عقاید و جغرافیا طبقه‌بندی نمایید؛
۴. مراحل تدوین حدیث را از نظر محدثان اهل سنت، بررسی و با دوران ائمه علیهم‌السلام مقایسه کنید؛
۵. مراکز تدوین حدیث را از نظر اولویت و توفیق در تدوین حدیث بررسی نمایید؛
۶. تمایز و تشابه مصنفات حدیثی قرن دوم را تحلیل کنید؛
۷. مسانید حدیثی در کدام‌یک از سرزمینهای اسلامی رونق بیشتری داشت و تمایز آنها در چه بود؛
۸. تأثیر یا عدم تأثیر مصنفات و مسانید را در تکمیل صحاح بررسی کنید.

اهتمام متقدمان به حدیث (قرن سوم)

در مرحله پیشین، تلاش متقدمان و عالمان اهل سنت در قرن دوم مورد بررسی واقع شد و بیان گردید که تحولات مهمی از جمله پیدایش مصنفات و سپس پیدایش مسانید رخ داده است و در قرن سوم فعالیت‌های حدیثی متقدمان ادامه یافت؛ بدین جهت می‌توان گفت که قرن سوم در تداوم تدوین حدیث، دوران مهمی در سرنوشت حدیث و شکل‌گیری «صحاح شش‌گانه» دارد.

تداوم حدیث‌نگاری متقدمان

محدثان قرن سوم - همچون محدثان قرن دوم به حدیث‌نگاری اهتمام فراوان داشتند. عالمان پیش از آنان در پایان قرن دوم، به تدوین حدیث و مسندنویسی روی آورده بودند؛ اما پس از یک قرن و نیم، هنوز همه احادیث نوشته نشده و در حافظه‌ها بود. ایشان بر آن بودند که روایات را گردآورند و بنویسند؛ از این رو، در تداوم فعالیت محدثان قرن پیش از خود، همانند آنان مسندنویسی را ادامه دادند و در مواردی با شیوه‌ای نو بر نوشتن حدیث پای می‌فشرده‌اند.

حاکمان عباسی نیز نه تنها مخالفتی با نوشتن روایات نداشتند، بلکه در مواردی به آنان یاری می‌رساندند. محققان بزرگ اهل سنت مانند بخاری نیز، از هر تلاشی

دریغ نکرده و حتی رنج مسافرت‌های طولانی را بر خود هموار کردند. شمس‌الدین ذهبی در مورد تلاش‌های بخاری می‌آورد که او دوبار به شام، مصر و ... و چندین بار به بصره مسافرت کرد تا احادیث را گرد آورد.^۱ ابن‌عساکر (م ۵۷۱) نیز در مورد بخاری و مسلم می‌آورد که آنها برای جمع‌آوری حدیث به شهرهای عراق، حجاز، شام و ... مسافرت کرده‌اند.^۲

حدیث‌نگاری در قرن سوم نه تنها تداوم یافت، بلکه گسترش نیز پیدا کرد و محدثان بیشتری ظهور و رشد کرد. با تلاش این عالمان مجموعه‌های حدیثی فراوانی - اعم از مسانید و دیگر جوامع حدیثی - شکل گرفت. محدثان برای زمینه‌سازی نوشتن حدیث، از امکانات گسترده‌تر برخوردار شدند و بحث‌های علمی جدی‌تری برای ثبت روایات به‌وقوع پیوست. با رونق گرفتن کتابت حدیث، این علم به دانش مستقلی بدل شد و مورد توجه عالمان بیشتری واقع گردید؛ از این رو، مکاتب حدیثی رو به فزونی گذاشت.

مشکلات محدثان اهل سنت در قرن سوم

محدثان اهل سنت در قرن سوم که فضای باز سیاسی را هنگام تدوین حدیث در برابر خود می‌دیدند، مصمم بودند مجموعه‌های حدیثی منسجم و کاملی را فراهم آورند؛ ولی با مشکلات جدی نیز روبرو گردیدند آنان می‌کوشیدند راه‌حل مناسبی بیابند تا با مشکلات فراروی خویش بستیزند آن دشواریهای آنان که برخی میراث قرنهای پیشین بود و بعضی در همان قرن ظاهر شده بود، عبارتند از:

الف) گسترش احادیث دست‌ساز

جعل حدیث، از زمان خلیفه سوم آغاز شده بود.^۳ پیامبر ﷺ نیز از آن خبر داده و به

۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۴۰۰؛ تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۵۵۵

۲. تاریخ مدینه دمشق، ج ۵۲، ص ۵۴؛ ج ۵۸، ص ۸۱

۳. اضواء علی السنة المحمدیه، ص ۱۱۸

شدت از آن نهی کرده بود: «لا تکذبوا علی فانه من کذب علی فلیج النار»^۱.
جعل حدیث در قرن اول و دوم تداوم یافت. در قرن سوم، محدثان با تعداد زیادی از روایات ساختگی روبه‌رو بودند که هر یک با انگیزه خاصی شکل گرفته بود^۲ که گزینش را برای آنان سخت می‌کرد. در مورد احمد بن حنبل گفته شده او احادیث خود را از میان هفتصد و پنجاه هزار روایت^۳ و بخاری از میان ششصد هزار حدیث^۴ و مسلم از بین سیصد هزار روایت^۵ برگزیده‌اند. عدم تدوین رسمی و کامل حدیث در قرن نخست، می‌توانست سبب مهمی در گسترش مجعولات روایی به‌شمار آید که محدثان قرن سوم را با مشکلات جدی روبه‌رو کرده بود.

ب) گسترش نقل به معنا در روایات

نقل به معنا و گسترش آن در روایات - هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی - مشکل مهم دیگری بود که محدثان - بویژه در قرن سوم - با آن روبه‌رو بودند؛ زیرا در طول یک قرن ونیمی که نوشتن حدیث ممنوع شده بود برخی از راویان می‌کوشیدند روایات را در ذهن خود نگه دارند و از نسلی به نسل دیگر برسانند؛ از این‌رو برای عالمان قرن سوم، الفاظ روایات با هم یکسان نبود و اصل روایت دچار اختلاف معنا شده بود؛ به‌گونه‌ای که در برخی از موارد، تشخیص اصل آن مشکل بود.

فراموشی اصل برخی روایات در اثر گذشت زمان، سبب شده بود که راویان بعدی توانایی بازگو کردن و ضبط کامل روایات را نداشته باشند و تنها آنچه را که در حافظه داشتند، بیان می‌کردند. محمود ابوریه در این خصوص می‌گوید:

۱. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۰۹

۲. اضاء علی السنة المحمدیه، ص ۱۲۱؛ مقدمه ابن صلاح، ص ۷۹

۳. تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۱، ص ۱۰۰

۴. تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۵۸۹

۵. الحدیث والمحدثون، ص ۳۷۸

ان کل راوٍ قد روی ما بقى فى ذهنه من هذا المعنى بعد ان عجزت ذاكرته عن ضبط الفاظه.^۱

ابن صلاح معتقد است که نقل به معنا در مورد روایات رایج بوده است: کثیراً ما كانوا ينقلون معنى واحداً فى امر واحد بالفاظ مختلفة وما ذلك الا لانّ معولهم كان على المعنى دون اللفظ.^۲

نقل به معنا که در مورد حدیث از روز نخست رخ داده و گریزی از آن نبود، محدثان را در گزینش و نوشتن روایت اصلی با مشکل روبه‌رو کرده بود تا آنجا که ناچار بودند قوت ضبط راویان را ارزیابی کنند تا بتوانند روایات را از ضابط‌ترین آنان برگزینند؛ از این رو، قوه ضبط، جزئی از شرایط حدیث صحیح شمرده شده است.^۳ محدثان متقدم در قرن سوم نیز کوشیدند روایاتی را گردآورند که نقل به معنا نشده بود یا نقل به معنا در آن کم به چشم می‌خورد؛ اما در این امر به توفیق دست نیافتند؛ از این رو، گروهی از محققان، روایات صحیحین را علمی ندانسته، بلکه آن را از ظنیات دانسته‌اند.^۴

نقل به معنا در روایات چنان گسترده بود که دامنه آن کتابهای آنان را نیز فرا گرفت؛ لذا عسقلانی می‌گوید: «من نوادر ما وقع فى البخارى انه يخرج الحديث تاماً باسناد واحد بلفظين».^۵

پ) کافی نبودن مصنفات و مستندها

مصنفات حدیثی و در پی آن تدوین مسانید خدمتی بزرگ از محدثان قرن دوم بود؛ اما نمی‌توانست پاسخگوی همه نیازهای حدیثی باشد عالمان قرن سوم دریافتند که مصنفات و مسانید، از هر جهت کامل نیستند و لازم است تا مسانید و جوامع

۱. اضواء على السنة المحمدية، ص ۷۶

۲. مقدمه ابن صلاح فى علوم الحديث، ص ۱۳۶

۳. تدریب الراوی فى شرح تقریب النواوی، ج ۱، ص ۶۳

۴. الحديث والمحدثون، ص ۳۹۷

۵. فتح الباری، ج ۱، ص ۱۸۶

حدیثی دیگری تدوین شود؛ زیرا علاوه بر آنکه نظم و چینش آنها برای همگان سودمند نیست، روایات منقطع، مزید، مدرج ضعیف و متعارض در آنها وجود دارد که لازم است این کاستیها هنگام تدوین جدید، با هوشمندی کامل برطرف شود و شکل و محتوای روایات به کمال خود برسد. ابن صلاح در مورد مسانید می گوید:

كتب المسانید غیر ملتحقة بالكتب الخمسة التي هي الصحيحان... و ما جرى مجراها في الاحتجاج بها والركون الي ما يورد فيها مطلقاً.^۱

ت) نزاع محدثان و متکلمان

در شمار مشکلاتی که امر تدوین و تکمیل حدیث را بر محدثان - بویژه در قرن سوم سخت می کرد - جدال بین آنان و متکلمان بود که سبب می شد روند تهذیب، تکمیل و تدوین حدیث از نظم مطلوب برخوردار نشود. متکلمان - اعم از اشاعره و معتزله که از قرن دوم رشد نموده و در رأس آنها واصلیه، هذیلیه، اشعریه^۲ و ... قرار داشتند و همچنین دیگر فرقه های کلامی مانند جبریه، سلفیه، ماتریدییه، مرجئه^۳ و ... - هر کدام عقیده ای داشتند و آن را به حدیث نسبت می دادند و در برابر یکدیگر به نزاع می پرداختند از جمله این نزاعها می توان از نزاع بر سر مسئله خلق قرآن نام برد که بین آنها رایج بود.^۴

محمد ابوزهو در مورد برخورد اهل کلام با محدثان می گوید:

۱. لم يقف المعتزلة عند هذا الحد من اغراء الخلفاء باهل الحديث بل اطلقوا
ألسنتهم بالسوء واخذوا يقبحون اهل الحديث ويعيبون عليهم طريقتهم
و يحطون من قدرهم ويرمونهم بالعی.^۵

۱. مقدمه ابن صلاح فی علوم الحدیث، ص ۳۷

۲. الملل والنحل، ج ۱، ص ۴۶، ۴۹، ۹۴

۳. اصول الحدیث علومه و مصطلحه، ص ۱۲۷

۴. الحدیث والمحدثون، ص ۳۱۹

۲. ان المتكلمين والمحدثين كانوا في هذا العصر بل وقبل هذا العصر على طرفي نقيض. لقد حظَّ من شأن المحدثين في نظر المتكلمين وجود ادعاء الرواية وجهلة الشيوخ وكذبة القصص بينهم فرموهم بالجهل وكل نقيصة.^۱

نزاع متکلمان و محدثان، از طرفی شأن محدثان را کم رنگ می کرد و از طرف دیگر زمینه جعل حدیث را برای تثبیت عقاید هر یک از دو طرف فراهم می آورد و واقعیات را از محدثان بعدی دور می ساخت. در این میان اگر حاکمان و مردم برای طرفداری از هر یک دخالت می کردند، تدوین و نوشتن روایات را بر محدثان، سخت تر می کرد.

ویژگیهای تدوین حدیث اهل سنت در قرن سوم

اغلب محدثان قرن سوم - با همه مشکلات فراوی - با اسلوبی نو و بهتر از قرن دوم به تدوین حدیث روی آوردند. آنان در طول حدود یکصد سال، بهترین و اصلی ترین کتابهای حدیثی را برای عموم اهل سنت، نوشتند که تدوین حدیث در آن قرن را از قرنهای دیگر متمایز کرد. ویژگیهای تدوین در این قرن به شرح ذیل است:

الف) گردآوری و پالایش روایات

محدثان قرن سوم همچون بخاری (م ۲۵۱)، مسلم (م ۲۶۱)، ابن ماجه (م ۲۷۳)، ابی داوود (م ۲۷۵)، ترمذی (م ۲۷۹)، نسائی (م ۳۰۳)^۲ و دیگر محدثانی که غالب عمر خود را در قرن سوم گذراندند، کوشیدند روایاتی را گردآورند که معتبر و از هرگونه جعل و نقل به معنا به دور باشد. این امر سبب شد تا آن دوره را دوران «تنقیح و اختیار» بنامند.^۳

صحیح بخاری که نخستین کتابی است که در جمع آوری روایات صحیح تدوین شده،^۴ نمایانگر همین حقیقت است که او کوشیده روایات صحیح را جدا سازد

۱. همان، ص ۲۲۸

۲. آشنایی با علوم حدیث، ص ۱۵۶

۳. اضواء علی السنة المحمدیه، ص ۲۶۶

۴. حیاة البخاری، ص ۶۶

و سپس آنها را بنویسد. شمس‌الدین ذهبی در مورد بخاری می‌آورد که او روزی در محضر استاد خود، اسحاق بن راهویه، بوده که در این زمینه گفت و گو شد. وی از زبان بخاری نقل می‌کند:

كنت عند اسحاق بن راهويه فقال بعض اصحابنا: لو جمعتم كتاباً مختصراً لسنن النبي ﷺ؟ فوق ذلك في قلبي فأخذت في جمع هذا الكتاب.^۱

و در مورد دیگری از او نقل شده: «ما ادخلت في هذا الكتاب الا ما صح».^۲

در برخی کتابهای تاریخی آمده است: اسحاق بن راهویه، استاد بخاری، به او توصیه کرد که روایات صحیح را جمع‌آوری کند و چنین گفت: «لو جمعتم كتاباً مختصراً لصحيح سنة رسول الله» و بخاری می‌گوید: «فوق ذلك في قلبي فأخذت في جمع الجامع الصحيح».^۳ محمد ابوزهو نیز پس از نقل مطالب مذکور می‌گوید: «خرجه من ستأته الف حديث».^۴

در مورد مسلم نیز گفته شده که در مقام گردآوری روایات صحیح بوده است و خود می‌گوید: «صنفت هذا الصحيح من ثلاث مائة الف حديث مسموعة».^۵

و در مقدمه صحیح مسلم، مؤلف بر این نکته اشاره کرده که به درخواست یکی از مؤمنان، به گردآوری روایات صحیح مبادرت کرده است.^۶ محمد ابوزهو هم بر آن است که دو مطلب در پیدایش صحیح مسلم مؤثر بوده است: جمع روایات صحیح متصل به پیامبر ﷺ در احکام دین و سپس جذب مردم به دین با کمک روایات معتبر که برای آنها آرامش بیاورد.^۷ در مورد دیگر محدثان قرن سوم نیز، چنین مطالبی نیز نقل شده؛^۸ گرچه که میزان تلاش آنان در «تفحیح و پالایش»، همسان بخاری و مسلم نبوده است.

۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۴۰؛ تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۸

۲. همان، ص ۴۰۲ ۳. تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای، ج ۱، ص ۸۸

۴. الحدیث والمحدثون، ص ۳۷۸ ۵. تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۵۸۹

۶. صحیح مسلم، مقدمه، ج ۱، ص ۳ ۷. لحدیث و المحدثون، ص ۳۸۲

۸. همان، ص ۲۵۷-۳۶۱؛ جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۱۲۵-۱۵۸

تلاش دیگر محدثان برای جرح و تعدیل راویان نیز، با هدف تهذیب راویان و روایات آنها بوده است که پیشوای آنان یحیی بن معین (م ۲۳۳) می‌باشد؛ همچنان که عالمان رجالی نیز در قرن سوم به بررسی راویان و جرح و تعدیل آنان پرداختند^۱ و کتابهای «رجال الحدیث» را تدوین کردند. استاد شانه‌چی در این باره می‌گوید: پس از این، علم «معرفة الرجال» و علم «جرح و تعدیل» در یکدیگر ادغام شد و دانشمندانی چون بخاری اطلاعات خود را در این زمینه، ضمن کتاب تاریخ کبیر، تاریخ وسیط و تاریخ صغیر در احوالات راویان حدیث و اقوال عالمان جرح و تعدیل مرقوم داشت.^۲

برخی کتابهای رجالی که با هدف شناخت راویان شکل می‌گرفت، پس از تدوین کتابهای حدیثی بخاری و مسلم و... به وجود آمد. این آثار نشان از گستردگی تلاش محدثان قرن سوم - اعم از صاحبان صحاح و دیگران - در بررسی رجالی بود تا روایات ضعیف را شناسایی کنند و بهترین روایات را برگزینند. در کنار بررسی رجالی، بررسی متنی و یافتن روایات اصیل و دور از جعل و نقل به معنا نیز، از اقدامات محدثان قرن سوم بود؛ بدین جهت از نظر آنان، صحاح شش‌گانه، فراگیرترین و کامل‌ترین روایات است؛ بخصوص صحیح مسلم و صحیح بخاری که «اصح الکتب» در روایات شناخته شده است.^۳

ب) باب‌بندی و موضوع‌بندی کامل‌تر و فراگیرتر

مجموعه‌های حدیثی قرن سوم، در مقایسه با قرن دوم، از نظم موضوعی کامل‌تری برخوردار شدند؛ بخصوص در مقایسه با مسائیدی که در قرن دوم رشد یافته بود و روایات آنها به صورت موضوعی طبقه‌بندی نشده بود؛ از این رو، جوامع قرن سوم

۱. تاریخ حدیث، ص ۵۳ ۲. همان

۳. مقدمه ابن صلاح فی علوم الحدیث، ص ۱۹؛ تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای،

برحسب موضوعات اعتقادی و فقهی شکل گرفتند.^۱

محمد ابوزهو نیز در مورد انگیزه مسلم می‌گوید: بابهای مصنفات پیشین روان نبوده و تشخیص روایات به ناآگاهان از این فن مشکل بود؛^۲ زیرا غالب مصنفات و مسانید پیشین، در مقام گردآوری روایات بودند، نه رعایت مناسبت احادیث با یکدیگر و تنظیم آنها؛ ولی در صحاح ششگانه، روایات به بخشها و موضوعات متعدد تقسیم شده و در هر باب، روایات با ترتیب مطلوب صاحب کتاب چینش شده است؛ بویژه در صحیح مسلم و صحیح بخاری که روایات با ترتیب خاصی شکل گرفته است.^۳

طبقه‌بندی روایات تفسیری، تاریخی، فقهی و ... و تفکیک آنها، از دیگر اقدامات در آن دوره بود. نخستین فردی که به این مهم پرداخت، اسحاق بن راهویه (م ۲۳۸) بود که روایات تفسیری را تفکیک و آنها را براساس ترتیب قرآن مدون ساخت.^۴

پ) کوتاه‌نویسی و حذف مکررات

غالب محدثان قرن سوم، می‌کوشیدند در گردآوری روایات، اختصار را رعایت کنند و - به خلاف مصنفات و مسانید - از آوردن روایات تکراری بپرهیزند؛ از این رو، سیوطی در مورد انگیزه بخاری می‌گوید: «لو جمعتم کتاباً مختصراً لصحیح سنه الرسول».^۵ شمس‌الدین ذهبی هم از ابراهیم بن معقل نقل می‌کند که:
سمعت البخاری يقول: ما ادخلت فی هذا الكتاب الا ما صح وترکت من الصحاح کی لا يطول الكتاب.^۶

در مورد صحیح مسلم نیز آمده که او در صدد حذف مکررات بود و می‌خواست روایات

۱. تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۳۶

۲. الحدیث والمحدثون، ص ۳۸۲

۳. تاریخ حدیث، ص ۵۰

۴. همان

۵. تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۱، ص ۸۸

۶. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۴۰۲

را به صورت کوتاه ذکر کند وی در این باره می‌گوید: «سألنی ان الخصها لك في التأليف بلا تكرار يكثر»^۱.

بدین جهت روایات صحیح بخاری، صحیح مسلم و دیگر صحاح، هر یک حدود هشت هزار روایت و در مواردی کمتر از چهار هزار روایت است؛ در حالی که مسند احمد بن حنبل، از تألیفات حدیثی دوره پیشین، شامل حدود سی هزار روایت است.^۲

ت) پیدایش جوامع حدیثی

در قرن سوم، محدثان اهل سنت در کنار تدوین برخی از مسانید، مجموعه‌های حدیثی را سامان دادند که بعدها به عنوان «جوامع حدیثی یا صحاح ششگانه» نام گرفت. جوامع حدیثی با انگیزه تدوین مجموعه‌های حدیثی و فراگیر سنتهای نبی ﷺ شکل گرفت و منشا ظهور دیگر کتابهای حدیثی در قرنهای بعد گردید.

مقصود از جوامع حدیثی، کتابهایی بودند که روایات صحیح را همراه سند و به دور از اقوال صحابه در خود جای داده بودند؛ به خلاف مصنفات که در قرن دوم پدید آمده بود و علاوه بر روایات صحیح و ضعیف، سخنان صحابه یا به اصطلاح «حدیث موقوف» را نیز دربرداشت. دکتر محمد عجاج می‌گوید:

جمع هؤلاء الحديث ودونوه باسانیده واجتنبوا الاحادیث الموضوعة وذكروا طرقات كثيرة لكل حديث يتمكن بها جهابذة هذا العلم وصيارفته من معرفة الصحيح من الضعيف والقوى من المعلوم... فرأى بعض الائمة ان يصنفوا في الحديث الصحيح فقط فصنفوا كتبهم على الابواب واقتصروا فيها على الحديث الصحيح وظهرت الكتب الستة في هذا العصر.^۳

جوامع حدیثی در دو گروه جای می‌گرفتند: «جامع صحیح» و «سنن». جامع صحیح که صحیح بخاری و صحیح مسلم را شامل می‌شود، اغلب بر کتابی اطلاق می‌گردید که

۱. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳ ۲. آشنایی با علوم حدیث، ص ۱۵۶

۳. السنة قبل التدوین، ص ۲۲۳

بهترین روایات را دربرداشت؛^۱ فراگیر موضوعات مهم فقهی و غیرفقهی بود و ترتیب و تنظیم اصلی آنها براساس روایات فقهی نبوده است. در برابر، سنن (مثل سنن نسائی، سنن ترمذی، سنن ابی داود و سنن ابن ماجه) - اغلب براساس ابواب فقهی تنظیم شده و روایات و سنن پیامبر ﷺ - اعم از صحیح و حسن را دربر دارد. از نظر اعتبار، پس از صحیح مسلم و صحیح بخاری قرار دارد.^۲

شکل‌گیری جوامع حدیثی یا صحاح ششگانه که شامل صحیحین و سنن چهارگانه بود، از مهم‌ترین اقدامات محدثان در قرن سوم است که تاکنون نزد اهل سنت جایگاه مهمی داشته‌اند؛ بخصوص دو کتاب صحیح مسلم و صحیح بخاری که در بین صحاح ششگانه معتبرتر هستند؛ در قرنهای بعدی کسانی مانند دارقطنی و بیهقی سنن نوشتند؛ اما هیچ‌گاه همانند سنن مذکور از مقبولیت عام برخوردار نبودند.^۳ اصطلاح جامع گاهی در مورد سنن نیز به کار رفته است؛ مانند جامع ترمذی^۴ که گویای گستردگی مطالب کتاب سنن ترمذی است.

مراکز حدیثی اهل سنت

در قرن سوم، مراکز حدیثی رو به گسترش بود و فراتر از مراکز اصلی، دیگر شهرها نیز به تدوین و تحقیق حدیثی پرداختند. می‌توان این سرزمینها را - اعم از مشهور و غیر مشهور - شامل شهرهای ذیل دانست: بصره، بغداد، مکه، مدینه، کوفه، شام، عسقلان، حمص، سمرقند، مصر، مرو، دمشق، بلخ، ری، نیشابور، ترمذ و ... شمس‌الدین ذهبی در بیان شهرهایی که بزرگ‌ترین محدث قرن سوم (بخاری) در آنها علم حدیث آموخته، می‌گوید:

۱. اصول الحدیث علومه و مصطلحه، ص ۳۱۹

۲. علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۲۹۷

۴. تاریخ حدیث، ص ۴۴

۳. تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۴۶

سمع ببلخ من مکی بن ابراهیم و بیغداد من عفان و بمکه من المقری و بالبصرة من ابی عاصم... و بالكوفة من عبیدالدین موسی و بالشام من ابی المغیره... و بعسقلان من آدم و بحمص من ابی الیمان و بدمشق من...^۱

حوزه‌های حدیثی در این قرن فراوان بودند؛ ولی صاحبان «صحاح ششگانه» اغلب در شهرهای مدینه، مکه، عراق، ری، نیشابور و خراسان رشد کردند و اغلب در همان جا دفن شده‌اند؛ مانند مسلم در نیشابور، بخاری در سمرقند، ترمذی در ترمذ^۲ و... محدثان گرچه از نظر جغرافیایی از یکدیگر دور بودند؛ اما ارتباطات و مسافرت بین مراکز حدیثی برای دریافت احادیث - بویژه از شیوخ اصیل تر و بدون واسطه - رواج داشت.

عصر طلایی پیدایش صحاح ششگانه

محدثان متقدم اهل سنت - بویژه در قرن سوم - از جمله بخاری، مسلم، نسائی، ترمذی و... با توجه به فرصتهای فراهم شده، مجموعه‌هایی حدیثی فراهم کردند که آن دوران را در بین تاریخ حدیث اهل سنت ممتاز ساخت و به «قرن طلایی» در تدوین حدیث مشهور کرد.^۳ محمد ابوزهو آن دوران را سرآمد دیگر دورانها می‌داند و می‌گوید:

هذا والقرن الثالث يعتبر أجلّ عصور الحديث وأسعدها بتدوين الحديث و تقریبه علی طالبه ففیه ظهر كبار المحدثین و حذاق الناقدین چهره المؤلفین و فیه ظهرت كتب الخمسة.^۴

در عصر طلایی حدیث، کتب ششگانه (صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابن

۱. تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۵۵۵؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۳۹۴

۲. مقدمه ابن صلاح، ص ۲۱۷

۳. تاریخ حدیث، ص ۳۴؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۵۱

۴. الحديث والمحدثون، ص ۳۶۷

ماجه، سنن ابی داود، سنن ترمذی و سنن نسائی) و یا از نظر برخی کتابهای پنج‌گانه (صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داود، سنن ترمذی و سنن نسائی)^۱ شکل گرفتند. جز این کتابها مجموعه‌های حدیثی دیگری نیز شکل گرفت که صحاح ششگانه یا پنجگانه آنها شهرت بیشتر یافت که به ترتیب زمانی چنین است:

۱. صحیح بخاری یا الجامع الصحیح، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶)؛

۲. صحیح مسلم، ابو الحسین مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری (م ۲۶۱)؛

۳. سنن ابن ماجه، محمد بن یزید بن ماجه قزوینی (م ۲۷۳)؛

۴. سنن ابی داود، سلیمان بن اشعث بن اسحاق سجستانی (م ۲۷۵)؛

۵. سنن یا جامع ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره سلمی

ترمذی (م ۲۷۹)؛

۶. سنن نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب بن علی نسائی (م ۳۰۳).

کتابهای مذکور به انضمام موطا که از مالک در قرن دوم بود، جوامع اولیه حدیثی اهل سنت را تشکیل می‌دهد. بررسی منزلت و ویژگیهای هر یک از این کتابها به درس جوامع حدیثی اهل سنت مربوط می‌باشد.

در قرن سوم در بین صحاح ششگانه تدوین صحیح بخاری و صحیح مسلم اهمیت وافری در میان اهل سنت یافت تا آنجا که سیوطی آنها را «اصح الکتب» بعد از قرآن می‌داند^۳ و صحیح بخاری را نیز بر صحیح مسلم ترجیح داده و می‌گوید: «والبخاری اصحها»^۴ برخی از عالمان اهل سنت معتقدند که صحیح مسلم به جهت اتصال و اتقان، صحیح‌تر است؛^۵ ولی محمد ابوزهو ادله‌ای اقامه می‌کند که صحیح بخاری صحیح‌تر است؛ مانند شهادة اهل فن، اتصال سند و اتقان رجال، سلامت از شذود

۲. تاریخ حدیث، ص ۳۵

۱. اضاء علی السنة المحمدیه، ص ۳۱۹

۳. تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۱، ص ۹۱

۴. همان

۵. همان، ص ۲-۹۱

و علت و...^۱ در هر حال، قرنهای بعدی، خود را به کتابهایی مفتخر می‌دانند که در قرن سوم نگاشته شد و محور و مرجع کتابهای حدیثی قرنهای دیگر قرار گرفت. از نظر برخی از محققان اهل سنت و شیعه - بویژه در دوران معاصر - قرن سوم به علت تردیدهایی که در مورد صحیح بخاری و صحیح مسلم است، نمی‌توان آن را عصر ممتازی دانست؛ زیرا در این دو کتاب روایات ضعیف و در مواردی ناسازگاری‌های متنی به چشم می‌خورد و برخی از راویان آنها هم تضعیف شده‌اند.^۲ برخی نیز در مورد روایات آنها گفت و گو کرده‌اند که آیا صحت آنها علمی است یا ظنی.^۳ عده‌ای هم معتقدند که بخاری و مسلم هم در سند و هم در مورد حذف برخی از متن و نقل به معنا و تقطیع روایات، در مواردی دچار کاستی شده‌اند؛ خصوصاً که از معاصر بزرگ خود، مانند امام صادق، امام کاظم علیه السلام و... هیچ روایتی ذکر نکرده است.^۴

مهم‌ترین شخصیتها و مجموعه‌های حدیثی اهل سنت

در قرن سوم مجموعه‌های حدیثی فراوانی نوشته شد که برخی مسانید و برخی از جوامع حدیثی شمرده شدند. مسانید برخی از قرن دوم شروع شده بود و در قرن سوم تداوم یافت؛ از جمله آنها می‌توان مسندهای ذیل را نام برد: مسند عبسی کوفی (م ۲۱۳)، مسند حمیدی (م ۲۱۹)، مسند بن مسرهد (م ۲۲۸)، مسند اسحاق بن راهویه (م ۲۳۸)، مسند عثمان بن ابی شیبه (م ۲۳۹)، مسند احمد بن حنبل (م ۲۴۱). برخی از مسندها نیز غالب آنها در قرن سوم تدوین شد، مانند مسند حلوانی

۱. الحدیث و المحدثون، ص ۳۹۱

۲. اضاء علی السنة المحمدیه، ص ۳۰۲-۳۱۶

۳. الحدیث و المحدثون، ص ۳۹۶

۴. معالم المدرستین، ج ۳، ص ۳۹؛ جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۱۰۴؛ آشنایی با علوم

(م ۲۴۲)، مسند ابی عمرو عدنی (م ۲۴۳)، مسند عبد بن حمید (م ۲۴۹)، مسند دارمی سمرقندی (م ۲۵۵)، مسند ابن ابی شیبیه سدوسی (م ۲۶۲)، مسند بقی بن مخلد قرطبی (م ۲۷۶)، مسند سمسار محدث ابواسحاق (م ۲۸۲)، مسند ابن ابی عاصم شیبانی (م ۲۸۷)، مسند بزار (م ۲۹۲)، مسند کجی بصری (م ۲۹۲) و...^۱ در بین مسندهای قرن سوم، پس از مسند احمد بن حنبل، مسند ابی شیبیه که از مسانید قرن دوم نیز به شمار رفته‌اند، مسند دارمی (م ۲۵۵) و مسند یعقوب بن ابی شیبیه (م ۲۶۲)، مسند قرطبی (م ۲۷۶)، از مهم‌ترین مسندها بوده‌اند. از نظر جامعیت، پس از مسند احمد بن حنبل (م ۲۴۱)، مسند بقی بن مخلد قرطبی (م ۲۷۶)، در ردیف کامل‌ترین مسندها شمرده شده‌اند.^۲

در قرن سوم مجموعه‌های حدیثی فراوانی شکل گرفت که در بین آنها، صحیح مسلم و صحیح بخاری از اهمیت بیشتر برخوردار شدند. بخاری (م ۲۵۶) و مسلم (م ۲۶۱) مهم‌ترین شخصیت‌های حدیثی قرن سوم به شمار می‌روند؛ از این رو، به اختصار به هر یک از آنان می‌پردازیم.

الف) بخاری و صحیح او

ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری جعفری در سال ۱۹۴ در بخارا به دنیا آمد^۳ و پس از فوت پدر در کودکی با سرپرستی مادر، به تحصیل علوم دینی پرداخت. او پس از مدتی اقامت در مدینه و مسافرت‌های طولانی به برخی از سرزمین‌های اسلامی، در حدیث به استادی دست یافت و از محدثان معروف گردید و صدها روایت را حفظ و جمع‌آوری کرد.^۴ او در مسافرت‌ها با شیوخ حدیثی بزرگی در مکه، شام، عراق و... روبرو شد و از آنان نقل حدیث کرد و مورد ستایش بزرگان واقع شد.^۵ ابو عبدالله

۱. تاریخ حدیث، ص ۳۳ ۲. جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۴۴

۳. الاعلام، ج ۶، ص ۳۴ ۴. تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۵۵۵

۵. الحدیث والمحدثون، ص ۳۵۴

بخاری از نظر کلامی به خلق قرآن معتقد بود و در برابر متکلمان و عموم مردم، مقاومت‌های فراوان کرد و به ناچار به نیشابور رفت.^۱ او تألیفات متعددی دارد؛ از جمله تاریخ الكبير، تاریخ الاوسط، تاریخ الصغير و...^۲

مهم‌ترین کتاب او، صحیح وی به شمار آمد که فراگیر روایات صحیح در سنن النبی بود. بخاری در نظر داشت روایات صحیح را که محدثان و شیوخ وی بر آن مهر تأیید زده بودند، گرد آورد و سپس به کمک آنها، احکام تکلیفی و اخلاقی را به دست آورد. کتاب صحیح بخاری ۷۲۷۵ و یا ۷۳۹۷ روایت دارد که با حذف مکررات - طبق نظر ابن صلاح - به چهار هزار حدیث می‌رسد.^۳ صحیح بخاری از ۹۷ کتاب و بیش از سه هزار باب برخوردار است و فراگیر روایات مهمی برای اهل سنت هست.^۴ به دلیل اهمیت این کتاب در قرنهای بعدی شرحها، مستدرکات و تعلیقات فراوانی برای آن نوشته شد. بخاری در سال ۲۵۶، در روستای خرتنگ سمرقند وفات یافت.

ب) مسلم و صحیح او

ابوالحسین مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری در سال ۲۰۶ در نیشابور چشم به جهان گشود^۵ و از همان آغاز به تحصیل حدیث پرداخت. او همچون استاد خود، بخاری، به مسافرت‌هایی علمی رفت^۶ تا از استادان حدیثی خود، احادیث را متصل و با کمترین واسطه دریافت کند. استادان او؛ احمد بن حنبل، اسحاق بن راهویه، بخاری و... بوده‌اند که در رشد علمی وی تلاش فراوان کردند؛ بدین جهت او محدثی بزرگ و نامی شد.

مهم‌ترین اثر مسلم در حدیث، کتاب صحیح او است که از نظر اهل سنت صدها

۲. حياة البخاری، ص ۶۶

۱. جوامع حدیثی اهل سنته ص ۶۸

۳. مقدمه ابن صلاح فی علوم الحدیثه ص ۲۳

۵. الاعلام، ج ۷، ص ۲۲۱

۴. جوامع حدیثی اهل سنته ص ۷۵

۶. تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۵۸۱

حدیث صحیح را در موضوعات گوناگون دربر دارد. خود او می‌گوید: کتاب صحیح را از میان سیصد هزار حدیث که شنیدم، فراهم آوردم.^۱ صحیح مسلم پس از صحیح بخاری، در بین صحاح رتبه بالایی دارد و در بین عالمان حدیثی، بسیار معتبر است. صحیح مسلم ۵۴ کتاب و ۷۲۷۵ روایت دارد و با مقدمه خود او شروع شده است که بیانگر انگیزه و چگونگی تألیف آن کتاب است.

مسلم کوشیده در صحیح خود، ترتیبی بهتر از بخاری ارائه کند. او تلاش کرد از تقطیع حدیث بپرهیزد و روایات را بدون تکرار در ابواب بیاورد و روایات مکرر را در همان باب ذکر می‌کند؛ بدین جهت یافتن طرق و سند روایات، روان‌تر از صحیح بخاری است.^۲ برای صحیح مسلم نیز شرحها، حواشی و ... نگارش شده است. مسلم در سال ۲۶۱ در نیشابور وفات یافت و در همان محل دفن شد.

۱. تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۱۰۲

۲. جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۹۱

پرسش

۱. حدیث‌نگاری در قرن سوم چگونه تداوم یافت؟
۲. محدثان در قرن سوم با چه مشکلاتی روبه‌رو بودند؟
۳. چگونگی تنقیح، اهداف و بانیان آن را بیان کنید.
۴. طبقه‌بندی روایات، در چه مقطعی و چگونه انجام شد؟
۵. اقسام جوامع حدیثی کدامند و چه تمایزی با یکدیگر دارند؟
۶. مراکز حدیث در قرن سوم کدام شهرها بودند؟
۷. ترتیب صحاح ششگانه را همراه مؤلفان آنها ذکر کنید.
۸. مهم‌ترین شخصیت‌های حدیثی قرن سوم را معرفی نمایید.

پژوهش

۱. نقش خلفای عباسی را در قرن سوم، در برخورد با حدیث و محدثان، تحلیل کنید؛
۲. مقدار جعل حدیث، جاعلان و انگیزه‌های آنان را در قرن سوم تحلیل نمایند؛
۳. با بررسی روایات اعتقادی مانند «نزول قرآن بر هفت حرف» در قرن سوم، مقدار نقل به معنا را معین کنید؛
۴. موضوع و طرفهای نزاع محدثان و متکلمان در قرن سوم را بررسی کنید؛
۵. سرزمینهایی که در قرن سوم مرکز حدیث بوده‌اند، از نظر اولویت و مهم‌ترین استادان آن را بررسی کنید؛
۶. دیدگاههای محدثان معاصر اهل سنت را در مورد منزلت صحیح بخاری و صحیح مسلم و چگونگی تدوین آن، بیان نمایید؛
۷. تأثیر دوران طلایی حدیث را در قرنهای بعدی تحلیل کنید؛
۸. ویژگیهای متن، مؤلف و مسندهایی را که اغلب در قرن سوم نگارش شدند، تحلیل نمایید.

۵

اهتمام متأخران به حدیث (قرن چهارم تا ششم)

در مراحل پیشین دوران متقدمان قرن دوم و سوم و تحولات مربوط به حدیث - از جمله عصر طلایی شکل‌گیری «صحاح ششگانه» - بررسی شد. اکنون دوران متأخران از قرن چهارم تا سیزدهم مورد بررسی قرار می‌گیرد. در قرن چهارم تا ششم، یعنی آغاز دوران متأخران فعالیت‌های حدیثی همچنان تداوم می‌یابند؛ اما در مقایسه با قرن سوم و دوران متقدمان، چشمگیر نیست و محدثان دوران متأخران، پس از اطمینان به شکل‌گیری «صحاح ششگانه»، کمتر در صدد حرکت‌های تاریخ‌ساز هستند و اغلب به تکمیل و تنظیم صحاح ششگانه، اشتغال دارند؛ گرچه که برخی از مجموعه‌های جدید نیز ظهور کرد.

از طرفی در قرن چهارم به بعد، با گسترش حکومت اسلامی به نقاط دوردست از جمله اندلس و ... تمرکز حکومت اسلامی از بین می‌رود^۱ و کمتر فعالیت‌های حدیثی هماهنگ است. از طرف دیگر، نزاع‌های بین دولت‌های اسلامی و غلبه قدرتهای سلطنتی بر سرزمین‌های اسلامی مانند فاطمیون، سلجوقیان، آل بویه، اتابکیه، ایوبیان^۲ و ... سبب اشتغال مسلمانان به امور دیگر می‌شود؛ ولی در هر حال، محدثان

۱. الحدیث والمحدثون، ص ۴۲۱

۲. تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر، ج ۲۳-۲۸، حوادث قرن ۴-۶

متأخر نیز بین قرن چهارم تا ششم، بر تکمیل و تهذیب آثار پیشینیان و برخی تألیفات جدید در حوزه حدیث از جوامع تا تجدید مسند نویسی و به گسترش علوم حدیثی همت گماشتند که مهم ترین فعالیت آنها به شرح ذیل است:

تکمیل و تنظیم جوامع حدیثی پیشین

مهم ترین اقدامات محدثان در دوره متأخر - بویژه در قرن چهارم تا ششم - تکمیل و تنظیم مجموعه های حدیثی «صحاح ششگانه» است که در مواردی به همراه پالایش و تنقیح روایات بوده است. محدثان متأخر دریافتند که «صحاح ششگانه»، گرچه بسیار ارزشمند هستند، در مواردی نتوانسته اند همه روایات صحیح و معتبر را گرد آورند. از طرف دیگر، همه احادیث آن نیز نمی تواند کامل باشد و نیازمند حذف، اصلاحات و یا اضافات است؛ از این رو، می توان آن دوره را دوره «تکمیل و تنظیم» نامید و از نظر مستدرک نویسی، مستخرج نویسی، شرح های صحاح ششگانه، گردآوری روایات صحاح، موضوع نویسی، اطراف نویسی و ... مورد بررسی قرار داد.

الف) مستدرک نویسی

مقصود از مستدرک، مجموعه های حدیثی است که در جهت تکمیل کتابی و بر اساس روش آن جمع آوری می شود و مؤلف آن کتاب بر اساس تقسیم بندی خود، می بایست آن روایات را ذکر می کرد.^۱ محمد ابوزهو در تعریف مستدرک می گوید:

الاستدراك فی اصطلاح اهل الحديث هو جمع الاحاديث التي تكون على شرط احد المصنفين ولم يخرجها في كتابه.^۲

محدثان متأخر با هدف تکمیل روایات صحیح بخاری و صحیح مسلم مستدرکاتی بر آن دو نوشتند؛ زیرا معتقد بودند که «بخاری» و «مسلم» تمام روایات صحیح را در

۱. علم الدراية تطبيقی، ص ۲۶۸؛ جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۱۱۹

۲. الحديث والمحدثون، ص ۴۰۷

کتابهای خود نیاورده‌اند و از طرفی ممکن است آنها در صدد جمع‌آوری کل روایات صحیح نیز نبوده‌اند؛ از این رو، مجموعه‌های حدیثی با توجه به تکمیل این دو کتاب با عنوان «مستدرکات» سامان یافت تا متمم کتابهای صحیح مسلم و صحیح بخاری باشد که مهم‌ترین آنها بر اساس تاریخ نگارش چنین است:

۱. الالزامات علی الصحیحین: نخستین نگاشته در استدرک بر صحیح مسلم و صحیح بخاری از ابوالحسن علی بن عمر بن احمد، معروف به دارقطنی (م ۳۸۵) است. او روایاتی را که طبق شرط «بخاری» و «مسلم» بوده است، گردآوری کرده و ذکر آن روایات را لازم شمرده است. کتاب او به شیوه «مسانید» سامان یافته است.^۱

۲. المستدرک علی الصحیحین: این کتاب از ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن حمدویه، معروف به حاکم نیشابوری (م ۴۰۵)^۲ می‌باشد و مهم‌ترین و معروف‌ترین مستدرک نام گرفته^۳ و روایاتی را دربر دارد که با شرط مسلم و بخاری تطبیق می‌کند. سیوطی در مورد او می‌گوید:

واعتی الحافظ ابو عبدالله الحاکم فی المستدرک بضبط الزاید علیهما مما هو علی شرط هما او شرط احدهما او صحیح وان لم یوجد شرط احدهما، معبراً عن الاول بقوله: هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین او علی الشرط البخاری او مسلم و عن الثانی بقوله: هذا حدیث صحیح الاستاد.^۴

حاکم نیشابوری روایات مهمی را با رعایت شروط مذکور گردآورده؛ اما در عین حال به وی نسبت شیعه‌گری داده‌اند.^۵ کتاب او حاوی بیش از هشت هزار روایت

۱. همان، ص ۴۰۹؛ جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۱۱۹؛ آشنایی با علوم حدیث، ص ۱۵۸

۲. تذکره الحافظ، ج ۳، ص ۱۰۳۹

۳. علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۳۰۷

۴. تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۱، ص ۱۰۵

۵. تأسیس الشیعه، ص ۲۹۴؛ تاریخ حدیث، ص ۴۹، پاورقی

است ذهبی آن را خلاصه کرده و روایات نادرستش را نیز معین نموده است.^۱

۳. المستدرک علی الصحیحین: سومین نوشته در تکمیل صحیح مسلم و صحیح بخاری، کتاب المستدرک تألیف حافظ ابوذر عبد بن احمد بن محمد بن عبدالله انصاری (م ۴۳۴) است. محمد ابوزهو او را از جمله مستدرک نویسان بر این دو کتاب می‌داند و می‌گوید: «المستدرک علی الصحیحین للحافظ ابی ذر... وهو کالمستخرج علی کتاب الدارقطنی».^۲

ب) مستخرج نویسی

مقصود از مستخرج نویسی، گردآوری و تدوین متن حدیثی بود که نویسنده روایات کتاب حدیثی را به غیر از اسناد صاحب کتاب گردآوری می‌کرد. سیوطی می‌گوید: ان یأتی المصنف الی الکتاب فیخرج احادیثه باسانید لنفسه من غیر طریق صاحب الکتاب فیجمع معه فی شیخه او من فوقه.^۳

محدثان اهل سنت در قرن چهارم و ... همزمان با مستدرک نویسی و یا پس از آن، با هدف تکمیل و تحکیم صحیح مسلم و صحیح بخاری می‌کوشیدند روایات این دو کتاب یا یکی از آنها را از طریق غیر اسناد بخاری و مسلم گردآورند؛ طریقی که در نهایت به شیخ بخاری یا طبقات بالاتر منتهی می‌شد و در آن صورت، سند روایات اعتبار بیشتری داشت و حتی متن گویاتر و کامل‌تر بود. در بین عالمان حدیثی قرن چهارم تا ششم، محدثان فراوانی، به مستخرج نویسی رو آوردند.^۴

«مستخرج نویسی» اغلب در قرن چهارم و پنجم شکل گرفته است و فایده‌های

۱. تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۱، ص ۱۰۶؛ الحدیث والمحدثون، ص ۴۰۸؛

جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۱۲۴

۲. الحدیث والمحدثون، ص ۴۰۹

۳. تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۱، ص ۱۱۲

۴. الحدیث والمحدثون، ص ۴۰۳؛ علوم الحدیث و مصطلحها، ص ۳۰۸

فراوانی داشت؛ محمد ابوزهو برای آن، نه فایده مهم برمی شمارد.^۱

مهم‌ترین «مستخرجها» به ترتیب زمانی چنین است^۲: مستخرج ابو عوانه یعقوب بن اسحاق اسفرائینی (م ۳۱۶) بر صحیح مسلم؛ مستخرج ابونصر طوسی (م ۳۳۹) بر صحیح مسلم؛ مستخرج شیبانی، معروف به ابن الاخرم (م ۳۴۴) بر صحیحین؛ مستخرج ابو عثمان الحمیری (م ۳۵۳) بر صحیح مسلم؛ مستخرج ابو حامد شافعی (م ۳۵۵) بر صحیح مسلم؛ مستخرج ابوعلی ماسرخسی (م ۳۶۵) بر صحیحین؛ مستخرج ابوبکر اسماعیلی جرجانی (م ۳۷۱) بر صحیح بخاری؛ مستخرج ابواحمد غطریفی (م ۳۷۷) بر صحیح بخاری؛ مستخرج حافظ بن ابی ذهل هروی (م ۳۷۸) بر صحیح بخاری؛ مستخرج ابوبکر جوزقی (م ۳۸۸) بر صحیح مسلم؛ مستخرج ابوبکر بن عبدان شیرازی (م ۳۸۸) بر صحیحین؛ مستخرج ابوبکر بن مرویه (م ۴۱۶) بر صحیح بخاری؛ مستخرج ابوبکر برقانی (م ۴۲۵) بر صحیح بخاری؛ مستخرج ابوبکر البردی (م ۴۲۸) بر صحیحین؛ مستخرج ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰) بر صحیحین؛ مستخرج ابوذر الهروی (م ۴۳۴) بر صحیحین؛ مستخرج ابو محمد الخلال (م ۴۳۹) بر صحیحین؛ مستخرج ابو مسعود سلیمان بن ابراهیم اصفهانی (م ۴۸۶) بر صحیحین و....

پ) شرح‌های صحاح ششگانه

از جمله اقدامات مهم در دوره متأخران - بویژه در قرن چهارم تا ششم - در جهت تکمیل و تنظیم صحاح ششگانه، شرح نویسی بر آنها است، که شامل توضیح متن، تعلیقه بر متن و شرح حال راوی می‌باشد. شارحان در مواردی، به شرح پراکنده

۱. الحدیث والمحدثون، ص ۴۰۵

۲. مصطفی کاتب چلبی، کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، ج ۱، ص ۱۶۷؛ تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۱، ص ۱۱۱؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۷۷؛ الحدیث والمحدثون، ص ۴۰۴

روایاتی که در «صحاح ششگانه» آمده، پرداخته‌اند و آنها را با کمک دیگر روایات، مورد بررسی و تحلیل قرار داده و یا تعلیقه‌هایی بر آن افزوده و غرائب آن را بیان کرده‌اند.^۱ آنان در مواردی به شرح ترتیبی کل یا بخشهایی از «صحاح ششگانه» یا حال راویان آنها پرداخته شد.

بیشترین شرحها در مورد صحیح بخاری^۲ و سپس صحیح مسلم نوشته شده است که برخی از آنها چنین است:^۳

۱. اعلام التلویح فی شرح صحیح البخاری، ابوسلیمان خطابی (م ۳۸۸)؛
۲. شرح صحیح البخاری، ابن بطال المغربی (م ۴۴۰)؛
۳. شرح صحیح مسلم، اسماعیل بن محمد اصفهانی (م ۵۲۰)؛
۴. الاکمال فی شرح مسلم، قاضی عیاض (م ۵۴۴)؛
۵. معالم السنن، شرح سنن ابوداود ابوسلیمان، احمد بن محمد خطابی (م ۳۸۸)؛
۶. عارضة الاحوذی شرح صحیح الترمذی، ابن عربی مالکی (م ۵۴۳)؛
۷. النجاح فی شرح کتاب اخبار الصحاح، نجم الدین ابو حفص عمر بن محمد نسفی (م ۵۳۷).

ت) گردآوری روایات صحاح ششگانه

گروهی از محدثان در دوره متأخر با هدف تکمیل صحاح ششگانه به گردآوری روایات آنها روی آوردند و مجموعه‌های حدیثی فراهم کردند که دربرگیرنده همه یا اغلب روایات صحاح ششگانه باشند. از این مجموعه‌های حدیثی گاهی با عنوان «جامع صحاح ست» یاد می‌شود که در مواردی با هدف جمع بین «صحیحین» شکل

۲. تاریخ حدیث، ص ۴۱

۱. جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۷۹

۳. جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۸۰، ۹۲، ۱۲۸، ۱۴۷

گرفته‌اند.^۱ برخی از این مجموعه‌ها روایات صحاح ششگانه و مسانید را دربر دارند و برخی دیگر روایات صحاح ششگانه و برخی روایات کتابهای دیگر به ضمیمه مسانید را جمع‌آوری کرده‌اند.

محمد ابوزهو درباره اهمیت گردآوری در قرن چهارم می‌گوید:

... کاد ینتهی القرن الرابع حتی اصبح عمل العلماء قاصراً علی الجمع والترتیب
والتهدیب... الجمع بین الصحیحین... الجمع بین الکتب الستة... الجمع بین
احادیث من کتب المختلفة و...^۲

در جمع بین صحاح یا دیگر آثار حدیثی، گاهی تنظیم روایات بر اساس این کتابها بوده و گاهی بر اساس روایات و به گونه‌ای مستقل.

مهم‌ترین جمع نویسی و گردآوری روایات بر اساس ترتیب زمانی چنین است:^۳

۱. جمع بین الصحیحین، جوزقی نیشابوری (م ۳۸۸)؛

۲. جمع بین الصحیحین، اسماعیل بن احمد، معروف به ابن فرات سرخسی

هروی (م ۴۱۴)؛

۳. جمع بین الصحیحین، ابو عبدالله محمد بن ابی نصر، معروف به

حُمیدی (م ۴۸۸)؛

۴. جمع بین الصحیحین، بغوی (م ۵۱۶)؛

۵. مصابیح السنه، بغوی (م ۵۱۶) جمع بین احادیث صحاح ششگانه؛

۶. التجرید للصحاح الستة، سرقسطی (م ۵۳۵)؛

۷. جمع بین الصحیحین، اشبیلی (م ۵۸۲)؛

۸. جامع المسانید، ابن جوزی (م ۵۹۷)؛

۹. جامع الاصول من احادیث الرسول، ابن اثیر جزری (م ۶۰۶).

۱. تاریخ حدیث، ص ۴۲ ۲. الحدیث والمحدثون، ص ۳۰-۴۲۹

۳. همان؛ جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۱۷۰؛ تاریخ حدیث، ص ۴۲

ث) موضوع نویسی

در شمار تلاشهای متأخران اهل سنت، برای تهذیب و تکمیل روایات، تفکیک احادیث موضوع و جعلی از غیر آن است. این حقیقت در دوره متأخران بهتر روشن شد که «صحاح ششگانه» یا در دیگر مجموعه‌های روایی، برخی از روایات جعلی راه یافته است. محمود ابوریه به نقل از بیهقی می‌آورد:

أخرج البيهقي بسنده عن ابن عباس قال: إذا حدثتكم بحديث عن رسول الله فلم تجدوا تصديقه في الكتاب أو هو حسن في أخلاق الناس فانه كاذب والاحاديث الموضوعه لا يمكن حصرها وقد جمع منها ابن جوزي والسيوطي وغيرهما مجلدات كثيرة.^۱

موضوع نویسی، اغلب از قرن چهارم آغاز می‌شود و تا قرنهای بعدی تداوم می‌یابد. موضوع نویسان نخست روایات موضوع را شناسایی و سپس طبقه‌بندی کردند و در مجموعه‌های مستقل گردآوردند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:^۲

۱. الموضوعات، ابوسعید محمد بن علی بن عمرو النقاش حنبلی (م ۴۱۴)؛
۲. تذکرة الموضوعات، محمد بن طاهر مقدسی (م ۵۰۷)؛
۳. الموضوعات فی الاحادیث المرفوعات، همدانی جوزقی (م ۵۴۳)؛
۴. الموضوعات الکبری، ابوالفرج عبدالرحمن بن الجوزی (م ۵۹۷).

ج) اطراف نویسی

از جمله کوششهای متأخران در فاصله قرن چهارم تا ششم، اهتمام به اطراف‌نویسی برای احادیث است. محمد ابوزهو این اقدام را از جمله حوادث دور ششم، (فاصله سال‌های ۳۰۰-۴۵۶) برمی‌شمرد^۳ و می‌گوید:

هذا وقد وجد في هذا الدور طائفة من المحدثين عملوا ما يُستَمَى بكتب

۱. اضواء علی السنة المحمدیه، ص ۱۴۱

۲. تدريب الراوی فی شرح تقریب النوای، ج ۱، ص ۲۷۸؛ السنة قبل التدوین، ص ۱۹۰؛

۳. الحدیث والمحدثون، ص ۱۵

تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۸۲

الاطراف وطریقتهم فیها ان یذکروا طرفاً من الحدیث یدل علی بقیته.^۱

اطراف نویسی احادیث که در جهت تکمیل مجموعه‌های حدیثی بوده، با هدف دسترسی آسان بر حدیث و اسانید آن شکل گرفته است؛ زیرا اطراف نویسان با هدف تدوین راهنمای حدیث‌یاب، کتابهای «اطراف» را تدوین کردند که در آن قسمت اصلی و یا عبارتهای مهم هر روایتی را که آن را «طرف الحدیث» نامیده‌اند، برگزیده و به همراه طرق و اسانید آن روایت ذکر می‌کنند. مانند عبارت: «من کنت مولاه» در روایات غدیر.^۲

در اطراف نویسی لازم بود تا پس از ذکر طرف حدیث، سند به شکل کامل و از تمام طرق و یا مقید به کتابهای مخصوص و به همراه باب حدیث ذکر شود تا دسترسی روان به سند و متنهای حدیثی ممکن باشد. اطراف نویسی اغلب در مورد صحیح بخاری و صحیح مسلم انجام شده است. مهم‌ترین مجموعه‌هایی که در «اطراف حدیث» نگارش شده، چنین است:^۳

۱. اطراف الصحیحین، للحافظ ابراهیم بن محمد بن عبید الدمشقی (م ۴۰۰)؛
۲. اطراف الصحیحین، حافظ بن محمد خلف بن محمد واسطی (م ۴۰۱) که از نظر این عساکر از ترتیب بهتر بوده و خطای کمتری دارد؛
۳. اطراف الصحیحین، حافظ ابی نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م ۴۳۰)؛
۴. اطراف السنن الاربعه، حافظ ابی القاسم علی بن الحسن، ابن عساکر دمشقی، (م ۵۷۱) که بر حروف معجم مرتب شده و با نام اشراف علی معرفة الاطراف معروف است؛
۵. اطراف الکتب السنه (الصحیحیان و السنن الاربعه)، حافظ محمد بن طاهر مقدسی (م ۵۰۷) که شمس الدین دمشقی آن را خلاصه و منظم کرده است.

۱. همان، ص ۴۳۳ ۲. درایة الحدیث، ص ۱۷۵

۳. کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، ج ۱، ص ۸۵ الحدیث والمحدثون، ص ۴۳۳؛

تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۷۹

تدوین جوامع حدیثی جدید

تعدادی از محدثان متأخر اهل سنت در قرنهای چهارم تا ششم دریافتند که نمی‌توان به صحاح ششگانه اکتفا کرد و تنها به تکمیل و پالایش آنها پرداخت؛ این کتابها در جای خود، منابع مهمی به شمار آمدند - بویژه صحیح بخاری و صحیح مسلم که مهم‌ترین مجموعه روایی اهل سنت شمرده شدند - ولی روایاتی یافت می‌شد که در کتابهای پیشین وجود نداشت و ضروری بود تا آنها در کنار دیگر روایات با نظمی جدید و تألیفی بدیع گردآوری شود.^۱

در تدوین جوامع حدیثی جدید، به جمع‌نویسی روایات کتابهای پیشین یا تکمیل سند و یا متن آنها کمتر توجه می‌شد و مؤلفان آنها، در اندیشه تألیفات حدیثی بدیعی به صورت مصنف یا مسند و بویژه در موضوعات فقهی بودند که می‌توانست مرجع فقها هر عصر باشد این کتابها که در کنار جوامع پیشین شهرت یافتند، عبارتند از:^۲

۱. شرح معانی الآثار، طحاوی (م ۳۲۱)؛
۲. سنن همدانی، ابوبکر محمد بن یحیی همدانی شافعی (م ۳۴۷)؛
۳. سنن ابن سکن، ابوعلی سعید بن عثمان بن سکن (م ۳۵۳)؛
۴. المسند الصحیح، ابن حبان (م ۳۵۴)؛
۵. معاجم طبرانی، (م ۳۶۰)؛
۶. السنن دارقطنی، حافظ علی بن عمر (م ۳۸۵)؛
۷. سنن ابن لال، احمد بن محمد بن علی بن همدانی (م ۳۹۲)؛
۸. مسند ابن جمیع، ابو الحسین محمد بن احمد بن محمد بن جمیع (م ۴۱۸)؛
۹. مسند خوارزمی، حافظ ابوبکر احمد بن محمد برقانی خوارزمی (م ۴۲۵)؛

اهتمام متأخران به حدیث (قرن چهارم تا ششم) ۲۶۵

۱۰. السنن بیهقی، حافظ ابوبکر احمد بن حسین خسروجردی (م ۴۵۸)؛

۱۱. الاحکام الصغری، عبدالحق اشبیلی (م ۵۸۲)؛

۱۲. عمدة الاحکام، عبدالغنی بن عبدالواحد، مقدسی جماعیلی (م ۶۰۰).

گسترش علوم حدیثی

در پایان قرن سوم تا آغاز قرن چهارم و سپس قرن پنجم و دورانهای بعد، توجه متأخران به حدیث و اهمیت دادن به سند و متن - بخصوص در کنار تنقیح و تکمیل «صحاح ششگانه» - سبب پیدایش و در مواردی گسترش علوم و شاخه‌های حدیثی شد؛ مانند علم رجال و جرح و تعدیل، مصطلح و یا درایة الحدیث، علل الحدیث، غریب الحدیث و ... که بدانها اشاره می‌شود:

الف) جرح و تعدیل یا رجال شناسی

اهمیت دادن مسلمانان به راویان و رجال سند، از زمان صحابه وجود داشت^۱ تا آنجا که از حضرت علی رضی الله عنه روایت شده «اذا حدثتم بعديث فاسندوه الى الذي حدثكم».^۲ از همان آغاز، کسانی بر ضبط احوال راویان همت گماشتند که همواره گزارش آنان سبب جرح و تعدیل نسلهای بعد می‌شد. کتابهایی نیز برای شناخت راویان شکل گرفت؛ از جمله: الجرح والتعدیل، امام احمد بن حنبل (م ۲۴۱)؛ الجرح و التعدیل، جوزجانی (م ۲۵۹)؛ الضعفاء، بخاری (م ۲۵۶)؛ تاریخ الرواة ابن معین (م ۲۳۳)؛ التاريخ، احمد بن حنبل (م ۲۴۱)؛ التاريخ الكبير، بخاری (م ۲۵۶)؛ طبقات الرواة شیبانی (م ۲۴۰)؛ طبقات التابعین، مسلم قشیری (م ۲۶۱)^۳ و ...؛ اما در قرن چهارم تا

۱. اضواء علی السنه المحمديه، ص ۳۳۱

۲. کافی، ج ۱، ص ۵۲؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۶۱

۳. السنة قبل التدوين، ص ۱۷۳-۱۹۳

ششم علم «رجال» و «جرح و تعدیل» راویان به علت بررسی راویان صحاح ششگانه، تحولی شگرف را شاهد بود و آثار ذیل که اغلب ناظر به حال راویان آنها بود، سامان یافت و راوی شناسی رونق فراوان گرفت^۱:

۱. تاریخ الضعفاء والمتروکین، نسائی (م ۳۰۳)؛

۲. الجرح والتعدیل، رازی (م ۳۲۷)؛

۳. الثقات، ابن حسان بستی (م ۳۵۴)؛

۴. الکامل فی معرفة الضعفاء المحدثین، جرجانی (م ۳۶۵)؛

۵. الضعفاء والمتروکین، ابن جوزی (م ۵۹۷).

در بین متأخران در مورد اسباب جرح و تقدم آنها بر یکدیگر، مباحثات جدی در آن دوران وجود داشت^۲ که اغلب ناظر به راویان صحیح بخاری و صحیح مسلم یا سنن حدیثی بود. آنان با هدف آشنایی بیشتر با راویان، آثاری دیگری در شناخت نام راویان در سندهای حدیث، طبقات و تألیفات آنان و... به وجود آوردند؛ مانند کتاب الصحابه، ابی حاتم ابن حبان بستی (م ۳۵۴)؛ الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، لابی عمر یوسف بن عبدالله قرطبی مالکی (م ۴۶۳)؛ الهدایة و الارشاد فی معرفة اهل الثقة و السداد، لابی النصر کلاباذی (م ۳۹۸)؛ تاریخ النیشابور، حاکم نیشابوری معروف به ابن البیع، (م ۴۰۵)؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی (م ۴۹۳)؛ الجمع بین رجال الصحیحین، محمد بن طاهر مقدسی شیبانی (م ۵۰۷)؛ تاریخ دمشق، ابن عساکر دمشقی (م ۵۷۱)؛ الکمال فی اسماء الرجال، جماعیلی دمشقی (م ۶۰۰) و...^۳

۱. همان، ص ۱۸۱-۱۹۰؛ تاریخ حدیث، ص ۵۴

۲. تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۱، ص ۳۰۵؛ اضواء علی السنه، ص ۳۳۲

۳. السنه قبل التدوین، ص ۱۷۳-۱۹۳؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۹۳

ب) مصطلح الحدیث یا علم الدرایه

هم عصر با گسترش دانش «رجال الحدیث»، دانش «مصطلح الحدیث» نیز برای شناسایی روایات - بویژه در قرن چهارم تا ششم برای شناسایی روایات صحاح ششگانه - و ارزشیابی آنها رشد کرد. علم الدرایه که از سند و متن و چگونگی بازگویی آنها گفت و گو می‌کرد،^۱ از دانش‌هایی است که می‌توان آغاز رسمی آن را ابتدای قرن چهارم دانست. نخستین کسی که مصطلحات حدیثی را تحریر کرد، قاضی ابو محمد حسن بن عبدالرحمن رامهرمزی (م ۳۶۰) است. سیوطی می‌گوید: فلما كانت المائة الرابعة وفيها نضجت العلوم واستقر الاصطلاح، الف القاضی ابو محمد الحسن بن عبدالرحمن بن خلاد الرامهرمزی من علماء اهل السنة والمتوفى لسنة (۳۶۰) فجمع في ذلك العلم كثيراً من انواعه في كتابه المحدث الفاصل بين الراوی والواعی.^۲

پیش از رامهرمزی، مباحثاتی در مورد حدیث متصل، مرسل و ... وجود داشته است؛ ولی قرن چهارم، شاهد نخستین اثر درایه به نام المحدث الفاصل بین الراوی و الواعی بود.^۳ در ادامه حاکم نیشابوری (م ۴۰۵) کتاب معرفة علوم الحدیث را نوشت و سپس ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰) به تکمیل کتاب نیشابوری می‌پرداخت. در ادامه خطیب بغدادی (م ۴۶۳) کتابهای الکفایة فی قوانین الروایه و الجامع لآداب الشیخ و السامع، قاضی عیاض (م ۵۴۴) کتاب الالماع فی ضبط الروایة و تقييد الاسماع و سپس ابوحفص عمر بن عبدالمجید المیانجی (م ۵۸۰) کتاب ما لا یسع المحدث جهله را فراهم آوردند.^۴

۱. تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۱، ص ۴۰؛ علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۱۵۰؛

علم الدرایة تطبیقی، ص ۱۲

۲. تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۱، ص ۵

۳. اصول الحدیث علومه و مصطلحه، ص ۴۵۳؛ علم الدرایه تطبیقی، ص ۱۴

۴. تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۱، ص ۶؛ اضواء علی السنة المحمدیه، ص ۲۷۳

پ) علل الحدیث

از جمله علوم مهم حدیثی، علم «علل الحدیث» است که حدیث آن را معلل گویند.^۱ در این دانش از عیبهای (سندی و متنی) پنهان در حدیث، گفت و گو می‌شود.^۲ علم «علل الحدیث» از قرن سوم شکل می‌گیرد و نخستین علل از یحیی بن معین (م ۲۳۳) و سپس احمد بن حنبل (م ۲۴۱) است؛ ولی در قرن چهارم، با تعریض بر کتاب صحاح ششگانه رشد می‌کند؛ مانند کتابهای علل الحدیث، ابی حاتم (م ۳۲۷)؛ علل الحدیث، دارقطنی (م ۳۷۵)؛ علل الحدیث، حاکم نیشابوری (م ۴۰۵)؛ علل الحدیث، ابن جوزی (م ۵۹۷) که مهم‌ترین آن، کتاب علل الحدیث دارقطنی است.^۳

ت) غریب الحدیث

دانش غریب الحدیث نیز از دیگر شاخه‌های علوم حدیثی است که متأخران در نشر آن سهم زیادی داشتند. آنان دریافتند که حدیث - همانند قرآن - نیازمند تفسیر است؛ خصوصاً کلمات یا عباراتی از آن که دور از ذهن است و لازم است مفاد آنها بررسی شود؛ بخصوص روایاتی که در صحیح بخاری و صحیح مسلم یا دیگر «سنن» آمده بود و از نظر صدور، قطعی به نظر می‌رسید؛ ولی مفاد آن گویا نبود. محمد ابوزهو در این خصوص می‌گوید:

غریب الحدیث ما یقع فیه من کلمات غامضة بعبدة من الفهم لقله استعمالها.^۴
در مورد «غریب الحدیث» آثاری - بویژه در قرون چهارم تا ششم - تدوین شد و

۱. تدریب الراوی، ج ۱، ص ۲۵۱؛ در سنامه درایة الحدیث، ص ۱۹۲

۲. اصول الحدیث علومه و مصطلحه، ص ۲۹۱

۳. تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۱، ص ۲۵۱، ۲۵۸؛ الحدیث والمحدثون، ص ۴۷۸

۴. الحدیث والمحدثون، ص ۴۷۴

اهتمام متأخران به حدیث (قرن چهارم تا ششم) ۲۶۹

مصدری برای دیگر کتابها قرار گرفت که مهم‌ترین آنها چنین است^۱:

۱. غریب الحدیث، ابوسلیمان حمد الخطابی البستی (م ۳۷۸) که به ضمیمه غریب الحدیث ابی عبید قاسم بن سلام (م ۲۲۳) و غریب الحدیث بن قتیبه دینوری (م ۲۷۶) از کتابهای مهم غریب الحدیث شمرده شده‌اند؛
۲. غریب القرآن و الحدیث، احمد بن هروی (م ۴۰۱)؛
۳. غریب الحدیث، ابن جوزی (م ۵۱۴)؛
۴. الفائق فی غریب الحدیث، زمخشری (م ۵۳۸)؛
۵. غریب الحدیث، ابی بکر مدائنی (م ۵۸۱)؛
۶. غریب الحدیث، ابوالسعادات مبارک بن محمد، ابن اثیر (م ۶۰۶).

مهم‌ترین شخصیتها و مجموعه‌های حدیثی

در فاصله قرن چهارم تا ششم، دهها مجموعه‌های حدیثی اعم از مسانید، مستدرکات، مستخرجات، شروح و... سامان یافت که مهم‌ترین آنها عبارتند از: شرح معانی الآثار، طحاوی (م ۳۲۱)؛ المسند الصحیح، ابن حبان (م ۳۵۴)؛ معاجم، طبرانی (م ۳۶۰)؛ السنن، دارقطنی (م ۳۸۵)؛ السنن، بیهقی (م ۴۵۸). سنن «دارقطنی و بیهقی»، بیشتر جنبه فقهی دارد. بررسی هر یک از مجموعه‌های حدیثی و مؤلفانشان، مربوط به درس «جوامع حدیثی اهل سنت» است؛ ولی به اختصار از آنها یاد می‌شود.

الف) طحاوی و شرح معانی الآثار

ابوجعفر احمد بن محمد بن سلامه بن سلمی از دی طحاوی^۲ (م ۳۲۱) از نخستین کسانی است که در بین محدثان متأخر، اثر حدیثی جدیدی را فراهم آورد که فراگیر

۱. تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۲، ص ۵-۱۸۴؛ الحدیث والمحدثون، ص ۲۷۶

۲. شرح معانی الآثار، ج ۱، ص ۵؛ تذکره الحفاظ، ج ۳، ص ۸۰۸

احادیث فقهی است. او هدفش از تدوین کتاب معانی الآثار، بیان ارتباط بین روایات بوده تا توهم ناسازگاری آنها از بین برود.^۱ وی در مقدمه کتاب خود می‌گوید:
سألنی بعض اصحابنا من اهل العلم ان اضع له کتاباً اذكر فيه الآثار المأثورة عن رسول الله في الاحكام التي يتوهم اهل الاحاد والضعفة من اهل الاسلام ان بعضها ينقض بعضاً لقلّة علمهم....^۲

طحاوی کتابش را بر اساس ابواب فقهی شروع می‌کند و به شرح روایات نیز می‌پردازد و اثری بدیع در نوع خود می‌آفریند. او در اثری دیگر با عنوان مشکل الآثار به بررسی دیگر روایات نیز پرداخته است.^۳

ب) ابن حبان و المسند الصحيح

علامه حافظ محمد بن حبان^۴ بن احمد بن حبان بن معاذ بن معبد ابوحاتم التمیمی البستی القاضی شیخ خراسان (م ۳۵۴)، یکی از محدثان بزرگ اهل سنت است که برای جمع‌آوری حدیث بیش از سی سال مسافرت کرد^۵ و اثری مهم در روایات اهل سنت به وجود آورد و نام آن را المسند الصحيح المسمی الانواع و التقاسیم گذاشت.^۶ او مسند خود را متفاوت با دیگر مسانید و فراگیر بیش از هفت هزار روایت می‌نویسد و آنها را در پنج موضوع تقسیم می‌کند و می‌گوید:

فندبرت الصحاح لا سهل حفظها علی المتعلمین و امعت الفکر فیها لثلا يصعب رعيها علی المقتبسین فرأيتها تنقسم خمسة اقسام متساوية متفقه التقسيم غير متنافية فاولها: الاوامر التي امر الله عباده بها والثاني النواهي التي نهى الله عباده

۱. الحدیث والمحدثون، ص ۴۲۹

۳. مشکل الآثار، ج ۱، ص ۳

۲. شرح معانی الآثار، ج ۱، ص ۱۱

۴. تذکره الحفاظ، ج ۳، ص ۹۲۰

۵. علی ابن بلبان فارسی، الاحسان بترتیب صحیح ابن حبان، ج ۱، ص ۵

۶. همان، ص ۶ ۷. الحدیث والمحدثون، ص ۴۲۵

اهتمام متأخران به حدیث (قرن چهارم تا ششم) ۲۷۱

عنها و الثالث اخباره عما احتيج الى معرفتها والرابع الاباحات التي ابيح ارتكار
بها والخامس افعال النبي ﷺ التي انفرد بفعلها.^۱

کتاب او حاوی روایات مهمی بود؛ ولی ترتیب مناسبی نداشت؛ جهت علی بن بلبان فارسی
(م ۷۳۹) آن را با ترتیب جدیدی و با نام الاحسان فی تقریب صحیح ابن حبان نشر داد.^۲

پ) طبرانی و معجمهای سه گانه او

ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن طبرانی (م ۳۶۰) از جمله محدثان دوره متأخران
است که اثر روایی او به نام المعجم الكبير، المعجم الاوسط و المعجم الاصغر نشر یافت
و مورد توجه محدثان اهل سنت قرار گرفت.^۳ او برای ملاقات شیوخ حدیثی
مسافرتهاى فراوان کرد و از بیش از هزار شیخ حدیثی، نقل روایت کرد.^۴

طبرانی را از حافظان بزرگ شمرده و برای او آثار فراوانی ذکر کرده اند که از جمله
آنها، معجمهای سگانه و مسند ابی هريرة در حدیث است. آثار روایی او را در قلمرو
مصنفات دانسته اند.^۵ او معجم کبیر خود را بر اساس ترتیب صحابه قرار داد که
روایات آن را تا پانصد هزار مورد گزارش کرده اند؛^۶ ولی معجم کبیر کنونی، حاوی
بسیست و پنج هزار روایت است.^۷ محقق آن کتاب، یعنی حمدی عبدالمجید سلفی،
روایات آن را با تحقیق خود، منتشر ساخته و آنها را در دو گروه می داند و می گوید:
و احادیث المعجم تنقسم الى قسمین: قسم منها روی فی الکتب الستة و قسم لم
یرو فیها.^۸

۱. الاحسان بترتیب صحیح ابن حبان، ج ۱، ص ۳۶

۲. تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۹۱۲

۳. الحدیث و المحدثون، ص ۴۲۶

۴. المعجم الاوسط، تحقیق دکتر محمود الطحان، ج ۱، ص ۱۰

۵. همان، ج ۱، ص ۱۱ ۶. الحدیث و المحدثون، ص ۴۲۸

۷. جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۱۶۷

۸. المعجم الكبير، تحقیق عبدالمجید سلفی، ج ۱، ص ۲۴

طبرانی در المعجم الاوسط، روایات را بر اساس ذکر شیوخ خود می‌آورد که در برگیرنده تعدادی از روایات غرائب شیوخ او است. ذهبی در مورد آن می‌گوید:
والمعجم الاوسط فی ست مجلدات کبار علی معجم شیوخه یأتی فیہ عن کل شیخ بما له من الغرائب والعجائب.^۱

معجم اوسط دربرگیرنده تعدادی از احادیث کبیر است و تعدادی از روایاتی را که در معجم کبیر نیست، دربردارد. شمار روایات این معجم به دوازده هزار حدیث می‌رسد.^۲ معجم اصغر او نیز دربردارنده هزار و پانصد روایت است.^۳ که مؤلف آن را از شیوخ خود فراهم آورده و خود در آغاز آن می‌گوید:
هذا اول کتاب فوائد مشایخی الذین کتبت عنهم بالامصار خرّجت عن کل واحد منهم حدیثاً واحداً وجعلت اسماءهم علی حروف المعجم.^۴

ت) دارقطنی و سنن او

شیخ الاسلام، حافظ الزمان ابوالحسن علی بن عمر بن احمد دارقطنی (م ۳۸۵) از جمله محدثان دوران متأخران است که استاد در حدیث شمرده شده.^۵ او آثار فراوانی دارد و مورد ستایش محدثان اهل سنت بوده است. ذهبی در توصیف او چنین می‌آورد: «صار الدارقطنی اوجد عصره فی الحفظ والفهم والورع...».^۶
مهم‌ترین اثر او، سنن است که روایات فقهی به همراه سند در آن گردآمده. وی کتاب الازامات را نیز نوشته که قبلاً از آن یاد شد.^۷

۱. المعجم الاوسط، تحقیق دکتر محمود الطحان، ج ۱، ص ۷

۲. همان ۳. الحدیث والمحدثون، ص ۴۲۸

۴. المعجم الصغیر للطبرانی، تصحیح عبدالرحمن محمد عثمان، ج ۱، ص ۷

۵. سنن دارقطنی، ج ۱، ص ۷؛ الحدیث والمحدثون، ص ۴۲۴

۶. تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۹۹۱

۷. الحدیث والمحدثون، ص ۴۲۵

ث) بیهقی و سنن او

حافظ علامه شیخ خراسان ابوبکر احمد بن الحسین بن علی بن موسی خسروجردی بیهقی، از محدثان قرن پنجم (م ۴۵۸) است که علاوه بر محدث بودن، فقیه شافعی نیز به شمار می‌رفت و مورد توجه دیگر محدثان و فقها بود.^۱ او دارای آثار متعددی^۲ از جمله سنن است که شامل السنن الکبری و السنن الصغری می‌باشد و فراگیر روایات فقهی است. ابن اثیر او را چنین می‌ستاید: «کان اماماً فی الحدیث والفقہ علی مذهب الشافعی».^۳ کتاب السنن الکبری، از بزرگ‌ترین مجموعه‌های روایی فقهی شمرده شده است.^۴

۱. تذکرۃ الحفاظ، ج ۳، ص ۱۱۳۲

۲. السنن الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، ج ۱، ص ۱۲

۳. همان، ص ۲۲ ۴. همان، ص ۲۵؛ جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۲۱۸

پرسش

۱. مهم‌ترین مستدرکات بر صحیح مسلم و صحیح بخاری را به اختصار بیان کنید.
۲. مستخرج نویسی با چه هدفی شروع شد و تفاوت آن با مستدرکات در چیست؟
۳. در چه قرنهایی جمع بین صحاح ششگانه نوشته شد؟ نام کتاب و مؤلف آن را ذکر کنید.
۴. موضوع نویسی با چه هدفی انجام شده و چه کسانی بر آن همت گماشتند؟
۵. محدثان متأخر اطراف نویسی را با چه هدفی انجام دادند؟ دو مورد از مهم‌ترین آنها را بیان کنید.
۶. جوامع حدیثی جدید را با توجه به مؤلف و قرن آنها گزارش کنید.
۷. شاخه‌های علوم حدیث را در دوره متأخران گزارش کنید.
۸. مهم‌ترین محدثان اهل سنت را در دوره متأخران بیان نمایید.

پژوهش

۱. تفاوت‌های مستدرک هروی و حاکم نیشابوری را با توجه به مقدمه و انگیزه مؤلفان تحلیل کنید؟
۲. مستخرج شیبانی و مستخرج ابوعلی ماسرخسی را مقایسه و تطبیق نمایید؟
۳. با مقایسه شرح‌های بر صحاح ششگانه، بررسی کنید که کدام یک کامل‌تر است؟
۴. موضوعات ابن جوزی را با توجه به مقدمه آن مورد بررسی و تحلیل قرار دهید؟
۵. کتاب اطراف السنن الاربعه ابن عساکر را از نظر تاریخی و محتوا تحلیل کنید؟
۶. معاجم طبرانی را با توجه به اهداف او تحلیل نمایید؟
۷. ارتباط مصطلح الحدیث را با دیگر شاخه‌های حدیثی در دوره متأخران بیان کنید؟
۸. نقش محدثان متأخر را در گسترش کتابهای غریب الحدیث با متقدمان مقایسه کنید.

اهتمام متأخران به حدیث (قرن هفتم تا سیزدهم)

در مرحله پیشین اشاره شد که در فاصله قرن چهارم تا ششم، متأخران برای تکمیل و تهذیب «صحاح ششگانه» کوششهای فراوان کردند که ده‌ها گونه آثار حدیثی، را به جای گذاشتند و برخی از علوم حدیثی را گسترش دادند؛ اما در فاصله قرنهای هفتم تا سیزدهم، تلاشهای حدیثی آنان کم‌رنگ می‌شود و کمتر اثر حدیثی بدیعی خلق می‌گردد و مطالعات حدیثی از رونق می‌افتد؛ مگر در مقطعی خاص یا اشخاص خاصی که حرکتهای بدیعی انجام می‌دهند که بدانها اشاره خواهد شد؛ هر چند که برخی از پژوهشهای حدیثی دوره نخستین متأخران نیز، به صورت آرام تداوم می‌یابد.

بدین جهت در این مرحله به مباحث رکود حدیث نگاری و تحلیل تاریخی علل آن، مراکز حدیثی در دوران متأخران، مهم‌ترین پژوهشهای حدیثی قرن هفتم تا سیزدهم و مهم‌ترین شخصیتها و مجموعه‌های حدیثی قرن هفتم تا سیزدهم می‌پردازیم.

رکود حدیث نگاری و تحلیل تاریخی علل آن

حدیث نگاری در دوره متأخران اهل سنت (از قرن هفتم تا سیزدهم، بویژه در قرون دهم تا سیزدهم) با رکود جدی روبه‌رو شد؛ در قرنهای هفتم، هشتم و نهم، تلاشهای متأخران پیشین در حوزه حدیث تداوم یافت و در مواردی نیز شکوفا شد؛

ولی در مقایسه با دوره‌های پیشین و همچنین از قرن یازدهم به بعد، رکود جدی‌تر بر دانشهای حدیث گسترده می‌شود.

با بررسی تاریخی وفات محدثان معروف اهل سنت از قرن هفتم تا نهم می‌توان دریافت که در قرون مذکور، دست‌کم ده محدث یا شخصیت حدیثی مهم وجود داشته است؛ مانند ذهبی (م ۷۴۸)، ابن حجر (م ۸۵۲) و سیوطی (م ۹۱۱). سیوطی پس از شرح حال ذهبی (م ۷۴۸) از او و چند نفر از سران محدثان یاد می‌کند و می‌گوید: والذی اقولہ ان المحدثین عیال الان فی الرجال و غیرها من فنون الحدیث علی اربعة: المزنی (م ۷۴۲) والذہبی (م ۷۴۸) والعراقی (م ۸۰۶) وابن حجر (م ۸۵۲).^۱

در تاریخ حدیث اهل سنت، محدثان معروف قرن یازدهم تا سیزدهم که دارای تألیفات و مطالعات مهمی در حدیث باشند، کمتر از ده نفر است که نشان از سیر نزولی دارد. نمودار ذیل می‌تواند نشانگر افت حدیث نگاری از قرن هفتم تا سیزدهم بر اساس شخصیت‌های حدیثی یا کسانی باشد که در کنار دیگر فعالیت‌های علمی، اثری حدیثی دارند.

قرن هفتم

ردیف	محدثان	وفات	اثر حدیثی
۱	عبدالکریم بن منصور سمعانی	۶۱۵	المعجم فی تاریخ المحدثین
۲	ضیاءالدین کردی	۶۲۳	الجمع بین الصحیحین
۳	ابن اثیر	۶۳۰	اسد الغابة فی معرفة الصحابة
۴	احمد بن محمد قرطبی ابن ابی الحجة	۶۴۲	جمع بین الصحیحین
۵	ابن صلاح	۶۴۳	مقدمه ابن صلاح
۶	ابو عبدالله غرناطی	۶۴۶	انوار المصباح فی الجمع بین الکتب الستة والصالح

۷	صاغانى	۶۵۰	مشارك الانوار النبوية
۸	ابن تيميه	۶۵۲	المتقى من اخبار المصطفى
۹	عبدالعظيم بن عبدالقوى منذرى	۶۵۶	الترغيب والترهيب
۱۰	يحيى بن شرف الدين نووى	۶۷۶	المنهاج فى شرح صحيح مسلم
۱۱	محب الدين طبرى	۶۷۹	غاية الاحكام فى احاديث الاحكام
۱۲	ابوجعفر مروزى	۶۸۲	اختصار جامع الاصول لاحاديث الرسول

قرن هشتم

ردیف	محدثان	وفات	اثر حديثى
۱	ابن الدقيق العيد	۷۰۲	الالمام فى احاديث الاحكام
۲	بدرالدين ابن جماعة	۷۳۳	اختصار مقدمه ابن صلاح
۳	هبة الله بن رحيم حموى	۷۳۸	اختصار جامع الاصول لاحاديث الرسول
۴	على بن بلبان فارسى	۷۳۹	الاحسان فى تقريب صحيح ابن حبان
۵	يوسف بن عبدالرحمن مزى	۷۴۲	تحفة الاشراف بمعرفة الاطراف
۶	عبدالحق دمشقى	۷۴۴	جامع المسانيد والسنن
۷	محمد بن احمد ذهبى	۷۴۸	معجم الحديث و تهذيب التهذيب
۸	مقدسى حريرى	۷۵۸	مفيد السامع والقارى
۹	ابن كثير دمشقى	۷۷۴	جامع المسانيد والسنن
۱۰	شمس الدين محمد بن يوسف كرماني	۷۸۶	الكواكب الدرارى فى شرح البخارى
۱۱	بدرالدين حسين بن عمر	۷۸۹	ارشاد السامع والقارى المتقى من صحيح البخارى
۱۲	علاء الدين مغلطايى	۷۹۲	التلويح فى شرح البخارى
۱۳	بدرالدين زركشى	۷۹۴	التذكرة فى الاحاديث المشتهرة
۱۴	زين الدين ابى الفرج	۷۹۵	فتح البارى فى شرح صحيح البخارى

قرن نهم

رديف	محدثان	وفات	اثر حديثي
١	على بن ملقن	٨٠٤	شرح سنن ابن ماجه
٢	سراج الدين بلقيني	٨٠٥	العرف الشذي على جامع الترمذي
٣	زين الدين ابي الفضل عراقي	٨٠٦	تقريب الاسانيد
٤	نورالدين هيشمي	٨٠٧	مجمع الزوايد
٥	محمد بن موسى دميري	٨٠٨	الديباجة شرح سنن ابن ماجه
٦	محمد بن عبدالله مقدسي حنبلي	٨٢٠	معجم بر مسند احمد بن حنبل
٧	شمس الدين ابو عبدالله عبدالدائم	٨٣١	اللامع الصحيح في شرح البخاري
٨	شهاب الدين بوضيري	٨٤٠	اتحاف المهرة بزوايد المسانيد العشرة
٩	ابراهيم بن محمد حلبي	٨٤١	شرح سنن ابن ماجه
١٠	ابن حجر عسقلاني	٨٥٢	فتح الباري في شرح صحيح البخاري
١١	بدرالدين احمد العيني	٨٥٥	عمدة القاري في شرح صحيح البخاري
١٢	حسين بن مبارك	٨٩٣	التجريد لاحاديث الجامع الصحيح

قرن دهم

رديف	محدثان	وفات	اثر حديثي
١	شمس الدين محمد سخاوي	٩٠٢	المقاصد الحسنة في بيان كثير من الاحاديث
٢	جلال الدين سيوطي	٩١١	الجامع الكبير
٣	احمد بن محمد قسطلاني	٩٢٣	ارشاد الساري في شرح البخاري
٤	كمال پاشا	٩٤٠	تعليقه صحيح البخاري
٥	ابن الديبع شيباني	٩٤٤	اختصار جامع الاصول لاحاديث الرسول
٦	ابوالحسن على بن محمد كنايي	٩٦٣	تنزيه الشريعة المرفوعة من الاخبار
٧	مصالح الدين، ابن شعبان	٩٦٩	تعليقه صحيح بخاري
٨	عبدالوهاب شعرائي	٩٧٤	اختصار سنن بيهقي
٩	على بن حسام، متقي هندي	٩٧٥	كنز العمال في سنن الاقوال والافعال
١٠	جمال الدين فتنى	٩٨٦	تذكرة الموضوعات

قرن یازدهم

ردیف	محدثان	وفات	اثر حدیثی
۱	حسین الکفوری	۱۰۱۲	تعلیقہ صحیح بخاری
۲	قاری هروی	۱۰۱۶	شرح صحیح مسلم
۳	علی بن احمد عزیزی شافعی	۱۰۷۰	السراج المنیر
۴	عزالدين محمد خلیلی	۱۰۵۷	تسهیل السبل...

قرن دوازدهم

ردیف	محدثان	وفات	اثر حدیثی
۱	زرقانی مصری	۱۱۲۲	شرح موطا
۲	ابو محمد سالم بصری	۱۱۳۴	صحیح البخاری و اسانیدها
۳	ابوالحسن محمد سندی	۱۱۳۸	کفایة الحاجة فی شرح ابن ماجه
۴	اسماعیل بن محمد عجلونی	۱۱۶۲	کشف الخطا و مزیل...
۵	عبدالله محمد یوسف افندی	۱۱۶۷	عناية المنعم لشرح صحیح مسلم
۶	محمد بن اسماعیل صنعانی	۱۱۸۲	شرح بلوغ المرام

قرن سیزدهم

ردیف	محدثان	وفات	اثر حدیثی
۱	محدث کنکوهی	۱۲۴۰	لامع الدراری علی جامع البخاری
۲	محمد بن علی شوکانی	۱۲۵۵	شرح متقی الاخبار فی الاحکام

دکتر نورالدین عتر، دوره رکود حدیث را از قرن دهم تا چهاردهم می‌داند و معتقد است که محدثان فرصت پژوهشهای حدیثی عمیقی را نیافتند. او می‌گوید:

الدور السادس: عصر الركود والجمود وقد امتد ذلك من القرن العاشر الى مطلع

القرن الهجرى الحالى فى هذا الدور توقف الاجتهاد فى مسائل العلم والابتكار فى التصنيف وكثرت المختصرات فى علوم الحديث شعراً ونثراً وشغل الكاتبون بمناقشات لفظية لعبارات المؤلفين دون الدخول فى عمق الموضوع تحقيقاً او اجتهاداً.^۱

از بین رفتن زمینه دانش و پژوهشهای علمی، گسترش مرزهای اسلام به اروپا و اختلافات فراوان بین آنها و از بین رفتن تمرکز حکومت اسلامی در زمان عباسیان و گسترش دولت عثمانیان، فاطمیان و... اهمیت و ضرورت پرداختن به حدیث و دانشهای آن را از یاد برده بود؛ تدریس حدیث و رحله‌های علمی آن کم شد و حدیث و دیگر دانشهای دینی رشد نکرد؛ بلکه افت فراوان داشت. محمد ابوزهو در این خصوص می‌گوید:

سقطت الخلافة العباسية على ايدي التتار سنة ٦٥٦ هـ... وكانت الدولة الايوبية بمصر قد انقضت و حل محلها دولة المماليك فخرج اليهم المصريون والتقوا بهم عند (عين جالوت) و وقعت بين الفريقين معركة عظيم...^۲

محمد ابوزهو بر آن است که پس از قدرت دولت عثمانی، اندلس سقوط می‌کند و پس از سقوط آن دولتهای غربی در صدد ایجاد اختلاف بین دولتهای اسلامی برمی‌آیند که در پایان علما تضعیف می‌شوند:

ومن هنا انعدمت الرحلة بين العلماء وانقطع الاتصال العلمى بين سكان البلدان المختلفة بعد ان كان الوطن الاسلامى وحدة لا تنقسم عراها ينتقل فيه المسلم اتي شاه وينشر دينه كيفما اراد.^۳

بررسی تفصیلی رکود دانش در دوران متأخر، نیازمند بررسی تحلیلی تاریخ کشورهای اسلامی است که بر رکود علمی جهان اسلام - از جمله دانشهای حدیث - تأثیر فراوان داشت.^۴

۱. منهج النقد فى علوم الحديثه ص ۶۹

۲. الحديث والمحدثون، ص ۴۳۵

۳. همان، ص ۴۳۶

۴. تاريخ اسلام ووفيات المشاهير، ج ۳۹- ۴۱

مراکز حدیثی در دوره متأخران

دوران متأخران در مقایسه با دوران متقدمان - بویژه در فاصله قرنهای هفتم تا سیزدهم - حدیث پژوهی رونق نداشت؛ از این رو، مراکز حدیثی گسترش نیافت و حتی در برخی شهرها همچون مکه، مدینه، بصره، بغداد و ... رو به افول بود؛ اما به علت گسترش سرزمینهای اسلامی به نقاط دوردست، منطقه دمشق، مصر، هند و ... مراکز مهم حدیثی آن دوران شدند.

پس از سقوط بغداد، نخست شام و سپس مصر محل حکومت اسلامی و در فاصله قرن هفتم تا نهم دارای شکوه علمی بود و محدثان بزرگی در آنجا رشد کردند. صبحی صالح پس از تأسیس مدرسه حدیثی شام، مصر را مرکز حدیثی اسلام می‌داند و می‌گوید:

ولقد أنشئت اول دار للحدیث فی القرن الهجری السادس... المدرسة النوریة فی دمشق وکان ابن عساکر... من شیوخ هذه المدرسة وبعد عشرات السنین قامت فی القاهرة دار للحدیث... وقد تم تأسیسها سنة ۶۲۲.^۱

محمد ابوزهو هم، مصر را مرکز حدیثی مهم می‌داند که بیشترین پژوهشهای حدیثی در قرون هفتم، هشتم و نهم در آنجا شکل گرفت. او می‌گوید:

وبهذه العناية من السلاطین والامراء كانت مصر دار حدیث وفقه وادب طیلة هذه القرون الثلاثة الاولى من هذا الدور (الدور السابع السنة من عام ۶۵۶ الی عصرنا) و كانت اسعد بلاد الاسلام حظاً بالحدیث و علومه.... استمرت النهضة العلمیة بمصر الی اوائل القرن العاشر الهجری اذ بانقراض دولة الممالیک البرجیة.^۲

پس از مصر و در آغاز قرن دهم، هند، مرکز حدیث می‌شود و خدمات محدثان هند

۱. علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۶۹

۲. الحدیث و المحدثون، ص ۴۴۰

در حدیث آغاز می‌شود. محدث شاه ولی دهلوی (م ۱۱۷۶) و فرزندانش در نشر حدیث اهل سنت، نقش مهمی دارند و کسانی چون متقی هندی (م ۹۷۵) صاحب کنز العمال، به نشر کتب حدیثی می‌پردازند. دکتر نورالدین عتر می‌گوید:

لكن الله تعالى اقام نهضة للحدیث فی ديار الهند خلال هذه الفترة (القرن العاشر) كانت على مستوى عال فی البحث والعلم وذلك على يد العلامة الامام المحدث شاه ولی الله الدهلوی.

محمد ابوزهو نقش سرزمینهای هند را در نشر علوم حدیثی پس از رویکرد آنان به علوم نظری (از جمله دانش حدیث) مهم می‌داند و می‌گوید:

كان للبلاد الهندية حظ كبير فی خدمة السنة بعد ان كان الهندود قبل منتصف القرن العاشر الهجرى منصرفين الى العلوم النظرية... فمن هذا الوقت اخذوا يعكفون على دراسة الحدیث وعلومه ويعنون برواية السنة وبحث الروایات وانتقاد الاسانید.^۱

مهم ترین پژوهشهای حدیثی

قرن هفتم تا سیزدهم، فعالیت‌های حدیثی در مقایسه با دوره متقدمان و قرن چهارم تا ششم، رشدی نداشت؛ ولی پژوهشهایی انجام شد که می‌توان آنها را در دو مرحله پیدایش فعالیت‌های جدید حدیثی و سپس تداوم پژوهشهای حدیثی پیشین به شرح ذیل بررسی کرد:

الف) پیدایش فعالیت‌های جدید حدیثی

مقصود از فعالیت‌های جدید حدیثی، اقداماتی بود که پیشینه کمتری داشت و پس از قرن هفتم شکل گرفته بود این فعالیتها شامل زواید نویسی، اختصار نویسی، جوامع جدید و تخریج احادیث می‌شود که به شرح ذیل است:

۱. زواید نویسی

زواید نویسی یا علم الزواید، تلاشی بود که محدثان قرن هشتم پیشگام آن بودند و در قرنهای بعدی نیز تداوم یافت. این علم گردآوری روایاتی را شامل می‌شد که زاید بر روایات کتابهای پیشین از جمله صحاح ششگانه بود^۱ و محدثان از آن با عنوان «معرفة زیادات الثقات» نیز یاد می‌کردند. دکتر عتر در تعریف زواید می‌گوید: وهی مصنفات تجمع الاحادیث الزائدة فی بعض کتب الحدیث علی احادیث کتب اخری دون الاحادیث المشتركة بین المجموعتین.^۲

زواید نویسی در حدیث که با هدف افزایش طرق روایات، ترمیم اسناد منقطع، خارج شدن بسیاری روایات از ابهام و اجمال^۳ و ... شکل می‌گرفت، روایاتی بود که طریق جدید و زایدی بر پیشین داشت؛ گرچه ممکن بود با همان لفظ و معنا در برخی مجموعه‌های روایی یا صحاح قبلی آمده باشد، یا روایاتی که متن آنها در مقایسه با کتابهای پیشین، عبارتهایی زاید و بدیع داشت که سبب حکم یا برداشت جدید می‌شد.

مهم‌ترین زواید عبارتند از^۴: زوائد قلیچ حنفی (م ۷۶۲)؛ زوائد ابن الملقن (م ۱۰۴)؛ زوائد هیشمی (م ۱۰۷)؛ با نام مجمع الزوائد و منبع الفوائد؛ زوائد شهاب الدین بوصیری (م ۱۴۰) با نام اتحاف المهرة بزوائد المسانید العشرة؛ زوائد ابن حجر عسقلانی (م ۱۵۲) با نام المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانية؛ زوائد سیوطی (م ۹۱۱) با نام زوائد شعب الایمان و

۲. منهج النقد، ص ۲۰۶

۱. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۱، ص ۵۳

۳. جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۲۳۴

۴. نورالدین هیشمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۱، ص ۵۴؛ الحدیث والمحدثون، ص

۲۴۴؛ منهج النقد فی علوم الحدیث، ص ۲۰۶؛ المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانية،

تصحیح اعظمی، مقدمه، ص ۵

۲. اختصار نویسی

گروهی از محدثان متأخر - بویژه در قرنهای هفتم تا نهم - به مختصر کردن آثار حدیثی پیشین روی آورده^۱ و چکیده برخی از آنها را نوشتند تا با سهولت بیشتری برای همگان قابل استفاده باشد؛ مانند:

۱. مختصر صحیح البخاری، جمال الدین انصاری (م ۶۵۶)؛
۲. ارشاد السامع والقاری المنتقی من صحیح البخاری، بدرالدین حسین بن عمر (م ۷۸۹)؛
۳. التجرید الاحادیث الجامع الصحیح، حسین بن مبارک (م ۸۹۳)؛
۴. مختصر مسلم، خلاطی (م ۶۵۲)؛
۵. مختصر زوائد مسلم علی البخاری، ابن ملقن (م ۸۰۴)؛
۶. مختصرات سنن ابوداود، زکی الدین عبدالعظیم منذری (م ۶۵۶)؛
۷. اختصار سنن بیهقی، عبدالحق دمشقی (م ۷۴۴) و شمس الدین ذهبی (م ۷۴۸) و عبدالوهاب شعرانی (م ۹۷۴)؛
۸. المختصر فی احادیث الاحکام، یوسف بن عبدالهادی (م ۹۰۴).

۳. جوامع حدیثی جدید

در قرن هفتم تا سیزدهم که ادامه دوران متأخران است، فعالیتهای حدیثی در مقایسه با دورانهای پیشین با رکود جدی روبه رو شد؛ ولی برخی از جوامع حدیثی شکل گرفتند که نشان از پیدایش پژوهشهای حدیثی جدید دارد. برخی از این فعالیتها در حوزه روایات فقهی، تفسیری و تعدادی در زمینه تألیف یک مجموعه حدیثی فراگیر است که گرچه دربردارنده بخش یا جمعی از روایات صحاح و جوامع پیشین است، نظم و تألیفی جدید و متفاوت با کتابهایی دارد که با هدف گردآوری روایات صحاح فراهم شده.

۱. علوم الحدیث مصطلحه، ص ۴۱

۲. تاریخ حدیث، ص ۴۹؛ جوامع حدیثی شیعه، ص ۸۱، ۹۳، ۱۳۸

در معرفی جوامع حدیثی جدید می‌توان از آثار ذیل نام برد^۱:

۱. المنتقی من اخبار المصطفی، عبدالسلام بن عبدالله حرانی، ابن تیمیه (م ۶۵۲)؛
۲. الترغیب و الترهیب، عبدالعظیم بن عبدالقوی منذری (م ۶۵۶)؛
۳. غایة الاحکام فی احادیث الاحکام، محب الدین طبری (م ۶۷۹)؛
۴. الامام باحادیث الاحکام، محمد بن علی قشیری، ابن دقیق (م ۷۰۲)؛
۵. بلوغ المرام من ادلة الاحکام، شهاب الدین، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲)؛
۶. الجامع الكبير، جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱)؛
۷. الدر المنثور فی التفسیر المأثور، جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱)؛
۸. کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، علی بن حسام الدین متقی هندی (م ۹۷۵).

۴. تخریج احادیث متون پیشین

تعدادی از محدثان با هدف تدوین مجموعه‌های حدیثی که در آن سند حدیث مورد بررسی قرار می‌گرفت، کوشیدند مصادر و مأخذ روایات را تکمیل کنند که این اقدام، سبب اعتبار احادیث می‌شد. تعدادی از تخریجها عبارتند از^۲:

۱. تخریج احادیث شرح کبیر، ابن حماعه (م ۷۳۳)؛
۲. تخریج شرح کبیر رافعی، بدرالدین زرکشی (م ۷۹۴)؛
۳. البدر المنیر فی تخریج الاحادیث و الاثار الواقعة، ابن ملقن (م ۸۰۴)؛
۴. الکشف المبین عن تخریج احیاء علوم الدین، زین الدین عراقی (م ۸۰۶)؛
۵. التلخیص الحبیر فی تخریج احادیث شرح الوجیز الکبیر، (م ۸۵۲).

۱. طبقات الحفاظ، ذیل نام هر یک؛ الحدیث والمحدثون، ص ۴۴۵؛ منهج النقد فی علوم الحدیث، ص ۲۰۵؛ تاریخ حدیث، ص ۴۹؛ جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۱۹۷

۲. کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، ج ۱، ص ۳۸۰

ب) تداوم پژوهشهای حدیثی پیشین

مهم‌ترین ویژگی دوران متأخران از قرن هفتم تا سیزدهم - بویژه در قرون هفتم، هشتم و نهم - تداوم پژوهشهای حدیثی متأخران پیشین (قرن ۴-۶) بوده است که در جهت تکمیل و تنظیم «صحاح ششگانه» و برخی آثار حدیثی سامان یافت؛ مانند: گردآوری و جمع بین روایات صحاح و مسانید، شرح نویسی آنها، موضوع نویسی، اطراف نویسی، رجال‌شناسی و تکمیل مصطلحات حدیثی و صبحی صالح در این خصوص بر اهمیت دوران تکمیل تأکید دارد و می‌گوید:

اما المتأخرون عن عصر الرواية فيكون عملهم في نهاية المطاف، تهذيباً وشرحاً.^۱

پژوهشهای حدیثی تداوم یافته دوران متأخران از قرن هفتم تا سیزدهم، به اختصار به شرح ذیل باشد:

۱. تداوم گردآوری روایات صحاح

تعدادی از محدثان به جمع بین صحیح مسلم و صحیح بخاری یا صحاح و یا دیگر مسانید مبادرت کردند و آثاری را با تنظیم جدید فراهم آوردند که می‌توان از موارد ذیل یاد کرد:^۲

۱. الجمع بین الصحیحین، ابو حفص، عمر بن بدر ضیاء‌الدین کردی (م ۶۲۳)؛

۲. الجمع بین الصحیحین، احمد بن محمد قرطبی (م ۶۴۲)؛

۳. مشارق الانوار النبویة من صحاح الاخبار المصطفویة، صاغانی (م ۶۵۰)؛

۴. صاحب البیان عما اتفق علیه الشیخان، ابوالمجد اسماعیل بن هبة الله (م ۶۵۵)؛

۵. صاحب مفید السامع والقاری مما اتفق علیه مسلم و البخاری، احمد بن

عبدالرحمن مقدسی حریری (م ۷۵۸)؛

۱. علوم الحدیث المصطلحه، ص ۴۱

۲. تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۶۷؛ الحدیث و المحدثون، ص ۴۴۵؛ جوامع حدیثی اهل سنت،

اهتمام متأخران به حدیث (قرن هفتم تا سیزدهم) ۲۸۷

۶. جامع المسانید والسنن الهادی لاقوم سنن، اسماعیل بن عمر دمشقی، ابن کثیر (م ۷۷۴)؛

۷. الجمع بین الصحیحین علی الابواب، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲).

۲. تداوم شرح نویسی

گروهی از محدثان متأخر از قرن هفتم تا سیزدهم، شرح نویسی آثار حدیثی پیشین را مهم شمرده و یا در کنار دیگر پژوهشهای حدیثی به شرحهای جوامع پیشین - بویژه شروحهای «صحاح ششگانه» پرداختند که برخی از آنها مورد توجه دیگران قرار گرفت با توجه به سیر تاریخی می توان این شرحها را چنین برشمرد^۱:

۱. شرح صحیح بخاری، محیی الدین یحیی بن شرف نووی (م ۶۷۶)؛

۲. المنهاج فی شرح صحیح مسلم بن الحجاج، یحیی بن شرف نووی (م ۶۷۶)؛

۳. الکوکب الدراری فی شرح البخاری، شمس الدین محمد بن یوسف

کرمانی (م ۷۸۶)؛

۴. التلویح فی شرح البخاری، علاء الدین معلطایی حنفی (م ۷۹۲)؛

۵. التنقیح بشرح الجامع الصحیح، بدرالدین زرکشی (م ۷۹۴)؛

۶. شرح سنن نسائی، علی ابن ملقن (م ۸۰۴)؛

۷. العرف الشذی علی جامع الترمذی، بلقینی (م ۸۰۵)؛

۸. الدیباچه شرح سنن ابن ماجه، محمد بن موسی دمیری (م ۸۰۸)؛

۹. شرح سنن ابن ماجه، برهان الدین حلبی (م ۸۴۱)؛

۱۰. فتح الباری شرح صحیح البخاری، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲)؛

۱۱. عمدة القاری شرح صحیح البخاری، بدرالدین ابی محمد عینی (م ۸۵۵)؛

۱. جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۸۰، ۹۲، ۱۳۱؛ محمد عبدالرحمن طوالیه، الامام مسلم و منهجه، ص ۱۵۳

۱۲. التوشیح شرح الجامع الصحیح البخاری، جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱)؛
 ۱۳. الدیباج علی صحیح مسلم، جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱)؛
 ۱۴. مصباح الزجاجة علی سنن ابن ماجه، جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱)؛
 ۱۵. قوت المغتذی علی جامع الترمذی، جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱)؛
 ۱۶. زهرا لربی علی المجتبی (شرح النسائی)، جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱)؛
 ۱۷. ارشاد الساری بشرح صحیح بخاری، احمد بن محمد الشافعی قسطلانی (م ۹۲۳)؛
 ۱۸. منهاج الابتهاج شرح صحیح مسلم، احمد بن محمد الشافعی قسطلانی (م ۹۲۳)؛
 ۱۹. شرح صحیح مسلم، علی قاری هروی (م ۱۰۱۶)؛
 ۲۰. عنایة المنعم لشرح صحیح مسلم، عبدالله بن محمد یوسف افندی زاده (م ۱۱۶۷)؛
 ۲۱. کفایة الحاجة فی شرح ابن ماجه، ابوالحسن محمد بن عبدالهادی السنندی (م ۱۱۳۸)؛
 ۲۲. حاشیة السنندی (شرح نسائی)، ابوالحسن محمد بن عبدالهادی السنندی (م ۱۱۳۸)؛
- در بین این شروحها مذکور، شرح فتح الباری، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲) در بیان روایات صحیح بخاری؛ شرح ارشاد الساری بشرح صحیح بخاری، قسطلانی (م ۹۲۳)؛ عمدة القاری شرح صحیح البخاری، بدرالدین ابی محمد عینی (م ۸۵۵)؛ الکواکب الدراری فی شرح البخاری، کرمانی (م ۷۸۶) و شرح صحیح مسلم، نووی (م ۶۷۶)، از مهم ترین آنها شمرده شده و به جهت نوع شرح و ویژگیها و تفصیل آنها، مورد توجه اهل سنت واقع گردیده است. ابن حجر عسقلانی در مقدمه کتاب، در اهمیت و چگونگی شرح خود می گوید:

اما بعد فقد آن الشروع فیما قصدت له من شرح الجامع الصحیح... وکنت عزمت علی ان اسوق حدیث الباب بلفظه قبل شرحه... وسميته فتح الباری بشرح البخاری وقد رأیت ان ابدأ الشرح باسانیدی الی الاصل بالسمع او بالاجازة وان اسوق علی نمط مخترع.^۱

نووی نیز که از شارحان مهم صحیح مسلم است، در مقدمه کتاب، اهمیت شرح صحیح مسلم و چگونگی آن را بیان کرده و می‌گوید:

فاذکر فیہ ان شاءالله جملاً من علوم الزهرات... وایضاح معانی الالفاظ اللغویة واسماء الرجال وضبط المشكلات... والجمع بین الاحادیث التي تختلف ظاهراً ویظن بعض من لا یحقق صناعتی الحدیث والفقہ واصوله کونها متعارضات وانته علی ما یحضرنی فی الحال فی الحدیث من المسائل العملیات.^۲

۳. تداوم موضوع نویسی و آسیب‌شناسی روایات

در فاصله قرنهای هفتم تا سیزدهم، کمتر کسی در فکر وضع حدیث بود؛ اما روایاتی که از پیش - بویژه در دوره متقدمان - وضع شده بود، در بین مجموعه‌های حدیثی وجود داشت و محدثان قرن هفتم به بعد، با وجود تلاش محدثان پیشین خود و آسیب‌شناسی آنها در یافتن احادیث موضوع، همچنان اطمینان نداشتند که تمام روایات دست‌ساز، شناسایی شده باشند بلکه نگران بودند که مردم در مواردی بر احادیث موضوع اعتماد کنند؛ از این رو، گروهی از محدثان دوره متأخران - بویژه در قرن هشتم و نهم و دهم - کوشیدند دیگر روایات دست‌ساز را بیابند کتابهایی در خصوص موضوعات بنویسند تا با تداوم موضوع نویسی، آفت جعل را به صورت نهایی از روایات - بویژه قصص - دور سازند.

در بین محدثان متأخر، تلاش سیوطی (م ۹۱۱) از همه بیشتر و کامل‌تر بوده

۱. فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳

۲. صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۱، ص ۵

است. اقدام او در تهیه کتاب اللالی المصنوعة فی الاحادیث الموضوعة مهم تر تلقی شد و با وجود آثار پیشین، از جمله تذکرة الموضوعات مقدسی (م ۵۰۷)، الموضوعات الکبری ابن جوزی (م ۵۹۷) و...، کتاب «اللالی» سیوطی، مورد توجه بیشتر واقع شد؛ زیرا سیوطی نخست به تکمیل کتاب ابن جوزی پرداخت و با برخی از تغییرات در مورد سند و متن آن، کتاب جدیدی نوشت.^۱ دکتر عجاج در این باره می‌گوید:

اللالی المصنوعة فی الاحادیث الموضوعة للحافظ جلال الدین السیوطی

(۸۴۹-۹۱۱ ق) اختصر فيه كتاب ابن الجوزی واستدرك عليه وزاد فيه ما ورد

فی تاریخ ابن عساکر و ابن النجار و مسند الفردوس و تصانیف ابی الشیخ.^۲

پس از کتاب سیوطی، کتاب کنانی با نام تنزیة الشریعة نیز کتاب جامع و کاملی شمرده شده این اثر در دو بخش است که در بخش اول، نام راویان واضح و سپس روایات موضوع گردآوری شده است.^۳

آثاری که محدثان اهل سنت در گستره موضوعات حدیثی در دوره مذکور فراهم آوردند، به ترتیب زمانی چنین است:^۴

۱. المغنی عن الحفظ و الكتاب بقولهم لم یصح شی فی هذا الباب، حافظ ضیاء الدین ابی حفص الموصلی الحنفی (م ۶۲۳)؛

۲. الاحادیث الموضوعة التي یرویها العامة و القصاص، ابن تیمیه (م ۶۵۲)؛

۳. الباعث علی الخلاص من حوادث القصاص، حافظ زین الدین عبدالرحیم عراقی

(م ۱۰۶)؛

۴. اللالی المصنوعة فی الاحادیث الموضوعة، جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱)؛

۱. جلال الدین سیوطی، اللالی المصنوعة فی الاحادیث الموضوعة، ص ۲؛ الحدیث

والمحدثون، ص ۴۸۱. ۲. السنة قبل التدوین، ص ۱۹۱

۳. همان، ص ۱۹۲؛ الحدیث و المحدثون، ص ۴۸۹

۴. همان؛ الحدیث و المحدثون، ص ۴۸۶؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۸۳

اهتمام متأخران به حدیث (قرن هفتم تا سیزدهم) ۲۹۱

۵. تنزیه الشریعة المرفوعة عن الاخبار الشنیعة الموضوعه، ابوالحسن علی بن محمد کنانی (م ۹۶۳)؛
۶. تذکرة الموضوعات، جمال الدین محمد بن طاهر فتنی (م ۹۸۶)؛
۷. الکشف الالهی عن شدید الضعف و الموضوع الواهی، سندروسی (م ۱۱۷۷)؛
۸. الفوائد المجموعة فی الاحادیث الموضوعه، شوکانی (م ۱۲۵۵).

۴. تداوم اطراف نویسی

اطراف نویسی را که در دوره متأخران از قرنهای چهارم به بعد شروع شد و تعریف آن در مرحله پیشین گذشت، محدثان قرنهای هفتم تا نهم ادامه دادند. این اقدام با هدف تکمیل و تنظیم منابع حدیثی پیشین شکل گرفت که از قبل به صورت کامل انجام نگرفته بود. تعدادی از مجموعه‌های حدیثی که بر سبک اطراف الحدیث بوده، چنین است^۱:

۱. تحفة الاشراف بمعرفة الاطراف، یوسف بن عبدالرحمن مزی (م ۷۴۲)؛
۲. الاشراف علی الاطراف، ابن ملقن (م ۸۰۴)؛
۳. اطراف صحیح ابن حبان، زین الدین عراقی (م ۸۰۶)؛
۴. اتحاف المهرة باطراف العشرة، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲)؛
۵. اطراف المسانید العشرة، احمد بن ابی بکر بوسیری (م ۸۴۰).

۵. تداوم رجال شناسی، تراجم و طبقات

شناسایی راویان بویژه راویانی که متهم به ضعف بودند، امر مهمی بود که متأخران از قرن هفتم به بعد - همانند متأخران پیشین - بدان نیاز داشتند تا بتوانند درباره روایات اظهار نظر کنند. هرچه فاصله مسلمانان از صدر اسلام بیشتر می‌شد، نیاز به پژوهشهای رجالی در مورد نسلهای پیشین، ضرورت بیشتری پیدا می‌کرد.

۱. درایة الحدیث، ص ۱۷۶؛ الحدیث و المحدثون، ص ۴۵۲؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۷۹

بررسی، جرح و تعدیل راویان و تراجم آنها نیز، از نظر همه یکسان نبود و کتابهای جرح و تعدیل پیشین در مورد همه راویان، یکسان اظهار نظر نکرده بودند که سبب اظهار نظرهای جدید در مورد رجال می شد. شناسایی رجال ضعیف و در برابر آنها، ثقات، گروهی از محدثان قرن هفتم به بعد را تشویق کرد که کتابهای رجالی جدیدی بنویسند می توان ذهبی را (م ۷۴۸) مهم ترین محدث دانست که کتاب تذکرة الحفاظ و میزان الاعتدال را تدوین کرد. مهم ترین کتابهای رجالی به شرح ذیل است^۱:

۱. اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ابن اثیر (م ۶۳۰)؛
۲. تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، جمال الدین مزی دمشقی (م ۷۴۲)؛
۳. میزان الاعتدال، شمس الدین محمد بن احمد ذهبی (م ۷۴۸)؛
۴. تذکرة الحفاظ، شمس الدین محمد بن احمد ذهبی (م ۷۴۸)؛
۵. تذهیب تهذیب الکمال، شمس الدین محمد بن احمد ذهبی (م ۷۴۸)؛
۶. سیر اعلام النبلاء، ذهبی (م ۷۴۸)؛
۷. لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲)؛
۸. الاصابة فی معرفة الصحابة، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲)؛
۹. تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲)؛
۱۰. طبقات الحفاظ، محمود بن احمد عینی (م ۸۵۵)؛
۱۱. الثقات ممن لم يقع فی الكتب الستة، زین الدین قاسم بن قطلوبنا (م ۸۷۹)؛
۱۲. طبقات الحفاظ، جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱).

۶. تداوم گسترش کتب درایه

با گسترش کتب رجال، کتابهای درایه و اصطلاحات حدیثی نیز از قرن هفتم به بعد، در حال گسترش بود و آثار جدیدی با سبک بدیع و همراه با توسعه اصطلاحات

۱. السنة قبل التدوین، ص ۱۸۰-۱۹۰؛ الحدیث والمحدثون، ص ۴۶۰

اهتمام متأخران به حدیث (قرن هفتم تا سیزدهم) ۲۹۳

شکل می‌گرفت تا با کمک آنها، روایات نیز بیشتر مورد ارزیابی و شناسایی قرار گیرند. در این دوره برای هر روایتی اصطلاحی جدید ثبت می‌شد و بدین جهت اصطلاحات حدیثی از نظر تعداد و توسعه مفهومی، گسترش می‌یافت. می‌توان ابن صلاح و سیوطی را مصطلح‌شناسان مهم دوران متأخران از قرن هفتم تا سیزدهم دانست؛ آثار تدوین شده در این دوره در آن دوران چنین است^۱:

۱. علوم الحدیث (مقدمه ابن صلاح)، ابو عمر عثمان بن عبدالرحمن الشهرزوری، ابن صلاح، (م ۶۴۳)؛
۲. المنهل الراوی، نووی (م ۶۷۶)؛
۳. المنهل الروی فی الحدیث النبوی، ابن جماعة (م ۷۳۳)؛
۴. الباعث الحثیث فی شرح الاختصار علوم الحدیث، ابن کثیر (م ۷۷۴)؛
۵. النکت علی مقدمه ابن صلاح، عراقی (م ۸۰۶)؛
۶. نخبة الفکر فی مصطلح الاثر، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲)؛
۷. شرح نخبة الفکر فی مصطلح اهل الاثر، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲)؛
۸. تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای، جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱).

مهم‌ترین شخصیتها و مجموعه‌های حدیثی

در بخش دوم دوره متأخران (قرنهای هفتم تا سیزدهم) که دوران رکود حدیث است، نمی‌توان از شخصیت‌های حدیثی فراوانی یاد کرد؛ ولی - آن چنان که گذشت - در این فاصله برخی از محدثان ظهور کرده و در زمینه جوامع حدیثی، زوائدنویسی، اختصار نویسی، شرح نویسی، موضوع نویسی، رجال‌شناسی و... و برای اهل سنت، آثار حدیثی فراهم آورده‌اند. افراد ذیل، در شمار شخصیت‌های تاریخی قرنهای

۱. تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای، ج ۱، ص ۶؛ الحدیث والمحدثون، ص ۴۹۲؛ علم الدراية تطبیقی، ص ۱۴؛ تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۸۶

مذکور هستند: ابن صلاح (م ۶۴۳)، ابن تیمیه (م ۶۵۲)، نووی (م ۶۷۶)، شمس الدین محمد بن احمد ذهبی (م ۷۴۸)، ابن کثیر (م ۷۷۴)، نورالدین هیثمی (م ۸۰۷)، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲)، جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱) و علی بن حسام متقی هندی (م ۹۷۵) که آگاهی از آثار حدیثی هر یک از شخصیت‌های مذکور، مربوط به بررسی «جوامع حدیثی اهل سنت» است و تنها در این بخش به اختصار از برخی از آنان و آثارشان یاد می‌شود:

الف) ابن حجر عسقلانی و فتح الباری

شهاب الدین، احمد بن علی بن حجر عسقلانی (م ۸۵۲) از محدثان قرن نهم است که آثار فراوانی در حدیث، فقه، رجال و... دارد. مانند بلوغ المرام فی ادلة الاحکام که یک دوره مجموعه حدیثی فقهی است و مورد توجه محدثان دیگر بوده و بر آن شرح‌هایی نوشته شده.^۱ مهم‌ترین اثر روایی او، کتاب فتح الباری است که در شرح صحیح بخاری به تحریر درآمده و از بهترین شرح‌های آن به شمار می‌آید. او در این شرح به بررسی سندی و متنی روایات پرداخته^۲ و از زمان پیدایش آن تاکنون، مورد استفاده می‌باشد. کتاب او مقدمه‌ای با نام «هدی الساری» دارد که ابن حجر در آن در مورد انگیزه بخاری و چگونگی جمع‌آوری احادیث او و برخی از مباحث علوم حدیثی، مطالبی را بیان کرده است. وی در مورد روش بخاری می‌گوید:

تقرر انه التزم فيه الصحة... ثم رأى ان لا يخلية من الفوائد الفقهية والنكت الحكيمة فاستخرج بفهمه من المتون معاني كثيرة فرقها في ابواب الكتاب بحسب تناسبها واعتنى فيه بأيات الاحكام فانتزع منها الدلالات البديعة وسلك في الاشارة الى تفسيرها السبل الوسيعة.^۳

۱. الاعلام، ج ۱، ص ۱۷۸؛ طبقات الحفاظ، ص ۵۲۱

۲. فتح الباری، ج ۱، ص ۳

۳. هدی الساری مقدمه فتح الباری، ص ۸

ب) سیوطی و الجامع الكبير

جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱) از محدثان، مفسران و ... قرن دهم است که حدود ششصد اثر در حوزه علوم دینی، از جمله علوم حدیثی دارد. او از معروفترین محدثان اهل سنت در دوره متأخران شمرده شده^۱ و آثار مهمی مانند: تدریب الراوی، اللالی المصنوعة، الدر المنثور، طبقات الحفاظ، شرح صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابن ماجه، سنن ترمذی، سنن نسائی و ... دارد. از جمله مهمترین آثار او کتاب الجامع الكبير یا جمع الجوامع است که روایات فراوانی را در بر دارد و بدین جهت جامع کبیر نامیده شده است.^۲

او پس از بررسی روایات کتابهای پیشین، به تدوین مجموعه جدید حدیثی مبادرت می‌ورزد که کتاب روایی مهمی در نزد اهل سنت شمرده شده و با ترکیب و نظمی مخصوص بود. مؤلف بدون قصد تهذیب، روایات را گردآورد؛ از این رو، نمی‌تواند همه روایات آن صحیح باشد. سیوطی روایات را در دو بخش اقوال و افعال با ترتیب خاصی می‌آورد و در مقدمه می‌گوید:

هذا کتاب شریف حافل و لباب منیق رافل بجمع الاحادیث الشریفة النبویة کافل قصدت فیه الی استیفاء الاحادیث النبویة و ارسدته مفتاحاً لابیواب المسانید العلیة و قسمته قسمین: القسم الاول: اسوق فیه لفظ المصطفی بنصه... مرتباً ترتیب اللغة علی حروف المعجم مراعیاً اول الکلمة فما بعده... القسم الثاني: الاحادیث الفعلیة المحضة او المشتملة علی قول و فعل او سبب او مراجعة او نحو ذلك مرتباً علی مسانید الصحابة... و قد سمیته (جمع الجوامع) او الجامع الكبير.^۳

سیوطی پس از تکمیل الجامع الكبير، به اختصار آن پرداخت و روایات کامل‌تر را

۱. الاعلام، ج ۳، ص ۳۰۱؛ جمع الجوامع، ج ۱، ص ۱۱-۱۶. ۲. جمع الجوامع، ج ۱، ص ۱۷

۳. همان، تحقیق عبدالفتاح شبل، ج ۱، ص ۲۰

برگزید و آن را المختصر الجامع الصغير من حدیث البشير النذیر نامید. وی در مقدمه الجامع الصغير می گوید:

هذا كتاب اودعت فيه الكلم النبوية الوفاً... اقتصرت فيه على الاحاديث الوجيزة... وصنته عما تفرد به وضاع او كذاب... ورتبته على حروف المعجم مراعيًا اول الحديث فما بعده تسهيلاً على الطلاب وسميته الجامع الصغير من حدیث البشير النذیر، لانه مقتضب من الكتاب الذي سميته جمع الجوامع (الجامع الكبير).^۱

کتاب جمع الجوامع سیوطی، چهل و پنج هزار حدیث دارد که حدود سی هزار آن در بخش اقوال و به ترتیب حروف معجم و حدود پانزده هزار آن در بخش افعال و... و به ترتیب مسانید صحابه است. بیشتر روایات در مسانید، از خلیفه دوم و حضرت علی رضی الله عنه می باشد.^۲

ب) متقی هندی و کنز العمال

علی بن عبدالملک حسام الدین ابن قاضی الہندی (م ۹۷۵) مشہور به متقی ہندی، از دیگر محدثان قرن دهم است که حدود صد اثر دارد.^۳ او در برہانپور به دنیا آمدہ و برای راہیابی به طریق حق به سوی بلاد ہند رفت و مدتی در آنجا و سپس مدتی در مکہ سکنہ گزید.^۴

متقی ہندی هدف از تدوین کنز العمال را تکمیل کتابہای پیشین با نظمی بدیع می داند. او چون کتاب جامع صغیر و زوائد آن را از سیوطی مطالعہ می کند و درمی یابد کہ چکیدہ ای از جامع کبیر او بودہ، مصمم می شود تا آن را بر اساس ابواب

۱. جامع الاحادیث؛ الجامع الصغير وزوائد، تحقیق عباس احمد صقر، ج ۱، ص ۱۵

۲. روایات مسند از حضرت علی، ۲۹۷۴ (۱۳۴۴-۵۳۷۰)؛ مسند از خلیفه دوم، ۳۹۸۸

۳. الاعلام، ج ۴، ص ۳۰۹ (۹۶۳-۴۹۵۱)

۴. کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، ج ۱۶، ص ۷۷۶

فقہی گرد آورد و پس از تدوین، آن را منہج العمال فی سنن الاقوال می نامند وی پس از تکمیل بخش اقوال الجامع الکبیر، آن را الاکمال منہج العمال می داند و سپس با ترکیب هر دو در یکدیگر، کتاب غایة العمال فی سنن الاقوال را فراهم می آورد. در این کتاب احادیث منہج العمال از اکمال، ممتاز است؛ زیرا احادیث منہج از الجامع الصغیر سیوطی گرفته شده بود که صحیح تر و کوتاه تر به نظر می رسید. او با افزودن احادیث روایات افعال النبی از کتاب الجامع الکبیر، اثر کامل تر دیگری به نام کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال به وجود می آورد و در آن مقدمه می گوید:

جمعت بین احادیث الاقوال و الافعال و اذکر اولاً احادیث منہج العمال ثم اذکر احادیث الاکمال ثم احادیث قسم الافعال کتاباً بعد کتاب فصار ذلك کتاباً واحداً ممیزاً فیہ ما سبق بحیث ان من اراد تحصیل قسم الاقوال او الافعال منفرداً او تحصیلها مجتمعین امکانه ذلك و سمیته کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال.^۱

پرسش

۱. حدیث نگاری در چه قرنهایی با رکود روبه روبه است و چرا؟
۲. در قرن هفتم تا سیزدهم چه شهرهایی مراکز حدیثی به شمار می‌رفتند و چه شخصیتهایی در این دوران شهرت داشتند؟
۳. زواید نویسی در چه مقطعی آغاز شد و چه جایگاهی در بین فعالیت‌های حدیثی قرنهای هفتم تا سیزدهم دارد؟
۴. جوامع حدیثی جدید دوران متأخران را به ترتیب گزارش کنید.
۵. کتابهایی را که در جمع بین صحاح نوشته شده، گزارش و مهم‌ترین آنها را معلوم کنید.
۶. موضوع نویسی در قرن هشتم تا دهم چه جایگاهی دارد و چه کسانی پیشگام آن هستند؟
۷. جرح و تعدیل بین محدثان متأخران چه مقدار تداوم یافت و مهم‌ترین آثار کدام است؟
۸. ابن حجر عسقلانی و سیوطی را از نظر آثار روایی مقایسه و جایگاه مهم‌ترین کتاب هر یک را بیان کنید.

پژوهش

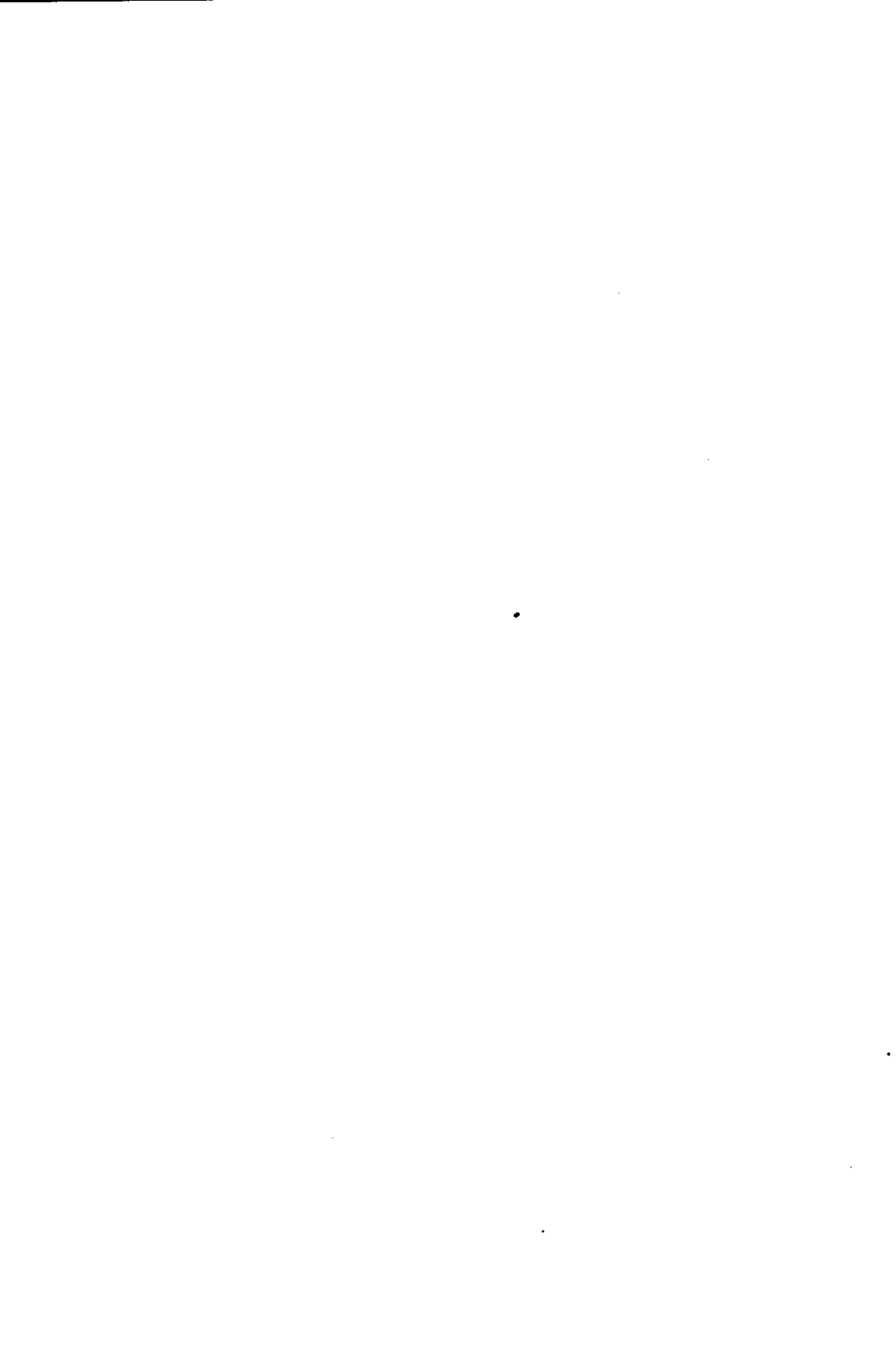
۱. با بررسی حوادث قرن دهم تا سیزدهم، علل رکود حدیث نگاری را بررسی کنید؛
۲. تحولاتی که باعث شد تا مصر و هند در برخی از قرن‌ها مرکز علوم حدیثی قرار بگیرند، مورد بررسی قرار دهید؛
۳. با بررسی کتابهای اختصار نویسی، کامل‌ترین و معروف‌ترین آنها را تحلیل کنید؛
۴. تفاوت‌های کتاب بلوغ المرام ابن حجر را با الامام لاحادیث الاحکام ابن دقیق از نظر سیر تاریخی تحلیل نمایید؛
۵. تخصص، آثار حدیثی و شاگردان ابن حجر عسقلانی را بررسی کنید؛

اهتمام متأخران به حدیث (قرن هفتم تا سیزدهم) ۲۹۹

۶. با بررسی تاریخی روشن سازید که چرا شرح نویسی در دوران متأخران، بیشتر از دیگر فعالیت‌های حدیثی است؟

۷. با بررسی تاریخی دوران متأخران در قرن هفتم تا سیزدهم، گونه‌های حدیثی مانند امالی و اربعین نویسی را تحلیل کنید؟

۸. علت نگارش برخی از کتاب‌های عوالی و مسلسلات حدیثی را که در قرن‌های هفتم تا دهم نوشته شده، بررسی کنید.



۷

اهتمام معاصران به حدیث (قرن چهاردهم و پانزدهم)

در آخرین مرحله بیان می‌شود که گونه‌ها و پژوهشهای معاصران اهل سنت در یکصد و اندی سال پیش چگونه بوده است. در این دوره مهم‌ترین شخصیت‌های حدیثی و آثار و گونه‌های حدیثی آنان و نگرش نو و تعامل آنان با محدثان شیعه تحلیل می‌شود.

محدثان معاصر اهل سنت - برخلاف محدثان دوره رکود پیشین - پژوهشهای نو و گسترده‌ای را رقم زده‌اند که نشان از تحول و رشد فراوان در حوزه حدیث بویژه در پنجاه سال اخیر است و سبب تعامل بیشتر با محدثان شیعه نیز شده. پیشرفت‌های حدیثی معاصر، در کنار پیشرفت و تحول دیگر علوم بود و سببی همسان داشت؛ زیرا فضای علمی جدیدی رخ داده بود و تمام علوم رو به رشد می‌رفت. حدیث هم چون بسیار مورد توجه محدثان فریقین بود، از بالندگی مناسبی برخوردار شد.

تعامل، تأثیر و تأثر حدیث نگاری فریقین

پیش از بررسی نگارش‌های حدیثی اهل سنت در دوره معاصر، ضروری است به تحول شگرفی که در دوران معاصر در گستره حدیثی پژوهشی رخ داده است، اشاره‌ای کوتاه شود. در دوره معاصر به علت گفت و گوهای محدثان فریقین، مطالعه

تفصیلی آثار هر یک و ایجاد مناظره و مبادله‌های علمی بیشتر آنها، حدیث نگاری و گونه‌های آن با تأثیر و تأثر متقابل روبه رو شده است.

شخصیتهای حدیثی معاصر اهل سنت مانند دکتر صبحی صالح، محمود ابوریه، جمال الدین قاسمی، دکتر محمد عجاج خطیب، محمد محمد ابوزهو، نور الدین عتر، محمد محمد ابوشبهه، مناع قطان و... در گسترش حوزه‌های حدیثی و تعامل با محدثان شیعه، نقش فراوانی داشته‌اند. مبادله آثار علمی اعم از کتاب، مقاله یا شرکت در مناظره و مباحثات علمی مشترک و یا پاسخ دهی به پرسشهای یکدیگر تا حد زیادی توانسته در فرهنگ و مطالعات حدیثی مؤثر باشد.

در تعامل بین محدثان فریقین، محدثان شیعه فعال ظاهر شده‌اند و در پیدایش رویکردهای نو در حوزه تاریخ حدیث، علل ممانعت و دوره نشر، نقد متون حدیثی اهل سنت، نقد برخی از صحابه، نقد برخی از روایات، نقش مهمی داشته‌اند. برخی از محدثان اهل سنت نیز، مانند محمود ابوریه،^۱ صبحی صالح^۲ و... به علت آزادی رأی و برخورد اندیشمندانه با مباحث تاریخی، اندیشه‌های نویی را در حوزه حدیث‌شناسی دوره معاصر به وجود آورده‌اند و سبب شده‌اند تا اشتراکات مطالعات حدیثی فریقین بیشتر گردد. پیش بینی می‌شود در صورت تداوم چنین تعاملی بین محدثان فریقین، گستره حدیث‌شناسی شیعه و اهل سنت، بالندگی بیشتری را در آینده شاهد باشد.

گستره حدیث‌شناسی اهل سنت

محدثان اهل سنت در یکصد و اندی سال دوره معاصر، گستره حدیث‌شناسی را فزونی داده و گسترده‌تر از پیش جریان حدیث‌شناسی را به پیش برده‌اند. می‌توان، مهم‌ترین پژوهشهای حدیثی محدثان معاصر اهل سنت را موارد ذیل دانست:

۱. اضاء علی السنة المحمدیه، ص ۷۵، ۱۲۷، ۱۹۴، ۲۵۸ و...

۲. علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۱۱، ۱۹ و...

الف) زواید نویسی

از جمله دانشهای حدیث پژوهی، زواید نویسی است که از دوران متأخران آغاز شده و در دوران معاصر، گسترش یافته و به «علم الزواید» و پیدایش کتابهای زواید منتهی شده است. زواید نویسی دربردارنده روایاتی است که در کتابهای پیشین نبوده.^۱ حدیث زاید، همان حدیث مزید و در برابر حدیث منقوص است، و زیادت گاهی در متن و گاهی در سند می باشد. محمدابوزهو در مورد کتابهای زواید می گوید:

فجاء المتأخرون واخرجوا الاحادیث الزائدة فی کتاب علی آخر فی مصنفات خاصة لهم وسماوا ذلك بكتب الزوائد.^۲

بررسی اعتبار حدیث مزید یا منقوص، در قلمرو علم زواید الحدیث است و آثار مهمی در این خصوص فراهم شده؛^۳ مانند علم زوائد الحدیث، دکتر خلدون أحدب؛ علم زوائد الحدیث دراسة و منهج و مصنفات، عبدالسلام محمد علوش و کتب الزوائد، نشأتها، اهمیتها و سبل خدمتها، محمد عبدالله ابوصعلیک.

شخصیتهای مهمی مانند هیشمی، ابن حجر و سیوطی در دوره متأخران، به زوایدنویسی اهتمام ورزیده اند. در دوره معاصر نیز محدثانی از اهل سنت، آثار جدیدی را - اعم از تألیف و یا تدوین - در این زمینه فراهم آورده اند؛ مانند:

۱. اسعاء الرائی بافراود وزواید النسائی علی الکتب الخمسه، سید کسروی حسن؛
۲. الحوض المورود فی زوائد منتقی ابن الجارود، محمد ناصرالدین البانی؛
۳. زوائد تاریخ بغداد علی الکتب الستة، دکتر خلدون احدب؛
۴. زوائد سنن الدارمی علی الکتب الستة، سیف الرحمن مصطفی؛
۵. زوائد السنن علی الصحیحین، صالح احمد شامی؛

۱. منهج النقد فی علوم الحدیث ص ۲۰۶

۲. الحدیث والمحدثون، ص ۴۴۴

۳. منهج النقد فی علوم الحدیث، ص ۲۰۶؛ جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۲۴۶

۶. مصباح الزجاجة في زوائد ابن ماجه، بوصیری، تحقیق مولی محمد علی و دکتر عزت علی عطیه؛
۷. زوائد ابن ماجه علی الکتب الخمسه، بوصیری، تحقیق محمد مختار حسین؛
۸. تعلیقات مصباح الزجاجة فی زوائد ابن ماجه، تحقیق خلیل مامون شیخا؛
۹. زوائد الاجزاء المنثورة علی الکتب السنة المشهورة، عبدالسلام، محمد علوش؛
۱۰. المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانیه، حبیب الرحمن اعظمی.

ب) اطراف نویسی

اطراف نویسی که از دوره متأخران آغاز شده و در قرنهای بعدی نیز تداوم یافته بود، در دوره معاصران نیز مورد توجه برخی از محدثان قرار گرفت و با هدف تکمیل و روان سازی احادیث ادامه یافت. دکتر نورالدین عتر در مورد اطراف الحدیث می گوید:

الاطراف، جمع طرف، و طرف الحدیث، الجزء الدال علی الحدیث او العبارة الدالة علیه مثل حدیث الاعمال بالنیات و حدیث الخازن و حدیث سؤال جبرئیل و کتب الاطراف، کتب یقتصر مؤلفوها علی ذکر طرف الحدیث الدال علیه ثم ذکر اسانیده فی المراجع التي ترویه باسنادها... لکنها لا تذكر متن الحدیث کاملاً^۱

محدثان اهل سنت از قرن چهارم، آثاری را در اطراف الحدیث آفریده اند،^۲ اما این تلاش تا دوره معاصر نیز تداوم یافته و برخی از معاصران برای پیدایش و تحقیق کتابهای اطراف کوشیده اند؛^۳ مانند:

۱. موسوعة اطراف الحدیث النبوی الشریف، محمد سعید بیستونی؛
۲. فهارس تحفة الاشراف، مزی، تحقیق محمد عبدالقادر عطاء؛

۱. منهج النقد فی علوم الحدیث، ص ۲۰۱

۲. الحدیث والمحدثون، ص ۴۳۳

۳. جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۱۷۹

اهتمام معاصران به حدیث (قرن چهاردهم و پانزدهم) ۳۰۵

۳. الکشاف عن ابواب مراجع تحفة الاشراف بمعرفة الاطراف، عبدالصمد

الشرف الدین؛

۴. الجامع المفهرس لاطراف الاحادیث النبویه و الاتار السلفیه، البانی؛

۵. قرة العینین فی اطراف الصحیحین، محمد فواد عبدالباقی.

پ) شرح نویسی

پس از شکل گیری «صحاح ششگانه» به عنوان مهم ترین منابع و جوامع حدیثی اهل سنت، همواره بخشی از پژوهشهای محدثان اهل سنت از دوره متأخران تا کنون در مورد شرحهای آنها بوده است. هر یک از شارحان با توجه به گسترش علوم روز کوشیده است احادیث صحاح - بخصوص صحیح بخاری و صحیح مسلم - را شرح دهد و با بررسی متنی و سندی، در جهت تثبیت آنها آثاری را بیافریند.

شرح نویسی در فاصله قرنهای هفتم تا نهم، بسیار زیاد بوده است که در مرحله پیش بدانها اشاره شد؛ ولی در دوره معاصر، نیاز به شرحهای جدید و بروز، همواره مورد توجه برخی از محدثان بوده است؛^۱ مانند:

۱. منار القاری فی شرح صحیح البخاری، حمزه محمد قاسم؛

۲. الکوثر المعانی الدراری فی کشف خبایا صحیح البخاری، شتیطی (م ۱۳۵۴)؛

۳. فتح العلام، فاضل صدیق خان (م ۱۳۰۷)؛

۴. فتح الملهم لشرح صحیح مسلم، بشیر احمد دیوبندی عثمانی (م ۱۳۶۹)؛

۵. بذل المجهود فی حل ابی داود، شیخ خلیل احمد بهارنفری (م ۱۳۴۶)؛

۶. غایة المقصود فی شرح سنن ابن داود، شمس الحق عظیم آبادی (م ۱۳۲۹)؛

۷. تحفة الاحوذی شرح جامع الترمذی، ابوالعلا محمد بن عبدالرحمن مبارکفوری (م ۱۳۵۳)؛

۸. عون المعبود، اشرف امیر عظیم آبادی (م ۱۳۱۰)؛

۹. ذخیره العقبی فی شرح المجنی، علی بن آدم بن موسی؛

۱۰. شروق انوار المتن الكبرى الالهية لكشف اسرار السنن الصغرى للنسائيه، محمد مختار بن محمد.

ت) گردآوری روایات صحاح

معاصران - همانند متأخران - گردآوری روایات صحاح در مجموعه جدید را مهم شمرده و بدین منظور آثاری را پدید آوردند که در دوره معاصر مورد توجه بود و می توانست اثری نو به شمار آید. به نظر می رسد گردآوری روایات «صحاح» که متأخران و حتی معاصران بدان دست زدند، کمک شایانی به استفاده بهینه از روایات متقدمان و تجلیل از آنها نیز بود تا آنکه مجموعه های حدیثی پیشین به روز شوند و با شیوه های روان تر به همراه تبویب و تنظیم جدید نشر یابند.

برخی از آثار معاصران که به منظور گردآوری کتابهای پیشین نوشته شده، از محدثان و محققان مهم اهل سنت (مانند شتیطی،^۱ عبدالباقی و...) بوده است که عبارتند از:

۱. زاد المسلم فیما اتفق علیه البخاری و مسلم، حبیب الله شتیطی (م ۱۳۵۴)؛

۲. اللوء والمرجان فیما اتفق علیه الشیخان اماما المحدثین، محمد جواد

عبدالباقی؛

۳. المسند الجامع، دکتر بشار عواد معروف؛

۴. الجمع بین الصحیحین، یاسر بن ابراهیم سلامه.

۱. جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۱۷۷؛ زاد المسلم، مقدمه

ث) فقه الحدیث و شرح و تبیین موضوعی روایات

محدثان معاصر اهل سنت - بویژه در پنجاه ساله اخیر - برای بررسی و شرح روایات متقدمان و متأخران تلاش فراوانی کردند تا پرسشهای فراوانی که از طرف خوانندگان روایات - بویژه نسل جوان و خاورشناسان - مطرح می‌شد، پاسخ گویند. آنان می‌کوشیدند ناسازگاری روایات را بررسی کنند و با تنقیح قواعد فهم حدیث و ارائه شیوه‌های مطلوب، روایات را تفسیر نمایند و در مواردی روایات به صورت موضوعی، شرح و ارائه شود تا فهم آنها برای همگان آسان باشد.

آنان تلاش کردند روایات نبوی و در کنار آنها، سخنان صحابه را که از نظر اهل سنت، معتبر و هم شأن روایات نبوی بوده است، ارزیابی کنند و با کمک قواعد فهم و نقد متن، آنها را برای دیگران به صورت موضوعی و ترتیبی شرح دهند. بررسی ارتباط مفهوم روایات با علوم روز و تأویل و توجیه آنها یا محدود بودن گستره روایات، بیان خاص، مقید و ناسخ آنها و بیان غریب الحدیث، مختلف الحدیث، علل الحدیث^۱ و حتی بیان چگونگی ارتباط روایات اهل سنت با روایات شیعه و بررسی منزلت هر یک، در دانش «فقه الحدیث» معاصران شکل گرفته است و دهها اثر در خصوص بیان قواعد فهم روایات یا شرح متن روایات ارائه شده که می‌تواند موارد ذیل از آن جمله باشد:

۱. الكوثر المعانی الدراری فی كشف خبايا صحيح البخاری، شتیطی؛
۲. شرح الاربعون النوویه، ابراهیم بن محمد؛
۳. المنهل الحدیث فی شرح الحدیث، عبدالعال احمد عبدالعال؛
۴. الفصل المبین علی عقد الجواهر الثمین، جمال الدین قاسمی دمشقی؛
۵. الاسرائیلیات فی التفسیر والحدیث، محمد حسین ذهبی؛

۶. منهج التوفيق و الترجيح بين مختلف الحديث، محمد اسماعيل اسوسوه؛
۷. كيف نتعامل مع السنة النبويه، يوسف قرضاوى؛
۸. اسباب ردة الحديث، محمد محمود بكار؛
۹. قواعد و فوائد من الاربعين النبويه، ناظم محمد سلطان.

ج) تحقيق، تعليق، تخريج و تصحيح روايات

در تداوم شرح و بررسی و تبیین موضوعی روایات، تعداد زیادی از محدثان معاصر اهل سنت، با هدف، تحقیق، تعليق، تخريج و در مواردی تصحيح متون روایات، آثار پیشینیان را بررسی کردند و یک یا چند اثر روایی آنان را با تکمله‌هایی نشر داده‌اند. این آثار در مواردی در دفاع از صاحب کتاب بوده و در مواردی، حاشیه و یا تعلیقه‌ای برای آن فراهم است تا زمینه استفاده از آن برای دیگران بیشتر فراهم شود. تحقیق و تعليق آثار پیشینیان، سبب معرفی و بیان خدمات آنان شده این تلاشها در مواردی به تکمیل تحقیقهای دیگران انجامید؛ اما در برخی موارد نقدی بر آنها وارد کرده است. برخی از آنها را می‌توان چنین برشمرد:

۱. تنقیح تحقیق احادیث التعلیق، ایمن صالح شعبان؛
۲. المجلی فی تحقیق احادیث المحلی، علی رضا بن عبدالله؛
۳. الترغیب و الترهیب، تحقیق محیی الدین ریب و العطار؛
۴. الجمع بین الصحیحین، بدر الموصلی، تحقیق صالح احمد الشامی؛
۵. نصب الرایه، تخريج احادیث الهدایه، احمد شمس الدین؛
۶. کتاب مجمع البحرين، تحقیق عبدالقدوس بن محمد؛
۷. شعب الایمان بیهقی، تحقیق بیستونی؛
۸. اتحاف الخیرة المهره، تحقیق عادل بن سعد و ...؛

۹. جامع المسانید و السنن ابن کثیر، تحقیق امین قلعجی؛
۱۰. صحیح مسلم، تحقیق محمد فواد عبدالباقی؛
۱۱. الجامع الکبیر، الترمذی، تحقیق، بشار عواد معروف؛
۱۲. مسند اسحاق بن راهویه، تخریج و تحقیق البلوشی؛
۱۳. المحرر فی الحدیث، مقدسی، تحقیق ندیم مرعشلی؛
۱۴. الجامع الصغیر، سیوطی تحقیق محمد عبدالله محمد الدریش؛
۱۵. الهدایة فی تخریج احادیث البدایه، الغماری الحسینی؛
۱۶. سبل السلام شرح بلوغ المرام صنعانی، تصحیح فواز احمد زمزلی.

چ) تألیفات جدید حدیثی

عده‌ای از محدثان معاصر اهل سنت، کتابهای تدوین شده پیشین را کافی ندانسته و به نوشتن اثری جدید در حوزه حدیث روی آوردند و کوشیدند با تبویب و تنظیم و کاستن و یا افزایش برخی از روایات، تألیفی نو را در فقه یا دیگر حوزه‌های روایی پدید آورند؛ مانند:

۱. المداوی لعل الجامع الصغیر، الغماری؛
۲. منار السبل فی شرح الدلیل، ابراهیم بن ضویان؛
۳. اوحز المسالك الی موطا مالک کاندهلوی؛
۴. التمام الحسن و هو تتمه جامع المسانید و السنن، عمر علوش؛
۵. بذل المجهود فی حل ابن داود، شیخ خلیل احمد السهاری نفوری؛
۶. التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول، الشیخ منصور علی ناصف؛
۷. اتحاف القاری بمعرفة جهود واعمال العلماء علی صحیح البخاری،

ح) چکیده نویسی روایات

برخی از محدثان برای آسان‌سازی مراجعه به احادیث اهل سنت، آنها را کوتاه و تلخیص کرده و تعدادی از روایات را برگزیدند. اغلب تلخیصها، در مورد صحیح مسلم و صحیح بخاری بوده است؛ زیرا آنها اعتبار بیشتری نزد عموم اهل سنت داشته‌اند و تلخیص آنها سبب بهره‌مندی بیشتری از آنها می‌شد نمونه‌هایی از این چکیده‌ها چنین است:

۱. منتخب الصحیحین، یوسف بن اسماعیل نبهانی؛
۲. جواهر البخاری، مصطفی محمد عماره؛
۳. جواهر صحیح البخاری، احمد شوحان؛
۴. الالفاظ المختارة من صحیح البخاری، محمد هارون؛
۵. المنتخب من مسند عبد بن حمید، البدری؛
۶. المصطفی من احادیث المصطفی، العماد الاول مصطفی طلاس؛
۷. مختصر المصنف لعبد الرزاق صنعانی، علی بن عوض.

خ) معاجم و راهنما نویسی

همواره بهره‌مندی روان‌تر از مجموعه احادیث، نیازمند به معاجم و راهنما بوده است که بتوان سریع‌تر و راحت‌تر به روایات دسترسی پیدا کرد؛ از این رو، گروهی از محدثان اهل سنت، در صدد تهیه معاجم - خصوصاً به صورت موضوعی - برای مجموعه‌های بزرگ روایی برآمدند تا با کمک آنها بتوان به الفاظ روایات یا صحابه دست یافت. برخی از محدثان، در کتاب راهنمانویسی، به شرح و توضیح لغوی یا متن آنها نیز توجه داشته‌اند.

برخی از مستشرقان نیز، معجم نویسی بر روایات اهل سنت را لازم دانسته و در مواردی پیشگام محدثان اهل سنت شده‌اند؛ مانند المعجم المفهرس لالفاظ الحدیث

النبوی، دکتر ونسنگ استاذ العربیة بجامعة لیدن. مؤلف، تدوین این کتاب را مهم می‌داند و با شیوه‌ای خاص آن را فراهم می‌آورد.^۱ برخی از معاجم نیز به سبک روایات یکی از صحاح (مثل صحیح مسلم) فراهم شده که برخوردار از استعیاب و ذکر الفاظ در جمله است؛^۲ تعدادی از آن معاجم چنین است:

۱. فهرس احادیث و آثار مجمع الزوائد هیشمی، طه مجذوب؛

۲. المنهج الاسعد فی ترتیب احادیث مسند الامام احمد، الرشید الرحمانی؛

۳. الجامع المفهرس لالفاظ صحیح مسلم، سعد المرصفی؛

۴. هداية الباری الی ترتیب صحیح البخاری، طهطاوی؛

۵. فهارس المعجم الاوسط، محمود طحان؛

۶. فهارس مصنف عبدالرزاق صنعانی، راشد ازدی؛

۷. فهرست احادیث و آثار المصنف، المجذوب؛

۸. فهرست المسند احمد بن حنبل، احمد الزین؛

۹. فهارس عون المعبود، عبدالفتاح شبلی؛

۱۰. فهارس مسند الامام الشافعی، عبدالرحمن مرعشلی؛

۱۱. فهارس مسند الحمیدی، حسن شبراوی؛

۱۲. فهرست الاحادیث و الآثار المصنف، سعد بن عبدالله.

د) موسوعه موضوعی روایات

موسوعه نویسی که از شیوه‌های نو علمی در قلمرو هر یک از علوم است، در حدیث نیز در دوره معاصر شکل گرفت و چندین موسوعه حدیثی موضوعی به همت جمعی از محققان اهل سنت به وجود آمد. در دائرة المعارف حدیثی نیز، تدوین

۱. المعجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی، ج ۱، ص ۶-۹.

۲. سعد المرصفی، الجامع المفهرس لالفاظ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۶.

احادیث به سبک جدید و در مواردی همراه نظم و شرح آنها بوده است؛ مانند موسوعه فتاویٰ النبوی و دلائلها الصحیحه که بر سبک ابواب فقهی و به همراه اسلوبی مطلوب است؛^۱ برخی از این موسوعه‌ها عبارتند از:

۱. موسوعه الحدیث النبوی، عبدالملک بکر عبدالله قاضی؛
۲. موسوعه الحدیث النبوی الشریفه ندیم مرعشلی؛
۳. موسوعه الکتب السنه، شعبان قورت؛
۴. موسوعه فتاویٰ النبوی و دلائلها الصحیحه من السنه الشریفه، ابن خلیفه علیوی؛
۵. الموسوعه الحدیثه الکبری، یوسف اوزنک؛
۶. الموسوعه الحدیثیه مسند احمد بن حنبل، ابراهیم زبیک؛
۷. الموسوعه الحدیثیه، عبدالله بن عبدالمحسن التركي؛
۸. موسوعه وسائل ابن ابی الدنیه، مصطفیٰ عبدالقادر عطا.

ذ) اربعین نویسی

شماری گرچه اندک از محدثان اهل سنت به اربعین نویسی یا تحقیق و تکمیل کتب اربعین پیشین اهتمام ورزیدند و برخی از آثار را فراهم آوردند. آنان اغلب به شیوه ابن حجر عسقلانی استناد جسته‌اند که از کتاب صحیح مسلم، چهل حدیث را برگزید و نام آن را عوالی مسلم اربعون حدیثاً منتقاة من صحیح مسلم گذاشت.^۲ برخی از اربعینها چنین است:

۱. الاربعون الصغری، بیهقی تحقیق بیستونی؛
۲. الاربعون حدیثاً البکریه، تحقیق هارون عاشور؛
۳. الاربعون، عطاء الله بن عبدالغفار؛

۱. ابن خلیفه علیوی، موسوعه فتاویٰ النبوی و دلائلها الصحیحه، ج ۱، ص ۶
 ۲. عوالی مسلم، اربعون حدیثاً منتقاة من صحیح مسلم، تحقیق کمال یوسف الحوت، ص ۸

۴. اربعون حديثاً في فضل الصلاة، محمد عبدالرحيم؛

۵. رسالة الاحاديث الاربعين، نبهاني؛

۶. الوافي في شرح الاربعين النوويه، مصطفى البغا؛

۷. الاربعون البلدانية، اربعون حديثه فاداني؛

۸. اربعون حديثاً نبويةً عبدالله سراج الدين.

ر) تدوين آثار جديد دراية الحديث

پردازش اصطلاحات حدیثی و نظم و معناشناسی آنها نزد محدثان معاصر اهل سنت، از شمار پژوهشهای حدیثی جدید بوده است. برخی از شخصیت‌های حدیثی اهل سنت (مانند صبحی صالح، نورالدین عتر، عجاج و...) به خلق اثری جدید در این زمینه روی آوردند^۱ و مباحث درایه و اصطلاحات آن را کاویدند و بر تمایز و نظم دهی آنها کوشیدند. برخی از آنان به فلسفه اصطلاحات^۲ و سیر تحولات تاریخی در معنای اصطلاحات حدیثی - بخصوص اصطلاح «صحيح»،^۳ «حسن» و «ضعيف» - توجه فراوان داشته و در مقدمه مباحث اصطلاح‌شناسی، به تاریخ و مرحله‌های حدیثی پرداختند. عده‌ای نیز در شرح کتابهای درایه پیشین، مطالبی را بر آنها افزوده‌اند. مواردی از آنها چنین است:

۱. قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث، محمد جمال الدين قاسمی؛

۲. علوم الحديث و مصطلحه، صبحی صالح؛

۳. اصول الحديث، علومه و مصطلحه، محمد عجاج خطیب؛

۴. الوسيط في علوم و مصطلح الحديث، محمد ابوشهبه؛

۱. علم الدراية تطبيقي، ص ۱۵

۲. علوم الحديث و مصطلحه، مقدمه، ص ج

۳. قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث، ص ۷۹

۵. منهج النقد فی علوم الحدیث، نورالدین عتر؛
۶. الحدیث النبوی، مصطلحه، محمد بن لطفی الصباغ؛
۷. اصول علم الحدیث، ابولبابه حسین؛
۸. دراسة فی مصطلح الحدیث، ابراهیم النعمه؛
۹. مهمات علوم الحدیث، ابراهیم بن علی ال کلبی؛
۱۰. مصطلح الحدیث و اثره، شرف الدین علی الراجحی؛
۱۱. الاضافه دراسات حدیثیه، محمد عمر بازمول؛
۱۲. الحدیث الصحیح، اسماعیل صباح.

ز) تدوین آثار جدید رجالی و تراجم

شناسایی راویان از دیرباز مورد نظر محدثان بوده است؛ آنان خود را در شناسایی رجال و تراجم آنها و تدوین اثر رجالی ناچار می دانسته اند و با وجود دهها کتاب تراجم و راوی شناسایی - بویژه رجال صحاح ششگانه - همواره به علت آن که عالمان رجالی پیشین اختلاف نظر داشتند، لازم بود در مورد راویان و مبانی نظری رجالی اظهار نظر کنند و با تحقیق و بررسی دیدگاه پیشینان، آنها را به نقد کشند. از جمله شخصیت‌های معاصر اهل سنت، محمد ناصرالدین البانی است که به نقد راویان کتابهای صحاح پرداخته است؛^۱ اما برخی نقد او را نپسندیده و در دفاع از اتهام وارد شده بر رجال کتب صحاح و یا تکمیل آنها، اثر دیگری به وجود آورده اند.

تدوین تراجم و طبقات راویان نیز با هدف تکمیل رجال شناسی اسناد روایات شکل گرفته تا پس از شناسایی طبقات راویان،^۲ اظهار نظر در مورد اتصال سند روایات روان تر شود. برخی نیز با هدف شناسایی راویان شبیه به یکدیگر، به تکمیل

۱. معجم اسامی الرواه، ص ۳

۲. محمد بن احمد دمشقی، طبقات علماء الحدیث، تحقیق ابراهیم الزنبق، ج ۱، ص ۵۸

و تحقیق کتابهایی پرداختند که نام راویان را ثبت کرده بودند. بیشترین اهتمام در بین پژوهشهای رجالی، بررسی رجال «صحاح ششگانه» بوده است؛ مانند موسوعه رجال الکتب التسعة که به ترتیب رجال صحاح می باشد.^۱ برخی از آثار رجالی، تراجم و... چنین است:

۱. موسوعة رجال الکتب التسعة، تصنیف عبدالغفار سلیمان البنداری و سید کسروی حسن؛

۲. دراسات فی الجرح والتعدیل، ضیاء الرحمن اعظمی؛

۳. نظریه نقد الرجال، عمادالدین محمد الرشید؛

۴. المنهج الحدیث فی علوم الحدیث، (قسم الرواة)، محمد محمد السماحی؛

۵. معجم اسامی الرواة، تحقیق احمد اسماعیل شکوکانی و صالح عثمان اللحام؛

۶. طبقات علما الحدیث دمشق، تحقیق ابراهیم الزنبق؛

۷. توضیح المشتبه فی ضبط اسماء الرواة، دمشق، تحقیق و تعلیق محمد

نعم العرقسوسی؛

۸. مباحث فی علم الجرح والتعدیل، قاسم علی سعد؛

برخی از محققان اهل سنت با هدف معلوم کردن راویان ضعیف، به بررسی راویان جاعل و احادیث آنان پرداخته و آثاری آفریدند که می توان در این زمینه از تحذیر المسلمین من الاحادیث الموضوعه، محمد البشیر ظافر، نام برد. برخی نیز مانند البانی، راویان «صحاح ششگانه» را بررسی کردند و راویان ثقه و غیر ثقه آنها را معلوم کردند؛ مانند سلسله الاحادیث الصحیحة، صحیح و ضعیف سنن ابن ماجه، صحیح و ضعیف سنن نسائی و ابی داود و... عده ای هم مانند سمیر العشاء در کتاب التیسیر فی حفظ الاسانید، به بررسی اسانید صحیح بخاری پرداخته اند.

۱. موسوعة رجال الکتب التسعة، تصنیف: البنداری، عبدالغفار سلیمان، ج ۱، ص ۷

س) تدوین کتابهای تاریخ حدیث

محدثان معاصر اهل سنت به پژوهشهایی حدیثی دست زده‌اند که موارد ذیل می‌تواند در ردیف مهم‌ترین آنها قرار گیرد: تدوین کتابهایی در تبیین تاریخ حدیث و سیر تحولات آن؛ مهم‌ترین شخصیتها و آثار حدیثی؛ دفاع از سنت نبوی، جایگاه و چگونگی تدوین آن و پاسخ به شبهات خاورشناسان در قلمرو تاریخ و منزلت حدیث. برخی از این پژوهشها با اندیشه‌های منتقدان اهل سنت - مانند نقدهای برخی از بزرگان شیعه در مورد تاریخ حدیث اهل سنت - سازگار بوده است و مورد توجه مخالفان اهل سنت واقع شده؛ ولی صاحبان این دیدگاهها در بین جمعی از اهل سنت، طرد شده‌اند.

ابوریه که در تاریخ و دفاع از سنت کتاب علمی دارد، هدف خود را نقد دقیق تاریخ حدیث، راویان و زمینه‌های حدیث به شیوه علمی پایدار می‌داند.^۱ او مقدمه طه حسین را نیز، تأیید پژوهش علمی خود تلقی می‌کند.^۲ محمد ابوزهو هم، وظیفه خود را دفاع از منزلت حدیث و پاسخ به مستشرقان می‌داند و می‌گوید:

فلما رأیت هذا الخلط والتلیس و ذلك الطعن والازراء دون برهان ولا دلیل
وغالب ذلك من المستشرقین... توجت رغبتی الی تألیف کتاب فی تاریخ
الحدیث والمحدثون یکشف القناع عن وجه الحقیقة.^۳

برخی از آثار در قلمرو تاریخ حدیث چنین است:

۱. السنة قبل التدوین، محمد عجاج؛
۲. السنة النبویه و علومها، احمد عمر هاشم؛
۳. الحدیث والمحدثون، محمد ابوزهو؛
۴. اضاءة علی السنة المحمدیه، محمود ابوریه؛

۲. همان، ص ۷، ۳۳.

۱. اضاءة علی السنة المحمدیه، ص ۲۹.

۳. الحدیث والمحدثون، ص ۶.

۵. علوم الحدیث و مصطلحه، صبحی صالح؛
۶. تدوین السنة، ابراهیم فوزی؛
۷. بحوث فی تاریخ السنة الشریفه، ضیاء العمری؛
۸. مباحث فی تدوین السنة المطهره، الجبوری؛
۹. تاریخ السنة النبویه، صائب عبدالمجید؛
۱۰. دراسة فی السنة النبویه الشریفه، صدیق عبدالعظیم؛
۱۱. دفاع عن السنة النبویه، عزیه علی طه؛
۱۲. دراسات فی الحدیث نبوی و تاریخ تدوینہ، مصطفی اعظمی؛
۱۳. موقف المدرسة العقلية من السنة النبویه، امین صادق الامین؛
۱۴. مکانة الصحیحین، خلیل ابراهیم ملا خاطر.

ش) رایانه و مراکز آموزش و پژوهش علوم حدیثی

در دو دهه اخیر، مراکز تدریس و پژوهش علوم حدیثی به صورت دانشگاهی شکل گرفته و با کمک گرفتن از ابزار نو (مانند سخت افزار و نرم افزار) تحول شگرفی در مراکز حدیثی - بویژه در مجامع دانشگاهی - رخ داده است. گسترش رشته های حدیثی در مقطع کارشناسی، ارشد و دکترا در دانشگاه های مصر، عربستان، لبنان، کویت و ... و تأسیس پژوهشکده های حدیثی، کمک مهمی به نشر مباحث حدیثی کرده است.

بهره مندی از نرم افزارهای رایانه ای در حوزه کتابهای حدیثی (مانند نرم افزار صحاح ششگانه، نرم افزار مسانید، نرم افزار المكتبة الالقیة السنة النبویه و ...) سبب دسترسی آسان تر و سریع تر کاربران به روایات شده و بدین جهت دهها کتاب و مقاله علمی در حوزه حدیث نشر یافته که با سبکی نو و زیبا به دفاع از اعتقادات اهل سنت در برابر مخالفان - اعم از مستشرقان و دیگران - پرداخته است.

در مراکز آموزشی و پژوهشی جامعه الازهر، جامعه ام القرى و جامعه المدنيه و ... صدها نفر به پژوهش مباحث حدیثی اشتغال دارند. این مراکز، برنامه ریزی مناظرات علمی بین محققان فریقین و سمینارهای عمومی بین عالمان و محدثان آنها را فراهم می‌آورند. در این خصوص عالمان و محدثان شیعه، بیشترین استقبال را از گفت‌وگوهای علمی حضوری، کرده‌اند و با شرکت در مباحثات دیدگاه‌های امامیه را روشن ساخته‌اند.

پرسش

۱. احادیث شیعه و سنی هر یک بر دیگری چه تأثیری داشته‌اند؟ نقش هر یک را بیان کنید.
۲. زواید نویسی را در دوره معاصر شرح دهید و مهم‌ترین شخصیت‌های معاصر اهل سنت را در این خصوص نام ببرید.
۳. مهم‌ترین شرح‌های روایی در دوره معاصر کدامند؟
۴. تحقیق و تعلیق متون درسی را با ذکر مثال بیان کنید.
۵. مهم‌ترین تألیفات جدید حدیثی در دوران معاصر چه نام دارند؟
۶. مهم‌ترین معاجم‌های حدیثی اهل سنت و اهداف آنها چیست؟
۷. سه مورد از آثار درایه را به همراه شخصیت‌های آنها بیان نمایید.
۸. کتاب‌های تاریخ حدیث چه اهداف و ویژگی‌هایی دارند؟ خصوصیات مهم‌ترین آن را بیان کنید.

پژوهش

۱. نمونه‌هایی از همکاری مشترک حدیثی فریقین را در دوره معاصر تحلیل کنید؟
۲. تحقیق محمد مختار حسین را در زواید نویسی بر کتاب‌های پنجگانه بررسی کنید؟
۳. نقش محمد فواد عبدالباقی را در خدمات حدیث پژوهی به همراه آثار او بیان کنید؟
۴. اهمیت تبیین موضوعی روایات را در دوره معاصر تحلیل کنید؟
۵. ساختار و اهداف تدوین کتاب التاج الجامع للاصول را گزارش کنید؟
۶. سیر تحول موسوعه‌های حدیثی را از نظر زمان و ویژگی‌های آن تحلیل نمایید؟
۷. بررسی کنید که درایة الحدیث در دوره معاصر، چه ویژگی‌ها و تحولاتی داشته است؟
۸. جایگاه رجال‌شناسی دوران معاصر را به همراه کاستی‌های آن تحلیل نمایید.

كتابنامه

١. نهج البلاغه، شرح صبحى صالح، دارالهجرة، قم، ١٤١٢ق.
٢. نهج البلاغه، شرح فيض الاسلام، [بى تا]، [بى جا].
٣. آقا بزرگ، الذريعة الى تصانيف الشيعة، بيروت، اضواء، [بى تا].
٤. ابن اثير، الكامل فى التاريخ، دار صادر، بيروت، ١٣٩٩ق.
٥. ابن بليان فارسى، على، الاحسان بترتيب صحيح ابن حبان، مؤسسة الرسالة، بيروت، ١٩٩٣م.
٦. ابن جوزى، المنتظم، طبع هند، حيدرآباد، ١٣٥٩ش.
٧. —، الموضوعات، دارالفكر، بيروت، ١٤٠٣ق.
٨. ابن خلكان، احمد بن محمد، وفيات الاعيان وانباء ابناء الزمان، منشورات الرضى، قم، ١٣٦٤ش.
٩. ابن خليفه عليوى، موسوعة فتاوى النبى ودلائلها الصحيحة، دارالكتب، بيروت، ١٤١٢ق.
١٠. ابن ربيع شيبانى، عبدالرحمن بن على، تيسير الوصول الى جامع الاصول، المكتبة التجارية الكبرى، مصر، ١٣٤٦ق.
١١. ابن سعد، الطبقات الكبرى، دار صادر، بيروت، ١٣٨٠ق.
١٢. ابن شهر آشوب، محمد بن على مازندرانى، معالم العلماء، تحقيق سيد محمد صادق بحر العلوم، المطبعة الحيدرية، نجف، ١٣٨٠ق.
١٣. ابن صلاح، ابى عمر عثمان بن عبدالرحمن، مقدمه ابن صلاح فى علوم الحديث، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤١٦ق.
١٤. ابن عدى، الكامل فى ضعفاء الرجال، دارالفكر، بيروت، ١٤٠٥ق.
١٥. ابن عساکر، هبة الله، تاريخ مدينه دمشق، دارالفكر، بيروت، ١٤١٨ق.
١٦. ابن قيم جوزيه، شمس الدين محمد، اعلام الموقعين عن رب العالمين، تحقيق محمد محى الدين عبدالحميد، مطبعة السعادة، مصر، ١٣٧٤ق.
١٧. ابن كثير، عماد الدين، أسماعیل بن عمر، الباعث الحثيث شرح اختصار علوم الحديث، دارالفكر، بيروت، ١٤٢٠ق.
١٨. ابن ماجه، سنن، دار احياء التراث العربى، بيروت، [بى تا].

۱۹. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، فهرست ابن ندیم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ش.
۲۰. ابوری، محمود، اضواء علی السنة المحمدیه، مؤسسة الاعلمی، بیروت، [بی تا].
۲۱. ابوزهر، محمد، ابن حنبل حیاتہ وعصرہ، آرائہ و فقیہہ، دارالفکر العربی، قاہرہ، ۱۳۶۷ش.
۲۲. —، الحدیث والمحدثون، دارالفکر العربی، مصر، [بی تا].
۲۳. —، مالک حیاتہ وعصرہ، آرائہ و فقیہہ، دارالفکر العربی، قاہرہ، [بی تا].
۲۴. —، مباحث فی تدوین السنة المطہرہ، ابوالیقظان، عطیہ الجبوری، المطبعة العربیة الحدیثہ، قاہرہ، [بی تا].
۲۵. احسان بخش، شیخ صادق، آثار الصادقین، جاوید، رشت، ۱۳۷۱ش.
۲۶. احمد بن حنبل، مسند، دارالفکر، ط ۲، ۱۴۱۴ق.
۲۷. احمدی میانجی، حسین علی، مکاتیب الرسول، دار صعب، بیروت، [بی تا].
۲۸. ارنادوط، محمود، حیاة البخاری، دارالنفیس، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۲۹. ازرقی، ابی الولید محمد بن عبداللہ، اخبار مکة وما جاء فیہا من الآثار، تحقیق: رشدی الصالح ملحس دار، الاندلس، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۳۰. استادی، رضا، آشنایی با تفاسیر قرآن و مفسران، در راه حق، قم، ۱۳۷۷ش.
۳۱. استرآبادی، محمد امین، الفوائد المدینہ، دارالنشر، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۳۲. امیر علی، مختصر تاریخ العرب، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۹۶۷ق.
۳۳. امین، احمد، فجر الاسلام، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۹۶۴م.
۳۴. امین حسن، دائرة المعارف الاسلامیہ الشیعیه، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۸ق.
۳۵. امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعہ، مطبعہ ابن زیدون، دمشق، ۱۳۷۰ق.
۳۶. امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب والسنة والادب، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیہ، قم، ۱۴۱۶ق.
۳۷. البانی، محمد ناصر الدین، معجم اسمی الرواة، دار ابن خرم، بیروت، ۱۴۲۱ق.
۳۸. بحرانی، شیخ یوسف، الحدائق الناضرة، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۳۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۱ق.
۴۰. برازش، علی رضا، المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار، مؤسسة الطباعة والنشر وزارة الثقافة والارشاد الاسلامی، تهران، ۱۳۷۲ش.
۴۱. برقی، احمد بن محمد، محاسن برقی، تحقیق المحدث الارموی، دارالکتب الاسلامیہ، قم، [بی تا].
۴۲. بیهودی، محمد باقر، گزیده کافی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۳ش.
۴۳. —، معرفة الحدیث، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۲ش.
۴۴. بیهقی، احمد بن الحسین، السنن الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیہ، بیروت، ۱۴۱۴ق.

۴۵. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، مؤسسة تحقیقاتی امام صادق علیه السلام، قم، ۱۳۷۴ش.
۴۶. تبریزی، محمدعلی، ریحانة الادب فی تراجم المعروفین، تهران، ۱۳۶۷ش.
۴۷. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، دار احیاء السنة النبویة، بیروت، [بی تا].
۴۸. ترمس عاملی، امین، ثلاثیات الکلینی و قرب الاسناد، قدم له، سید احمد مددی، دارالحدیث الثقافیة، قم، ۱۴۱۷ق.
۴۹. تستری، محمدتقی، الاخبار الدخلیة، تعلیق: علی اکبر غفاری، مکتبة الصدوق، تهران، ۱۴۰۱ق.
۵۰. —، مستدرکات الاخبار الدخلیة، تعلیق: علی اکبر غفاری، مکتبة الصدوق، تهران، [بی تا].
۵۱. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹ش.
۵۲. —، مقالات تاریخی دفتر چهارم، انتشارات دلیل، [بی جا]، ۱۳۷۹ش.
۵۳. جمال الدین، حسن بن زین الدین، منتقی الجمان فی الاحادیث الصحاح والحسان، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۳۶۲ش.
۵۴. حاکم نیشابوری، عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالمعرفة، بیروت، [بی تا].
۵۵. حرانی، حسن بن علی شعبه، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۴۰۰ق.
۵۶. حر عاملی، محمد بن حسن، امل الامل، تحقیق سید احمد حسینی، مطبعة الآداب، نجف، ۱۳۸۵ش.
۵۷. —، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، مکتبة الاسلامیة، تهران، ۱۳۹۱ش.
۵۸. حسام الدین هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۵۹. حسینی، هاشم معروف، دراسات فی الحدیث و المحدثین، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، [بی تا].
۶۰. —، سیرة الائمة الاثنی عشریة، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۶۱. حسینی الخطیب، السید عبدالزهراء، مصادر نهج البلاغة و اسانیده، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۵م.
۶۲. حسینی جلالی، سید محمدرضا، تدوین السنة الشریفة، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۱۳ق.
۶۳. —، دراسة حول الاصول الاربعة، اعلمی، تهران، ۱۳۵۳ش.
۶۴. حسینی، سید احمد، رسائل الشریف المرتضی، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۴۰۵ق.
۶۵. حسینی، هاشم معروف، الموضوعات فی الآثار و الاخبار، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۶۶. حکیمی، محمدرضا، الحیة دائرة الطبایع والنشر، قم، ۱۴۰۱ق.
۶۷. حلّی، ابن طاووس، فلاح السائل، دفتر تبلیغات حوزه، قم، [بی تا].
۶۸. —، مهج الدعوات، مؤسسة الاعلمی، بیروت، [بی تا].

۶۹. حلی، خلاصۃ الاقوال، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، المطبعة الحیدریة، النجف، ۱۳۸۱ش.
۷۰. حوت، عوالی مسلم اربعون حدیثه کمال یوسف، مؤسسة الکتب الثقافیة، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۷۱. خراسانی، آخوند محمد کاظم، کفایة الاصول، با حاشیة محقق مشکینی، منشورات الحکمة، قم، ۱۴۱۵ق.
۷۲. خطیب بغدادی، احمد بن علی، الکفایة فی علوم الروایة، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۶.
۷۳. —، تاریخ بغداد، دارالکتب العلمیة، [بی تا].
۷۴. —، تقیید العلم، حققه وعلقه یوسف العش، دار احیاء السنة النبویة، بیروت، ط ۲، ۱۹۷۴م.
۷۵. خطیب، محمد عجاج، السنة قبل التدوین، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۵ق.
۷۶. خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۷۷. دارقطنی، علی بن عمر بن احمد، سنن الدارقطنی، عالم الکتب، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۷۸. داوودی، محمد بن علی بن احمد، طبقات المفسرین، دارالکتب العلمیة، بیروت، [بی تا].
۷۹. دشتی، محمد، شناخت نهج البلاغه، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۷۰ش.
۸۰. دمشقی، اسماعیل بن کثیر، البداية والنهاية، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۸۱. دمشقی، محمد بن احمد، طبقات علماء الحدیث، تحقیق ابراهیم الزنبق، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۱۷ق.
۸۲. دهقان، بمان علی، در آمدی بر تاریخ تدوین حدیث، هستی نما، تهران، ۱۳۸۳ش.
۸۳. دیاری، محمد تقی، پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر قرآن، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، تهران، ۱۳۷۹ش.
۸۴. ذهبی، شمس الدین، تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والاعلام، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۸۵. —، تذکرة الحفاظ، دارالکتب العلمیة، بیروت، [بی تا].
۸۶. —، سیر اعلام النبلاء، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۸۷. —، طبقات الحفاظ، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۸۸. رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ش.
۸۹. ری شهری، محمد، میزان الحکمة، دارالحدیث، قم، ۱۴۱۶ق.
۹۰. زرکلی، خیرالدین، الاعلام (قاموس تراجم الاشهر الرجال من العرب والمستغریین والمستشرقین)، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۶م.
۹۱. زیدی، قاسم بن محمد، الاعتصام بحبل الله المتین، مطابع الجمعية الملكية، عمان، ۱۴۰۳ق.
۹۲. زینلی، غلامحسین، نامه‌ای که نانوشتہ ماند، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱ش.

۹۳. سبحانی، جعفر، اصول الحديث واحكامه في علم الدرايه، مركز مديريت حوزه علميه قم، ۱۴۱۲ق.
۹۴. —، تاريخ الفقه الاسلاميه وادواره، دارالمعرفه، بيروت، ۱۴۱۹ق.
۹۵. —، كليات في علم الرجال، مركز مديريت حوزه، قم، ۱۳۶۹ش.
۹۶. سمعاني، محمد بن منصور، ادب الاملاء والاستملاء، دارالكتاب العلميه، بيروت، ۱۴۰۱ق.
۹۷. سيوطي، جلال الدين، الاشباه والنظاير، تحقيق عبدالعال سالم مكرم، مؤسسة الرساله، بيروت، ۱۴۰۶ق.
۹۸. —، اللالي المصنوعة في الاحاديث الموضوعه، دارالمعرفه، بيروت، [بي تا].
۹۹. —، تاريخ الخلفاء، تحقيق الرفاعي، دارالعلم، بيروت، ۱۴۰۶ق.
۱۰۰. —، تدريب الراوي في شرح تقريب النواوي، حققه وراجع اصوله عبد الوهاب عبداللطيف، مكتبه دارالتراث، قاهره، ط ۲، ۱۳۹۲ق.
۱۰۱. —، جامع الاحاديث، (الجامع الصغير وزوائده)، تحقيق عباس احمد صقر، دارالفكر، بيروت، ۱۴۱۴ق.
۱۰۲. —، جمع الجوامع، تحقيق عبدالفتاح شبل، دارالكتب العلميه، بيروت، ۱۴۲۱ق.
۱۰۳. شرف الدين عبدالحسين، المراجعات مؤسسة النجاح، مصر، ۱۳۹۹ق.
۱۰۴. شرف الدين، عبدالعظيم بنغاري، تاريخ التشريع الاسلامي، جامعة قاريونس، ۱۹۹۳م.
۱۰۵. شريف قريشي، باقر، حياة الامام الباقر عليه السلام، دارالاضواء، بيروت، ۱۴۰۹ق.
۱۰۶. —، حياة الامام زين العابدين عليه السلام، دارالكتب العلميه، قم، ۱۳۹۷ش.
۱۰۷. شمس الدين، محمدرضا، حديث الجامعه النجفيه، مطبعة العلميه، نجف، ۱۹۵۳م.
۱۰۸. شهرستاني، علي، منع تدوين الحديث، اسباب ونتائج، ياران، قم، ۱۴۱۸ق.
۱۰۹. شهرستاني، محمد بن عبدالكريم، الملل والنحل، دارلمعرفة، [بي تا].
۱۱۰. شهيد اول، مكي عاملي، ذكرى الشيعة في احكام الشريعة، تحقيق: مؤسسة آل البيت، قم، ۱۴۱۹ق.
۱۱۱. شهيد ثاني، زين الدين، الرعاية في علم الدرايه، مكتبة آية الله نجفي مرعشي، قم، ۱۴۰۸ق.
۱۱۲. شهيدى، سيدجعفر، تاريخ تحليلي اسلام تا بيان امويان، مركز نشر دانشگاهي، تهران، ۱۳۶۳ش.
۱۱۳. صبحي صالح، علوم الحديث و مصطلحه، مكتبة الحيدرية، قم، ۱۴۱۷ق.
۱۱۴. صحيفه سجاديه، ترجمه: جواد فاضل، سپهر، تهران، ۱۳۵۳ش.
۱۱۵. صدر، سيد حسن، تأسيس الشيعة لعلوم الاسلام، اعلمي، [بي تا].
۱۱۶. صدوق، محمد بن علي بن الحسين، عيون اخبار الرضا، محمد بن علي، انتشارات علميه اسلاميه، [بي تا].
۱۱۷. —، امالي صدوق، كتابخانه اسلاميه، تهران، ۱۳۶۲ش.

١١٨. —، الخصال، تصحيح علي أكبر غفاري، مكتبة الصدوق، تهران، ١٣٨٩ش.
١١٩. —، معاني الاخبار، انتشارات اسلامي، قم، ١٣٦١ش.
١٢٠. —، علل الشرايع، مكتبة الداوري، قم، [بي تا].
١٢١. —، كتاب من لا يحضره الفقيه، دار اضواء، بيروت، ١٤٠٥ق.
١٢٢. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، منشورات مكتبة المرعشي، قم، ١٤٠٤ق.
١٢٣. طباطبائي، سيد حسين، جامع احاديث الشيعة، المهر، قم، ١٤١٣ق.
١٢٤. طباطبائي، كاظم، مسند نويسي در تاريخ حديث، دفتر تبليغات، قم، ١٣٧٧ش.
١٢٥. طباطبائي، علامه سيد محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، مؤسسة الاعلمي، بيروت، ١٣٩٣ق.
١٢٦. طبراني، سليمان بن احمد، المعجم الاوسط، تحقيق دكتور محمد الطحان، مكتبة المعارف، رياض، ١٤٠٥ق.
١٢٧. —، المعجم الصغير، تصحيح عبدالرحمن محمد عثمان، دارالفكر، بيروت، ١٤٠١ق.
١٢٨. —، المعجم الكبير، تحقيق عبدالمجيد سلفي، دار احياء التراث العربي، [بي تا].
١٢٩. طبرسي، فضل بن حسن، اعلام الوري باعلام الهدى، مؤسسة ال البيت، قم، ١٤١٧ق.
١٣٠. —، مجمع البيان في تفسير القرآن، دارالمعرفة، بيروت، ١٤٠٨ق.
١٣١. طحاوي، شرح معاني الآثار، دارالكتب العلمية، بيروت، ١٤٠٧ق.
١٣٢. طواليه، محمد عبدالرحمن، الامام مسلم و منهجه في صحيحه، دار عمار، عمان، ١٤١٨ق.
١٣٣. طوسي، محمد بن حسن، فهرست شيخ طوسي، منشورات الرضي، قم، [بي تا].
١٣٤. —، الاستبصار فيما اختلف من الاخبار، دارالكتب الاسلاميه، تهران، ١٣٦٣ش.
١٣٥. —، التبيان في تفسير القرآن، دار احياء التراث العربي، بيروت، [بي تا].
١٣٦. —، الخلافة مؤسسة النشر الاسلامي، قم، ١٤٠٧ق.
١٣٧. —، الغيبة، تحقيق علي احمد ناصح، مؤسسة المعارف، قم، ١٤١٧ق.
١٣٨. —، تهذيب الاحكام في شرح المقنعة، نشر صدوق، ١٤١٧ق.
١٣٩. —، رجال الطوسي، مشهد، ١٣٤٨ش.
١٤٠. عابدي، احمد، آشنایی با بحارالانوار، ارشاد، تهران، ١٣٧٨ش.
١٤١. عاملي، محمد بهاء الدين، الوجيزة في علم الدرايه، المكتبة الاسلامية الكبرى، قم، ١٣٩٦ق.
١٤٢. عبدالغفار سليمان، البنداري، موسوعة رجال الكتب التسعة، دارالكتب العلمية، بيروت، ١٤١٣ق.
١٤٣. عتر، نورالدين، منهج النقد في علوم الحديث، دارالفكر، بيروت، ١٤١٨ق.

۱۴۴. عسقلانی، ابن حجر، تهذیب التهذیب دار صادر، بیروت، [بی تا].
۱۴۵. —، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۱۴۶. عسقلانی، احمد بن علی، المطالب العالیة بزوائد المسانید الشمانیه، تحقیق اعظمی، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۱۴۷. —، هدی الساری، دارالمعرفه، بیروت، [بی تا].
۱۴۸. عسگری، سید مرتضی، معالم المدرستین، المجمع العلمی الاسلامی، شفق، قم، ۱۴۱۶ق.
۱۴۹. غراوی، محمد، مصادر الاستنباط بین الاصولیین والخباریین، دفتر تبلیغات، قم، ۱۴۱۳ق.
۱۵۰. غزالی، احیاء علوم الدین، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۲ق.
۱۵۱. غفاری، علی اکبر، تلخیص مقباس الهدایه، جامعه الامام الصادق، تهران، ۱۳۶۹ش.
۱۵۲. فضل الله، محمدجواد، تحلیلی از زندگی امام رضه بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، ۱۳۶۹ش.
۱۵۳. فضلی، عبدالهادی، دروس فی الفقه الامامیه، بیروت، ام القری، ۱۴۱۵ق.
۱۵۴. فواز احمد زمزلی، سنن دارمی، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۱۵۵. فیض کاشانی، ملا محسن، الوافی، مکتبه الامام امیرالمؤمنین، اصفهان، ۱۴۱۱ق.
۱۵۶. —، نوادر الاخبار فیما يتعلق باصول الدین، تحقیق مهدی انصاری، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱ش.
۱۵۷. قائینی، علی، علم الاصول تاریخاً و تطوراً، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۵ق.
۱۵۸. قاسمی، محمد جمال الدین، قواعد التحديث من فنون مصطلح الحدیث، دار احیاء السنه النبویه، بیروت، [بی تا].
۱۵۹. قرطبی، ابن عبدالبر، جامع بیان العلم وفضله، طبع المنیری، مصر، [بی تا].
۱۶۰. قزوینی، سید محمدکاظم، الامام الجواد من المهد الی اللحد، مؤسسة الرساله، قم، ۱۴۱۴ق.
۱۶۱. قسطلانی، شهاب الدین، ارشاد الساری فی شرح صحیح البخاری، مصر، ۱۳۲۶ق.
۱۶۲. قمی، ابن بابویه، الامامة والتبصرة من الحیره، تحقیق السید محمدرضا حسینی، مؤسسة آل البيت، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۱۶۳. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، مؤسسه انتشاراتی فراهانی، ایران، [بی تا].
۱۶۴. کاتب چلبی، مصطفی، کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۱۶۵. کشتی، ابو عمر محمد، اختیار معرفة الرجال، مشهد، مصطفوی، [بی تا].
۱۶۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸ش.
۱۶۷. کنی، علی، توضیح المقال فی علم الرجال، تهران، ۱۳۰۲ش.
۱۶۸. گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، سمت، تهران، ۱۳۷۹ش.
۱۶۹. مالک، الموطأ، تصحیح و تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، داراحیاء العربی، بیروت، ۱۴۰۶.

۱۷۰. مامقانی، عبدالله، مقیاس الهدایة فی علم الدراییه، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۱ق.
۱۷۱. مامقانی، محمدرضا، مستدرکات مقیاس الهدایة فی علم الدراییه، مطبعة مهر، قم، ۱۴۱۳ق.
۱۷۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار، مؤسسة الرفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۷۳. مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، بنیاد فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۴۰۶ق.
۱۷۴. مدرسه الامام المهدي، مسند الامام الرضا (صحيفة الرضا)، قم، [بی تا].
۱۷۵. مدیر شانه چی، کاظم، تاریخ حدیثه سمت، تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۷۶. —، درایة الحدیثه دفتر انتشارات اسلامی قم، ۱۳۸۰ش.
۱۷۷. —، علم الحدیث، دفتر انتشارات اسلامی، قم، [بی تا].
۱۷۸. مرصفی، سعد، الجامع المفهرس لالفاظ صحیح مسلم، مطبوعات الجامعه، الكويت، ۱۴۰۸ق.
۱۷۹. مرکز الابحاث والدراسات الاسلامیة، المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحارالانوار، قم، ۱۴۱۳ق.
۱۸۰. مسعودی، ابوالحسن، مروج الذهب ومعادن الجوهر، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۱۸۱. مسلم، صحیح مسلم بشرح النووی، دارالفکر، بیروت، [بی تا].
۱۸۲. مشکور، محمدجواد، تاریخ شیعه و فرقه های اسلام تا قرن چهارم، اشرفی، تهران، ۱۳۶۲ش.
۱۸۳. مشهدی، میرزا محمد، کنز الدقائق و بحر الغرائب مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۷ق.
۱۸۴. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، دارالنعمان، نجف، ۱۳۸۶ش.
۱۸۵. معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث، کویر، تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۸۶. —، جوامع حدیثی اهل سنت، تهران، سمت، ۱۳۸۳ش.
۱۸۷. معرفت، محمدهادی، التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۴۱۹ق.
۱۸۸. معلمی، عبدالرحمن، الانوار الکاشفة لما فی الاضواء من المجازفة، عالم الکتب، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۸۹. معهد تحقیقات باقرالعلوم، موسوعة کلمات الامام الحسين عليه السلام، دارالمعروف، قم، ۱۳۷۳ش.
۱۹۰. مفید، محمد بن نعمان، تصحیح الاعتقاد بصواب الاعتقاد او شرح عقائد الصدوق، تعلیق سید هبة الله شهرستانی منشورات الرضی، قم، ۱۳۶۳ش.
۱۹۱. —، اختصاص، تصحیح علی اکبر غفاری، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، [بی تا].
۱۹۲. —، الارشاد الی حجج الله علی العباد، کتابفروشی بصیرتی، بی تا.

۱۹۳. مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۹۴. موسوی، کتاب سلیم بن قیس، علاء الدین، مؤسسه البعثه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۱۹۵. مهریزی، مهدی، آشنایی با متون حدیث و نهج البلاغه، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۷۸ش.
۱۹۶. —، دروس فی نصوص الحدیث و نهج البلاغه، تعریب: انور الرصافی، منشورات المرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، قم، ۱۳۸۰ش.
۱۹۷. میراحمدی، مریم، دین و مذهب در عصر صفوی، امیرکبیر، ۱۳۶۳ش.
۱۹۸. میرخانی، سید احمد، سیر حدیث در اسلام، تهران، ۱۳۶۱ش.
۱۹۹. مؤدب، سیدرضا، درسنامه درایة الحدیث، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۳ش.
۲۰۰. —، روشهای تفسیر قرآن، دانشگاه قم، قم، ۱۳۸۰ش.
۲۰۱. —، علم الدراية تطبیقی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۲ش.
۲۰۲. نجاشی، رجال النجاشی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۷ق.
۲۰۳. نجمی، محمدصادق، سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱ش.
۲۰۴. نصیری، علی، آشنایی با علوم حدیث، مرکز حدیث حوزه، قم، ۱۳۸۲ش.
۲۰۵. نمازی شاهرودی، علی، مستدرک سفینه البحار، مؤسسه البعثه، قم، ۱۳۶۳ش.
۲۰۶. نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۲۰۷. ونسنگ، المعجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی، دارالدعوة، استانبول، ۱۹۸۸ق.
۲۰۸. هیتمی، ابن حجر، الصواعق المحرقة فی ردّ علی اهل البدع و الزندقه، مکتبه القاہره، قاہره، ۱۳۸۵ق.
۲۰۹. هیشمی، نورالدین، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، تحقیق، الدرویش، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.

فهرست انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی

شماره	نام کتاب	پدید آورنده / مترجم	زبان	نوبت و سال
۱	آزادی اراده انسان در کلام اسلامی	ظاهره روحانی، حلیمه حسینی	فارسی	اول، ۱۳۸۱
۲	آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران	حسین علوی مهر	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۳	آفتاب فقاقت (زندگی مقام معظم رهبری)	محمد یعقوب بشوی	اردو	اول، ۱۳۸۲
۴	آموزش احکام	محمد حسین فلاح زاده	فارسی	دوم، ۱۳۷۹
۵	آموزش صرف	سید قاسم حسینی، غلامعلی صفائی و محمود ملکی	فارسی	دوم، ۱۳۷۹
۶	آموزش فارسی به فارسی (کتاب دوم و سوم)	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	دوم، ۱۳۸۱
۷	آموزش فارسی به فارسی (کتاب ششم)	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۸	آموزش نماز	محمد زین العابدین ایوبی	بنگالا	اول، ۱۳۸۲
۹	آموزش‌های بنیادین علم اخلاق ج ۱، ۲	محمد فتحعلی خانی	فارسی	اول، ۱۳۷۹
۱۰	آیات الاحکام تطبیقی	محمد فاکر میدی	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۱۱	الأحوال الشخصية (الطلاق)	الدكتور السيد كاظم المصطفي	عربی	اول، ۱۳۸۴
۱۲	الأخلاق السياسية	السيد شهاب الدين الحسيني	عربی	اول، ۱۳۸۳
۱۳	اخلاق تبليغ در سيره رسول الله ﷺ	سید مرتضی حسینی	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۱۴	الأخلاق والحضارة	علي حسن الياسري	عربی	اول، ۱۳۸۳
۱۵	اعتقاد ما	آیه الله مکارم شیرازی، مترجم: افضل الدین رحیم‌او	آذری	اول، ۱۳۸۳
۱۶	اعتقاد ما	آیه الله مکارم شیرازی، مترجم: سید قمر غازی	هندی	اول، ۱۳۸۳
۱۷	اعتقاد ما	آیه الله مکارم شیرازی، مترجم: محمد نظام‌الدین	تایلندی	اول، ۱۳۸۴
۱۸	الامام علی و تنمية ثقافة أهل الكوفة	محمد العبادي	عربی	اول، ۱۳۸۱
۱۹	انسان و سرنوشت	شهید مطهری، مترجم: محمد اشرف شجاع	انگلیسی	اول، ۱۳۸۳
۲۰	بازگشت به عصر دین	احمد رضا میرحاجتی، مترجم: قدری چلیک	استانبولی	اول، ۱۳۸۲
۲۱	بر درگاه دوست	آیه الله مصباح یزدی، مترجم: محمد اریش والدمن	آلمانی	اول، ۱۳۸۳
۲۲	پله پله تا آسمان علم	محمد عابدی	فارسی	اول، ۱۳۸۱
۲۳	تاریخ حدیث	دکتر سید رضا مؤدب	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۲۴	تاریخ فدک	وزیر عباس حیدری مظفرنگری	اردو	اول، ۱۳۸۳
۲۵	التبلیغ مناهجه واسالیبه	جعفر البخاری	عربی	اول، ۱۳۸۲
۲۶	تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران	محمد مهدی باباپور	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۲۷	تفسیر تطبیقی	دکتر فتح‌الله نجار زادگان	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۲۸	تفسیر تطبیقی آیه تطهیر	ایلقار اسماعیل زاده	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۲۹	تفسیر مقدماتی قرآن کریم	محمد علی رضایی اصفهانی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۳۰	تمرین کتاب ششم	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۳۱	جای پای آفتاب	سید علی نقی میرحسینی	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۳۲	جلوه نور	آیه‌الله علی سعادت‌پرور، مترجم: محمد امین	استانبولی	اول، ۱۳۸۳

٣٣	حوار الحقيقة	تحسين البدرى	عربى	اول، ١٣٨٢
٣٤	خدمات متقابل اسلام و ايران	شهيد مطهرى، مترجم: ميناپوركار و ادرىس تيجانى	انگلىسى	اول، ١٣٨٣
٣٥	الغلوذ في جهنم	محمد عبد الخالق كاظم	عربى	اول، ١٣٨٣
٣٦	درآمدى به تاريخ علم اصول	مهدى على پور	فارسى	اول، ١٣٨٢
٣٧	درآمدى به شيعمشناسى	على ربانى گلپايگانى	فارسى	اول، ١٣٨٢
٣٨	دراسات موجزة في الخيارات والشروط	آية الله جعفر السبحانى	عربى	اول، ١٣٨١
٣٩	در جستجوی فرقه ناجیه	ناظم زينال او	روسى	اول، ١٣٨٣
٤٠	درسنامه تاريخ عصر غيبت	پور سيد آقاى، جبارى، عاشورى و حكيم	فارسى	هشتم، ١٣٨٤
٤١	درسنامه دريابه الحديث	دكتور سيدرضا مؤذب	فارسى	اول، ١٣٨٣
٤٢	درسنامه روشها و گرايشهاى تفسيرى قرآن	محمد على رضاى اصفهانى	فارسى	اول، ١٣٨٢
٤٣	درسنامه عقائد	على شيروانى	فارسى	سوم، ١٣٨٣
٤٤	درسنامه وضع حديث	دكتور ناصر ريفى محمدى	فارسى	اول، ١٣٨٤
٤٥	دروس تمهيدية في اصول العقائد	صادق الساعدي	عربى	دوم، ١٣٨٣
٤٦	دروس تمهيدية في الفقه الاستدلالي ج ١-٤	الشيخ باقر الايروانى	عربى	سوم، ١٣٨٣
٤٧	دروس في البلاغة	الشيخ معين دقيق العاملى	عربى	دوم، ١٣٨٣
٤٨	دروس في تاريخ الاديان	حسين توفيقى تعريب: انور الرضاى	عربى	دوم، ١٣٨٣
٤٩	دروس في تاريخ الفقه وادواره	آية الله جعفر السبحانى	عربى	اول، ١٣٨٣
٥٠	دروس في الشيعة والنشيع	على الربانى الكلپايگانى تعريب: انور الرضاى	عربى	اول، ١٣٨٣
٥١	دروس في الفقه الاستدلالي ج ١، ٢	الشيخ باقر الايروانى	عربى	اول، ١٣٨٢
٥٢	دروس في الفقه المعاملات (البيع)	الدكتور السيد كاظم المصطفي	عربى	اول، ١٣٨٢
٥٣	دروس في علم البراية	دكتور سيد رضا مؤذب، مترجم: انور الرضاى	عربى	اول، ١٣٨٤
٥٤	دروس في مبادئ الفقه ومعرفة ابوابه	حسن الرضاى	عربى	اول، ١٣٨٤
٥٥	دروس في المناهج والاتجاهات التفسيرية للقرآن	محمد على الرضاى تعريب: قاسم البيضاى	عربى	اول، ١٣٨٣
٥٦	دروس في نصوص الحديث ونهج البلاغة	مهدى المهريزي تعريب: انور الرضاى	عربى	دوم، ١٣٨٣
٥٧	دروس موجزة في علمى الرجال والبراية	آية الله جعفر السبحانى	عربى	دوم، ١٣٨٢
٥٨	الدعاء عند اهل البيت	محمد مهدي العاصفى	عربى	دوم، ١٣٨٣
٥٩	الدولة الاسلامية من التوحيد الى المعنوية	نزار عيدانى	عربى	اول، ١٣٨١
٦٠	دوروىي تمدن اسلامى و مدرنيته	سيد محمد عارف حسيني	فارسى	اول، ١٣٨١
٦١	رهياىنى بر علم سياست و جنبشهاى اسلامى معاصر	عبدالوهاب فرانى	فارسى	اول، ١٣٧٨
٦٢	زنان دين گستر در تاريخ اسلام	طاهره روحانى	فارسى	اول، ١٣٨٢
٦٣	سفرشات پيامبر ﷺ به زنان	اكرم خان زياد الله	تاجيكي	اول، ١٣٨٤
٦٤	سيمای جهاد و مجاهدان	على شيروانى	فارسى	اول، ١٣٨١
٦٥	شخصيت و حقوق زن در اسلام	مجموعه مقالات ششمين جشنواره شيخ طوسى	فارسى	اول، ١٣٨٢
٦٦	ضيافت الالهى	محمد م. خلفان	انگلىسى	اول، ١٣٨٣
٦٧	العدالة الاجتماعية في الإسلام	سيد فاضل موسوي جابري	عربى	اول، ١٣٨٢
٦٨	عدل الالهى	شهيد مطهرى، مترجم: شجاع على ميرزا و ...	انگلىسى	اول، ١٣٨٣
٦٩	علم الدراية تطبيقي	دكتور سيدرضا مؤذب	فارسى	اول، ١٣٨٢

۷۰	علم التوراة المقارن	دکتر سید رضا مزدب، مترجم: قاسم البیضانی	عربی	اول، ۱۳۸۴
۷۱	علم الکلام المعاصر	حیدر حبیب الله	عربی	اول، ۱۳۸۱
۷۲	علم و عقل از دیدگاه مکتب تفکیک	سید عباس مرتضوی	فارسی	اول، ۱۳۸۱
۷۳	فرق و مذاهب کلامی	علی ربانی گنپایگانی	فارسی	سوم، ۱۳۸۳
۷۴	فلسفه اخلاق	محمد فتحمنی خانی	فارسی	اول، ۱۳۷۷
۷۵	فی الأخلاق النظرية	السید عبدالهادی الشریفی	عربی	اول، ۱۳۸۳
۷۶	قصص القرآنی	آیه الله السید محمد باقر الحکیم	عربی	دوم، ۱۳۸۳
۷۷	التواعد الفقهية ۲ (قاعدة لاضرر، حجة البينة و...)	الدكتور السید کاظم المصطفوی	عربی	اول، ۱۳۸۴
۷۸	کلام تطبیقی	علی ربانی گنپایگانی	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۷۹	ماہران چہارہ معصوم <small>علیہ السلام</small>	حیدر مقفوی (ورسی)	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۸۰	مبانی و روشهای تفسیری	دکتر محمد کاظم شا کر	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۸۱	مجموعه مقالات سمینار افغانستان ج ۱، ۲	جمعی از پژوهشگران	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۸۲	مصحف امام علی <small>علیہ السلام</small>	سید عبدالرحیم الموسوی، مترجم: عبدالله أحمد زانگو	انگلیسی	اول، ۱۳۸۳
۸۳	المعاد الجسماني	شا کر عضبة الساعدي	عربی	اول، ۱۳۸۳
۸۴	معجم الافعال المتداولة	السید محمد الحیدری	عربی	اول، ۱۳۸۱
۸۵	معرفت‌شناسی	حسن معلمی	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۸۶	معرفة ابواب الفقه (تلخیص تحریر الوسيلة)	محسن الفقیهی	عربی	سوم، ۱۳۸۳
۸۷	منجی (امام مهدی (عج) از دیدگاه قرآن و حدیث)	ابلقار اسماعیل زاده	آذری	اول، ۱۳۸۳
۸۸	موجز الادب العربي	محمد عنی آذرشب	عربی	اول، ۱۳۷۷
۸۹	نحو القرآن	حسن الرضانی	عربی	اول، ۱۳۸۳
۹۰	نظام حقوقی اسلام	جنیل قنواتی	فارسی	اول، ۱۳۷۷
۹۱	نگرهای عمده در پیوند دین و فلسفه	سید محمد مهدی افضلی	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۹۲	واژه‌شناسی قرآن مجید	غلامعلی همایی	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۹۳	وعایة الحکمة	حسین عشاقی الاصفهانی	عربی	اول، ۱۳۸۲
۹۴	ولایت در پرتو آیات	علی جان محمدی (قره‌باغی)	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۹۵	الهدایة فی النحو	تصحیح و تعلیق: حسین شیرافکن	عربی	پنجم، ۱۳۸۳